

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

نویسنده: محمد محمدی اشتهاردی

ناشر: مسجد مقدس جمکران - ۱۳۹۱

فهرست مطالب

به عنوان مقدمه ص ۷

پیشگفتار ص ۹

امام قائم امید انسانها

فصل اول: پدر، مادر و ولادت امام زمان ص ۱۴

سخنی درباره نیمه شعبان ص ۱۷

نام و کنیه امام زمان ص ۲۰

جعفر کذاب عموی امام زمان ص ۲۰

مسافران قمی و جعفر کذاب ص ۲۳

دستور دستگیری امام زمان ص ۲۴

مشخصات امام زمان ص ۲۵

شوکت و قدرت فوق العاده امام زمان ص ۳۰

شمائل حضرت مهدی ص ۳۱

فصل دوم: غیبت صغری و غیبت کبری ص ۳۳

چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه ص ۳۴

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه ص ۳۵

توضیح چند اشکال ص ۳۸

پاسخ این ایرادات بطور فشرده ص ۳۹

سؤال: آیا قیام قبل از ظهور مهدی روا است؟ ص ۴۲

پاسخ سؤال فوق ص ۴۳

فصل سوّم: پاسخ به بیست وهفت سؤال ص ۴۳

۱ - آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است؟ ص ۴۳

۲ - فایده غیبت طولانی چیست؟ ص ۴۴

۳ - لقب قائم ومهدی چرا؟ ص ۴۷

۴ - اقامتگاه حضرت مهدی کجاست؟ ص ۴۹

۵ - قرآن ومسأله حکومت جهانی ص ۵۵

۶ - یاران مهدی بیشتر کجا هستند؟ ص ۵۸

۷ - زندگی شخصی امام عصر چگونه است؟ ص ۶۰

۸ - طول عمر امام قائم را چگونه حل می کنید؟ ص ۶۳

۹ - آرامش با جنگ نمی سازد؟ ص ۶۵

۱۰ - نشانه های ظهور امام مهدی چیست؟ ص ۶۷

۱۱ - خروج سید حسنی ویمانی ص ۷۷

۱۲ - سفیانی ودجال کیستند؟ ص ۷۹

۱۳ - نشانه های خود حضرت چیست؟ ص ۸۲

۱۴ - آیا این پیش بینی قابل اجراء است؟ ص ۸۴

۱۵ - آیا امام مهدی برقرار کننده اسلام است؟ ص ۸۶

۱۶ - ادعای مهدویت وآمدن آن حضرت چیست؟ ص ۸۹

۱۷ - امام مهدی در برابر قدرتهای تخریبی ص ۹۰

۱۸ - رجعت چیست؟ ص ۹۲

- ۱۹ - شخص پنج ساله چگونه امام می شود؟ ص ۹۴
- ۲۰ - چرا این همه سخن از مهدی می پرسند؟ ص ۹۵
- ۲۱ - تکذیب ملاقات با امام زمان، چرا؟ ص ۹۷
- ۲۲ - قسط وعدل چیست؟ ص ۹۸
- ۲۳ - آیا قیام امام مهدی مسلحانه است؟ ص ۱۰۱
- ۲۴ - منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت چیست؟ ص ۱۰۲
- ۲۵ - حکومت قائم و پیشرفت علم؟ ص ۱۰۴
- ۲۶ - حکومت مهدی و تشریفات؟ ص ۱۰۶
- ۲۷ - آیا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم جایز است؟ ص ۱۰۸
- نظر علامه بزرگوار شیخ حر عاملی ص ۱۲۲
- ایرادی بر کلام علامه مجلسی ص ۱۲۳
- نتیجه بحثها ص ۱۲۴
- فصل چهارم: انتظار یا زمینه سازی** ص ۱۲۸
- پاسخ به یک سؤال ص ۱۳۱
- عوامل مهم زمینه سازی ص ۱۳۲
- ۱ - جاذبه قرآن و حقانیت اسلام ص ۱۳۲
- ۲ - علم و اندیشه و به کار انداختن آن ص ۱۳۴
- ۳ - استقامت و پایداری و شجاعت ص ۱۳۵
- ۴ - زهد و رعایت اخلاق و حقوق ص ۱۳۶
- ۵ - ایمان و توکل به خدا ص ۱۳۷
- ۶ - تعاون و همکاری ص ۱۳۹

- ۷ - برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر ص ۱۳۹
- ۸ - توجه به طبقه مستضعف ص ۱۴۱
- ۹ - اتحاد و انسجام مسلمانان ص ۱۴۱
- ۱۰ - رهبر شایسته ص ۱۴۲
- ۱۱ - لزوم برنامه ریزی ص ۱۴۵
- عناصر اصلی برنامه ریزی قیام و ظهور ص ۱۴۶
- ۱ - هدفداری ص ۱۴۶
- ۲ - توجه به جهانی بودن ظهور ص ۱۴۷
- ۳ - جهش و انقلاب ص ۱۴۸
- ۴ - پیشرفت عمیق و استوار ص ۱۵۰
- ۵ - اخلاص ص ۱۵۲
- ۶ - تخصص و تعهد ص ۱۵۴
- ۷ - مانع شناسی ص ۱۵۵
- ۸ - هشیاری و هوشمندی ص ۱۵۶
- ۹ - دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی و نتیجه بحث ص ۱۵۷
- الف: از جهت نیروی انسانی و اتحاد ص ۱۵۸
- ب: امکانات جغرافیائی دنیای اسلام ص ۱۶۰
- ج: امکانات اقتصادی دنیای اسلام ص ۱۶۰
- فصل پنجم: ویژگیهای یاران حضرت مهدی ص ۱۶۱
- مقدمه ص ۱۶۱
- ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن ص ۱۶۳

- پیشگویی پیامبر از یاران اسلام در ایران ص ۱۶۶
- تحلیل سخنی از امام سجاد ص ۱۶۸
- حرکت انقلابی نه گام به گام ص ۱۷۰
- تجزیه و تحلیلی درباره سید و سیزده نفر از یاران مخصوص امام ص ۱۷۴
- زمان و دیگر یاران آن حضرت ص ۱۷۴
- تواتر حدیث سید و سیزده نفر ص ۱۷۴
- ۱ - امام زمان در انتظار آنها بسر می برند ص ۱۷۵
- ۲ - آنها از اطراف جهان جمع می شوند ص ۱۷۶
- ۳ - آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم هستند ص ۱۷۶
- ۴ - آنها جانبازان سلحشورند ص ۱۷۶
- ۵ - آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند ص ۱۷۷
- ۶ - آنها امت معدوده و همچون پاره های ابرهای متراکم هستند ص ۱۷۸
- ۷ - آنها رکنها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم اند ص ۱۷۹
- ۸ - چند نشانه دیگر از این سید و سیزده نفر ص ۱۸۰
- ۹ - دست خدا بالای سر امام و یارانش ص ۱۸۱
- ۱۰ - نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی ص ۱۸۳
- نتیجه بحث و بررسی بیشتر ص ۱۸۶
- اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقاء و اعاجم؟ ص ۱۸۸
- امدادهای غیبی به کمک انقلابیون ص ۱۹۱
- فصل ششم: دیدار کنندگان امام در غیبت کبری** ص ۱۹۲
- ۱ - امام زمان به صابونی اجازه دیدار نداد ص ۱۹۲

- ۲ - علامه حلی در خدمت امام زمان ص ۱۹۵
- ۳ - فریادرسی امام زمان در بحرین ص ۱۹۹
- ۴ - شفای بیمار ص ۲۱۰
- ۵ - تشریف یکی از فرزندان آیه الله اراکی ص ۲۱۰
- ۶ - راهنمایی حضرت مهدی در مسجد جمکران ص ۲۱۱
- ۷ - نتیجه تواضع به مسجد جمکران، پایگاه مقدس امام زمان ص ۲۱۳
- ۸ - محبت امام زمان به شیخ مفید ص ۲۱۴
- گفتار امام قائم به شیخ مفید ص ۲۱۷
- برگ سبزی از نگارنده، خطاب به امام زمان ص ۲۱۸
- فصل هفتم: حکومت درخشان امام مهدی** ص ۲۱۹
 - ۱ - توحید سراسری در همه زمینه ها ص ۲۲۰
 - ۲ - پیشرفت عجیب علوم ص ۲۲۲
 - ۳ - پیشرفت ورشد کشاورزی وامکانات ص ۲۲۴
 - ۴ - برادری و صفا و صمیمیت ص ۲۲۴
 - ۵ - امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت ص ۲۲۵
 - ۶ - توجه کامل به اماکن مقدسه و توسعه شهرها و بهداشت ص ۲۲۷
- دولت کریمه ص ۲۳۱
- توجه حضرت مهدی به مکه، کوفه و قم ص ۲۳۲
- ۱ - مکه، مرکز اولین جرقه های انقلاب جهانی حضرت مهدی ص ۲۳۳
- ۲ - کوفه، مقر حکومت حضرت مهدی ص ۲۴۰
- ۳ - قم، آشیانه اهل بیت و مرکز نشر اسلام ص ۲۴۶

فصل هشتم: خودسازی و پاکسازی در عصر غیبت حضرت مهدی ص ۲۵۱

خودسازی و پاکسازی ص ۲۵۳

نشانه های عالی انتظار ص ۲۵۵

رعایت حقوق برادران ص ۲۵۶

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول خدا ص ۲۶۰

ایستادگی در سختیها و آزمایشها ص ۲۶۲

معرفت امام و پیروی از آن حضرت ص ۲۶۴

مساله رهبری ص ۲۶۶

توجه به شناخت قرآن و اجرای آن ص ۲۷۰

زنان باید احساس مسؤولیت کنند ص ۲۷۳

توجه به جمعه و جماعات ص ۲۷۵

مقدمه

(یا صاحب الزّمان ادر کنا)

سخن گفتن درباره حضرت مهدی (عج)، به نفس کشیدن می ماند

که گرچه مکرر است، اما برای ادامه حیات، ضروری است.

درباره زندگانی و غیبت و ظهور امام زمان (علیه السلام)، کتابهای

بسیاری نوشته شده که مشتمل بر هزاران مجلد است، با اینهمه ناگفته

های فراوانی باقی مانده است که بیان و تبیین آنها، تحقیقاتی

گسترده تر و تألیفاتی افزون تر می طلبد.

علاوه بر اینها، تبلیغاتی اساسی و پیگیر بایسته است تا مردم که به حق،

در دوران انقلاب شکوهمند اسلامی، با اطاعت بی چون و چرا از

رهبری معظم آن، شیفتگی خود را به مقام برتر ولایت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) نشان داده اند، بیش از پیش با آن بزرگوار آشنا شوند، وبا دقت در ویژگی ها، وبهره گیری از فرمایشات حضرتش، سیره وسنت او را بیشتر بشناسند.

به راستی از میان هزاران پرسشی که درباره ولادت شگفت انگیز، وامامت زود هنگام، وعلت و کیفیت غیبت صغری و کبری، وچگونگی بهره‌وری مردم در دوران غیبت، وطول عمر، ونحوه زندگی، و کیفیت ارتباط با مردم، ومحل سکونت، وداشتن خانواده، وامکان دیدار، ومعنای انتظار، وعوامل تأخیر وتعجیل فرج، ومقدمات ظهور، وویژگی وتعداد یاران، وچگونگی تسلط بر سراسر گیتی، ونحوه حکومت آن حضرت مطرح است، توده مردم وحتى جوانان وتحصیل کردگان جامعه به چند پرسش، جوابی قانع کننده دارند؟ چند نفرند آنها که بر اساس شوقی خود جوش، واحساس نیازی درونی، در میان انبوه کتابهای موجود، به جستجوی گمشده خویش بر آمده وبه مقصد رسیده باشند؟

وآیا آنچه در دست است جوابگوی اینهمه احتیاج واشتیاق هست؟! واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، به عنوان یکی از دهها مؤسسه ونهادی که در راستای وظیفه مقدس شناسایی وجود شریف امام زمان (علیه السلام) وبارور کردن روحیه انتظار در جامعه فعالیت می کنند، متعهد است که هر قدمی در این راه را ارج نهد واز هر محقق ومؤلف وهنرمندی که در این زمینه فعالیت می کند، با تمامی

امکانات استقبال نماید، باشد که بدین وسیله سهمی اگر چه اندک در تحصیل رضای آن حضرت و تهیه مقدمات قیام جهانی آن بزرگوار داشته باشد.

کتاب حاضر با عنوان «حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت» از مؤلف صاحب نام و محقق گرامی، حجة الاسلام والمسلمین محمدی اشتهاردی در ادای همین تعهد، در دسترس علاقمندان اهل بیت (علیهم السلام) و منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) قرار می گیرد امید است که مقبول درگاه خداوند واقع شود.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران - قم

تابستان ۱۳۷۶

پیشگفتار

امام قائم امید انسانها

هدایت و رهبری مردم از راههای گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ انسانها بوده، و با به وجود آمدن انسانها، خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گسیل داشت، تا حدی که در این راه ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند که اولین آنها حضرت آدم (علیه السلام) و آخرین آنها پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بود (۱).

اینها تمام توان و تلاش و کوشش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند، ولی هیچیک در زمان حیات خود به نتیجه نهایی و مطلوب و حکومت دلخواه نرسیدند، و نوعاً قلمرو رهبری آنها در نقطه محدودی بود و موفق به تشکیل حکومت جهانی نشدند (با توجه

به اینکه اصلاح کامل در سایه حکومت مصلح جهانی صورت خواهد گرفت)، امید همه این بود، این راه ادامه یابد، و در همه مردم و همه جهان زمینه بوجود آید و حکومت جهانی قائم (علیه السلام) بر قرار گردد، تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومت درخشان پر از صفا و صمیمیت است، نایل گردند. و این امید همچنان ادامه دارد، و پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) هیچیک با آنهمه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند، و همواره و کراراً فرمودند: «اگر در دنیا یک روز هم بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم (علیه السلام) بر قرار شود» (۲).

و آن مهدی موعود (علیه السلام) است که به این امر مهم جامه عمل می پوشاند و به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (قدس سره):

«من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان (قائم «عج») بگذارم، بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که اوّل شخص است، برای اینکه دومی در کار نیست، ایشان را ما نمی توانیم با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الاّ همین که «مهدی موعود» است، آنکسی که خدا او را ذخیره کرده است برای بشر» (۳).

جمله «بقیة الله» که از القاب معروف آن حضرت است حاکی از این است که خداوند او را ذخیره کرده، تا همه مظلومان و پیامبران و طرفداران توحید و حق را در کل جهان به آرزو و امیدشان برساند

(درباره ویژگیهای این حکومتِ سراسر صفا در ظاهر و باطن، بعداً سخن خواهیم گفت).

در اینجا برای تکمیل مطلب فوق به سه روایت ذیل توجه کنید:

۱ - یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) می گوید: به محضر مبارک حضرت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و عرض کردم: «آیا شما صاحب ما هستید؟»

فرمودند: آیا من صاحب شما هستم؟!

سپس پوست بازوی خود را گرفت و کشید و فرمود: «من پیر مرد سالخورده ام، اما صاحب شما جوان است» (۴).

تعبیر «صاحب» در مورد امام قائم (علیه السلام) حکایت از حکومت سراسری و همه جانبه او می کند که مسلمانان جهان باید در انتظارش باشند و برای بدست آوردن آن بکوشند.

۲ - دَعْبِل شاعر آزاده و متعهد عصر امام رضا (علیه السلام) به حضور آن حضرت رسید و شعرهای پر مغز و جاننداری در مدح اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) خواند، حضرت رضا (علیه السلام) در پایان به او فرمود:

این دو شعر را نیز بر شعرهای خود بیفزای:

یکی از دو شعر این است:

إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا * * * يَفْرَجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ؛

این قبرها یا این غمها و نابسامانیا همچنان ادامه دارد تا خداوند

حضرت قائم (علیه السلام) را بر انگیزد، تا او اندوه و نابسامانیا را از ما

رفع کند و ما را شاد نماید» (۵).

۳ - امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران فرمود: «تفسیر آیه فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ (به آنچه مخالفان می گویند استقامت کن) این است که: ای محمد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من به دست مردی از نسل تو که او را بر خون ستمگران مسلط کنم، از آنها انتقام می گیرم» (۶).

با توجه به گفتار بعضی از پیامبران که در کتب آسمانی تورات و انجیل و... آمده و از گفتار ائمه (علیهم السلام) و... چنین به دست می آوریم که امام قائم (علیهم السلام) امید همه در همه تاریخ و همه جهان است، البته باید توجه کرد که انسانها به چنین امید بزرگی نخواهند رسید مگر با کوشش و تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر، چنانکه خود امامان (علیهم السلام) بارها این مطلب را تذکر داده اند، و در لابلای این کتاب به آن اشاره خواهد شد، و گرنه با دست روی دست گذاشتن کاری ساخته نیست.

این مقدمه را با ذکر حدیث شریف زیر پایان می برم:
به نقل امام صادق (علیه السلام) پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«قائم (علیه السلام) از فرزندان من، همنام و هم کیش من است و سیمایش، سیمای من و روشش روش من است، مردم را بر اطاعت از من، اسلام و خدا، بخواند و وادارد، و آنها را به کتاب خدا (قرآن) دعوت نماید. کسی که از فرمان او سرپیچی کند از من سرپیچی

نموده است، و کسی که او را غیبت نماید و انکار کند مرا انکار کرده است، و کسی که او را دروغ پندارد مرا دروغ پنداشته است، و کسی که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است، شکایت آنها را که در مورد او مرا تکذیب کنند، و سخن مرا در مورد او رد نمایند و امت مرا گمراه کنند، به سوی خدای بر موبه زودی ستمکاران بدانند که به کجا بازگشت می کنند» (۷).

خدا را شکر که خداوند بر این بنده عاصی منت گذاشت و توفیق عنایت نمود تا این بضاعت مختصر را به علاقه مندان تقدیم کنم امید آنکه خداوند توفیق آن را دهد که همه ما در صف یاران مخلص حضرت قائم (علیه السلام) باشیم.

إِلَهِی لَكَ الشُّكْرُ وَالْحَمْدُ.

ای امید همه، در همه جهان و تاریخ، وای منتقم مظلومان و خون جوشان و پاک امام حسین (علیه السلام) وای ذخیره و بقیه و آخرین نشانه مردان بزرگ خدا، این کتاب، واین هدیه ناقابل را که همچون ران ملخی از مور در پیشگاه با عظمت حضرت سلیمان (علیه السلام) است از حقیر عاصی بپذیر.

این کتاب در هشت فصل تنظیم گردیده است.

قم - محمد محمدی اشتهاردی

تابستان ۱۳۷۶ هـ ش

فصل اول: پدر، مادر و ولادت امام زمان

پدر بزرگوار امام زمان (علیه السلام) حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) امام یازدهم شیعیان است، بنقل شیخ مفید، امام عسکری (علیه السلام) در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرا به شهادت رسید (۸).

مادر بزرگوار امام زمان (علیه السلام) «ملیکه» است که از طرف پدر دختر «یشوعا» فرزند امپراطور روم شرقی بود، و از طرف مادر نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی (علیه السلام) و وصی او بشمار می رفت.

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما آنچنان پاک و با عفت بود که گویی شباهت به خانواده خود ندارد، بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگیش همچون زندگی شمعون و عیسی (علیه السلام) و مریم (علیها السلام) از صفا و معنویت و پاکی خاصی برخوردار بود، از اینرو دوست داشت با یک خانواده پاک و خداپرست وصلت کند و به توحیدیان پیوندد، خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را بطور عجیب (که در داستان ماجرای اسارت او و خریداری از جانب امام هادی (علیه السلام) برای امام عسکری (علیه السلام) در تاریخ آمده است) به خواسته و هدفش رسانید.

ملیکه یا نرجس خاتون به خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) وارد شد، امام هادی (علیه السلام) به خواهرش حکیمه فرمود: او را به

خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندانم حسن (علیه السلام) و مادر مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) خواهد بود، آنگاه به نرجس رو کرده و فرمود:

مژده باد ترا به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

آری این چنین یک دختر پاک و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرد و در خطّ جد مادریش «شمعون» قرار گرفت و سرانجام به سعادت عظمای همسری حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) در آمد و لیاقت پرافتخار مادری حضرت قائم (عج) را پیدا کرد.

او نامه‌های دیگر مانند ریحانه، صقیل و سوسن نیز دارد و خواهر امام هادی (علیه السلام) حکیمه او را به عنوان سیده (خانم) می خواند.

این بانوی با سعادت در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت و قبر شریفش در سامرا کنار قبر منور امام عسکری (علیه السلام) قرار گرفته است (۹).

امام قائم (عج) از همین خاندان پاک در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در سامرا متولد شد و هنگام شهادت پدر، پنج ساله بود (۱۰).

تولد آنحضرت را جز عده ای خاص نمی دانستند و برای نوع مردم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری (علیه السلام) گوید: روز

پنجشنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم، هنگام مراجعت، امام عسکری (علیه السلام) فرمود: امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می شود.

بالاخره ماندم صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون (علیها السلام) پدید آمد، او را در بر گرفتم، امام (علیه السلام) فرمود: سوره قدر را بر او بخوان، مشغول خواندن سوره قدر شدم شنیدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی می کند در این موقع پرده ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری (علیه السلام) فرمود: برگرد، برگشتم در نرجس (علیها السلام) نوری مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان (علیه السلام) را دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می گفت: گواهی می دهم به یکتائی خدا و اینکه جدم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است، و پدرم امیر مؤمنان (علیه السلام)، وصی رسول خدا است، بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدر بردم، امام عسکری (علیه السلام) تا او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زبور این آیه را تلاوت فرمود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ

وَجَنُودَ هُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ؛

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم، حکومتشان را پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم» (۱۱).

نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله امام قائم (عج) است.

سخنی درباره نیمه شعبان

شیخ حرّعاملی (رحمه الله) از بزرگان اصحاب نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«شبى که حضرت قائم (عج) در آن متولد شد، هیچ نوزادى در آن شب متولد نمى شود مگر اينکه مؤمن خواهد شد، و اگر در سرزمين کفر متولد گردد، خداوند او را به برکت امام مهدى (عج) به سوى ايمان منتقل مى سازد» (۱۲).

در نیمه شعبان زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) و همچنین زیارت امام زمان (علیه السلام) مستحب است، امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«شب نیمه شعبان بهترین شب بعد از شب قدر است و خواندن دو رکعت نماز در شب نیمه شعبان بعد از نماز عشاء مستحب است، در رکعت اول بعد از حمد، سوره کافرون و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید خوانده شود» (۱۳).

غسل و شب زنده داری و عبادت در این شب بخصوص فضائل بسیار دارد، این شب در نزد خدا چنین مقامی دارد که ولادت با سعادت امام زمان (علیه السلام) در سحرگاه این شب واقع شده و بر عظمت و رونق آن افزوده است.

ضمناً روایاتی آمده که نیمه شعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است، و در بعضی از این روایات است شب نیمه شعبان شب امامان (علیهم السلام) است و شب قدر شب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

از جمله فضائل این شب اینکه، از شبهای مخصوص زیارت امام حسین (علیه السلام) است که صد هزار پیامبر (صلوٰه الله علیهم) آن حضرت را در این شب زیارت می کنند.

از نمازهای مستحبی که در این شب وارد شده دو رکعت نماز است که در هر رکعت بعد از حمد صدبار سوره توحید خوانده می شود. نقل شده: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: شب نیمه شعبان در خواب دیدم جبرئیل بر من نازل شد و فرمود: ای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در چنین شبی خوابیده ای؟ گفتیم: این شب چه شبی است؟

فرمود: شب نیمه شعبان است برخیز، مرا بلند کرد و به بقیع برد، و سپس فرمود: سرت را بلند کن زیرا در این شبها درهای رحمت خدا در آسمان بروی بندگان باز است، همچنین در رضوان، در آمرزش، در فضل، در توبه، در نعمت، در جود و سخاوت، در احسان

باز است، خداوند به عدد پشمها و موهای چرندگان در این شب گنهکاران را آزاد می کند، پایان عمرها در این شب، تعیین می گردد، رزق های یکسال در این شب تقسیم می شود و حوادث یکسال در این شب معین می گردد.

ای محمد! کسی که این شب را با تکبیر و تسبیح و تهلیل و دعا و نماز و قرائت قرآن و اطاعت و خضوع و استغفار بسر برد، بهشت منزل و سرای او است، و خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد... ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) این شب را احیاء دار و به امت خود دستور بده آنها نیز این شب را احیاء بدارند، و با عمل به سوی خدا تقرّب جویند، چرا که این شب شبی شریف است. از اعمال این شب، خواندن دعای کمیل در سجده است روایت شده که کمیل گوید دیدم علی (علیه السلام) این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند.

در مورد زیارت امام حسین (علیه السلام) در این شب بخصوص در صورت امکان در کنار قبرش، آمده هر که بشناسد امام حسین (علیه السلام) را و شهادت او و هدف شهادتش را که موجب نجات امت گردید و وسیله و راهگشائی برای رسیدن به فوز عظیم شد (خلاصه اینکه عبادتش در این شب از روی توجه و علاقه و معرفت خاص باشد) آنگونه خویشتن را در برابر خدا خاضع نماید که شایستگی آن را دارا می باشد و نیز از خدا خواسته های شرعیش را تقاضا کند (۱۴).

نام و کنیه امام زمان

امام زمان (علیه السلام) هنگام تولد تا وقتی که پدرش به شهادت رسید (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰) مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می دیدند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند، هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت، سرانجام عواملی باعث شد که آنحضرت از نظرها غایب گردید و نخست غیبت صغری و سپس غیبت کبری به وجود آمد (که در این مورد، بعد سخن خواهیم گفت).
بهر حال: چنانکه در روایات آمده، محل زندگی امام زمان (علیه السلام) در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی (علیه السلام) مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد (۱۵). در اینجا برای اینکه دورنمایی از دوران خفقان آنزمان را دریابیم شایسته است به داستان زیر توجه فرمائید.

جعفر کذاب عموی امام زمان

گاه می شود بر اثر عواملی، از حضرت نوح (علیه السلام) پسر ناخلف بنام کنعان و یا از حضرت آدم (علیه السلام) پسر متمرّد بنام قایل به وجود می آید.

حضرت امام هادی (علیه السلام) دارای ۵ فرزند بنامهای امام حسن (علیه السلام)، حسین، محمد، جعفر، وعلیه بود. در میان این فرزندان، جعفر، بسیار ناخلف بود که لقب کذاب (دروغگو) را گرفت، امام هادی (علیه السلام) درباره او فرمود: از فرزندم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح (علیه السلام) است، امام عسکری (علیه السلام) فرمود: مثل من و جعفر مانند هایل و قایل دو

فرزند آدم (علیه السلام) است، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می کشت، ولی خداوند جلو او را گرفت.

جعفر از افرادی بود که ادّعی امامت داشت و پس از رحلت پدر می گفت امام مردم من هستم نه برادرم، امام عسکری (علیه السلام)، حتی پس از رحلت پدر نزد خلیفه وقت رفت و گفت: بیست هزار اشرفی برای تو می فرستم و از شما خواهش دارم که فرمان دهی تا بر مسند امامت بنشینم و این مقام از برادرم سلب گردد.

خلیفه در جواب گفت: عجب آدم احمقی هستی اگر امامت در دست ما می بود آن را برای خود قرار می دادیم اگر امام شناسان و شیعیان آنچه از برادرت و پدرت از معجزات و... دیدند از تو ببینند تو را امام خود می دانند، دیگر نیازی به کمک ما نداری و گرنه هرگز به تو ایمان نخواهند آورد.

کارشکنی های او در عصر امامت برادرش امام عسکری (علیه السلام) بجائی نرسید ولی پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادعا کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم.

امام عسکری (علیه السلام) برای اینکه امر بر مردم اشتباه نشود و امامت امام مهدی (عج) را از کارشکنی های جعفر، حفظ کند، در آخرین لحظات عمر، یکی از اصحاب بنام (ابوالادیان) را بحضور طلبید و به او فرمود:

«چند نامه هست اینها را به مدائن می بری و به فلان و فلان کس می رسانی و جواب نامه ها را می گیری، روز ۱۵ به سامرّاه می آئی،

صدای گریه از خانه من خواهی شنید مطلع می شوی که من از دنیا رفته ام».

ابوالادیان: فدایت شوم، معلوم است که سخن شما راست و درست است، و همین طور که می فرمائی خواهد شد ولی سؤالی دارم و آن اینکه پس از شما امام کیست؟

امام عسکری (علیه السلام): «امام کسی است که جواب نامه ها را از تو مطالبه کند».

ابوالادیان: علامت دیگر امام پس از شما چیست؟
امام عسکری (علیه السلام): «امام کسی است که بر جنازه من نماز بخواند».

ابوالادیان می گوید: علامت دیگر چیست؟
امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «امام کسی است که از میان همیانهای طلا خبر دهد».

ابوالادیان می گوید: ابّهت امام عسکری (علیه السلام) مرا گرفت، دیگر نپرسیدم که منظور چه همیانی است، برخاستم خدا حافظی کردم نامه را گرفتم بسوی مدائن رهسپار شدم، نامه ها را به صاحبانشان دادم و جواب نامه ها را گرفتم و به سامره برگشتم همین که وارد خانه امام حسن (علیه السلام) شدم صدای گریه شنیدم فهمیدم که امام عسکری (علیه السلام) دار دنیا را وداع کرده است ولی دیدم گروهی دور جعفر کذاب را گرفته اند و به او به عنوان امام تهنیت می گویند و بعضی به او تسلیت می گفتند.

در این میان کسی آمد و به جعفر گفت: جنازه برادرت را غسل داده اند، بفرمائید بر آن جنازه نماز بخوانید دیدم جعفر برخاست و همراه گروهی برای انجام نماز رهسپار شد، با خود گفتیم: عجب! اگر امام مردم، بی دین بشود، معلوم می شود که همواره دین از اول سست بوده است، چون من جعفر کذاب را می شناختم که همواره با ساز و آواز و شرابخواری سروکار داشت، من هم دنبال جعفر براه افتادم تا بینم جریان به کجا منتهی می شود.

کنار جنازه امام عسکری (علیه السلام) رسیدیم جعفر پیش ایستاده و همراهان پشت سرش، گفتیم دیگر کار از کار گذشت، ناگهان پرده سفیدی که در حجره آویزان بود بلند شد، دیدم کودکی نورانی پیدا شد، ردای جعفر را گرفت و فرمود: ای عمو! پس برو، من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم، جعفر مانند نقش بردیوار هیچ نتوانست بگوید و کنار رفت.

آن کودک مشغول نماز شد و پس از نماز همین که خواست برود به من رسید و فرمود: جواب نامه ها را به من بده، نامه ها را به او دادم، رفت به حجره، با خود گفتیم حمد و سپاس خدا را که دو علامت از علاماتی که امام عسکری (علیه السلام) به من فرموده بود ظاهر شد، نزد جعفر آمدم و گفتم این طفل که بود؟ گفت: من اصلاً چنین کودکی را ندیده ام و نمی شناسم.

مسافران قمی و جعفر کذاب

روز بعد دیدم گروهی از اهل قم آمده بودند به زیارت امام عسکری

(علیه السلام) نائل شوند، مطلع شدند که حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امروز امام و حجت خدا کیست؟ گروهی جعفر کذاب را نشان دادند، اهل قم نزد جعفر آمده و سلام کردند و گفتند: پول زیادی که مخصوص امام (علیه السلام) است برای شما آورده ایم، دستور داد پولها را بگیرند. گفتند: ما هر وقت خدمت امام عسکری (علیه السلام) می رسیدیم و پولی نقد می آوردیم نام صاحبان پول را حضرت می بردند و حدود مبلغ را از درهم و دینار می فرمود، شما هم اگر امام هستید و جانشین برادر خود می باشید مبلغ و عدد واسم صاحبان پول را بگوئید.

جعفر گفت: مردم از من علم غیب می خواهند، مگر برادرم علم غیب داشت؟

اهل قم گفتند: در چنین صورت ما پول را نخواهیم داد.

دستور دستگیری امام زمان

جعفر دید با این وضع به هدف شوم خود نمی رسد، نزد معتمد عباسی خلیفه وقت رفت و گزارش داد که برادرم امام عسکری (علیه السلام) پسری دارد و او بر جنازه پدرش نماز خواند امام عسکری (علیه السلام) برای حفظ فرزندش حضرت حجت (عج) از دشمنان، تولد او را به کسی نفرموده بود. خلیفه، صد مأمور به فرماندهی شخصی بنام «رشیق» به خانه امام عسکری (علیه السلام) فرستاد و به او دستور اکید داد که برو بخانه امام عسکری (علیه السلام) همه حجره

ها را جستجو کن، بی آنکه اجازه بگیری وارد خانه شو. رشیق با مأمورین به خانه امام عسکری (علیه السلام) آمدند و همه حجره ها را گشتند تا به آن حجره که در آن، پرده سفید آویزان بود رسیدند، پرده را بلند کردند دریائی آنجا دیدند که در وسط آن، کودکی سجاده انداخته و نماز می خواند، رشیق یکی از مأمورانش دستور داد که برو، و آن کودک را بگیر. آن مأمور تا به سراغ کودک آمد در میان آب غرق شد.

رشیق به دیگری دستور داد، دیگری وقتی خواست به طرف کودک رود در آب غرق شده با فریاد بلند تقاضای کمک کرد، او را نجات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی شده بودند. اصلاً نتوانستند کوچکترین آسیبی به کودک که حضرت حجت (عج) بود برسانند.

همین موقع بود که حضرت مهدی (علیه السلام) غایب شد و غیبت صغری به وقوع پیوست (۱۶).

مشخصات امام زمان

بهر حال امام زمان (علیه السلام) در زمان پدر که ۵ ساله بود (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰، سال شهادت پدر) نزد پدر بود، ولی در مخفیگاه بسر می برد، بسیاری از اصحاب ائمه (علیهم السلام) و علما و فقهای اعلام اسلام، وی را زیارت کرده اند، حتی بسیاری از نوابخ و علمای بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هندوسند و اندلس و اروپا به سامراه سفر کرده

و توسط امام عسکری (علیه السلام) با امام زمان (علیه السلام) ملاقات کرده و مسائل خود را از وی پرسیده اند، و نشان سوغات و هدایای صاحبانش را از او خواسته اند، او به یک یک آنها پاسخ صحیح داده است. (چنانکه این مطلب در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار بطور مفصل آمده است).

برای اینکه بیشتر با این عزیز که پرده های غفلت و گناه، ما را از دیدارش محروم ساخته آشنا شوید به این حدیث توجه کنید: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«الْمَهْدِي مِنْ وَلَدِي أَرْبَعِينَ سَنَةً كَانَ وَجْهُهُ كَوَكْبٍ دُرِّي فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ عَلَيْهِ عَبَّائَتَانِ قُطَوَانِيَتَانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشَّرْكِ؛

مهدی (عج) از فرزندان من دارای چهل سال است (یعنی هنگام خروج همچون مرد چهل ساله است) صورتش همچون ستاره درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی است و دو عبا قطوانی بردوش دارد، قیافه اش همانند مردان بنی اسرائیل (زمان حضرت موسی (علیه السلام)) است گنجها را استخراج کند، کشورهای شرک را فتح کرده و تحت رهبری خود در می آورد» (۱۷).

از خصوصیات امام قائم (عج) اینکه آن حضرت از ناحیه پدر از نسل امام حسین (علیه السلام) است، از ناحیه مادر از نسل امام حسن (علیه السلام) است، از این رو که مادر امام باقر (علیه السلام) از فرزندان

امام حسن (علیه السلام) است (۱۸).

از ویژگیهای او اینکه پس از ظهور، حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان آمده و پشت سر او نماز بجا می آورد (۱۹).

و دیگر اینکه در آخر عمر امام قائم (که رجعت امامان به وجود می آید) پس از آنکه حضرت قائم (عج) از دنیا رحلت کرد، امام حسین (علیه السلام) بدن او را غسل می دهد (۲۰).

و دیگر اینکه امام عصر (عج) شبیه یوسف (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است (۲۱).

این هم در جای خود بسیار جالب است که بزرگترین چهره انقلابی تاریخ، حضرت سید الشهداء امام حسین (علیه السلام) در غسل و کفن و دفن مصلح بزرگ جهان حضور یابد.

بهر حال مردم باید در هر زمان، امام زمان (علیه السلام) خود را بشناسند و هر زمانی دارای امام است (و این کتاب برای همین منظور نگاشته شده) در زمان ائمه (علیهم السلام) یاران امامان در این جهت خیلی کوشا بودند که امام حق را بشناسند، اکنون به روایت زیر توجه کنید:

محمد بن عثمان (۲۲) گوید: از پدرم شنیدم گفت: از امام عسکری (علیه السلام) این سؤال شد و من در حضورش بودم، سؤال این بود: «این مطلب که از پدران شما نقل شده: هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد به

مرگ زمان جاهلیت مرده است (۲۳) آیا حق است؟»

امام حسن (علیه السلام) فرمود:

آری این مطلب حق است همچنانکه روز حق است، شخصی پرسید:
بعد از شما امام مردم کیست؟

فرمود: پسر محمد، امام و حجت بعد از من است کسی که بمیرد و او
را نشناسد بمرگ زمان جاهلیت مرده است، ولی برای او غیبتی
هست که نادانان در این مورد حیران گردند و منحرفان هلاک
شوند، و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند او را تکذیب نمایند،
سپس ظهور می کنند گویا می بینم طوقهای سفیدی را که بر بالای
سر او در نجف و کوفه در حرکت است (۲۴). و در پرچم ارتش
آنحضرت نوشته شده:

«أَلْبَيْعَةُ لِلَّهِ؛

بیعت مخصوص خداست» (۲۵).

از ویژگیهای آن بزرگوار اینکه: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)
فرمود:

«مهدی طاووس اهل بهشت است».

و در عبارت دیگر فرمود:

«چهره مهدی (عج) از فرزندانم همچون ماه تابان است، رنگ چهره
اش عربی است و بدنش همانند جسم مردان بنی اسرائیل (بلندقد)
است، زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد
می کند، اهل آسمانها و زمین و پرندگان در هوا از حکومتش راضی

هستند، بیست سال حکومت می کنند» (۲۶).
روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به دختر گرامیش فاطمه (علیها السلام) رو کرد و به این شخصیتها افتخار کرده و فرمود:
«بهترین پیامبران پدرت است، واز ما است بهترین اوصیاء که شوهرت علی (علیه السلام) است واز ما است بهترین شهدا که عموی من حمزه است، از ماست آنکس که دو پر دارد و با آن دو پر در بهشت هر جا بخواهد پرواز در می آید، و او پسر عموی پدرت جعفر است، از ماست دو سبط این امت، دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و این دو فرزندان تو هستند واز ما است مهدی (عج) و او از فرزندان تو است» (۲۷).
امام سجّاد (علیه السلام) فرمود:

«قائم ما دارای نشانه هایی از شش پیامبر است:

- ۱ - نشانه ای از نوح (علیه السلام).
 - ۲ - نشانه ای از ابراهیم (علیه السلام).
 - ۳ - نشانه ای از عیسی (علیه السلام).
 - ۴ - نشانه ای از موسی (علیه السلام).
 - ۵ - نشانه ای از ایوب (علیه السلام).
 - ۶ - نشانه ای از محمد (صلی الله علیه وآله وسلم).
- اما نشانه اش از نوح (علیه السلام) طول عمر است، اما نشانه اش از ابراهیم (علیه السلام) مخفی بودن محل ولادتش است، اما نشانه اش از موسی (علیه السلام) ترس از دشمن و غیبت است (که موسی (علیه

السلام) از ترس فرعونیان از مصر به مدین رفت و مدتی مخفی بود) اما نشانه اش از عیسی (علیه السلام) اختلاف رأی مردم درباره اش، واعتزال او از مردم است، اما نشانه اش از ایوب (علیه السلام) گشایش و پیروزی پس از بلیات و گرفتاری است، اما نشانه اش از محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) قیام به شمشیر است» (۲۸).

و در بعضی روایات، نشانه ای از حضرت یوسف (علیه السلام) نیز ذکر شده و آن زندان است (۲۹) (شاید منظور دوری او از دوستانش که به منزله زندانی بودن او است).

از ویژگیهای امام قائم (عج) اینکه: امام حسین (علیه السلام) فرمود: «او از نظرها پنهان است تا کسی او را به بیعت خود نخواند، و او زیر پرچم هیچ رهبر ناشایستی نرود» (۳۰).

شوکت و قدرت فوق العاده امام زمان

حضرت رضا (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود: «قائم (علیه السلام) کسی است که هرگاه خروج کند، در سن پیری است اما سیمای جوان دارد، و آنچنان قدرت جسمی دارد که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین بیاندازد، می تواند آن را از ریشه برکند، و اگر در میان کوهها صدایش را بلند کند سنگهای کوهها قطعه قطعه گردند، عصای موسی (علیه السلام) و انگشتر سلیمان (علیه السلام) همراه اوست» (۳۱).

از ویژگیهای حضرت قائم
اینکه:

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است:

۱ - علی بن ابیطالب (علیه السلام) ۲ - حسن (علیه السلام) ۳ - حسین (علیه السلام) ۴ - مهدی (عج) که پشت سر مهدی (عج) حضرت عیسی (علیه السلام) نماز می خواند» (۳۲).

و در روایت دیگر فرمود: «ما خاندان عبدالمطلب سادات و بزرگان بهشت هستیم، من و برادرم علی (علیه السلام) و عمویم حمزه (علیه السلام) و جعفر و حسن و حسین و مهدی (علیهم السلام)» (۳۳).

شمائل حضرت مهدی

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«مهدی از ما خاندان است، بلند پیشانی و بر آمده بینی است (که وسط بینی اش برآمدگی دارد)» (۳۴).

و نقل شده: روزی حضرت علی (علیه السلام) به امام حسین (علیه السلام) نگاه کرد و فرمود:

این پسرم آقا است چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) او را آقا خواند، و بزودی خداوند در صلب او مردی ظاهر سازد که همانم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شماست، و در صورت و سیرت شبیه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است، وقتی که مردم در غفلت بسر می برند و حق زیر پا قرار گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکار گشته، خروج می نماید، سوگند به خدا اگر خروج و قیام نکند،

گردنش را می زنند، اهل آسمان وساکنان آن از خروجش شاد می شوند، بلند پیشانی و برآمده بینی، سطر شکم، لاغر ران و در ران راستش، خالی هست، گشاده دندان می باشد، زمین را همچون که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند» (۳۵).

از خصائص امام مهدی (عج) اینکه: حکومتش سراسر جهان را می گیرد، در این مورد مفسر معروف اهل تسنن قرطبی روایت می کند که جمیع کسانی که جهانگیر شدند چهار نفرند که دو نفرشان کافر بودند، یعنی نمرود و بخت النصر و دو نفرشان مؤمن بودند یعنی: ذوالقرنین و سلیمان بن داود (علیهما السلام) و بزودی از امت اسلام پنجمین نفر حاکم سراسر زمین می شود و او مهدی (عج) است (۳۶). جابر جعفی گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم می فرمود: «روزی عمر بن خطاب از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (علیه السلام) توضیح خواست.

علی (علیه السلام) فرمود: اما نامش، حبیب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با من عهد کرده که نامش را نبرم تا خداوند او را مبعوث کند، اما سیمایش، او جوان نه بلند قد و نه کوتاه قد، خوش صورت است، مویش زیبا است، واز سرش به شانه اش ریخته، نور صورتش سیاهی موی سر و صورتش را تحت الشعاع قرار داده است». امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مهدی (عج) خروج نمی کند مگر در سالهای طاق مانند ۱ - ۳ - ۵ - ۷ - ۹» (۳۷).

فصل دوم: غیبت صغری و غیبت کبری

دوران زندگی امام زمان (علیه السلام) را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱ - دوره کودکی (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰).

۲ - دوره غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹).

۳ - دوره غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می شود تا وقتی که فرمان ونهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد).

اخبار و روایات در این مورد بسیار است که برای آنحضرت دو غیبت خواهد بود، یکی کوتاه، دوّمی طولانی در غیبت صغری (کوتاه) خواص شیعه و نواب خاص آن حضرت با او تماس داشته اند، ولی در غیبت طولانی او، توده مردم از اقامتگاه او بی خبرند جز دوستان مورد اعتماد که متصدی خدمتگذاری از اقامتگاه او می باشند، و طبق روایتی همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن حضرت هستند که هرگاه عمر یکی از آنها بسر آمد یکی دیگر بجای او تعیین می شود (۳۸).

وبه گفته صاحب مستدرک، مرحوم نوری (رحمه الله) اگر تقدیر نباشد که این سی نفر مانند خود امام زمان (علیه السلام) عمر طولانی داشته باشند در هر قری ۳۰ نفر از مؤمنین پرهیزکار و بسیار سعادت مند، به سعادت خدمتگذاری و مصاحبت آن حضرت نائل می شوند (۳۹).

به هر حال این افراد همان اوتادند که در محضر آن حضرت به سر می برند، اکنون درباره غیبت صغری و کبری به شرح کوتاهی می پردازیم.

چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه

وضع زمان وعدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان (علیه السلام) از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت، یاد می شود تا وقتی که مردم آماده شدند و شرایط ظهور مهیا گردید ادامه دارد.

ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی گذارد، بلکه افرادی مخصوص را بین خود و مردم واسطه قرار می دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاوی دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند.

برهمن اساس پس از آنکه امام زمان (علیه السلام) در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (وغیبت صغری به وجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهاء ربّانی به ترتیب زیر از جانب آنحضرت تعیین شده و واسطه بین آنحضرت و مردم شدند:

- ۱ - عثمان بن سعید (رحمه الله) که در سال ۳۰۰ هجری وفات کرد.
- ۲ - محمد بن عثمان (رحمه الله) که ۵ سال عهده دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ در گذشت.
- ۳ - حسین بن روح (رحمه الله) که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.

۴ - علی بن محمد سیمری (رحمه الله) که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت، وامام به او دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند.

از این وقت به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد (دستور وتوقیع امام (عج) به چهارمین نائش در کتاب اعلام الوری صفحه ۴۱۷ و... آمده است).

غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد تا هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ادامه دارد (۴۰).

اینک باید پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند ووظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند وبه آن عمل کنند؟ پاسخ آنکه:

خوشبختانه امام قائم (عج) در این مورد نیز راهنمایی فرموده وپيروانش را سرگردان نگذاشته است، در این مورد مردم را به اطاعت از ولی فقیه فرا خوانده است اینجا است که مسئله معروف «ولایت فقیه» پیش می آید ودرباره آن اکنون اندکی توضیح می دهیم.

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه

ولایت یعنی رهبری وحکومت، فقیه یعنی کسی که دارای شرایط استنباط احکام از ادله اسلامی باشد، به علاوه عادل وپرهیزکار نیز باشد.

بنابر این ولی فقیه یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عام امام

زمان (علیه السلام) را دارد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام زمان (علیه السلام) زمام امور مردم را بدست گیرد، البتّه عقل و حتی آیات و روایات هم بیانگر این است که در میان افراد، اعلم موجودین تقدّم دارند.

درباره اصل ولایت فقیه دلائل فراوان داریم از جمله در روایت آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سه بار فرمود: «خدا یا جانشینان مرا مورد رحمت قرار ده، شخصی پرسید جانشینان شما کیانند؟

فرمود: آنانکه پس از من می آیند، گفتار و سنت (روش و سیره) مرا نقل می کنند و پس از من آن را به مردم می آموزند». اسحاق بن یعقوب (رحمه الله) گوید از عثمان بن سعید (رحمه الله) اولین نائب خاص امام زمان (علیه السلام) خواستم نامه ای به امام عصر (عج) برساند.

و در ضمن نامه پرسیدم در زمان غیبت به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام (عج) با خط خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود: «... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛

... در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا هستم بر شما» (۴۱).

البتّه دلائل ولایت فقیه بسیار زیاد است در این باره به کتاب شریف ولایت فقیه امام خمینی (رحمه الله) مراجعه کنید.

در احتجاج طبرسی آمده: امام عسکری (علیه السلام) در ضمن حدیث طولانی فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ، وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ؛

هر کدام از فقهاء که نگهدارنده نفس خود از انحرافات و صبر انقلابی دارند و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس خود و مطیع فرمان خدایش باشد، بر عوام است که از وی تقلید کنند و چنین صفاتی را بعضی از فقهای شیعه دارند، نه همه آنها» (۴۲).

با توجه به واژه «تقلید» که به معنی پیروی است، می فهمیم که امور مردم در زمان غیبت به فقهاء ربّانی سپرده شده و آنها ولایت بر مردم دارند.

این حدیث، شرایط یک فقیه را که می تواند جانشین امام زمان (علیه السلام) باشد بیان می کند.

از آنجا که توضیح این روایت خود کتاب مفصلی می خواهد بطور خلاصه باید حکومتش بر مردم همانند حکومت امام علی (علیه السلام) باشد، آنجا که برادرش عقیل، که از گرسنگی رنگ بچه های او پریده شده و مطالبه کمک اضافی از بیت المال می کند، آهن سرخ گداخته در دستش می گذارد (۴۳).

و آنجا که با خبر می شود خلخال یک زن یهودی به دست دشمن از پایش در آمده سخت عصبانی می شود (۴۴).

و آنجا که می بیند کارگزارانش به بیت المال تجاوز کرده اند و بنفع خویشاوندان برداشت کرده اند هر چند پسر عموی آنحضرت باشد نامه ای آتشین می نویسد و به او اعتراض می کند و از کار برکنارش می سازد و می نویسد: «این تبعیض را از دو فرزندم حسن و حسین (علیهما السلام) هم نمی پذیرم» (۴۵).

و آنجا که می بیند فرماندارش به میهمانی پولداری رفته فریادش به اعتراض بلند می گردد (۴۶).

نامه های آنحضرت، (که در نهج البلاغه آمده) به استانداران و بخشداران و فرماندارانش گویای این گونه حقائق است که نائب برحق امام زمان (علیه السلام) رعایت می کند. بنابراین ولایت فقیه همان دنباله امامت است. یعنی مجتهد اعلم به نیابت عام از امام زمان (علیه السلام) امور رهبری امت را بدست می گیرد.

توضیح چند اشکال

آنانکه از اسلام دل خوشی نداشتند و ندارند، و آنها که حسن نیت دارند ولی شناخت ندارند، شروع به ایراد تراشی به این مسئله - که دنباله مسأله امامت است - کرده اند. بیشتر این ایرادات بی اساس، از آنان است که از اسلام می ترسند، یعنی با تشکیل حکومت اسلامی، منافع خود را در خطر می بینند.

وقتی که این ایرادات را بررسی می کنیم می بینیم برگشت همه آنها به این چهار ایراد است:

- ۱ - ولایت فقیه یک نوع حکومت روحانیت و انحصار طلبی است.
- ۲ - ولایت فقیه موجب استبداد و دیکتاتوری است.
- ۳ - ولایت فقیه با حاکمیت ملی سازگار نیست.
- ۴ - ولایت فقیه موجب تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری می شود.

پاسخ این ایرادات بطور فشرده

در مورد اشکال اول:

اولاً ما مدعی نیستیم که «ولی فقیه» کلیه امور را باید در دست داشته باشد و لذا در قانون اساسی مصوب امام و امت بخصوص در اصل ۱۱۰ اختیارات ولی فقیه را بطور فشرده بیان داشته است.

ما نمی گوئیم ولی فقیه کلیه زمام امور قانون گذاری و قدرت اجرائی را بدست می گیرد، تا گفته شود این یکنوع حکومت روحانیت و انحصار طلبی است بلکه ضمن آنکه می بایست کلیه مناصب برای مشروع بودنش با اجازه یک حاکم شرع مطلق باشد، ولایت فقیه از هر گونه انحراف فکری و مکتبی و انحراف در مسیر اجراء و پیاده نمودن احکام جلوگیری می نماید.

با توجه به اینکه در هر کاری باید به متخصص مراجعه کرد و با توجه به اینکه لباس و روحانی بودن دلیل آن نمی شود که در موارد حق از او پیروی نکنیم، ما باید پیرو حق باشیم هر چند این حق از جانب روحانیت باشد. به اضافه اینکه باید به شرایط ولایت فقیه که در چه کسی هست توجه کرد نه به لباس او.

در مورد اشکال دوم:

«ولی فقیه» خودش غیر از اسلام، نظری ندارد، تا او را به استبداد رأی متهم کنیم، صفت آگاه «تخصّص» وعادل (درستکار) حاکی است که او در حفظ اسلام قدم بر می دارد، بنابراین اگر از این خط منحرف شد، خودبخود از این مقام بر کنار خواهد شد (با توجّه به اینکه ملّت مسلمان خواهان اجرای اسلام هستند نه غیر اسلام).
در مورد اشکال سوم:

وقتی ملّت، مسلمان بودند، و در نهاد انقلابشان تشکیل حکومت اسلامی می جوشید، و به عبارت دیگر انقلابشان، انقلاب نان و آب و مسکن نبود بلکه انقلاب مکتبی بود (که البته در پرتو این مکتب نان و آب و مسکن نیز هست) معنای آن این است که ملّت، حکومت اسلامی را با آنچه که در آن است می خواهند، و روشن است که از مهمترین مقرّرات اسلام، مسئله امامت و ولایت فقیه است، پس به اراده ملّت کاملاً توجّه شده است، وانگهی وقتی که اکثریت ملّت قانون اساسی را که در آن اصل ولایت فقیه آمده تصویب کردند، آیا معنای این مطلب این نیست که به آراء ملّت احترام شده است؟ با توجّه به اینکه در مورد قانون اساسی کاملاً به آراء ملّت احترام و تکیه شده است و تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز مؤید این مطلب است.

از طرفی اکثریت عملاً به دنبال «ولایت فقیه» هستند، بنابر این در کجای ولایت فقیه ضدیتی با حاکمیت ملّت دیده می شود؟!
در مورد اشکال چهارم:

وقتی که حکومت اسلامی و اعضای حکومت اسلامی براساس یک قانون اساسی، زیر نظر یک رهبر «که ولی فقیه است» باشد همه ارگانها در یک مسیر گام بر می دارند، دیگر تعدد مراکز قدرت لازم نمی آید.

ما اقرار می کنیم که در آغاز پیروزی انقلاب در بعضی از موارد بر اثر عواملی این اشکال وجود داشت، علت این بود که هنوز آن هماهنگی اسلامی و هدف از حکومت اسلامی در میان نبود. ولی پس از تحقق حکومت اسلام تحت نظارت ورهبری و ولایت فقیه، حتماً قدرت‌ها و تصمیم‌ها به یک مرکز برگشته و این اشکال برطرف خواهد شد.

در اینجا اضافه می کنم: چنین نیست که عده مخصوصی حکومت را بدست گرفته باشند بلکه همه مردم مسلمان حکومت را بدست گرفته اند، نهایت اینکه نماینده های آنها یعنی افراد مورد قبول اکثریت با همکاری ملت دست اندر کار شده اند، اگر یک اتومبیل را در نظر بگیریم، این اتومبیل دارای دهها و صدها اعضا است که هر کدام در ساختمان و حرکت آن نقشی دارند، ولایت فقیه، هم نقش دنده عوض کردن و هم نقش ترمز را دارد، تا هم آن را به حرکت در آورد و به مقصد برساند و هم هنگام خطر با نگهداری آن، خطرات را دفع و رفع نماید (البته از ذکر این مثال پوزش می طلبم)

لازم به تذکر است که مسأله امامت و دنبال آن ولایت فقیه در بینش تشیع از اصول وارکان دین است، و در اصول دین هر کس خودش

باید دلیل و شناخت داشته باشد و تقلید روا نیست.
در اینجا این سخن را نیز اضافه می کنیم که به حکم آیات و روایات
از جمله:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ
وَلَاتَتَّبِعِ الْهَوَى؛

ای داود ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم، بنابر این بین
مردم به حق حکومت و قضاوت کن و از هوی و هوس پیروی
مکن» (۴۷).

ولایت فقیه که دنباله روی از پیامبران و امامان (سلام الله علیهم
اجمعین) است، مبانی آن بر اساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا
اصالت انسان نیست، بلکه مبانی آن بر اساس اصالت «الله» است که
امروز به صورت اسلام و قوانین اسلام متبلور شده است، او تنها از
اسلام می گوید و بر اسلام تکیه دارد و مجری اسلام است، با توجه به
اینکه با اجرای اسلام نیازهای فردی و جامعه و انسانها تأمین شده
و همه را به سوی کمال و سعادت همه جانبه رهنمون می سازد.

آیا قیام قبل از ظهور مهدی روا است؟

در ضمن بررسی روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) آمده
که امام صادق (علیه السلام) به مفضل (رحمه الله) فرمود:
«هر بیعت، قبل از ظهور مهدی (علیه السلام)، کفر، نفاق و تزویر است
و لعنت بر بیعت شونده و بیعت کننده» (۴۸).

و از امام حسین (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«هر پرچم (برافراشته از رهبری) قبل از قیام مهدی (علیه السلام) طاغوت است».

وبفرموده امام باقر (علیه السلام):

«صاحب آن پرچم طاغوت است» (۴۹).

آیا اگر «ولی فقیه» در زمان غیبت، زمام رهبری را بدست گیرد مشمول این گونه روایات نیست؟!

پاسخ:

این روایات مربوط به آن رهبرانی است که مستقلاً رهبری امور را بدست می گیرند، ولی در ولایت فقیه، استقلال نیست، بلکه نیابت به اذن عام حضرت مهدی (عج) است، چنانکه خود دلائل ولایت فقیه این مطلب را ثابت می کند، و در حقیقت این پرچم و بیعت، به عنوان نیابت وزمیننه سازی برای ظهور آنحضرت می باشد، و آن حضرت و امامان (علیهم السلام) دیگر هم چنین اجازه بلکه چنین تکلیف را به مردان فقیه شایسته داده اند.

فصل سوم: پاسخ به بیست و هفت سؤال

۱ - آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است؟

می پرسند: آیا عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان مخصوص شیعه است یا ادیان دیگر نیز به آن معتقدند؟

پاسخ:

این عقیده حتی در کتب زرتشتیان، هندویان و تورات و انجیل و در میان مصریها و چینیهها و حتی در میان غریبها وجود دارد و در منابع

اهل تسنن، روایات متواتر و بسیار زیاد آمده است، به عنوان نمونه به کتابهای:

- ۱ - نورالابصار صفحه ۱۵۷.
- ۲ - التاج الجامع الاصول (تألیف شیخ منصور علی ناسف).
- ۳ - کتاب صواعق المحرقه.
- ۴ - کتاب منتخب الاثر (تألیف آیه الله صافی).
- ۵ - اثبأ الهداء، ج ۷، از صفحه ۱۷۹ به بعد.
- ۶ - المجالس السنيه نوشته سید محسن جبل عاملی (ره) جلد ۵ صفحه ۷۱۳ تا ۷۴۳ مراجعه فرمائید.

۲ - فایده غیبت طولانی چیست؟

در پاسخ این سؤال عالم بزرگوار تشیع سید مرتضی (رحمه الله) گوید: «وقتی که از راه عقل و نقل، صحت امامت امام قائم (عج) ثابت شد، اگر فلسفه غیبت را ندانیم چه مانعی دارد، چنانکه فلسفه بسیاری از احکام بر ما پوشیده است» (تلخیص از کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۶۲).

می پرسند:

غیبت طولانی امام مهدی (عج) وعدم دسترسی ما به او، چه سودی دارد؟

پاسخ:

امام قائم (عج) بخاطر عدم پذیرش جامعه، از نظرها پنهان است، او همچون امامان معصوم (علیهم السلام) دیگر اگر آشکار بود، مردم

همان که با آن امامان کردند با او می کردند، اما او غائب است تا مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان وبا برنامه ریزیهای دراز مدت و تکامل معنوی و مادی پیدا کنند.

غیبت او چنانکه در روایات آمده همچون پنهان شدن خورشید پشت ابرها است، گرچه ابرها از تابش مستقیم خورشید ممانعت می کنند، ولی هرگز نمی توانند تابش خورشید را بطور کلی محو سازند.

غیبت امام قائم (عج) دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار به چند فایده آن اشاره می کنیم.

- ۱ - غیبت او به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که دارای چنین رهبری هستند، با توجه به اینکه امید، آن هم امیدی این چنین، سازنده است.
- ۲ - غیبت آنحضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.
- ۳ - آنحضرت در عین اینکه غائب است گاه در مسائل مهم با فقهاء و بزرگان اسلام تماس می گیرد و آنها را راهنمایی می کند (چنانکه شواهد آن بسیار است و بعضی از آنها در این کتاب آمده است).
- ۴ - گفتگو درباره قیام مهدی (عج) و تشکیل کنگره ها و کنفرانسها و تنظیم نوشته ها و مقالات در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی، در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدف داری و... می شود، در نتیجه آمادگیهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می شود و به این

ترتیب زمینه سازی ظهور آنحضرت مهیا می گردد.

۵ - شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و براندازی آن موانع نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم (عج) می باشد.

۶ - از طرفی طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه ها شده، و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه، رنج ظلم و فساد را نبرند آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد، چنانکه در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بسیار آمده که:

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا وَنُورًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا وَشَرًّا؛ آنحضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور و بدی شده باشد؟» (۵۰).

و انقلاب واقعی، انقلابی است که طبیعی و خودجوش و از متن توده ها برخیزد، و همگان به خوبی آن را درک کنند.

البته این سخن به این معنی نیست که ما تن به ظلم و فساد دهیم، و مبارزه با ظلم و فساد نکنیم که شرع و عقل چنین اجازه ای به ما داده، بلکه این سخن خبر از آینده می دهد، و حاکی است که مردم بر اثر دوری از یک مصلح عادل و آگاه چگونه در لجن فساد فرو می روند، در این صورت باید برای یافتن آن مصلح بپاخاست و خود

گرفتاری مردم، آنها را برای یافتن راه حل بر می انگیزاند. آری باید مدتها بگذرد، تا مردم تکامل یابند و حقائق برایشان کشف گردد، وبا تجربیات تلخ خود روی حکومتهای باطل از آنها روگردان گردند و تشنه وجود امام قائم (عج) شوند.

در قرآن کریم می خوانیم:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؛

بزودی آیات خود را از هر سوی جهان و در وجود خود مردم نشان می دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است» (۵۱).

در مورد اینکه منظور از ضمیر «او» در «إِنَّهُ» به کجا بازگشت می

کند امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود:

«منظور خروج قائم (عج) است که او حق است (و حقایقش آشکار می گردد)» (۵۲).

۳ - لقب قائم و مهدی چرا؟

می پرسند: چرا امام زمان (علیه السلام) با کلمه «قائم» و «مهدی» خوانده می شود، و اینکه بعضی با شنیدن لقب «قائم» بر می خیزند و می ایستند برای چیست؟

پاسخ:

در بسیاری از روایات، آنحضرت با لقب قائم (۵۳) و مهدی، یاد شده و در مورد قائم، بسیار می شد که در زمان ائمه (علیهم السلام) بر اثر ظلم و فساد حاکمان غاصب، امامان به یاد امام زمان (علیه السلام) می افتادند و می فرمودند:

«قائم ما انتقام ما را خواهد گرفت».

قائم یعنی قیام کننده، نظر به اینکه قیام ونهضت حضرت مهدی (عج) جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.

اما اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفظ به این کلمه بر می خیزند و می ایستند، این کار یکنوع عمل مستحبی است واحترام و اظهار پیوند وانتظار آنحضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی (عج) می اندازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم وقاطع که امید پیامبران وامامان وهمه مستضعفان جهان و قلب تپنده هستی است پرداخت. این کار حتی در زمان امام صادق (علیه السلام) در میان شیعیان معمول بوده، حتی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا (علیه السلام) کلمه «قائم» ذکر شد، امام رضا (علیه السلام) برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛

خداوندا بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور ونهضتش را آسان گردان» (۵۴).

اما در مورد واژه مهدی، از این روست که امام زمان هدایت شده و هدایت کننده است.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی در این مورد فرمود:

«إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَسُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ»

آنحضرت را مهدی گویند، زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند هدایت می کند، وقائم گویند چون به حق قیام کند» (۵۵).
از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد چرا قائم را «قائم» خواندند؟
فرمود:

«زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به امامت آنحضرت، راه ناصحیح می روند».

از آنحضرت سؤال شد چرا او را منتظر گویند؟ فرمود:

«زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار است، افراد مخلص و پاک در انتظارش بسر می برند ولی افراد شکاک و مردّد او را انکار می کنند و منکران، نامش را به مسخره می گیرند و تعیین کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او به هلاکت می رسند، مسلمانان در مورد او نجات می یابند» (۵۶).

۴ - اقامتگاه حضرت مهدی کجاست؟

می پرسند: امام قائم (عج) کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟
پاسخ:

از قواعد و روایات معصومین (علیهم السلام) استفاده می شود که امام قائم (عج) هم اقامتگاه مخصوص دارد و هم زن و فرزند.
در مورد اقامتگاه آنحضرت - نخست باید توجه داشت که آنحضرت همه ساله در مراسم حج شرکت می کند (۵۷).

وبعضی از سعادتمندان در مراسم حج به محضرش شرفیاب شده اند. همچنین هر جا که بخواهد از مشاهد مشرفه و... خواهد رفت. اما در مورد اقامتگاه آنحضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص (اوتاد) چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه (۵۸) و سرزمینهای دور دست و... گفته شده است. در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می کند این است که اقامتگاه آنحضرت و فرزندان و گروهی از خواص یارانش در جزیره ای از دریای بزرگ می باشد. از امام هادی (علیه السلام) داستانی نقل شده که خلاصه اش این است:

حضرت مهدی (عج) و فرزندان در جزیره هائی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می کند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است، و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره ای هستند و خدا بهتر می داند (۵۹).

داستان جزیره خضراء

در داستانی که در مورد تشرّف علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری در جزیره «خضراء» از طرق بسیار موثق نقل شده حاکی است که اقامتگاه امام قائم (علیه السلام) و همسران و فرزندان در جزیره «خضراء» است اینک اصل داستان را از کتاب اثبأ الهداء نقل می کنیم:

علامه مجلسی در بحار الأنوار از یحیی بن فضل در کتاب «رسالة

البحر الابیض والجزیره الخضراء» از علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می کند:

وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم مرکبائی از بلاد امام عصر (عج) وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیر مردی بود که چون مرا دید گفت: نام تو چیست؟ گمان می کنم علی باشد. گفتم: آری،

گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد؟

گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می شناسی.

گفت: بدان که نام واصل ووصف وخصوصیات ترا برای من بیان کرده اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.

بسیار خوشحال شدم مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست؟

گفت: بحر ابیض است وآن جزیره خضراء است که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتیها ووسائل نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می شوند و به آنحضرت دست نیابند. سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی بنام «سید شمس الدین» را دیدم که می گفت: من از نوه های امام عصر (عج) هستم، پس از گفتگوئی به او گفتم: هرگز امام را دیده ای؟

گفت: نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده ام و خودش را ندیده ام واما جدم، هم خودش را دیده است و هم صدایش را

شنیده است، آنگاه با آن سید از شهر بیرون رفتیم و به پیرمردی رسیدیم، از سید احوال آن پیر مرد را پرسیدم، گفت: این کوه را می بینی، در وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه ای است و کنار چشمه، قبه ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبه است، من هر صبح جمعه می روم آنجا خدمت امام عصر (عج) (البته با توجه به آغاز حدیث، خود امام را نمی بیند و صدایش را نمی شنود) و در قبه دو رکعت نماز می خوانم و کاغذی می یابم که در آن حکم مرافعه ای را که در هفته به من رجوع می کنند در آن نوشته، کاغذ را بر می دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می کنم.

علی بن فاضل گوید: از خادما خواهش کردم مرا به حضور امام (عج) ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن رفیقم به من گفت: دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت روا نیست (۶۰).

ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصل در کتابی بنام «الفوائد الشمسیه» آورده است، و ضمناً به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده همانند یک حصار محکم و مجهز، دشمن را از آن جزیره دفع می کند.

بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده اند که شاید این جزیره خضراء (با توجه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان آمده بود) همان مثلث برمودا که از عجیب ترین و مرموزترین مکانهای روی زمین است و در غربی ترین اقیانوس اطلس قرار دارد باشد.

از عجائب مثلث برمودا اینکه هر هواپیما یا کشتی به حدود آن برود بطور اسرار آمیزی ناپدید می گردد، وجالب اینکه آبهای آن سفید است، و هر روز خبر غرق شدن تعداد تازه ای از کشتیهای اقیانوس پیما در آبهای سفید «مثلث برمودا» به گوش رسیده است. خلبانها و ملوانهایی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده اند گزارش داده اند که در مسیر خود، به صورت اسرار آمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته اند هدایت شده اند (۶۱).

این هم یک احتمالی است، که باید دانشمندان و محققان تحقیق بیشتری کنند.

فقط در اینجا اضافه می کنیم: یکی از دعاهاى حضرت مهدى (عج) این است که:

«اللَّهُمَّ أَحْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي؛
خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار و بین من و دوستانم
اجتماع حاصل کن» (۶۲).

به مقتضای استجاب این دعا، اقامتگاه آنحضرت از دشمنان محفوظ خواهد بود. و ممکن است همین مطلب تأییدی باشد که آن جزیره، در مثلث برمودا است.

از سوی دیگر غیر از همسر و فرزندان، جمعی از دوستانش که طبق روایتی سی تن از «اوتاد» و برجستگان هستند (۶۳) همواره در

خدمت آنحضرت بسر می برند.

بهر حال باید با ذکر اشعار حافظ گفت:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور * * * کلبه احزان شود

روزی گلستان غم مخور

دور گردون گرد و روزی بر مراد مانگشت * * * دائماً یکسان نماند

حال دوران غم مخور

هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب * * * باشد اندر

پرده بازیهای پنهان غم مخور

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب * * * جمله می داند خدای

حال گردان غم مخور

به گفته ملامحسن فیض کاشانی:

ای تو ما را راحت جان الغیث * * * دردها را جمله درمان الغیث

ای سرو سر کرده هر سروری * * * نیست ما را بی تو سامان الغیث

قائم آل پیامبر (عج) دست گیر! * * * بی توام افتان و خیزان الغیث

کار شرع از دست شد بیرون خرام * * * تازه کن آئین ایمان

الغیث

عالمی گردید مالا مال شرّ * * * از جفا و جور و طغیان الغیث

خون ما خوردند این دجالان * * * مهدی و هادی دوران الغیث

فیض شد دلتنگ صحرای فراق * * * مونس دل راحت جان الغیث

توضیح دیگر اینکه:

براساس داستان «علی بن فاضل» فرزندان حضرت ولی عصر (عج)

در جزیره ای بنام خضراء در اقیانوس اطلس، زندگی می کنند، و شخص آن بزرگوار همه ساله در موسم حج شرکت نموده، پس از زیارت آباء واجداد طاهرینش در حجاز، عراق و طوس به جزیره باز می گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزیره است (۶۴).

۵ - قرآن و مسأله حکومت جهانی

می پرسند:

اگر حکومت جهانی مهدی (عج) سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز در می آید، آیا در قرآن مجید این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟

پاسخ:

آیات متعددی که تأویل آن تطبیق با حضرت ولی عصر (عج) شده، بسیار است (در این باره به بحار، طبع جدید، ج ۵۱ از ص ۴۴ به بعد مراجعه گردد)، به عنوان نمونه:

۱ - در قرآن کریم می خوانیم: «او خدائی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آن را بر تمام دینها غالب گرداند هر چند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست» (۶۵).

این آیه صریحاً نوید می دهد که روزی خواهد آمد که آئین اسلام همه ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می گیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل

می دهد.

۲ - در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ می خوانیم:

«یقیناً (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود (علیه السلام)) نوشتیم پس از آنکه این مطلب را در ذکر (تورات) نیز نوشته بودیم که: حتماً بندگان صالح وارث زمین می شوند» (۶۶).

این آیه حاکی است که در کتابهای آسمانی زبور و تورات و قرآن موضوع حکومت انسانهای شایسته بر سراسر زمین نوشته شده است، روشن است که وعده خدا حق است، روزی خواهد آمد که بندگان صالح که از نظر قرآن، مسلمین راستین هستند حکومت واحد صالحان را بر همه نقاط زمین برقرار می سازند، که اشاره به حکومت حضرت مهدی (عج) است.

۳ - در سوره نور، آیه ۵۵ می خوانیم:

«خداوند با آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته می کنند وعده داده که آنان را نماینده «خود» در زمین گرداند همانگونه که گذشتگان آنانرا خلیفه کرد وعده داده که دینشان را که برای آنها پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش کند، و برای من شریک نمی گیرند» (۶۷).

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است به آنانکه ایمان و عمل صالح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان و عمل نیک خود زمینه سازی برای ایجاد آینده درخشان می کنند) نوید می دهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می سپرد، دین آنها

نیرومند وقوی می گردد، و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می شود.

در پایان آیه اشاره به این مطلب می کند که حکومت آنها بر سراسر زمین براساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هرگونه شرک است.

چنانکه در حدیثی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد عقائد این حکومت واحد سراسری فرمود:

«فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدًا إِلَّا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛

هیچ فردی روی زمین نمی ماند مگر اینکه معتقد است خدائی جز خدای یکتا وجود ندارد» (۶۸).

به این ترتیب می بینیم قرآن این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید آینده که همه مردم تحت پرچم توحید قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را بدست می گیرند خبر می دهد.

۴ - قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۶۹).

ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم».

این آیه گرچه در ماجرای موسی (علیه السلام) و فرعون نازل شده که خداوند موسی (علیه السلام) را بر فرعون و فرعونیان پیروز کرد

ومستضعفان را به رهبری موسی (علیه السلام) به حکومت رسانید، ولی این آیه هرگز مربوط به زمان خاص موسی (علیه السلام) نیست بلکه یک بشارت عمومی است در مورد پیروزی حق بر باطل، که سرانجام این پیروزی بطور جامع و کامل وجهانی بدست مهدی آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) صورت می گیرد، چنانکه در روایات به این مطلب تصریح شده، ومهدی (عج) وپیروانش به موسی (علیه السلام) وپیروانش تشبیه شده اند ودر روایتی می خوانیم، امام سجّاد (علیه السلام) فرمود:

«سوگند به کسی که محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را به حق بشارت دهنده وبیم دهنده قرار داد، نیکان ما همانند موسی (علیه السلام) وپیروانش هستند وبدان ما همانند فرعون وپیروانش می باشند» (۷۰).

وامام علی (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق فرمود:

«این گروه آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت وفشاری که بر آنان وارد می شود بر می انگیزد وبه آنان عزّت می دهد ودشمنان آنان را ذلیل وخوار می کند» (۷۱).

۶ - یاران مهدی بیشتر کجا هستند؟

پاسخ:

جالب اینکه در روایات بسیاری آمده که دستجات یاران امام مهدی (عج) از مشرق زمین بیا می خیزند،

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:
«(هنگام ظهور) پرچمهای سیاه از طرف مشرق نمودار شود، پس با
وی (امام قائم «عج») بیعت کنید که او خلیفه خدا، مهدی (عج)
است.

و نیز فرمود: جمعی از مردم از طرف مشرق خروج کنند و مقدمات
حکومت مهدی (عج) را فراهم سازند» (۷۲).
امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود:

«آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنجهای نهاده که از طلا و نقره
نیست بلکه مردان مؤمنی هستند که بطور شایسته خدا را شناخته اند
و در آخر الزمان، یاوران حضرت مهدی (عج) خواهند بود» (۷۳).
رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:
«هنگامی که پرچمهای سیاه را از جانب خراسان دیدید، به طرف
آن بروید هر چند با دست و سینه روی برف باشد، چرا که خلیفه خدا
مهدی (عج) در میان آنها است» (۷۴).
و در روایت دیگر فرمود:

«بزودی اهل بیت من دچار گرفتاریها و آوارگیها خواهند شد، تا اینکه
جمعی با پرچمهای سیاه از طرف مشرق بیایند... تا اینکه امر به یکی
از افراد اهل بیت من (امام قائم «عج») سپرده شود، که او سراسر زمین
را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد پر از عدل و داد کند،
فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ؛
هر کدام که از شما آنها را درک کردید به آنها پیوندید گرچه با

راه رفتن با دست وسینه روی برف باشد خود را به آنها برسانید» (۷۵).

به این ترتیب می بینیم، مشرق زمین مورد توجه قرار گرفته است و چنانکه هم اکنون از نشانه هایش پیداست، تنها مشرق زمین است که این کار را خواهد کرد، بنابراین مشرق زمین باید پیاخیزد! وبا توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق امت مسلم از مستضعفان در مشرق زمین هستند وبا توجه به امکانات عظیم جغرافیائی و اقتصادی و نیروی انسانی که دارند، می توانند پیاخیزند و دستهای ابرقدرتها را قطع کنند و زمینه سازی خوبی برای ظهور مهدی (عج) ایجاد نمایند.

۷ - زندگی شخصی امام عصر چگونه است؟

پاسخ:

زندگی او همچون زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) است، او در دوران حکومتش همچون طاغوتیان و مستکبران زندگی نمی کند و در کاخهای آسمان خراش نمی نشیند، لباس و غذا و بر خوردش با مردم بسیار ساده است. حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

«وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْخَشَبُ؛

لباس قائم (عج) جز پارچه زبر و خشن، و غذای او جز غذای ساده نیست» (۷۶).

او در بر خورد با مستضعفان آنچنان است که به فرموده پیامبر (صلی

الله علیه وآله وسلم):

هنگام حکومت مهدی (عج) نیازمندی به حضورش می آیند و در خواست نیازمندیهای خود می کنند، آنحضرت مقداری که در خواست کنندگان بتوانند حمل کنند بدون شماره به آنها می دهد (۷۷).

آری این همان روش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام علی (علیه السلام) و سایر امامان معصوم (علیهم السلام) است. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام غذا خوردن روی زمین می نشست و با دست خود کفشهایش را می دوخت و لباسش را وصله می کرد» (۷۸).

و حضرت علی (علیه السلام) در مورد خودش هنگام حکومت فرمود: «امام شما با این همه قدرت و مکنّت از دنیا به دو لباس کهنه و عادی، و از غذا به دو قرص نان اکتفاء کرده است» (۷۹).

این عمل انقلابی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان (علیهم السلام) باید سرمشق همه باشد، چرا که انسان تا خود را از اسارت های مادی نرهاند، نمی تواند خیزش کند و در فضای معنویت به پرواز در آید، از طرفی مفسد تجمل پرستی و ولخرجی و اسراف و اتراف بر کسی پوشیده نیست، بنابر این بیائیم در زندگی به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و آلش (علیهم السلام) اقتداء کنیم.

همین معنی در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) برای یار و شاگرد

با وفایش مفضل (رحمه الله) بیان شده است، به مفضل (رحمه الله) فرمود:

کار امام قائم سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است همچون زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) (۸۰).

علامه مجلسی (رحمه الله) گوید: منظور از سیاست شب، رتق و فتق امور و اتخاذ روشهای سیاسی در پیشبرد هدفهای سیاسی و طرح ریزی در این باره است.

و منظور از سیاحت روز، تلاش و حضور در صحنه اجتماع برای مبارزه و جهاد با دشمن و تأمین نیازهای مردم و رسیدگی به درد دل آنها است.

و منظور از خوراک ساده هم معلوم است، خلاصه اینکه روش زندگی اش همچون روش حضرت علی (علیه السلام) می باشد (۸۱). البته باید توجه داشت که آن حضرت هنگام قیام و حضور در جبهه جنگ با دشمن، غرق در اسلحه است، زره رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در تن و شمشیر ذوالفقار آنحضرت در دست و کلاه خود آنحضرت را بر سر دارد (۸۲).

و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«ثُرات رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به امام قائم (عج) می رسد، یکی از یاران پرسید ثُرات چیست؟

فرمود: شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلاق و اسب وزین و آلات جنگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است» (۸۳).

۸ - طول عمر امام قائم را چگونه حل می کنید؟

می پرسند: اکنون که سال ۱۴۱۷ هجری قمری است با توجه به سال تولد امام قائم (عج) که سال ۲۵۵ بوده، ۱۱۶۲ سال از عمر آن حضرت گذشته است، آیا ممکن است شخصی این قدر یا بیشتر عمر کند؟

پاسخ:

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم صدوق (رحمه الله) به بعد مطرح است و هم اکنون یکی از سؤالات مربوط به آنحضرت است. ما وقتی که از نظر دین و دانش ثابت کنیم که عمر طولانی این چنینی محال نیست، آنگاه می گوئیم چه مانعی دارد خداوند متعال با آن قدرت لایزال خود شرایطی را در شخصی به وجود آورد که هزاران سال یا بیشتر عمر کند؟ اما از نظر دانش:

زیست شناسان می گویند: اگر اختلالات و آسیب هایی که به انسان می رسد و موجب کوتاهی عمر او می شود رفع گردد، عمر او به ۲۰۰ سال خواهد رسید.

بعضی می گویند انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند این که می بینی ۷۰ یا ۸۰ سال عمر می کند، بر اثر آنستکه عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهای دیگر سرایت می کند (۸۴).

واز آزمایشاتی که دانشمندان، روی حشرات و سلولها و گیاهان کرده اند نشان می دهد که گاهی عمر آنها را به صدها بلکه به هزارها برابر

رسانده اند.

«یوری فیالکوف» استادپلی تکنیک «کیف» در شوروی سابق می گوید: سلول که سنگ اول واصلی بنای جانداران می باشد جاوید است و هرگز نمی میرد، مشروط بر این که غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود.

وی اضافه می کند: انسان باید زنده و جاوید باشد هرگز از بین نرود زیرا سلولهای تشکیل دهنده بدن او جاوید است (۸۵).
اما از نظر قرآن واحادیث:

از نظر دینی نه تنها هیچگونه دلیلی بر انکار عمر طولانی در افراد استثنائی نداریم، بلکه در تواریخ و روایات مذهبی می خوانیم: ادریس (علیه السلام) والیاس (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) وعیسی (علیه السلام)، هنوز زنده اند و همچنین حضرت لقمان (علیه السلام) ونوح (علیه السلام) وعاد (علیه السلام) و پیامبران دیگر، عمرهای بسیار طولانی کرده اند، تا آنجا که قرآن در آیه ۴ سوره نمل درباره حضرت نوح (علیه السلام) می گوید:
«نوح (علیه السلام) در میان قوم خود هزار سال جز پنجاه سال (یعنی ۹۵۰ سال) درنگ کرد». و طبق روایات حضرت عاد ۳۵۰۰ سال عمر کرد (۸۶).

بنابراین چه مانعی دارد که خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و او با بکار گرفتن آن، عمر بسیار کند (۸۷).
وقتی که اصل مسئله محال نبود، قدرت و اراده خداوند بقیه امور را

درست خواهد کرد.

ضمناً باید به این نکته توجه داشت که استثنائها در جهان نمونه های بسیار دارد مانند: کشف ماهیهای ۳.۰۰۰.۰۰۰ ساله و کشف ۴۰۰۰ دانه از یک بوته گندم، و کشف آبی که یخ نمی زند و... که اینها همه حکایت از قدرت لایزال الهی می کند و حاکی است که این طور نیست که جهان همیشه در محور علل و معلول طبیعی معمولی، بگردد، بلکه گاهی علل مافوق علل طبیعی در کار است، که آن هم کار خدا است، چنانکه قرآن کراراً می فرماید:

«بدانید حتماً خداوند بر هر چیز تواناست» (۸۸).

۹ - آرامش با جنگ نمی سازد؟

می پرسند:

اگر سراسر زمین تحت یک حکومت قرار می گیرد و همه تحت پرچم توحید بسر می برند و امنیت و آرامش و صفا، در همه جا حاکم است، پس جنگ مهدی (عج) با مخالفان برای چیست؟ اگر جنگ هست امنیت نیست و انگهی چرا این همه از شمشیر سخن به میان آمده، مگر حکومت زور است؟

پاسخ:

بنظر می رسد این ناآرامیها و جنگها در مراحل اوّل ظهور باشد، چنانکه نوعاً دوره اوّل انقلابها توأم با درگیریها و جنگها است، و انگهی آنانکه منافع مادّیشان در خطر است و مانع عدالت اجتماعی می شوند، به مخالفت بر می خیزند، که اوّلأ در اقلیتند و ثانیاً نارضایتی

آنها دلیل بی عدالتی و ناآرامی نیست و حاکی از نقص حکومت نمی باشد.

اینکه در روایات آمده: امام عصر (عج) پنج یا هفت سال و یا ۹ سال و یا ۲۰ سال (۸۹) و یا چهل سال و یا ۳۰۹ سال (۹۰) به مقدار خواب اول اصحاب کهف در آن غار، حکومت می کند، شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشکّل و پایه ریزی حکومت در پنج و هفت و نه سال اول صورت می گیرد و پس از گذشت چهل سال به حدّ کمال می رسد و بیش از ۳۰۰ سال ادامه می یابد، بنابراین ممکن است این درگیریها و یا توطئه ها و کارشکنی عناصر کافر و سودجو، در آن سالهای اول حکومت باشد، اما پس از چهل سال، عدل و داد همه جا را فرا می گیرد و دیگر هیچ مانع و مزاحم و توطئه گر و ضد انقلابی باقی نمی ماند.

چنین فرضی از نظر عقل و جامعه شناسی، صحیح بنظر می رسد زیرا طبیعی است که بعضی از برنامه ها (اگر از طریق اعجاز نباشد) نیاز به انقلاب فرهنگی دراز مدت دارد، و نمی توان یک شبه ره صد ساله را طی کرد.

و اگر در روایات، مکرّر از شمشیر امام قائم (عج) سخن به میان آمده حتی مانع زکات، اعدام می شود، این به آن معنی نیست که حکومت، زوری است بلکه این شمشیر به عنوان قصاص و مقابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه گران است، همان گونه که در قرآن کریم آمده است:

«و آهن (شمشیر و اسلحه عدالت) را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است» (۹۱).
و یا در جای دیگر می فرماید:

«برای شما در قصاص، زندگی است ای اندیشمندان» (۹۲).
بنابراین، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. تا مبدا عده ای سود جو و خائن، به امنیت و آسایش مردم ضربه بزنند، و هرج و مرج ایجاد کنند، به این ترتیب می توانیم بدست بیاوریم که انقلاب مهدی (عج) در بعضی از امور تدریجی و در برخی از امور فوری و انقلابی است.

۱۰ - نشانه های ظهور امام مهدی چیست؟

پاسخ:

وقت ظهور آنحضرت معلوم نیست، و حتی مطابق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغگو شمرده شده اند (۹۳).
ولی نشانه هایی به عنوان علائم ظهور در روایات بسیار آمده که مربوط به مدت اندکی قبل از ظهور و مربوط به آستانه و آغاز ظهور است، این نشانه ها بسیار زیادند (۹۴) که معروفترین و جامعترین آنها این است که هرج و مرج در همه چیز دنیا مشهود می گردد (۹۵).
سراسر جهان پر از ظلم و جور و فساد گردد (۹۶) چنانکه در هر انقلابی معمولاً، ظلم و فساد قبل از آن، باعث انقلاب می گردد، این موضوع در ضمن یک روایتی جامع بطور مشروح بیان شده و امام صادق

(علیه السلام) آن را در ۱۱۹ ماده بیان کرده است و اینک ترجمه روایت:

حضرت امام صادق (علیه السلام) به یکی از یارانش فرمود:

۱ - هرگاه دیدی: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.

۲ - و دیدی که: ظلم همه جا را گرفته.

۳ - و دیدی که: قرآن فرسوده شده و درست معنی نمی شود.

۴ - و دیدی که: دین همچون ظرف تو خالی، و بی محتوا شده است.

۵ - و دیدی که: طرفداران حق بر طرفداران باطل فائق شده اند.

۶ - و دیدی که: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند.

۷ - و دیدی که: چنان فسق و فجور آشکار شده که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند.

۸ - و دیدی که: افراد با ایمان سکوت کرده و سخنان را نمی پذیرند.

۹ - و دیدی که: شخص بدکار، دروغ گوید، و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند.

۱۰ - و دیدی بچه ها، بزرگان را تحقیر کنند.

۱۱ - و دیدی که: قطع پیوند خویشاوندی شود.

۱۲ - و دیدی که: بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد.

- ۱۳ - ویدی دیدی نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند.
- ۱۴ - ویدی دیدی که: زنان با زنان ازدواج نمایند.
- ۱۵ - ویدی دیدی که: مدّاحی دروغین از اشخاص، زیاد شود.
- ۱۶ - ویدی دیدی که: انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی شود.
- ۱۷ - ویدی دیدی که: افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤمنین، به خدا پناه می برند.
- ۱۸ - ویدی دیدی که: همسایه به همسایه خود اذیت می کند و از آن جلوگیری نمی شود.
- ۱۹ - ویدی دیدی که: کافر به خاطر سختی مؤمن، شاد است.
- ۲۰ - ویدی دیدی که: شراب را آشکارا می آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می نشینند و از خداوند متعال نمی ترسند.
- ۲۱ - ویدی دیدی: کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است.
- ۲۲ - ویدی دیدی آدم بدکار در آنچه آن را خدا دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است.
- ۲۳ - ویدی دیدی اهل قرآن و دوستان آنها خوارند.
- ۲۴ - ویدی دیدی راه نیک بسته و راه بد باز است.
- ۲۵ - ویدی دیدی خانه کعبه تعطیل شده، و به تعطیلی آن دستور داده می شود.
- ۲۶ - ویدی دیدی که: انسان به زبان می گوید ولی عمل نمی کند.
- ۲۷ - ویدی دیدی که: مردان از مردان و زنان از زنان لذّت می برند، (یا

مردان خود را برای مردان، وزنان خود را برای زنان فربه می کنند).

۲۸ - ویدی که: زندگی مرد از راه لواط و زندگی زن از راه زنا تأمین می شود.

۲۹ - ویدی زنان همچون مردان برای خود مجالس (نامشروع) تشکیل می دهند.

۳۰ - ویدی که: در میان فرزندان «عبّاس»، کارهای زنانگی به وجود آید.

۳۱ - ویدی که: زن برای زنا با مردان، با شوهر خود همکاری کند.

۳۲ - ویدی که: بیشتر مردم و بهترین خانه ها، زنان را بر بدکاری کمک می کنند.

۳۳ - ویدی که: مؤمن، خوار و ذلیل شمرده شود.

۳۴ - ویدی که: بدعت و زنا آشکار شود.

۳۵ - ویدی مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.

۳۶ - ویدی که: حلال، حرام شود و حرام، حلال گردد.

۳۷ - ویدی که: دین بر اساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.

۳۸ - ویدی که: جرئت بر گناه آشکار شود، و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.

۳۹ - ویدی مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش.

۴۰ - ویدی که: ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد.

- ۴۱ - ویدی که: سردمداران به کافران نزدیک شوند واز نیکوکاران دور شوند.
- ۴۲ - ویدی که: والیان در قضاوت رشوه بگیرند.
- ۴۳ - ویدی که: پستهای مهم والیان بر اساس مزایده است نه بر اساس شایستگی.
- ۴۴ - ویدی که: مردم را از روی تهمت ویا سوءظن بکشند.
- ۴۵ - ویدی که: مرد بخاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد.
- ۴۶ - ویدی که: مرد از بدکاری همسرش نان می خورد.
- ۴۷ - ویدی که: زن بر شوهر خود مسلط شود، و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست انجام می دهد، و به شوهرش خرجی می دهد.
- ۴۸ - ویدی که: مرد همسر و کنیزش را کرایه می دهد و به غذای پست (که از این راه بدست می آورد) خشنود است.
- ۴۹ - ویدی که: سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.
- ۵۰ - ویدی که: آشکارا قمار بازی می شود.
- ۵۱ - ویدی که: مشروبات الکلی بطور آشکار بدون مانع خرید و فروش می شود.
- ۵۲ - ویدی که: زنان مسلمان خود را به کافر می بخشند.
- ۵۳ - ویدی که: کارهای زشت آشکار شده و هر کس از کنار آن می گذرد مانع آن نمی شود.

- ۵۴ - ویدی که: مردم محترم، توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند.
- ۵۵ - ویدی که: نزدیکترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگوئی به ما خانواده عصمت (علیهم السلام) ستایش شوند.
- ۵۶ - ویدی که: هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده وشهادتش را قبول نمی کند.
- ۵۷ - ویدی که: در گفتن سخن باطل ودروغ، با همدیگر رقابت کنند.
- ۵۸ - ویدی که: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است.
- ۵۹ - ویدی که: همسایه از ترس زبان بد همسایه، او را احترام می کند.
- ۶۰ - ویدی که: حدود الهی تعطیل شود وطبق هوی وهوس عمل شود.
- ۶۱ - ویدی که: مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود.
- ۶۲ - ویدی که: راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو است.
- ۶۳ - ویدی که: بدکاری آشکار شده وبرای سخن چینی کوشش می شود.
- ۶۴ - ویدی که: ستم وتجاوز شایع شده.
- ۶۵ - ویدی که: غیبت، سخن خوش آنها گردد، وبعضی بعض دیگر را به آن بشارت دهند.

- ۶۶ - ویدی که: حج و جهاد برای خدا نیست.
- ۶۷ - ویدی که: سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند.
- ۶۸ - ویدی که: خرابی بیشتر از آبادی است.
- ۶۹ - ویدی که: معاش انسان از کم فروشی بدست می آید.
- ۷۰ - ویدی که: خونریزی آسان گردد.
- ۷۱ - ویدی که: مرد بخاطر دنیایش ریاست می کند.
- ۷۲ - ویدی که: نماز را سبک شمارند.
- ۷۳ - ویدی که: انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است.
- ۷۴ - ویدی که: قبر مرده ها را بشکافند و آنها را اذیت کنند.
- ۷۵ - ویدی که: هرج و مرج بسیار است.
- ۷۶ - ویدی که: مرد روز خود را با مستی به شب می رساند و شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد.
- ۷۷ - ویدی که: با حیوانات آمیزش می شود.
- ۷۸ - ویدی که: مرد به مسجد (محل نماز) می رود وقتی بر می گردد لباس در بدن ندارد (لباسش را دزدیده اند).
- ۷۹ - ویدی که: حیوانات همدیگر را بدرند.
- ۸۰ - ویدی که: دلهای مردم، سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا بر ایشان گران است.
- ۸۱ - ویدی که: بر سر کسبهای حرام آشکارا، رقابت کنند.

- ۸۲ - ویدی که: نماز خوان برای خودنمائی نماز می خواند.
- ۸۳ - ویدی که: فقیه برای دین، فقه نمی آموزد و طالب حرام، ستایش و احترام می گردد.
- ۸۴ - ویدی که: مردم در اطراف قدرتمندانند.
- ۸۵ - ویدی که: طالب حلال، مذمت و سرزنش می شود و طالب حرام ستایش و احترام می گردد.
- ۸۶ - ویدی که: در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی کند، و هیچکس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی شود.
- ۸۷ - ویدی که: آلات موسیقی و لهو در مدینه و مکه آشکار گردد.
- ۸۸ - ویدی که: مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند ولی دیگران او را از این کار بر حذر می دارند.
- ۸۹ - ویدی که: مردم به همدیگر نگاه می کنند، (به اصطلاح چشم وهم چشمی می کنند) و از مردم بدکار پیروی نمایند.
- ۹۰ - ویدی که: راه نیک خالی و راه رونده ندارد.
- ۹۱ - ویدی که: مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.
- ۹۲ - ویدی که: سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود.
- ۹۳ - ویدی که: مردم و جمعیتها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.
- ۹۴ - ویدی که: به فقیر چیزی دهند که برایش بخندند ولی در راه غیر خدا ترحم کنند.

۹۵ - ویدی که: علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.

۹۶ - ویدی که: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بجا می آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی کند.

۹۷ - ویدی که: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.

۹۸ - ویدی که: عقوبت پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند، بلکه نزد فرزند از همه بدترند.

۹۹ - ویدی که: زنها بر مسند حکومت بنشینند، و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.

۱۰۰ - ویدی که: پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد.

۱۰۱ - ویدی که: اگر روزی بر مردی بگذرد ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشی، وزشتی انجام نداده، ناراحت است.

۱۰۲ - ویدی که: قدرتمندان، غذای عمومی مردم را احتکار کنند.

۱۰۳ - ویدی که: اموال حق خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) (خمس) در راه باطل تقسیم گردد، و با آن قماربازی و شرابخواری شود.

۱۰۴ - ویدی که: به وسیله شراب، بیمار را مداوا کنند، و برای بهبودی بیمار آن را تجویز نمایند.

- ۱۰۵ - ویدی که: مردم در مورد امر به معروف ونهی از منکر و ترک دین بی تفاوت ویکسانند.
- ۱۰۶ - ویدی که: سرو صدای منافقان بر پا است ولی سرو صدای حق طلبان خاموش است.
- ۱۰۷ - ویدی که: برای اذان ونماز مزد می گیرند.
- ۱۰۸ - ویدی که: مسجدها پر است از کسانی که از خدا ترسند و غیبت هم نمایند.
- ۱۰۹ - ویدی که: شرابخوار مست، پیش نماز مردم شود.
- ۱۱۰ - وقتی که دیدی: خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند.
- ۱۱۱ - ویدی که: قاضیان برخلاف دستور خداوند قضاوت کنند.
- ۱۱۲ - وقتی دیدی که: استانداران از روی طمع، خائن را امین خود قرار دهند.
- ۱۱۳ - ویدی که: فرمانروایان، میراث (مستضعفان) را در اختیار بدکاران از خدا بی خبر قرار دهند.
- ۱۱۴ - ویدی که: بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.
- ۱۱۵ - ویدی که: صدقه را با وساطت دیگران بدون رضای خدا و بخاطر درخواست مردم بدهند.
- ۱۱۶ - وقتی که دیدی: وقت (اول) نمازها را سبک بشمارند.
- ۱۱۷ - ویدی که: هم وهدف مردم، شکم وشهوتشان است.
- ۱۱۸ - ویدی که: دنیا به آنها روی کرده.

۱۱۹ - ویدی که: نشانه های برجسته حق، ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجات بدهد... (۹۷).

البته باید توجه داشت، که این نشانه ها هم اکنون در دنیای غرب، در اروپا و آمریکا و حتی بعضی از کشورهای آفریقا و آسیا وجود دارد، شکر خدا را که به برکت انقلاب اسلامی در ایران، از بسیاری از این گناهان جلوگیری شده و می رود که از همه جلوگیری شود و زمینه سازی برای ظهور امام قائم (عج) گردد.

۱۱- خروج سید حسنی ویمانی

از جمله علائمی که در آستانه ظهور امام قائم (عج) رخ می دهد خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آنحضرت است، اینک توضیح آن:

سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم (۹۸) وقزوین خروج می نماید و با صدای بلند فریاد کند که به فریاد رسید آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را که از شما یاری می طلبند و این سید حسنی ظاهراً از اولاد حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) باشد و دعوی بر باطل ننماید و دعوت بر نفس خود نکند بلکه از شیعیان خُلص ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) و تابع دین حق باشد و دعوی نیابت و مهدویت نخواهد نمود و لکن مطاع و بزرگ و رئیس خواهد بود و در گفتار و کردار موافق است با شریعت مطهره حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله وسلم) و در زمان خروج او کفر

و ظلم، عالم را فرا گرفته باشد و مردم از دست ظالمان و فاسقان در اذیت باشند و جمعی از مؤمنین نیز مستعد باشند از برای ظلم ظالمین، و در آن حال سید حسنی استغاثه نماید از برای نصرت دین آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پس مردم او را اطاعت نمایند خصوصاً گنجهای طالقان که از طلا و نقره نباشند بلکه مردان شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل که بر اسبهای اشهب سوار باشند، در اطراف او جمع گردند و جمعیت او زیاد شود و مانند سلطان عادل در میان ایشان حکم و سلوک نماید و کم بر اهل ظلم و طغیان غلبه نماید و از مکان و جای خود تا کوفه زمین را از لوث وجود ظالمین و کافران پاک کند و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجه الله مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است پس سید حسنی با اصحاب خود خدمت آنحضرت مشرف می شوند و از آنحضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیاء (علیهم السلام) را می نمایند، حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: بخدا سوگند که آن جوان آنحضرت را می شناسد و می داند که او بر حق است و لکن مقصودش این است که حقیقت او را بر مردم و اصحاب ظاهر نماید، پس آنحضرت دلائل امامت و مواریث انبیاء (علیهم السلام) از برای او ظاهر نماید، در آن وقت سید حسنی و اصحابش با آنحضرت بیعت خواهند نمود مگر خیلی از اصحاب او که ۴۰۰۰۰۰ از زیدیه باشند که مصحف ها و قرآن در گردن ایشان حمایل است و آنچه

مشاهده نمودند از دلائل و معجزات آن را حمل بر سحر نمایند و گویند این سخنان بزرگی است و اینها همه سحر است که به ما نموده اند، پس امام قائم (عج) آنچه آنان را نصیحت و موعظه نماید و آنچه از معجزات بیاورد در آنها تأثیر نخواهد کرد، تا سه روز ایشان را مهلت می دهد و چون موعظه آنحضرت را که حق است قبول ننمایند امر می فرماید که گردنهای ایشان را بزنند و حال ایشان شبیه است به حال خوارج نهروان که در لشکر امام علی (علیه السلام) در جنگ صفین بودند (۹۹).

یمانی نیز از رهبران بر حق است که به حمایت از مهدی (عج) خروج می کند، امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود: سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و در یک شهر و در یکروز خروج می کنند و هیچ پرچمی مانند یمانی، به هدایت نزدیکتر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند (۱۰۰).

۱۲ - سفیانی و دجال کیستند؟

در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه های دیگری نیز بروز می کند از جمله خروج سفیانی و دجال (۱۰۱) است سفیانی از جانب شام، بر می خیزد (۱۰۲).

و افراد دیگری نیز که تا ۳۰ یا ۶۰ کذاب در روایات ذکر شده است (۱۰۳)، اینها همه پرچم مخالفت بر می افروزند و سرانجام بدست یاران مهدی (عج) و به رهبری آنحضرت شکست می خورند و به هلاکت می رسند، از جمله از شکست خوردگان گروه ۱۰۰۰۰

نفری «بتریه» است که در مسیر کوفه با سپاه قائم (عج) جنگ کنند و همگی به هلاکت می رسند، امام در کوفه کاخهای ستمگران را ویران می سازد و همه منافقین توطئه گر بدست یاران مهدی (عج) به هلاکت می رسند (۱۰۴).

در وصف سفیانی آمده که او از نسل ابوسفیان است از پلیدترین مردم، سرخ مایل به زرد رنگ است (در ظاهر مقدس مآبی می کند) و ذکرش این است:
یا رَبِّ، یا رَبِّ، یا رَبِّ،

سرانجامش دوزخ است، آنقدر پلید است که کنیزش را که از او بچه دار شده زنده به گور می کند (۱۰۵).

و به نقل دیگر امام باقر (علیه السلام) فرمود: در شام سه گروه دارای پرچم، خروج می کنند: اصبه، ابقع و سفیانی (۱۰۶).
به هر حال سفیانی پلید با دار و دسته اش بر ضد حضرت مهدی (عج) قیام می کند.

مهدی (عج) به مردم فرمان می دهد به جنگ این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزید.

سپس خود حضرت مهدی (عج) همراه مسلمانان برای جنگ با سفیانی از مکه به شام رفته و در شام با او می جنگد سرانجام سفیانی و دار و دسته اش، شکست می خورند و سفیانی زیر درخت بغوطه دمشق به هلاکت می رسد (۱۰۷).

و در بعضی از روایات آمده: ارتش و طرفداران او برای جنگ با

مهدی (عج) به مکه می روند، وقتی که در راه به سرزمین «بیداء» رسیدند، بقدرت الهی مسخ می گردند و یا در زمین فرو می روند (۱۰۸).

کوتاه سخن آنکه:

«سفیان» یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنمی است که با ویژگیهای خاص با انقلاب جهانی مهدی (عج) مخالفت می کند و شکست می خورد (۱۰۹).

اما در مورد دجال باید گفت: او نیز یک طاغوت حيله گر دیگر است.

طبق نقل امام صادق (علیه السلام)، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در ضمن خطبه طولانی فرمود:

«حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدس می آیند و در آنجا بین آنحضرت با دجال و ارتش دجال جنگ واقع می شود، دجال و ارتشش مفتضحانه شکست می خورند، بطوریکه از اول تا آخر آنها به هلاکت می رسند و دنیا آباد می شود و حضرت مهدی، عدالت و قسط را در جهان پیا می دارد.

طبق روایتی: آنحضرت دجال را در کُناسه کوفه به دار می زند» (۱۱۰).

خروج دجال در روایات اهل تسنن و در تورات و انجیل نیز آمده است.

اوصاف و ویژگیهای او نیز در روایات ذکر شده (۱۱۱).

به هر حال آنحضرت، دجال یعنی آن طاغوت حقّه باز و پرتزویر را نیز که به جنگ مهدی (عج) بر می خیزد شکست می دهد و طبق بعضی از روایات، آنحضرت، حضرت عیسی (علیه السلام) را در کشتن دجال در سرزمین فلسطین کمک می کند (۱۱۲).
آری رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود:

«بدانکه فرزندم از کسانی که به تو و شیعیان تو ستم کردند در دنیا انتقام می گیرد، و خداوند در آخرت آنها را عذاب می نماید.
سلمان پرسید: او کیست؟

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: او نهمین فرزند حسین (علیه السلام) است که پس از غیبت طولانی ظاهر می شود و فرمان خدا را اعلام می کند و دین خدا را آشکار می سازد و از دشمنان خدا انتقام می گیرد و سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می نماید» (۱۱۳).

ضمناً روشن شد که رهبران مخالف دیگر نیز، طاغوتها یا طاغوتچه هایی دیگر روی زمینند.

۱۳ - نشانه های خود حضرت چیست؟

پاسخ:

مقداری از نشانه های قائم (عج) در ضمن این کتاب آمده است، ولی در اینجا نیز به چند نشانه اشاره می کنیم:
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«امامت اَمّت (۱۱۴) صلاح نیست مگر برای شخصی که دارای سه خصلت باشد:

- ۱ - سزاوارترین مردم به امام قبل.
 - ۲ - اسلحه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در نزد او باشد.
 - ۳ - امام سابق، او را به طور آشکار، وصی خود کرده باشد» (۱۱۵).
- ابا صلت هروی گوید: به حضرت رضا (علیه السلام) عرض کردم نشانه قائم (عج) در وقت خروج چیست؟
- فرمود: «او در سن پیران است ولی سیمای جوان دارد، ناظران به او گمان می برند که چهل سال یا کمتر دارد، او با مرور شب و روز پیر نمی شود تا پایان عمرش فرا رسد» (۱۱۶).
- مرحوم صدوق (رحمه الله) از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند:
- «نخستین سخنی که حضرت مهدی (عج) پس از قیام خود می فرماید این است:
- «من بقیة الله و حجت خدا بر شما هستم»
- سپس هیچکس بر او سلام نمی کند مگر اینکه می گوید:
- اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِیَّةَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ:
- سلام بر تو ای بقیه (ذخیره بادوام) خدا در زمین خدا» (۱۱۷).
- قبلاً گفتیم امام قائم (عج) در تمام جهات شباهت به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) دارد حتی در قیافه و روش و خصوصیات.
- نیز امام باقر (علیه السلام) فرمود:
- «در مکه تعداد بیعت کنندگان به ۱۰۰۰۰ نفر می رسند، و در سراسر

زمین معبودی جز خدا یافت نمی شود و همه معبودهای باطل، آتش می گیرند...» (۱۱۸).

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«شب ۲۳ ماه رمضان ندا بنام امام قائم (عج) بلند شود، و آنحضرت در روز عاشورا که در آن امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، قیام کند، گویا روز شنبه دهم محرم را می نگرم که آنحضرت بین حجرالاسود و مقام ابراهیم (علیه السلام)، در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است، اعلام بیعت می شود که همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکه آیند و با او بیعت کنند، زمین برای آنها در نور دیده می شود (که زودتر برسند)، پس آنگاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند» (۱۱۹).

۱۴ - آیا این پیش بینی قابل اجراء است؟

می پرسند:

آیا چنین پیش بینی برای آینده در مورد مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) از نظر طبیعی و اجتماعی (با توجه به شرایط زمان در همه کشورها)، قابل عمل و یا دست کم امکان پذیر است؟!

پاسخ:

سیر تکاملی بشر که در همه جهان مشاهده می شود، بخصوص سیر تکاملی اجتماعی و علمی در میان انسانها، نوید برقراری حکومت مصلح واحد را در آینده به روشنی به ما خبر می دهد.

از سوی دیگر همه دستگاههای آفرینش به سوی تکامل گام بر می دارند، و ما که جزئی از آفرینش هستیم، اقتضای هماهنگی و همدوشی با آفرینش الزام می کند که انسانها نیز به سوی یک تکامل بزرگ که در سایه یک حکومت الهی تحت رهبریهای مردی بزرگ و عادل برقرار می شود گام بردارند و به نتیجه برسند. بعلاوه ضرورتهای اجتماعی، و واکنشهایی که همه روزه در گوشه و کنار جهان در برابر ظلم و تعدی پیدا می شود به نوبه خود نیز پله های تکاملی به سوی وحدت جهانی تحت حکومت مصلح جهانی را مژده می دهند.

در اینجا اضافه می کنیم که در فطرت و اعماق وجدان و نهاد انسانها، عدالت خواهی و صلح و صفا و مبارزه با ظلم و هرگونه فساد و تعدی سرشته شده است، و این عامل نیز خواه ناخواه به طور طبیعی و خودجوش، انسانها را به برقراری چنین حکومت ایده آل و چنین نظام بهشتی و سراسر صفا سوق می دهد و سرانجام در این سیر، توفیق دستیابی به چنین نظامی را پیدا خواهد کرد، تا از نظامهای جهنمی رهایی یابد.

بنابر این: چنین پیش بینی از نظر طبیعی و جامعه شناسی، هم قابل پیش بینی است و هم امکان پذیر است، و هم عملی است. فراز و نشیبهای تاریخ بشر در مسیر طولانی خود شواهد بسیاری را برای جهش و پیروزی در انقلابها و طرحهای بسیار برای زندگی بهتر از نظر روحی و جسمی در آینده که همه را می توان پله هائی برای

دستیابی به انقلاب عظیم جهانی مصلح کل در طول تاریخ بحساب آورد نشان می دهد.

ما این مطلب را در مقایسه با هزاران سال قبل که چگونه بشر در رشته های بسیار علمی و اقتصادی و اجتماعی به پیش رفته به خوبی می توانیم درک کنیم.

۱۵ - آیا امام مهدی برقرار کننده اسلام است؟

می پرسند:

طبق بعضی از روایات مانند: روایت امام صادق (علیه السلام) که فرمود:

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَأْتِي بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ؛

هنگامی که قائم (عج) نهضت می کند، فرمان نو و کتاب نو و روش نو و دادگاه نو می آورد» (۱۲۰).

آیا با توجه به این روایت، آئین و دینی که امام قائم (عج) برقرار می کند دین دیگر (جدید) غیر از اسلام نیست؟!

پاسخ:

تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی (عج) یک دگرگونی اساسی است نه روبنائی، از این روجامعه خیال می کند چیز جدیدی غیر از اسلام است.

به عبارت دیگر: پیرایه هایی که در طول تاریخ اسلام توسط زمامداران نالایق و دیگران به اسلام بسته اند، اسلام را طوری کرده،

که اگر امام (علیه السلام) آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار سازد مردم عوام خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است نه اسلام، در صورتی که اسلام واقعی همین است. آری در طول تاریخ اسلام، نفوذ اندیشه های بیگانه در اسلام و تجدد گرایی افراطی مسلمین ورخنه فرصت طلبان و داخل کردن طرحهای مبهم به عنوان طرح اسلامی در میان اسلام و تحریفات گوناگون و... اسلام را مسخ خواهد کرد در این صورت اگر امام قائم (عج) حقیقت اسلام را آشکار می سازد، مردم خیال می کنند مکتب جدید و روش جدید و دادگاه جدیدی غیر از اسلام به میان آمده است.

در اینجا برای تکمیل این موضوع به روایت زیر توجه فرمائید: یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) گوید: از آنحضرت پرسیدم روش حضرت مهدی (عج) چگونه است؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ، يَهْدُمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيُسْتَأْنَفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛

همان روش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را انجام می دهد، روشهای باطل قبل را ویران می کند، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین کرد و اسلام را نو سازی و تکمیل می نماید» (۱۲۱). بنابراین، انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است، منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر.

ابو بصیر (رحمه الله) یکی از یارن امام صادق (علیه السلام) گوید: از آن حضرت پرسیدم مرا از سخن امیر مؤمنان (علیه السلام) خبر بده که فرمود:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ بُدِءَ غَرِيبًا وَسَيُعُودُ كَمَا بُدِءَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛

اسلام در آغاز غریب بود و بزودی همچون آغاز غریب خواهد شد، خوشا به سعادت غریبان».

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فرمود:

«وقتی که امام قائم (عج) قیام کند دعوت به اسلام را از نو شروع می کند، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دعوت را شروع کرد» (۱۲۲).

مطلب دیگر اینکه: حضرت قائم (عج) خودش نور و منطق گویا برای جهانیان است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که قائم ما قیام کند، سراسر زمین بنور پروردگارش روشن می گردد:

وَأَسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛

و مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و تاریکی بطور کلی از بین می رود» (۱۲۳).

مرحوم ملا محسن فیض (رحمه الله) در حاشیه تفسیر خود گوید:

گویا منظور از بی نیازی سراسر زمین به نور خورشید و ماه، بی نیاز شدن از برهان و دلیل ساطع است چرا که خود وجود امام کافی

است ودلها ومغزهای همه را نورانی وقبضه می کند با توجه به اینکه تمام علوم در زمان غیبت در محور برهان ودلیل است. ومطابق روایات: امام قائم (عج) با معتقدان به ادیان مختلف، مناظره واحتجاج می کند وبا توراتیان به تورات، با انجیلیان به انجیل وبا صحفیان به صحف وبا قرآنیان به قرآن و... همه آنها به حقانیت امام (علیه السلام) پی می برند وسوگند می خورند که تورات وانجیل وصحف وقرآن حقیقی همانست که امام (علیه السلام) به آنها نشان می دهد سرانجام آنها به اسلام حقیقی می گروند(۱۲۴).

در عین حال، با کمال قاطعیت به کتاب خدا قرآن، عمل می کند وهرگونه منکرات را نابود می سازد(۱۲۵).

وبرای برقراری حکومت جهانی قیام به شمشیر (نهضت نظامی) می کند، در حدی که بفرموده امام صادق (علیه السلام):

«إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَمَائَةً وَتِسْعَةً وَتِسْعِينَ؛

وقتی که امام زمان (علیه السلام) قیام به شمشیر می کند (از منحرفان وطاغوتیان وتوطئه گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت می رساند»(۱۲۶).

۱۶ - ادعای مهدویت وآمدن آن حضرت چیست؟

پاسخ:

به نظر نگارنده موضوع مدعیان مهدویت، وقول به آمدن مهدی (عج) ورفتنش بقدری مضحک است که اصلاً قابل بحث نیست وهیچگونه با قرآن وروایات اسلامی تطبیق نمی کند، چنانکه با

خواندن این کتاب و مقایسه مطالب آن با وضع زمان، به آن پی می برید.

تنها به این مطلب اشاره می کنیم که استعمارگران شرق و غرب برای اینکه ثروت بی حساب مشرق زمین را برای خود ببرند و چپاول کنند، واز طرفی حسّ مذهبی را در میان مردم این سرزمین ها، بسیار قوی دانستند با به وجود آوردن بابی گری و بهائی گری و قادیانی گری و... خواستند در صفوف مسلمانان اختلاف ایجاد کنند و تفرقه بیندازند و به هدف شوم خود برسند و در این راه گرچه نتیجه مطلوب نگرفتند، اما ضربه های بسیار وارد کردند، عرض خود را بردند، اما مسلمانان را در بعضی نقاط به زحمت انداختند، امید آنکه، مسلمانان با هوشیاری بیشتر، ماهیت استعمارگران و توطئه های آنها را بشناسند. و متوجه باشند که آنها از راه عقائد مذهبی مردم را فریب ندهند (۱۲۷).

۱۷ - امام مهدی در برابر قدرتهای تخریبی

می پرسند:

بر همگان روشن است که روز بروز بر کیفیت و کمیت سلاحهای مدرن از موشکهای قاره پیما گرفته تا بمبهای اتمی و هیدروژنی افزوده می شود، و این وسائل در دست استکبار جهانی است، آیا امام زمان (علیه السلام) می تواند در برابر این قدرتها ایستادگی کند و جهان را تحت حکومت خود آورد؟

پاسخ:

اولاً:

اگر از راه اعجاز، نه امور عادی مسأله را بررسی کنیم، که پاسخ سؤال آسان است، چرا که امدادهای غیبی و قدرت مطلق خدا پشتیبان حضرت است و همه چیز را برای او یک شبه حل خواهد کرد، به این معنا که اسباب کار را از هر سو فراهم خواهد نمود. و اگر مسئله را از راه عادی و طبیعی بررسی کنیم، پاسخ سؤال فوق این است که مردم دنیا که از ظلم و جور و فساد به ستوه آمده و تشنه مصلح حقیقی هستند، وقتی که ندای چنین مصلحی به گوششان رسید، خودبخود به سوی او جذب می شوند و همه امکانات خود را در اختیار این مصلح قرار می دهند، البته در این صورت هم، امدادهای غیبی به کمکشان خواهد شتافت.

با توجه به امکانات عظیم دنیای اسلام از نظر اقتصادی، نیروی انسانی، جغرافیائی و استراتژیکی که در مراحل اول به امام (عج) می پیوندند و منافع اولیه دنیای استکبار را در اختیار امام (علیه السلام) قرار می دهند، مسأله به راحتی حل خواهد شد.

مثال کوچکش پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در سرزمین خود ما بود که مردم با رهبری صحیح با مشتهای خالی همه اسلحه های مدرن و پیچیده را در اختیار خود در آوردند، و غول شاهنشاهی را سرنگون نمودند و مشابه این مسئله در دنیا کم نیست مانند: فروپاشی غول کمونیسم در شوروی سابق و نقاط دیگر.

۱۸ - رجعت چیست؟

آیا مردان شایسته پس از مرگ، در عصر حکومت مهدی (عج) زنده خواهند شد؟ و در صف یاران آنحضرت قرار می گیرند؟
پاسخ:

رجعت از دیدگاه تشیع یعنی خداوند عده ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا بر می گرداند، به گروهی از آنان عزّت می دهد و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حق مظلومان را از ستمگران می گیرد و این جریان پس از قیام مهدی (عج) به وقوع می پیوندد.

با توجه به اینکه زنده شدگان کسانی هستند که در حد اعلای ایمان و یاد در حد اعلای کفر و فسادند، پس از مدتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان، دوباره می میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کاملتر زنده می شوند.

در قرآن آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارد از جمله آیه ۱۰ سوره مؤمن و ۲۶۰ سوره بقره و....

روایات هم در این باره به حدّ تواتر (بسیار که موجب علم است) به ما رسیده است (۱۲۸).

در مورد حضرت ولی عصر (عج) در روایات آمده؛ آن حضرت پس از ظهور، عده ای از ظالمان را به اذن خدا از قبرها بیرون می کشد و به اذن خدا زنده می کند و مجازات می نماید.

او یگانه منتقم خون امام حسین (علیه السلام) است چنانکه در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بَدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ
وَأَفْتَرَى...»

کجاست طالب خون حسین (علیه السلام) که در کربلا کشته شد؟
کجاست آن یاری شده تا یاری کند کسانی را که حقشان پایمال
شده است.

از طرفی در روایات می خوانیم: نواده های قاتلان حسین (علیه
السلام) را به خاطر کار پدران ظالم شان می کشد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هنگام قیام امام مهدی (عج) در قبرش
خوشحال می شود» (۱۲۹).

و نیز فرمود:

«هنگام رجعت کسانی که مؤمن خالص و کافر خالص هستند زنده
می شوند و به دنیا بر می گردند» (۱۳۰).

و نیز فرمود:

«در پشت کوفه (نجف) ۲۷ مرد از هدایت شدگان، و از بزرگان
اصحاب زنده شده و به امام ملحق می شوند» (۱۳۱).

وقتی که قائم (عج) قیام کرد خداوند همه اذیت کنندگان به

مؤمنین را زنده می کند تا به مجازات دنیوی برسند و به داد مؤمنان
نیز برسد.

و به یکی از یارانش به نام مفضل (رحمه الله) فرمود: تو و چهل و چهار
نفر مرد دیگر با قائم (عج) هستید (۱۳۲).

به این ترتیب می بینیم رجعت مؤمنان مخلص و کافران محض، در زمان حضور حضرت قائم (عج) مسلم است. ضمناً ناگفته نماند که کشتن نواده های قاتلان امام حسین (علیه السلام) با اینکه خودشان در قتل آنحضرت شرکت نداشتند، طبق روایات بخاطر رضایت آنها از ظلم پدرانشان است. و نیز در عصر رجعت، پس از امام قائم (عج)، ائمه دیگر به دنیا بر می گردند و یکی پس از دیگری حکومت می کنند، حتی وقتی حضرت قائم (عج) از دنیا رفت امام حسین (علیه السلام) او را غسل می دهد (۱۳۳).

۱۹ - شخص پنج ساله چگونه امام می شود؟

می پرسند:

حضرت قائم (عج) هنگام شهادت پدر در سال ۲۶۰ هجری قمری پنج سال داشت و پس از پدر امام بر مردم بود، آیا یک نفر پنجساله می تواند امامت کند؟

پاسخ:

اگر کودکی، بخاطر استعدادهای فوق العاده که خدا به او داده، در اوج کمال بود، چه مانعی دارد امام مردم شود، مانند حضرت عیسی (علیه السلام) که به فرموده قرآن در سن کودکی، پیغمبر و حجّت خدا شد و مانند بوعلی سینا و امثال او (۱۳۴).

و در دنیا گاهی کودکان استثنائی و نابغه بسیارند مانند: «سید محمد طباطبایی قمی» در عصر ما که در پنج و نیم سالگی حافظ همه قرآن

شد، و هم اکنون (۱۳۵) که حدود هفت سال دارد، دروس حوزوی را می خواند، و آن چنان بر معانی آیات قرآن، مسلط است، که در گفتگو، با آیات قرآن سخن می گوید و به سؤالات جواب می دهد (۱۳۶).

و مانند توماس یونگ و امثال او که در دو سالگی خواندن و نوشتن را می دانست و در هشت سالگی به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت (۱۳۷) بسیارند و اینها حکایت از آن می کند که چنین چیزی محال نیست وقتی محال نبود قدرت خدا به آن تعلق خواهد گرفت.

ما امامان دیگری مانند امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) نیز داریم که قبل از بلوغ به امامت رسیده اند.

۲۰ - چرا این همه سخن از مهدی می پرسند؟

چرا از حضرت مهدی (عج) آنهمه سخن به میان آمده، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و همه ائمه (علیهم السلام) در فرصتهای مختلف از آنحضرت سخن گفته اند، حتی به جزئیات و شمائل و خصوصیات مربوط به آنحضرت تصریح کرده اند... که درباره هیچیک از ائمه (علیهم السلام) چنین نیست؟

پاسخ:

این همه توجه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان (علیهم السلام) به حضرت مهدی (عج) و ذکر ویژگیهای شخص آنحضرت و قیام او... به خاطر چند جهت است:

۱ - مردم در طول زمان، خود را آماده ظهور آنحضرت کنند و با داشتن هدف مشخص، دنبال آنحضرت را بگیرند تا حکومت جهانی از دست استکبار جهانی بیرون آید و بدست صالحان قرار گیرد و این کار با نهضت‌های اسلامی عمیق و پی گیر قابل اجرا است.

۲ - ذکر خصوصیات برای آن است که افراد دروغگو که از معتقدات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و در طول تاریخ خود را همان مهدی موعود خوانده اند، شناخته شوند و رسوا گردند.

۳ - اهمیت مهدی (عج) و انقلابش که امید همه در همه جهان و تاریخ است، نیز عاملی است که قبل از ظهورش از آنحضرت سخن بسیار به میان آید و قلبها و روحها بنام نامی آنحضرت سرشار از امید و توجه به آینده روشن گردد، و مؤمنان و مستضعفان بدانند که خداوند آنها را به خودشان واگذار نکرده، آنها حجت برحق دارند، رهبری معصوم، پشتیبان آنها است، با چنین پشتیبانی از هیچ چیز و هیچکس نهراسند و تحت رهبری او به پیش روند.

و در طول زمان غیبت، با توجه به اوصاف او، دریابند که چه کسی می تواند به نیابت عام آنحضرت، زمام امور و رهبری را بدست گیرد، دریابند که باید نزدیکترین فرد به این خصوصیات و اوصاف، بر مسند نیابت عام آنحضرت بنشیند و به عنوان ولایت فقیه مردم را رهبری کند.

اما اگر این خصوصیات ذکر نمی شد و اینهمه اهمیت به آن داده نمی شد، مردم در بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی و معنوی، راه را

گم می کردند و از صراط مستقیم به سوی شرق و غرب پناه می بردند.

۲۱ - تکذیب ملاقات با امام زمان، چرا؟

می پرسند:

با اینکه طبق روایات کسانی را که مدّعی دیدار امام زمان (عج) هستند باید تکذیب کرد پس چرا به ذکر نمونه هایی از دیدار کنندگان، در این کتاب یا در کتابهایی مانند: بحار الأنوار، اثبأ الهداء و کشف الغمه و... پرداخته شده است؟

پاسخ:

نظر به اینکه: مدّعیان در بسیاری از مواقع، می خواهند با این ادّعا سوء استفاده کنند، چنانکه در تاریخ مکرر دیده شده است. و نظر به اینکه در بعضی از موارد در زمانهای معاصر امامان (علیهم السلام) و نزدیک به آن، برای حفظ جان، تقیه واجب بوده است و اگر کسی چنین ادّعائی می کرد در مخاطره قرار می گرفت. و امور دیگر که بر ما پنهان است موجب آن شده که ائمه (علیهم السلام) دستور داده اند که هر کس گفت: من امام زمان (علیه السلام) را دیده ام، او را تکذیب کنید، و یا اینکه تکذیب مربوط به احکام است، یعنی کسی که حکمی از اسلام را از امام زمان (علیه السلام) نقل کند او را قبول نکنید.

وانگهی داستان دیدار کنندگان نوعاً بعد از مرگشان آشکار شده است، به هر حال اگر سوء استفاده و تقیه و آثار سوء و یا عوامل

مهمتری در کتمان نباشد، اظهار آن ظاهراً بی مانع خواهد بود (والله أعلم).

۲۲ - قسط و عدل چیست؟

می پرسند:

در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بطور تواتر (بسیار) آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می کند آنچنانکه پر از ظلم و جور شده است (۱۳۸).

منظور از «قسط» و «عدل» و فرق بین این دو چیست؟ پاسخ:

واژه «قسط» بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می رود، که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد (۱۳۹) که در مقابل جور قرار گرفته است، ولی عدل یک معنی عامی دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقائد و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد، که در مقابل ظلم است.

توسعه عدل و داد در حدی است که طبق بعضی از روایات نخستین گامی که امام قائم (عج) پس از خروج برمی دارد این است که سخنگوی آنحضرت به جهانیان اعلام می کند:

کسانی که می خواهند حج مستحب بجای آورند، حجرالاسود و محل طواف را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار

نمایند (۱۴۰) ضمناً این روایت حاکی از هجوم زیاد مسلمین برای برگزاری حج است، برآستی چقدر دامنه عدالت گسترش می یابد؟

«قسط» و «عدل» هر دو بسیار مهم هستند، ولی رعایت «قسط» بخصوص در حکومت اسلامی جای خاصی دارد، مثلاً در اسلام باید بیت المال بطور تساوی در بین مستعین، توزیع گردد، شیوه امام علی (علیه السلام) چنانکه بخوبی در گفتارش در نهج البلاغه پیداست، همین بوده است، داستان آهن گداخته در رابطه با برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده، شاهد گویائی بر این مطلب است این همان قسط است.

و در خطبه ۱۲۶ می فرماید:

«... وَلَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ؛

اگر مال از شخص من بود، آنرا بطور مساوی تقسیم می کردم، تا چه رسد به اینکه مال، از آن خدا است».

از دیدگاه فقه اسلامی نیز مسئله چنین است، عالم بزرگ شیخ طوسی (ره) در کتاب «خلاف» (باب العین وقسمه الغنیمه) در مسأله ۴۴ گوید:

در بیت المال، بین مردم بخاطر شرافت و یا سابقه بیشتر در اسلام و یا دانش وزهد، فرقی نباید گذاشت و شیوه امام علی (علیه السلام) همین بود... سپس می گوید: اسم بیت المال، مطلق است و شامل همه مردم می شود.

محقق عالیقدر صاحب جواهر (رحمه الله) در جلد ۱۶ نیز همین نظر را بیان می کند.

آری در پاره ای از موارد بخاطر امور استثنائی، به بعضی بیشتر داده می شود، مثلاً در غنائم جنگی که یکی از منابع درآمد بیت المال

است به جنگجویان پیاده یک سهم و به جنگجویان سواره دو سهم و به جنگجویانی که از یک اسب بیشتر دارند، سه سهم داده می شود، ولی این فرق به خاطر مخارج خوراک آن اسبها است، و حاکی از تبعیض در تقسیم بیت المال نیست. ناگفته نماند که منابع بیت المال متعدد است:

۱ - زکاة

۲ - خمس

۳ - انفال (غنائم جنگی جزء انفال است).

۴ - جزیه (که از اهل کتاب گرفته می شود).

۵ - خراج؛ مقدار مالی که طبق قرارداد حکومت اسلامی و کارکنان زمین از محصول زمین یا قیمت آن گرفته می شود، آنهم باید از اراضی خراجیه یعنی از زمینهایی که مسلمین به اذن امام معصوم (علیه السلام) با قهر و غلبه یا از روی مصالحه از کفار گرفته اند باشد.

۶ - فیئی (به معنی بازگرداندن است) و منظور اموالی است که بدون زحمت از کفار بازگردانده شده و در اختیار مسلمین قرار می گیرد، که طبق آیه ۶ و ۷ سوره حشر این اموال مال خدا و رسول و بستگان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه خدا است، بنابراین فرق است بین فیئی و غنائم جنگی.

(باید توجه داشت که در آمد فیئی، داخل در بیت المال نیست و اختیارش در دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و بعد از آنحضرت در اختیار بستگان آنحضرت است و در زمان غیبت با ولی

فقیه است تا به مصرف تعیین شده برساند).
به هر حال قسط اسلامی که تقسیم و توزیع عادلانه بیت المال است بدون هیچگونه تبعیضی، در عصر حکومت درخشان امام عصر (عج) در اختیار مستحقین قرار می گیرد (۱۴۱) و به این ترتیب امر توزیع که از مهمترین و پیچیده ترین شاخه های اقتصادی است بنحو عادلانه و احسن صورت می گیرد و از شکاف عمیق طبقاتی جلوگیری می نماید.

امروز امر توزیع ثروت در دنیا بقدری مفتضحانه است که مثلاً در بعضی از کشورهای آفریقائی، مردم دسته دسته از گرسنگی می میرند ولی در آمریکا و اکثر کشورهای غربی هزاران دلار خرج ماهیانه سگ خانه شان می نمایند، با توجه به اینکه این دلارها و منابع آنها را از همین کشورهای ضعیف، مثل زائو مکیده و برده اند. مسلمانان منتظر امام قائم (عج) باید هم اکنون در جهان، این زمینه را به وجود آورند، یعنی دست استعمارگران و غارتگران جهانی را کوتاه کنند و ثروتهای کلان خود را برای خود نگهدارند تا قسط و عدل اسلامی که از اهداف مهم امام عصر (عج) است کم کم جامه عمل بپوشد و مستضعفان در فکر و عمل و در اقتصاد و توزیع و... بر سر کار آیند و به حقشان برسند.

۲۳ - آیا قیام امام مهدی مسلحانه است؟

پاسخ:

امام قائم (عج) همچون پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)

نخست اعلان دعوت می کند و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می رساند، در این میان عده ای دعوتش را می پذیرند ولی عده ای دیگر کارشکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت بر می خیزند، امام (علیه السلام) در برابر اینها، قیام مسلحانه می کند. در حدیثی امام جواد (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که ۳۱۳ نفر یاران خاص امام قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد (یعنی ظهور می کند) و وقتی که این تعداد به ۱۰۰۰۰ نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلحانه می کند (خروج می نماید)» (۱۴۲).

۲۴ - منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت چیست؟

می پرسند:

در قرآن آمده: ابلیس (پدر شیاطین) به خدا عرض کرد: خدایا مرا تا روز قیامت مهلت بده خداوند فرمود: به تو تا روز وقت معلوم مهلت داده می شود (۱۴۳).

از این تعبیر معلوم می شود در خواست شیطان، اجابت نشده است، و طبق فرموده امامان (علیهم السلام) منظور از روز وقت معین وقت ظهور امام قائم (عج) است، بنابر این آیا شیطان در این وقت کشته می شود و یا می میرد؟

پاسخ:

ما در روایات می خوانیم شخصی در مورد جمله «یوم الوقت المعلوم» که در آیه مذکور آمده از امام صادق (علیه السلام) سؤال

کرد، امام (علیه السلام) فرمود:

وقتی که قائم ما (عج) ظهور کند و به مسجد کوفه بیاید، در این مسجد، شیطان به حضور آنحضرت می آید و زانو به زمین می زند و می گوید:

«يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ؛

ای وای از این روز».

آنگاه امام قائم (عج) موی پشانی شیطان را می گیرد و گردنش را می زند و او را به هلاکت می رساند، این روز وقت معلوم، (در آیه مذکور) است (۱۴۴).

بنابر این شیطان کشته می شود، ولی در اینجا این سؤال پیش می آید، پس دیگر مردم، آزادی در اراده ندارند و همچون فرشتگان مجبور به اطاعت خدا خواهند شد؟

در پاسخ می گوییم: آزادی اراده و اختیار از انسانها گرفته نمی شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور در عصر درخشان حکومت مهدی (عج) نابود می گردد و بجای آن عقل و ایمان حکومت می کند، چنانکه در حدیثی دیگر نیز می خوانیم:

«در صحف ادریس پیامبر (علیه السلام) آمده: تو ای شیطان تا زمانی که مقدر کرده ام که زمین را در آن زمان از کفر و شرک و گناه پاک سازم، مهلت داده خواهی شد، ولی در این زمان (بجای تو) بندگان خالص و پاکدل و با ایمان روی کار آیند آنها را خلیفه

وحاکم زمین می کنم و دینشان را استوار می سازم، که آنها تنها مرا می پرستند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی دهند، در آنروز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره را نابود می نمایم» (۱۴۵).

به این ترتیب می فهمیم در آن زمان دیگر حنای شیطان و بچه هایش رنگ ندارد، و در برابر بندگان مخلص خدا به رهبری حضرت حجت (عج) همچون خفاشهایی در برابر خورشید تابناک عالمند، نتیجه می گیریم مرگ شیطان فرا رسیده است.

۲۵ - حکومت قائم و پیشرفت علم؟

می پرسند:

صنعت در ابعاد گوناگون روز بروز در حال ترقی و پیشرفت است، آیا در حکومت مهدی (عج) این پیشرفت صنعتی متوقف می شود و یا ادامه می یابد؟

پاسخ:

حکومت امام مهدی (عج) از متن اسلام راستین سرچشمه می گیرد و اسلام نه تنها با پیشرفت صنعت و هر علم دیگری که مانع کمال و رشد انسانها نمی گردد مخالف نیست، بلکه مؤید آن است. آری اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر در آیند، اسلام و حکومت امام مهدی (عج) شدیداً با آن مخالفت می کند. حکومت حضرت مهدی (عج) مؤید پیشرفتهای همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیت و آسایش و آزادی به کار

رود.

برای اینکه اوج پیشرفت زمان حکومت حضرت مهدی (عج) را دریابیم به دو روایت ذیل توجه فرمائید:

۱ - امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا أَقَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ؛

وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند شنوایی گوشها و بینائی چشمهای شیعیان ما را به گونه ای زیاد می کند که دیگر بین آنها و امام قائم (عج)، پیک پست نخواهد بود. یعنی آنها مستقیماً در هر کجا باشند با امام (علیه السلام) تماس می گیرند» (۱۴۶).

شاید بتوان گفت: این روایت از تلویزیونهای دو طرفه و دارای تلفن، سخن می گوید، و احتمال دارد که منظور، وسعت دید و اندیشه شیعیان در آن عصر باشد.

مطلب اول را روایت دیگری که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده تایید می کند:

«إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ؛

در عصر حکومت قائم (عج) مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که در غرب جهان است می بیند و به عکس مؤمنی که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است می بیند» (۱۴۷).

روشن است که: دیدن این چنین، حکایت از وجود صنایع پیشرفته می کند.

۲ - و در روایتی امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«ذوالقرنین (که شرحش در قرآن در اوائل سوره کهف آمده) در میان دو نوع ابر مخیر گردید او ابر آرام را برگزید و ابر دیگر که خشن و سرکش است برای صاحب شما (امام قائم (عج)) ذخیره شده است.

روایت کننده پرسید ابر خشن و سرکش چیست؟

فرمود: ابری است که همراه رعد و صاعقه یا برق است صاحب شما (امام قائم «عج») بر آن سوار می شود و در پله های آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه بالا می رود» (۱۴۸).

به این ترتیب می بینیم در این روایت اشاراتی به فضا پیمایهای بسیار سریع و تندرو که قدرت وصول به آسمانهای هفتگانه را دارند شده است، اینها و روایاتی از این قبیل ما را به پیشرفت عجیب صنعت در عصر حکومت حضرت مهدی (عج) رهنمون می سازد، البته صنعت مثبت نه منفی.

۲۶ - حکومت مهدی و تشریفات؟

می پرسند:

تشریفات و اسرافکاری در دنیای روز انسانها را خسته کرده و به زحمت انداخته است، بخصوص در دنیای غرب، مد و مدپرستی، همه زندگی آنها را گرفته و دیگر فکر و ذهن اکثر آنها جز به این امور، کشش

دیگر ندارد، آیا در زمان حکومت امام مهدی (عج) این گونه تشریفات برچیده می شود؟
پاسخ:

صد در صد مثبت است، در آن عصر، هرگونه اسراف و اتراف و تشریفات حرام است و در همه چیز سادگی و زهد و پارسائی که اساس پرواز در فضای معنویت است دیده می شود، چنانکه اسلام از اول این روش را آورده است.
در این مورد مفضل (رحمه الله) یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) گوید:

«در سفر حج، در مراسم طواف خانه کعبه در حضور امام صادق (علیه السلام) بودم، مرا دید و فرمود: ترا غمگین و رنگ پریده می بینم؟»

عرض کردم: فکرم در این باره مغشوش است که حکومت و سلطنت در دست زمامداران ستمگر عباسی است و همه امکانات و زرق و برق در اختیار آنهاست، اگر حکومت در دست شما بود ما هم به طفیل شما از آن بهره مند می شدیم.
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَاسَةُ اللَّيْلِ وَسِيَاحَةُ النَّهَارِ وَأَكْلُ الْجَشَبِ وَلَبَسَ الْخَشَنِ شَبَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَالْأَفْئَاتُ فَالْنَّارُ فَنَزَوِي ذَلِكَ عَنَّا فَصِرْنَا كُلُّ وَشْرِبُ وَهَلْ رَأَيْتَ ظِلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً؟»

اگر حکومت در دست ما بود، شبها به عبادت و نگهبانی و رسیدگی به پرونده های امور مردم و روزها به جهاد و تأمین نیازهای مردم می پرداختیم، و به خوردن غذای ساده و پوشیدن لباس خشن اکتفا می کردیم، همانند زندگی امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، در غیر این صورت سرانجام ما آتش دوزخ بود، اکنون که حکومت در دست ما نیست، ما به طور متعارف (نه ساده) می خوریم و می نوشیم، آیا مظلومیتی را دیده ای که خداوند آن را نعمت قرار داده باشد؟» (یعنی: اکنون که حکومت ما غصب شده، در لباس و خوراک و زندگی، راحت تر هستیم) (۱۴۹).

نظیر این روایت در گفتگوی امام صادق (علیه السلام) با مَعْلَى بن خُنَیس (رحمه الله) در روایات آمده است (۱۵۰).

۲۷ - آیا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم جایز است؟

پاسخ:

مشهور بین جمعی از محدثان و راویان آن است که تکلم به نام اصلی امام عصر (عج) حرام است ولی تلفظ به القاب آنحضرت مانند مهدی، حجت، قائم و... حرام نیست.

اینک این سؤال پیش می آید آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صغری بوده است همانگونه که علامه مجلسی (در جلد ۱۳ بحار، چاپ قدیم) از بعضی از علماء نقل کرده و یا در هر زمان و مکانی تا موقعی که حضرتش ظهور کند حرام است؟ و یا اینکه حرمت تلفظ نام مقدس آن حضرت بستگی به موارد خاصی مانند تقیه و ترس دارد

که اگر موارد ترس و تقیه نباشد جایز است؟
و آیا این مسئله اختصاص به آن بزرگوار دارد یا درباره سایر امامان
(علیهم السلام) نیز جاری است؟
دانشمند معروف شیعه، علامه عالیمقام شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل
الشیعه در آغاز و آخر بابی که به همین عنوان در کتاب مذکور
اختصاص داده (۱۵۱).

همین قول را انتخاب کرده که در مورد تقیه و خوف، تلفّظ بنام
آنحضرت حرام است و در غیر موارد تقیه و خوف حرام نیست (۱۵۲).
بررسی روایات این مسأله

ما در اینجا نخست به تجزیه و تحلیل و بررسی روایاتی که در این
مورد رسیده می پردازیم و پس از نتیجه گیری نظر خود را
خاطر نشان خواهیم ساخت.

روایاتی که در این مورد به ما رسیده، پس از بررسی به چهار قسم
تقسیم می شوند:
قسم اول روایات:

پاره ای از روایاتی که در این مورد رسیده، دلالت دارند که تلفظ
نام مبارک حضرت ولی عصر (عج) به طور مطلق (در هر زمان
و مکانی و در هر شرایطی) بی آنکه جای تقیه باشد حرام است و در
این قسم روایات، علّت خاصی ذکر نشده است، در اینجا بذکر چند
نمونه از این قسم روایات می پردازیم.

۱ - مرحوم کلینی (رحمه الله) از علی بن رئاب (رحمه الله) نقل می

کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:
«صاحبُ هذا الأمرِ لا يسمّيه باسمه الاّ كافراً؛
نام مبارک صاحب این امر (حضرت ولی عصر «عج») را هیچ کس
جز شخص کافر نمی برد» (۱۵۳).

۲ - و نیز مرحوم کلینی از ریان بن صلت نقل می کند که گفت:
«سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) وَسُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ قَالَ: لَا يَرَى
جِسْمَهُ وَلَا يَسْمَى اسْمَهُ؛

از حضرت رضا (علیه السلام) در مورد سؤالی که پیرامون حضرت
قائم (عج) شده بود شنیدم فرمود: جسمش دیده نمی گردد، و نامش
برده نمی شود» (۱۵۴).

۳ - مرحوم صدوق (رحمه الله) در کتاب اکمال الدین از صفوان بن
مهران نقل می کند که شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید:
مهدی (عج) که از فرزندان تو است کیست؟
فرمود:

«الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِي السَّابِعُ يُغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ؛
مهدی پنجمین امام از فرزند امام هفتم است وجود مقدّسش از شما
پنهان می شود و برای شما بردن نام او جایز نیست» (۱۵۵).

۴ - نیز مرحوم صدوق (رحمه الله) در کتاب نامبرده از محمد بن
عثمان بن عمری (رحمه الله) نقل می کند که گفت: برایم دستخطی
(توقيع) پدیدار شد که با آن دستخط آشنا بودم (۱۵۶).
به این عبارت:

«مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛

کسی که در میان اجتماع مردم، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد» (۱۵۷).

۵ - مرحوم صدوق (رحمه الله) در کتاب کمال الدین از حضرت عبدالعظیم حسنی (رحمه الله) نقل می کند که امام محمد تقی (علیه السلام) درباره حضرت قائم (عج) فرمود:

«يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَتَحْرُمُ تَسْمِيَّتُهُ وَهُوَ سَمِي رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْيَتُهُ؛

توّلّد آنحضرت بر مردم مخفی است، وجود او از انظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام می باشد، او هم نام و هم کنیه، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است» (۱۵۸).
ورویات دیگری که در این معنی به ما رسیده است.

قسم دوم از روایات:

پاره ای از روایات که در این مورد وارد شده به روشنی دلالت دارد بر ترک نام بردن آنحضرت تا موقعی که قیام می کند و سراسر زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می نماید، اینک نظر شما را به چند نمونه از آنها جلب می کنیم:

۱ - علامه مجلسی (رحمه الله) در کتاب بحارالانوار از محمد بن زیاد ازدی (رحمه الله) نقل می کند که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) هنگامی که از امام قائم (عج) سخنی به میان آمد فرمود:

«خَفِيَ عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يَظْهَرَ عَزَّ وَجَلَّ

فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

توّلّد حضرت قائم (عج) بر مردم پنهان است، نام بردن او برای آنان جایز نیست تا وقتی که خداوند متعال او را ظاهر کند، و به وسیله او زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید» (۱۵۹).

۲ - علامه مجلسی (رحمه الله) از حضرت عبدالعظیم حسنی روایت می کند که امام هادی (عج) درباره حضرت قائم (عج) فرمود: «لَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...»

یاد کردن حضرت قائم (عج) بنام جایز نیست تا وقتی که نهضت کند و زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نماید» (۱۶۰).

۳ - مرحوم کلینی (رحمه الله) به سند خود از ابن هاشم داود بن قاسم جعفری (رحمه الله) نقل می کند که امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود:

«وَأَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ لَا يَسْمِي وَلَا يَكْنِي حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا إِنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)؛

گواهی می دهم به آمدن مردی از فرزندان امام عسکری (علیه السلام) که نام و کنیه اش برده نمی شود تا قیامش ظاهر گردد، زمین را همان گونه که پر از جور شده پر از عدل و داد کند، اوست که به

امر جانشینی از امام حسن عسکری (علیه السلام) می پردازد» (۱۶۱).
۴ - مرحوم صدوق در کتاب اکمال الدین به سند خود از حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می کند که وی (حضرت عبدالعظیم) اعتقادات خودش را در محضر امام هادی (علیه السلام) عرضه داشت و (در ضمن) به امامان یکی پس از دیگری بنام اقرار کرد تا اینکه به امام دهم عرض کرد: ای سرور من! پس از اینها امام من شما هستید؟ حضرت فرمود:

«وَمِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ؟
قُلْتُ: فَكَيْفَ ذَلِكَ؟»

قال: لَأَنَّهُ لَا يَرَى شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فِيمَا
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا - إِلَى أَنْ قَالَ - هَذَا دِينِي وَدِينِ آبَائِي؛
امام بعد از من فرزندانم حسن (علیه السلام) است، پس حال مردم
نسبت به جانشین بعد از او چگونه است، عرض کردم: (برای چه؟)
چگونه است؟

فرمود: زیرا او دیده نمی شود و بردن نامش جایز نیست تا وقتی که
قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید - تا اینکه فرمود - دین
و عقیده من و پدرانم همین است» (۱۶۲).
قسم سوم از روایات:

پاره ای از روایات دلالت دارند که نام بردن حضرت مهدی (عج)
جایز نیست و در همین روایات عدم جواز نام بردن حضرت به خوف
و ترس از ضرر تعلیل شده است به عنوان نمونه به این چند روایت

ذیل دقت کنید:

۱ - مرحوم کلینی (رحمه الله) به سند خود از علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی (رحمه الله) نقل می کند که گفت: پس از در گذشت امام حسن عسکری (علیه السلام)، اصحاب ما از من خواستند که اسم و مکان حضرت مهدی (عج) را سؤال کنم (پس از سؤال) جواب آمد:

«إِنْ دَلَلْتُمْ عَلَى الْإِسْمِ إِذَا دَعُوهُ وَإِنْ عَرَضُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ؛ اگر آنها را به اسم حضرت مهدی (عج) آگاه سازید آن را ظاهر می سازند، اگر مکانش را بشناسند برضد او اقدام می کنند» (۱۶۳). محدث بزرگ شیخ حرّ عاملی (رحمه الله) پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار (علیهم السلام) از نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد.

۲ - نیز مرحوم کلینی (رحمه الله) از عبدالله بن جعفر حمیری (رحمه الله) نقل می کند: که شخصی از محمد بن عثمان (رحمه الله) (نایب خاص دوم) پرسید: آیا جانشین حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) را دیده ای؟ او در پاسخ گفت: آری به خدا سوگند، تا اینکه پرسید اسمش چیست؟ در پاسخ گفت:

«فَالْإِسْمُ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُحْلِلَ وَلَا أُحَرِّمَ وَلَكِنْ عَنْهُ (علیه السلام) فَإِنَّ الْأَمْرَ عِنْدَ السُّلْطَانِ أَبَا

مُحَمَّدٌ مَضَى وَلَمْ يَخْلُفْ وَلَدًا (إِلَى أَنْ قَالَ) وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْمُ وَقَعَ
الطَّلَبُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَمْسِكُوا عَنْ ذَلِكَ؛

اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی (عج)، پرسش کردن از آن،
بر شما حرام است، این را از پیش خود نمی گویم، برای من روا
نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم ولی
حکم امام را گفتم، زیرا زمامدار وقت چنین تصوّر می کند که
حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت و فرزندی بجای
نگذاشت تا اینکه گفت: هرگاه نام حضرت مهدی (علیه السلام) برده
شود نتیجه اش طلب کردن (دشمنان) از اوست، پرهیزید از خدا
واز این مطلب دم فروبندید» (۱۶۴).

این روایت همانند روایتی است که با صراحت و روشنی دلالت دارد
بر اینکه نهی از نام بردن حضرت، به خاطر خوف و رسیدن ضرر به
آن بزرگوار است، چه آنکه وقتی نام او شناخته شد، دنبالش به
جستجوی او خواهند پرداخت از این رو امام (علیه السلام) از بردن
نام آنحضرت نهی فرموده، بلکه از نام بردن آنحضرت بطور مبهم رد
شده، تا کسی که آن را نمی داند به آن مطلع نشود، لذا کسی که
می داند بر او اظهار آن نام حرام است.

۳ - مرحوم صدوق (رحمه الله) در اکمال الدّین از علی بن عاصم
کوفی (رحمه الله) نقل می کند که در میان توقیعات (دستخطهای)
امام زمان (علیه السلام) این جملات پدیدار شده:
«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِّنْ سَمَانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ؛

مشمول لعنت است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم
ببرد» (۱۶۵).

اینکه حضرت شمول لعنت را مقید بنام نموده در میان اهل سنت
(و بنی عباس) دلیل آن است که در غیر اجتماع آنها نام بردن
آنحضرت جایز است.

بنابر این که بگوئیم قید در این گونه موارد دلالت بر مفهوم دارد
(بنابراین) نهی امام (علیه السلام) به خاطر رعایت تقیه است.

۴ - نیز مرحوم صدوق (رحمه الله) از محمد بن همام (رحمه الله)
نقل می کند که: محمد بن عثمان عمری گفت:

«خَرَجَ تَوْقِيعٌ بِخَطِّ عَرَفْتُهُ مِنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ
الله؛

در توقیعی که آن را می شناختم از حضرت ولی عصر (عج) است
چنین پدیدار شد: کسی که نام مرا در میان جمعیتی از مردم ببرد
لعنت خدا بر او باد» (۱۶۶).

دلالت این حدیث بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج)
مخصوص موارد خوف و ضرر است همانند دلالت حدیث قبل است.

۵ - علامه مجلسی (رحمه الله) نقل می کند که ابن خالد کابلی
(رحمه الله) گفت:

«هنگامی که امام سجاد (علیه السلام) از دنیا رفت، به حضور امام باقر
(علیه السلام) شرفیاب شدم و عرض کردم قربانت کردم حتماً اخلاص
وانس والفت مرا نسبت به پدر بزرگوارت و وحشت مرا از مردم می

شناسی (۱۶۷).

امام باقر (علیه السلام) فرمود: آری راست می گوئی اینک منظورت چیست؟

عرض کردم: قربانت کردم، پدرت آن چنان صاحب این امر (حضرت مهدی (عج) را برایم توصیف کرده که اگر او را در راهی ببینم دستش را می گیرم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد منظورت چیست؟
گفتم: می خواهم نام حضرتش را برایم بگوئی تا او را بنام بشناسم.
فرمود:

«سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُّجْهِدٍ وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي بِأَمْرٍ مَا كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا لِيَحَدِّثَكَ وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ لَّوْ أَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَّصُوا عَلَى أَنْ يَقْطَعُوا بَضْعَتَهُ؛

ای ابو خالد به خدا سوگند از من سؤال ناراحت کننده ای می پرسی، از موضوعی می پرسی که به کسی از آن خبر نداده ام تا بتو خبر دهم، از مطالبی سؤال می کنی که اگر فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) او را می شناختند حرص آن داشتند که او (حضرت مهدی) را قطعه قطعه کنند» (۱۶۸).

این که می گوید اگر فرزندان فاطمه (علیهم السلام) او را می شناختند... دلالت دارد بر این که عده ای از آنها قصد ضرر رساندن به حضرت مهدی (عج) را داشتند، تا چه رسد به غیر آنها. از این رو امام باقر (علیه السلام) آنحضرت را به نام یاد نکرد تا نامش پوشیده

بماند و شناخته نشود و دستهای مخالفان به آنحضرت نرسد، از ترس آنکه مبادا به وجود مقدّسش ضرری برسد...

نتیجه اینکه: روایات قسم سوّم بیانگر این است که پوشاندن نام حضرت مهدی (عج) به خاطر امر تعبّدی خاص نیست، بلکه تنها بملاک تقیه (با آن شرایطی که دارد)، می باشد.

قسم چهارم از روایات:

پاره ای از روایات که در این مورد به ما رسیده دلالت دارند که خود ائمه اطهار (علیهم السلام) یا اصحابشان در موارد متعدّدی حضرت مهدی (عج) را بنام یاد کرده اند.

بی آنکه ائمه (علیهم السلام) اصحاب خود را از این کار نهی کنند به این چند نمونه از روایات ذیل که این معنی را تأیید می کند دقت کنید:

«إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ بَعَثَ إِلَى بَعْضِ مَنْ سَمَّاهُ، شَاهُ مَذْبُوحَةً وَقَالَ: هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ؛

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) برای بعضی از افراد که نام آنها را برده، گوسفند ذبح شده ای را فرستاد و فرمود: این گوسفند عقیقه (۱۶۹) فرزندم محمد (حضرت مهدی (عج)) است» (۱۷۰).

این روایت دلالت دارد که ائمه (علیهم السلام) صریحاً اسم حضرت مهدی (عج) را می بردند و ضمناً اجازه به دیگران نیز داده اند.

۲ - مرحوم صدوق نقل می کند: ابوغانم خادم گفت:

«وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (علیه السلام) مَوْلُودٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا وَعَرَضَهُ عَلَيَّ

أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّالِثِ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ الْقَائِمُ

برای امام عسکری (علیه السلام) فرزندی متولد شد، او را محمد نامید، روز سوم او را به اصحاب خود نشان داده و فرمود: این نوزاد بعد از من سرپرست و رهبر شما و جانشین من نسبت به شماست و قائم «عج» همین است» (۱۷۱).

این حدیث گرچه دلالت آشکار ندارد که ائمه اطهار (علیهم السلام) نام مبارک حضرت مهدی (عج) را برده اند، ولی اگر نام بردن آنحضرت ممنوع بود ابوغانم خادم، نام او را بر زبان نمی آورد، بلکه این حدیث «بطور اجمال» دلیل آن است که امام حسن عسکری (علیه السلام) برای ابوغانم و امثال او تصریح به نام حضرت مهدی (عج) کرده است.

۳ - مرحوم صدوق (رحمه الله) از مرحوم کلینی (رحمه الله) و او از اعلان بن رازی (رحمه الله) و او از بعضی اصحاب نقل می کند: «وقتی همسر حضرت امام عسکری (علیه السلام) باردار شد، امام حسن (علیه السلام) به او فرمود:

سَتَحْمِلِينَ وَلَدًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي؛
بزودی پسری را حمل می کنی که نامش «محمد» است قائم بعد از من اوست» (۱۷۲).

نقل این احادیث بطور اجمال گواه برجواز نام بردن آنحضرت است.

۴ - نیز مرحوم صدوق (رحمه الله) از ابن نصره (رحمه الله) و او از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که جابر بن عبدالله انصاری (رحمه الله) گفت:

«در نزد حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) صحیفه درخشانی یافتیم که در آن نام ائمه اطهار (علیهم السلام) از فرزندانش مذکور بود، آنگاه جابر آنها را به ردیف خواند تا گفت:

أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمِ، أُمُّهُ جَارِيَةٌ اسْمُهَا نَرْجِسُ؛

ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسکری، حجت خدا بر آفریده هایش که قائم است، مادرش کنیز و نرجس نام داشت».

نقل کردن همه راویان این روایات به اضافه جابر، دلیل آن است که چنین نیست که نام بردن حضرت مهدی (عج) بطور کلی در همه جا و همه حالات ممنوع می باشد.

۵ - نیز مرحوم صدوق (رحمه الله) از ابن جارود (رحمه الله) و او از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود:

«پدرم از پدرش نقل کرد که امام علی (علیه السلام) روی منبر فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندانم خروج و قیام می کند سپس اوصاف و احوال حضرت قائم (عج) را تشریح کرد و آنگاه فرمود: لَهُ اسْمَانِ، اسْمٌ يَخْفَى فَأَحْمَدٌ وَأَمَّا الَّذِي يَعْلَنُ فَمُحَمَّدٌ...؛

او دو نام دارد یک نامش پنهان است که عبارت از احمد می باشد، اما نام دیگری که آشکار است محمد است» (۱۷۳).

این روایت دلالت دارد که تصریح بنام حضرت به گفتن محمد، حتی بالای منبر جایز است.

۶ - نیز مرحوم صدوق (رحمه الله) با اسناد بسیار از حسن بن محبوب (رحمه الله) و او از ابن داود (رحمه الله) و او از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که جابر (رحمه الله) گفت:

«بحضور حضرت فاطمه (علیها السلام) شرفیاب شده در مقابل او لوح صفحه ای دیدم که در آن نامهای اوصیاء از فرزندان آن بانوی بزرگوار مذکور بود، شمردم دوازده نفر بودند که آخر آنها حضرت قائم (عج) بود.

«ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَأَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛

نام سه نفر از آنها محمد بود (یعنی امام پنجم و امام نهم و امام مهدی (عج) و نام چهار نفر آنها علی بود یعنی امام اول و چهارم و هشتم و دهم)» (۱۷۴).

۷ - نیز مرحوم صدوق (رحمه الله) از مفضل بن عمر (رحمه الله) نقل می کند که گفت:

به حضور امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و عرض کردم: برای ما ائمه بعد از خود را معرفی بفرمائید، فرمود:

«الْإِمَامُ بَعْدِي ابْنِي مُوسَى وَالْخَلَفُ الْمَأْمُولُ الْمُتَنَظَّرُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى؛

امام بعد از من فرزندم موسی (علیه السلام) است، جانشینی که مورد آرزو و انتظار مردم است، او محمد فرزند حسن، فرزند علی، فرزند

محمد، فرزند علی، فرزند موسی می باشد» (۱۷۵).

۸ - علامه طبرسی (رحمه الله) در کتاب اعلام الوری از محمد بن عثمان عمری (رحمه الله) واو از پدرش نقل می کند که امام عسکری (علیه السلام) در خبری که از پدرانش نقل می فرمود بیان داشت:

«زمین هیچگاه خالی از حجت خدا بر مخلوقاتش نیست و کسی که از دنیا برود ولی امام زمانش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است، و این مطلب حق است همانگونه که روز، حق است. شخصی از آنحضرت پرسید: امام و حجت بعد از تو کیست؟ فرمود:

ابْنِ مُحَمَّدٍ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي فَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

پسر محمد امام و حجت بعد از من است کسی که از دنیا برود ولی او را نشناخته باشد، مانند مردگان دوران جاهلیت مرده است» (۱۷۶). و روایات دیگری که به این مطلب دلالت دارند.

نظر علامه بزرگوار شیخ حر عاملی

محدث و دانشمند معروف شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه در آخر باب ۳۳ از ابواب امر به معروف، مطلب بسیار خوبی گفته است آنجا که می گوید:

«درباره تصریح بنام حضرت مهدی (عج)، امر بنام بردن آنحضرت به طور عموم، یا خصوص، یا صراحت، یا با اشاره ابتداءً، و یا به عنوان

تقریر بیان کردن، در روایات و زیارتها و دعاها و تعقیبات نماز و تلقین میت و... جداً بسیار است» (۱۷۷).

و در پاروقی (وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹۲) به نقل از شیخ حرّعاملی (رحمه الله) آمده:

جماعتی از علماء ما در کتاب حدیث و اصول و کلام و... تصریح بنام حضرت مهدی (عج) کرده اند که از آنها علامه حلّی (رحمه الله) و محقق (رحمه الله) و مقداد (رحمه الله) و سید مرتضی (رحمه الله) و شیخ مفید (رحمه الله) و ابن طاووس (رحمه الله) و... می باشند، ولی علمایی که نام بردن آنحضرت را حرام دانسته کم هستند، ما این مطالب را در رساله جداگانه ای بحث کرده ایم. این بود آنچه که در این مورد از روایات مختلف و گفتار اصحاب وارد شده است.

شکی نیست که قول به حرمت نام بردن آن حضرت (عج) تعبداً، سخنی خالی از تحقیق است، گرچه بعضی از بزرگان به آن تصریح نموده اند، بلکه ظاهر آن است که: ممنوعیت نام بردن آنحضرت بستگی به وجود ملاک تقیه دارد، ولی در غیر موارد تقیه مانند امثال زمان ما بنابر تحقیق حرام نیست.

ایرادی بر کلام علامه مجلسی

آنچه علامه مجلسی پس از ذکر پاره ای از روایات که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آنحضرت تا هنگام ظهورش دارد (۱۷۸) می گوید:

«قول به اینکه لحن روایات صراحت دارند که حرمت نام بردن امام عصر (عج) مخصوص زمان غیبت صغری نیست که بعضی آن را به اتکا برخی علل استنباط کرده وبا استبعاد وهمی اختصاص به این زمان داده اند» جداً مردود است، چه آنکه دانستی که این اختصاص به اتکاء علل استنباط شده واستبعاد وهمی نیست بلکه در روایات متعدد که کمتر از روایات دیگر نیست تصریح به عدم اختصاص ممنوعیت بردن نام آنحضرت به عصر غیبت صغری شده است، به اضافه روایاتی که به روشنی دلالت بر جواز وتصریح بنام آنحضرت دارند (که در قسم چهارم از روایات، آنها را شناختی که از نظر عدد زیادتر واز نظر دلالت قوی تر از روایات دیگر بودند).

نتیجه بحثها

کوتاه سخن آنکه: ممنوعیت وحرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به خوف وترس رسیدن ضرر به خود آنحضرت یا طبق میزانهای معتبری که در تقیه گفته شده دارد ودر غیر مورد تقیه جایز است بچند دلیل:

۱ - این مطلب (حرمت در موارد تقیه، جواز در غیر آن موارد) یگانه راه جمع بین روایات وحمل کردن روایات مطلق آن بر روایات مقید می باشد، (به عبارت روشنتر) روایات مطلق (بدون قید) یعنی همان قسم اول از روایات وقسم دوم نیز که خاطر نشان شد (۱۷۹) به وسیله قسم سوم که دلالت داشتند بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به موارد تقیه دارد، مقید می گردد

نتیجه اینکه منظور از عدم جواز نام بردن، در قسم اول و دوم از روایات در مورد تقیه است.

واگر این راه را نپذیریم (طبق دستور تعارض روایات) وقتی که قسم اول و دوم از روایات با قسم سوم تعارض کردند از اعتبار ساقط می شوند اگر گفتیم که هر یک از این اقسام به حساب زیاد بودن آنها قطعی یا همانند قطعی هستند (۱۸۰).

بنابر این که اسناد این روایات ظنی است (نه قطعی) قائل به تخییر (وانتخاب هر کدام از روایات) می شویم و در این صورت نیز حکم، به جواز تصریح به نام حضرت مهدی (عج) خواهد بود. قوی ترین قرائن و علائم بر صحت راه جمعی که خاطرنشان ساختیم قسم چهارم از روایات است که دلالت صریح و روشن بر جواز اجمالی نام بردن حضرت را داشتند.

کاش می دانستم که قائل به حرمت نام حضرت قائم (عج) بطور مطلق در همه شرایط و زمانها درباره این روایات قسم چهارم که جداً بسیار هستند چه می گوید؟ آیا طرد و نادیده گرفتن همه آنها با اکثریتی که دارند ممکن است؟ به علاوه فتوای بسیاری از اصحاب ما بر طبق آن روایات است، آیا ممکن است که در مقام تعارض غیر قسم چهارم از روایات را بر قسم چهارم ترجیح دهیم؟ چنین نیست، بلکه هیچ راه حلی جز همان راه جمعی که ذکر کردیم نیست.

۲ - احادیث بسیاری از طرق اهل بیت (علیهم السلام) و اهل تسنن وارد

شده که در آنها تصریح گشته است که اسم مهدی (عج) همان اسم پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و کنیه حضرت مهدی (عج) نیز همان کنیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می باشد.

وروشن است که این مطلب در قوه وردیف نام بردن حضرت مهدی (عج) است، زیرا ظاهر بعضی از روایاتی که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آنحضرت را دارند آن است که این ممنوعیت باید طوری باشد که انسانهای مورد خطاب ندانند که اسم شریف آنحضرت چیست، نه اینکه محض تلفظ بنام آنحضرت ممنوع باشد.

مگر این که گفته شود: گرچه مفاد بعضی از اخبار دلالت بر ممنوعیتی دارد که ندانند نام حضرت مهدی (عج) چیست؟ ولی این روایات با بعضی دیگر از روایاتی که تنها تلفظ بنام امام (علیه السلام) را حرام می دانند نه دلالت بر آن را اگر چه به قسمی از اقسام کنایه باشد، منافات دارد (دقت کنید).

۳ - قول به حرمت تلفظ بنام شریف آن حضرت بی آنکه موارد تقیه یا محذور دیگری باشد با قول به جواز تلفظ به لفظ کنائی که دلالت بر اسم می کند و یا مثل: «م ح م د» احتیاج به تعبّد به اسم کنایه مانند کدورتی در تلفظ اسم آنحضرت است با اینکه تلفظ به اسم او به کنایه مانند این که بگوئیم او همان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است یا با حرفی از هم جدا (م ح م د) جایز است، با فرض این که در ظاهر حتماً هیچگونه محذوری در کار نیست، آیا این حکم در احکام شرعی شبیهی دارد؟

مثل این نوع استبعاد و بعید دانستن حرمت تلفظ به اسم در همه جا یا جواز تلفظ با آن با کنایه گرچه به تنهایی در احکام فقهی دلیل نخواهد بود، ولی ممکن است آن را تأیید گفتار خود قرار دهیم. نیز این مطلب را تأیید می کند بعضی از روایاتی که در مورد عدم جواز تصریح به نام ائمه (علیه السلام) دیگر غیر از امام قائم (عج) در مورد تقیه وارد شده اند، بنابراین حکم عدم جواز، اختصاص به اسم شریف آنحضرت ندارد.

مانند روایتی که مرحوم کلینی (رحمه الله) با اسناد زیاد از عنبسه نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَذِكْرَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ فَإِنَّ النَّاسَ لَيْسَ شَيْئٌ أَبْغَضُ إِلَيْهِمْ مِنْ ذِكْرِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ»؛

پرهیز کنید از بردن نام امام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیه السلام) چه آنکه چیزی برای مردم مانند ذکر نام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) مبغوضتر نیست» (۱۸۱).

عجیب این که مطابق با آنچه از مرحوم صدوق (رحمه الله) حکایت شده، ایشان بعد از اقرار به این که در روایت لوح (۱۸۲) تصریح بنام مهدی (عج) شده است گوید:

«این حدیث با تصریح بنام آنحضرت وارد شده ولی نظر من آن است که از نام بردن او نهی شده است».

قبلاً دانستی که تصریح به نام شریف آنحضرت منحصر به روایت لوح بلکه منحصر به روایات قسم چهارم که ذکر شدند و در آنها تصریح به

اسم شده بود نیست، با این حال معلوم نیست که چرا مرحوم صدوق (رحمه الله) قول به جواز را در غیر موارد تقیه اختیار نکرده، همان گونه که صاحب وسائل اختیار کرده است و این قول به جواز از بیان بسیاری از اصحاب ظاهر می شود.

شاید مرحوم صدوق عدم جواز را موافق با احتیاط دیده است گرچه قول به عدم جواز موافق احتیاط در عمل با احتیاط در فتوا دو چیزند.

خلاصه اینکه: جداً این احتیاط ضعیف است و رعایت آن واجب نیست.

کوتاه سخن اینکه: از همه مطالبی که خاطر نشان گردید، استفاده می شود که بردن نام شریف حضرت مهدی (عج) که عبارت از محمد (عج) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) می باشد در امثال زمان ما که از این جهات مورد تقیه نیست جایز است (۱۸۳).

نگارنده گوید: نظر صاحب کشف الغمّه عالم بزرگ تشیع (علی بن عیسیٰ اربلی) نیز همین است چنانکه در کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۴۳۸، گوید: «فتوای من این است که منع تلفظ بنام مهدی (عج) (محمد) از روی تقیه بوده است ولی اکنون اشکال ندارد». (والله أعلم).

فصل چهارم: انتظار یا زمینه سازی

هر انقلابی وقتی به نتیجه می رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه سازی خوبی برای آن شده باشد، و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه

وزمینه سازی به پیروزی نخواهد رسید و این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) (أَرْوَاحُنَا قَدَاهُ) که مهمترین و وسیعترین و عمیقترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان می باشد، از این قانون، مستثنی نیست بلکه بخاطر جهانی بودن و عمیق بودنش به طریق اولی باید برای آن زمینه سازی گردد. مفهوم واقعی انتظار که در روایات ما به عنوان بالاترین عمل شمرده شده (۱۸۴) و آن «به شمشیر زدن در رکاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فرق دشمن» تشبیه شده (۱۸۵) همین زمینه سازی است. وگرنه انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آنکه در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود هیچگاه بهترین عمل و همانند شمشیر زدن در رکاب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نخواهد بود، چنانکه مفهوم واژه «عمل» و جنگیدن در رکاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حاکی از حضور در صحنه و فعالیت عملی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است، نه نیت بدون عمل، و امید ذهنی بدون آثار عملی.

«انتظار» به معنی آینده نگری است، و به معنی ناراضی بودن از وضع موجود، و به راضی شدن از آینده بهتر است، همچون بیمار که انتظار صحت و سلامتی دارد یعنی امید آن دارد که از وضع موجود رهائی یابد و به وضع بهتری برسد، و پر واضح است، که چنین دگرگونی نیاز به زمینه سازی دارد.

در انقلابهای پیامبران (علیهم السلام) نیز زمینه سازی وجود داشت، و آنها در صورتی انقلاب را به ثمر می رساندند که در همه ابعاد زمینه سازی عملی شود و گرنه انقلابشان در نیمه راه با شکست مواجه می شد (۱۸۶).

واز آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) جهانی و همه جانبه و دراز مدت است و همه انقلابهای خدا پرستان تاریخ و پیامبران (علیهم السلام) در آن خلاصه می گردد، و هدف نهائی انقلابات مقدّس بشری است، حتماً نیاز به زمینه سازی وسیع تر و عمیقتر دارد. به عبارت روشن تر وقتی در روایات اسلامی می خوانیم: در حکومت امام زمان (علیه السلام) علم و صنعت، عدالت، اخلاق، فکر و اندیشه، کشاورزی و دامداری و بطور کلی اقتصاد در همه زمینه ها زمینه سازی دراز مدت و عمیق و پردوام لازم دارد، چرا که بنابر اعجاز نیست، بلکه همانند انقلاب پیامبران (علیهم السلام) بنابر فکر و عمل و کار و سعی مردم در همه ابعاد است چنانکه انقلابهای بشر در طول تاریخ همیشه بر این اساس بوده است.

و برای مثال وقتی در روایات می خوانیم: امام صادق (علیه السلام) فرمود: علم و دانش دارای ۲۷ شعبه است، تمام آنچه تاکنون از پیامبران به ما رسیده دو شعبه آن بیشتر نبوده و وقتی حضرت قائم (عج) ظهور کند آن دو را به ۲۷ شعبه می رساند (۱۸۷).

نتیجه می گیریم که برای چنین انقلاب دامنه دار و عمیقی، زمینه سازی پر دامنه و عمیق لازم است، که بسیار بسیار از زمینه سازیهای

دیگر انقلابها وسیعتر و پردامنه دارتر است.

پاسخ به یک سؤال:

در اینجا این سؤال پیش می آید که: طبق روایات وقتی جهان، پر از ظلم و فساد شد آنگاه امام زمان (علیه السلام) ظهور می نماید و جهان را پر از عدل و داد می کند، این موضوع نه تنها زمینه سازی نیست بلکه درست به عکس در جهت خلاف انقلاب مهدی (عج) می باشد.

پاسخ اینکه:

خود این موضوع (غرق شدن جهان در ظلم و فساد) یک نوع زمینه سازی است، چرا که نوع مردم از این ظلم و فساد، ناراضی شده و به ستوه می آیند و همین موضوع آنها را تشنه انقلاب می کند، و این خود زمینه فکری و معنوی ایجاد می نماید.

علاوه، منافات ندارد که در کنار این ظلم و فساد جهانی، دوستان و هواداران آنحضرت با زمینه سازیهای مثبت و آینده ساز، در اندیشه خود و مردم، مقدمه چینی برای انقلاب کنند، در حالی که مخالفان انقلاب سرگرم فساد و ظلم و غافل از همه جا هستند، گروههای بیدار مسلمان از فرصت استفاده کرده با زمینه سازیهای مثبت بر روند کار خود بیفزایند، و رفته رفته جهان را که آتش زیر خاکستر است، ناگهان به نفع انقلاب، شعلهور سازند، چنانکه نمونه کوچک آن را در کشور اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با چشم خود دیدیم، ولی نظر به این که انقلاب جهانی مهدی (عج)، جهانی و بسیار وسیع

و عمیق است، روشن است که زمینه سازی (بخصوص زمینه سازی فکری و فرهنگی) بیشتری در سطح کل جهان لازم دارد.

عوامل مهم زمینه سازی

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است - منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر - و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و با توجه به اینکه طبق روایات عین همان انقلاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است (۱۸۸).

منتهی در سطح وسیعتر و در جهت تکمیل آن، در این جابه ذکر یازده عامل زیر که در انقلاب عظیم الشان اسلام به رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقش مهم در زمینه سازی حکومت اسلامی داشت می پردازیم، تا با تعقیب اساس این عوامل در ابعاد گوناگون و جهانی، زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی (عج) گردیم، و مفهوم عینی و واقعی «انتظار» را تحقق بخشیم (با توجه به اینکه عوامل دیگری نیز هست ولی عوامل زیر مهمترین آنها است):

۱ - جاذبه قرآن و حقانیت اسلام

همان گونه که در مثلها آمده «سرانجام، حقیقت جای خود را باز می کند» تکیه بر حقائق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیاتبخش و سازنده یکی از عوامل مهم پیروزی است.

در صدر اسلام، درستی و واقعیت هماهنگی دستورات اسلام با عقل

و وجدان و انسانیت و پیکار اسلام با هر گونه آلودگی و فقر و بدبختی
و بی عدالتی خود بخود یک جاذبه قوی داشت که انسانها را به سوی
خود می کشانید، و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از این راه
پیروزی های چشمگیری به دست آورد، تا آنجا که گاهی می شد
سرسخت ترین دشمنان اسلام مانند ولید بن مُغیره وقتی چند آیه از
آیات قرآن را که حکایت از قوانین اسلام می کند شنید دیوانهوار به
مجلسی که از طرف دودمانش تشکیل شده بود آمد و گفت:
به خدا سوگند از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) سخنی شنیدم که
نه شباهت به گفتار انسانها دارد، نه جن ها؛

«وَإِنَّ لَهُ حَلَاوَةً وَإِنَّ عَلَيْهِ لَطَلَاوَةً وَإِنَّ أَعْلَاهُ لَمُثْمَرٌ وَإِنَّ أَسْفَلَهُ لَمُغْدَقٌ
وَإِنَّهُ يَعْلُوا وَلَا يَعْلَى عَلَيْهِ؛

گفتار او شیرینی خاصی دارد و زیبایی مخصوصی، بالای آن (همه
شاخه های درختان برومندش) پر ثمر و پایین آن (مانند ریشه های
درخت کهن) پرمایه است، گفتاری است که بر هر چیز پیروز می
شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد» (۱۸۹).

امروز نیز تکیه بر چنین مکتب پر مایه و استوار و مقایسه علمی و منطقی
آن بر سایر مکتبها، از نظر معنوی بزرگترین عامل حرکت و زمینه
سازی برای یک حکومت عدل جهانی است، و به تنهایی کافی است
که نیازهای مادی و معنوی انسانها را بر آورد و آنها را در همه ابعاد
مثبت انسانی به پیش ببرد.

براستی اگر در انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، قرآن به صحنه آید

و حقائق نورانی آن به مردم برسد و پیاده گردد، ریشه دارترین زمینه برای آینده سازی و حکومت جهانی مهدی (عج) پدیدار خواهد شد.

۲ - علم و اندیشه و به کار انداختن آن

بدون شک علم و فکر، بسیاری از کارها را آسانتر کرده و بسیاری از راهها را نزدیکتر نموده و بسیاری از گرهمها را در زمینه های گوناگون گشوده است و گاهی راه صدساله به وسیله علم و دانش یکشبه طی می شود.

برای پیشرفت و زمینه سازی برای حکومت ایده آل جهانی اسلام به رهبری امام مهدی (عج) یکی از راههای محکم، تحصیل علم و دانش و کاراندازی آن است، در صورتی که این دو بر اساس شناخت و اولویتها و کارهای مثبت و عادلانه به کار رود.

در این مورد اسلام اکیداً سفارش فرموده، در اینجا به دو گفتار ذیل از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) توجه کنید:

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةٌ وَدَعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ وَالْفَقِيهُ الْوَاحِدُ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ»

هر چیزی، اساس و پایه دارد، پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است، و موضع گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هرگونه فساد، محکمتر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است» (۱۹۰).

امام علی (علیه السلام) در عبارتی فرمود:

«قوام و دوام دین و دنیا به چهار چیز بستگی دارد: نخست... به دانشمندی که دانش خود را به کار اندازد» (۱۹۱).

بنابراین باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و عینیت بخشیدن آن علوم در جامعه تلاش کنند و بدین وسیله زمینه فکری و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم سازند.

۳ - استقامت و پایداری و شجاعت

در صدر اسلام، استقامت و پایداری و شجاعت پر توان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث، از عوامل پیروزی بود، اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به دست حضرت مهدی (عج) نیاز به صبر و پایداری است.

نمونه های صبر و استقامت مسلمانان صدر اسلام در تاریخ بسیار است و نمونه های صبر و استقامت در جنگهای اسلامی به خوبی در روحیه مسلمانان آشکار است، آنها با کمترین نفر و کمترین ابزار جنگی پوزه بزرگترین ارتش دشمنان را به خاک مالیدند.

مثلاً جعفر طیار (رحمه الله) برادر امام علی (علیه السلام) در جنگ موته (جنگ با ابر قدرت روم) با این که دو دستش قطع شده بود و نود زخم به بدنش رسیده بود، پرچم را با دو بازوی بریده اش نگهداشته بود و همچنان می جنگید (۱۹۲).

قرآن صد و چهار بار سخن از صبر و استقامت به میان آورده و در آیه

۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

ای کسانی که ایمان آوردید، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید».

مسئلاً برای زمینه سازی برای یک حکومت جهانی اجرای این دستورات نیز لازم و ضروری است.

۴ - زهد و رعایت اخلاق و حقوق

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی، و رعایت حقوق جانی و مالی و عرضی و... که عالیتین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دلها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است.

اخلاق پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان (علیهم السلام) و شاگردانشان بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر از مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در وصف پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید:

«از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پاک و نازنین پیروی کن، او لقمه دنیا را با اطراف دندان می خورد (نه اینکه دهانش را پر کند) و دنیا را به چشم (دقیق) نمی نگریست، از جهت پهلوی لاغر و از جهت

شکم گرسنه ترین اهل دنیا بود، مانند بردگان سیاه بر روی زمین می نشست و کفش خود را با دست خود اصلاح می کرد و لباس خود را با دست خود می دوخت احیاناً بر الاغ برهنه سوار می شد و از شدت تواضع و فروتنی دیگری را هم ردیف خود سوار می کرد. یکی از همسرانش روزی پرده ای نسبتاً زیبا و دارای نقش و نگار بر در خانه آویخته بود، به آن بانو فرمود: بی درنگ این پرده رنگارنگ را از در خانه بردار، چرا که من با نگاه به این پرده به یاد دنیا و زینتهای آن می افتم...

اکنون مرا ببینید چگونه زندگی می کنم، بر این جامه پوشیده ام چندان وصله زده ام که از وصله کننده آن شرم دارم، روزی وصله کننده به من گفت: این پیراهن پاره را که دیگر وصله نمی خورد به دور اندازم، گفتم آهسته باش سبکباران زودتر به سر منزل مقصود می رسند» (۱۹۳).

براستی اگر همه شاخه های اخلاق اسلامی رعایت گردد بهترین زمینه سازی معنوی برای ظهور امام زمان (علیه السلام) خواهد بود.

۵ - ایمان و توکل به خدا

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش برنده و زمینه ساز و سوزاننده موانع سر راه است، یک چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده چنین ایمان و توکل است.

پس از آنکه مکه به دست ارتش اسلام به رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فتح شد، ابوسفیان کنار ارتش قوی اسلام قدم بر می داشت و می گفت:

«لَيْتَ شِعْرِي بِمَاذَا غَلَبَنِي؛

کاش می دانستم که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) با چه وسیله ای بر من پیروز شد؟ ما که سازماندهی و تشکیلات و پول و جهاز جنگی و جمعیت داشتیم چطور مغلوب شدیم، ولی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با دست خالی بر ما پیروز گردید». پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دست بر دوش او گذارد و فرمود:

«بِاللَّهِ غَلَبْتُكَ؛

من به کمک خدا بر تو پیروز شدم».

آری ایمان و توکل به خدا است که اتحاد و انسجام و روحیه قوی می سازد و کارهای ناممکن را ممکن می کند و مشقت خالی را بر تانکها پیروز می گرداند، به طور قطع می توان گفت که نقش ایمان و توکل بر جنگها به مراتب بیش از نقش وسائل و ابزار جنگی و تشکیلات است.

وما نیز باید در سایه ایمان و توکل به خدا به پیش رویم و فکرأ و عملاً زمینه ساز آینده درخشان باشیم، چنانکه مسلمانان در صدر اسلام در پر تو ایمان و توکل، به پیروزی های معجزه آمیز نائل شدند.

۶ - تعاون و همکاری

برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع و پردامنه در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و بهم پیوستگی هر چه بیشتر، زمینه ساز آینده درخشان است و نقش اجتماعی مؤثری در پیش برد هدفها دارد (۱۹۴).

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «مؤمنان در دوستی با مؤمنان دیگر همچون اعضاء یکدیگرند که اگر یک عضو بدرد آید عضوهای دیگر نیز نا آرام هستند» (۱۹۵).

اگر برآستی جامعه ما نسبت به همدیگر چنین احساسی می داشتند پیشرفت بی نظیری در زمینه های مختلف نصیبشان می شد.

۷ - برخورد ها و روش های منطقی با یکدیگر

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر اساس علم و منطق با گروه های مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث می کرد، امام صادق (علیه السلام) چهار هزار شاگرد در رشته های مختلف تربیت می نمود، و خود شخصاً با منکران خدا می نشست و به بحث و گفتگو می پرداخت. این بحثها و تجزیه و تحلیل های روشنگرانه نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

قرآن می فرماید:

«مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پندهای نیکو و جدال و بحث و انتقاد دعوت کن» (۱۹۶).

حکمت همان روش های استدلالی و منطقی است.

موعظه نیک عبارت از اندرزهایی است که جنبه عاطفی و احساسی

دارد.

مجادله نیک بحثهای رو در رو و بر اساس انصاف و حسن نیت است.
حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«طرفداران پنج دین مختلف به صورت گروههای پنج نفری به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برای بحث و مذاکره آمدند به ترتیب: گروه یهود، سپس گروه مسیحی سپس گروه مادی، سپس گروه دوگانه پرست، سپس گروه مشرک، شروع به مناظره کردند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با کمال متانت سخن آنها را گوش داد و به پاسخ آنها پرداخت، و این مناظرات، سه روز بیشتر طول نکشید، که هر پنج گروه قانع شدند و به اسلام گرویدند، در پایان گفتند:

ما رَأَيْنَا مِثْلَ حُجَّتِكَ يَا مُحَمَّدٌ، نَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؛
ای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ما همچون حجت و استدلال تو هرگز در جایی ندیده ایم، گواهی می دهیم که تو رسول خدا هستی» (۱۹۷).

آری! اگر برای جذب تحصیل کرده ها و افراد مختلف غیر اسلامی با چنین شیوه ای رفتار شود، نقش مؤثری در گسترش اسلام خواهد داشت و همچنین زمینه سازی فکری حساب شده ای برای آینده درخشان به دست حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

۸ - توجه به طبقه مستضعف

نوعاً انقلابها بر دوش مستضعفین به پیش می رود، چرا که مستکبران و سرمایه داران از وضع موجود خود راضیند و نوعاً مخالف انقلاب بر مبنای تعالیم الهی و یا طرفداری از مستضعفان خواهند بود. اسلام هیچگاه روی خوش به مستکبران و طاغوتیان نشان نداده است، چنانکه در آغاز، حامی پیش برنده اسلام افراد مستضعفی همچون بلال (رحمه الله)، سلمان (رحمه الله) جویر (رحمه الله)، خباب (رحمه الله) و عمار (رحمه الله)، سمیه (رحمهما الله) و... بوده اند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به این گروه از افراد توجه خاصی داشت، حتی همه اموال همسرش خدیجه (علیها السلام) را در این راه مصرف نمود و خود عملاً همچون مستضعفان می زیست و بیشتر با آنها محشور بود. بهر حال توجه به مستضعفان، و تأمین نیازهای آنها، و برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری شدید از استعمار و استثمار و استحمار، یکی دیگر از عوامل زمینه ساز برای حکومت امید مستضعفان جهان حضرت مهدی (عج) خواهد بود. در حالی که این سطور را می نویسم: اخبار می گوید: امام خمینی فرمود: «من یک لاک موی گودنشینان را به همه کاخ نشینان نمی دهم».

۹ - اتحاد و انسجام مسلمانان

بدون شک اتحاد نقش اعجاز آمیزی در پیشبرد اهداف دارد، جمعیت و اتحاد، قدرت را چندین صد برابر و هزار برابر و میلیون

برابر می کند، مثل اتحاد همچون مثل سدّ عظیمی است که مبدأ بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمینهای بزرگ و روشنائی شهرهای زیاد می شود، یک چنین نیروئی بر اثر بهم پیوستن قدرتهای ناچیز دانه های باران بدست آمده است.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشِيدُ بَعْضُهُ بَعْضًا»

افراد با ایمان، نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن، جزء دیگر را محکم نگاه می دارد» (۱۹۸).
حال اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه جانبه در محور اسلام حرکت کنند، همچون دریای خروشان خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفانها ایستادگی خواهند نمود.

برای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی (عج) و تشکیل حکومت جهانی، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت و باید مسلمانان از هر گونه اختلاف فرعی و موسمی پرهیز کنند و در برابر دشمنان مشترک، با اتحاد و وحدت و هماهنگی خود بایستند تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند (۱۹۹).

۱۰ - رهبر شایسته

در اسلام به «ولایت» اهمیت فراوان داده شده است به گونه ای که اگر آن نباشد هیچ چیز نیست، بلکه باید برنامه های اسلام تحت نظارت ولایت باشد، و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او بگرددش

در می آید، او نشان راه و پیشوا و جلودار امت است، و همه گروههای اسلام را در یک خط به پیش می برد.

ولایت یعنی حکومت و سرپرستی دین و دنیای مردم، که بسیار مقام پر مسئولیت بزرگی است و تنها افراد شایسته و کامل می توانند عهده دار آن گردند.

همانگونه که در صدر اسلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش اساسی در پیشبرد داشت، امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی (عج) وزمینه سازی برای حکومت جهانی آن حضرت حتماً باید این خط حفظ گردد، تا مسلمانان در نظم و انسجام خاص تحت رهنمودهای رهبر شایسته که امروز از آن به ولایت فقیه تعبیر می شود راه زمینه سازی صحیح را دریابند و با پشتگرمی معنوی خاصی آن را دنبال کنند. و به عبارت روشنتر، نائب و معاون به حق حضرت مهدی (عج) مسلماً به راه مهدی (عج) نزدیکتر و آگاهتر است، و رهنمودها و سرپرستی او می تواند نزدیکترین و حساب شده ترین شیوه برای رسیدن به حکومت مولی امام زمان (علیه السلام) باشد، با توجه به اینکه انجام دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر انسان را از بی تفاوتی بیرون می آورد، و وادار می کند که حضور فعال در صحنه داشته باشد.

به امید آنکه با به کار بستن این عوامل که در رأس عوامل دیگر است بتوانیم همچون مسلمانان صدر اسلام به پیش رویم و جهان را به استقبال حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) سوق دهیم که خود

در مسیر انقلاب، وتداوم انقلاب است که نهایت آن آینده درخشان و اهتزاز پرچم «لا اله الا الله» در کل جهان خواهد شد، و همین امید به آینده روشن - نه مبهم و تاریک - خود همان عامل درونی و انتظار است که باید به صورت علم و عمل در آید و به نتیجه عینی برسد. باید توجه داشت که خود امام قائم (عج) نیز در انتظار است که شرایط فراهم شود و خداوند متعال، اذن خروجش را صادر فرماید و جهان را از ظلم و فساد رهائی بخشد و بقدری در این مورد بی تاب است که حتی وقت خروج وارد مسجد الحرام می شود و بین مقام ابراهیم (علیه السلام) و کعبه دو رکعت نماز می خواند و پشت به حجر الاسود زده، سپس دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و آنچنان گریه و تضرع می کند که به زمین می افتد و این است فرموده خدا در قرآن:

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛ آیا خدای شما کسی است که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاریها را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد؟» (یا معبودهای باطل) (۲۰۰).

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«سوگند به خدا «مضطر» همان قائم (عج) است» (۲۰۱).

آری امام قائم (عج) این چنین بی تابانه در انتظار اصلاح و انقلاب جهانی است، تا جهان را از لوث آلودگیها و جنایات و ستمگریها نجات بخشد.

۱۱ - لزوم برنامه ریزی

می دانیم که مسأله مهدی موعود (عج) یک مسأله عادی و سطحی و اقلیمی و احتمالی نیست، بلکه مسأله بسیار مهم جهانی و عمیق و واقعی است که تقریباً در همه ادیان و در همه جا و در همه زمانها در رأس مسائل مهم عقیدتی و سیاسی است و در اسلام به عنوان یک اصل استوار و خلل ناپذیر مطرح می باشد، و از آن به ثمره و نتیجه قیام تمام پیامبران و رسولان و رهبران الهی یاد می گردد، و نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) با عنوان امید پیامبران و رسولان و مستضعفان تاریخ و وصول به اهداف عالی انسانی در همه ابعاد و... خوانده می شود.

حال که چنین است باید مسأله را جدی گرفت، در طول تاریخ در این باره حرف زیاد زده اند ولی برای وصول به این هدف باید همت کرده و آن هم همتی عمیق، همه جانبه در کل جهان، و همیشگی، و در عمل.

با مطالعه و بررسی آیات و روایات مربوط به نهضت و ظهور امام زمان (علیه السلام) به دست می آید که مسأله وصول به این ظهور مسأله راحت طلبی نیست و با یک یا چند قیام و قعود به دست نمی آید باید در راه آن عرقها و خونها ریخته شود (۲۰۲).

از طرفی این مسأله دارای ابعاد گوناگون است، مانند ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مکتبی، نظامی و خلاصه آمیخته با مسأله دین است، همانگونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه

جانبه برای رشد در همه ابعاد است، مسأله قیام مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) که در هر زمانی مطرح بوده و در هر دینی از آن به نوعی سخن به میان آمده و در اسلام از آن به عنوان یک اصل مهم انقلابی یاد می شود دارای ابعاد گوناگون است.

عناصر اصلی برنامه ریزی قیام و ظهور

بر همین اساس باید برای تحقق آن یک برنامه ریزی حساب شده و جامع در سطح کل جهان صورت گیرد.

با توجه به اهمیت فوق العاده آن باید در این برنامه ریزی، امور بسیار به طور عملی و جدی و حساب شده تعقیب شود که ما در اینجا امور نُهگانه زیر را که پایه های اصلی این برنامه ریزی است و باید به همت مسلمانان تحقق یابد تا زمینه ساز ظهور گردد خاطر نشان می کنیم:

۱ - هدفداری

یکی از عوامل پیروزی، داشتن هدف است به ویژه هدفی عالی و تأمین کننده تمام ابعاد سعادت بشر - در مورد مصلح آینده حضرت مهدی (عج) تمام پیامبران و امامان و کتب آسمانی و ادیان حقیقی، خبر از ظهور او را در آخر الزمان داده اند، و این عقیده در اسلام جزء بافت و ارکان اسلام است، بر همین اساس، هدف مشخص و غیر مبهم است، و بروز نهضتها و قیامها برای رسیدن به این هدف، کور کورانه و مبهم نیست.

امام خمینی (قدس سره) در یکی از سخنان خود که در روز نیمه

شعبان ۱۳۶۰ شمسی ایراد نمود فرمود: «باید خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت، من نمی دانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است، نمی دانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که (مهدی موعود «عج») است، آن کسی که خداوند متعال ذخیره کرده است برای بشر...».

آری! این عنوان (مهدی موعود «عج») هدف دار بودن این عقیده را مشخص می کند، وهدف است که قیامها را خط و جهت داده واز سرنگونی در می آورد وبه راه صاف وراست رهنمون می نماید، بنابراین باید در این برنامه ریزی به این هدف توجه گردد.

۲ - توجه به جهانی بودن ظهور

پایه دوم این برنامه ریزی این است که ظهور وامت امام زمان (علیه السلام) مربوط به کل جهان است، وپس از ظهور اسلام حقیقی با تمام ابعادش در همه جهان بدست با کفایت آنحضرت در سطح جهان حاکم وپیاده می شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛

وقتی که قائم (عج) قیام کرد، هیچ نقطه ای از زمین نیست مگر این که آوای توحید وپذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آن بلند است» (۲۰۳).

بنابراین در این برنامه ریزی باید همه جهان با انواع فرهنگ ها و سنتها و انحرافات و عقاید گوناگون را در نظر گرفت و طرحی جامع برای براندازی همه فسادها و انحرافات همه جهان، که از آن گاهی تعبیر به صدور انقلاب اسلامی می شود ارائه داد. با توجه به این که جهان همچون حلقه های زنجیر در شؤون مختلف به هم ارتباط دارد و همین ارتباطات تأثیرات مثبت و منفی نسبت به همدیگر دارند، اگر ما نقطه ای را از انحراف بیرون آوردیم کافی نیست چرا که خواه ناخواه تأثیرات اطراف این نقطه، مانع وصول به هدف در آن نقطه خواهد شد.

۳ - جهش و انقلاب

همان گونه که از نام انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) پیدا است باید برای وصول به این انقلاب به صورت انقلابی کار کرد، با میانه روی و محافظه کاری و خط لیبرالی نمی توان به این هدف بزرگ رسید، چرا که پر واضح است برای برنامه ریزی یک چنین انقلاب عظیمی که موانع بسیاری سر راه دارد، باید جهاد کرد، جهادی پی گیر و بزرگ، و تبدیل انحرافات عقلی و عملی و اخلاقی به اعتدال و صراط مستقیم، که یک تحوّل بی نظیر و عظیمی است چنین تحوّل با میانه روی و محافظه کاری، به دست نمی آید.

بنابراین باید حرکتهای این نهضت، اسلامی و مکتبی باشد، و از حرکتهای غیر مکتبی چنین تحوّل میسر نیست.

چنانکه در روش انبیاء و پیامبران الهی (علیهم السلام) از جمله پیامبر

اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) به خوبی این انقلاب و جهش را در سطح محدوده خودشان می بینیم، البته چنانکه خواهیم گفت این مطلب به این معنا نیست که مادر این کار عجله کنیم و سطحی به پیش رویم.

قابل توجه اینکه طبق بعضی از روایات، آنحضرت در روز عاشورا قیام می کند (۲۰۴).

و به فرموده امام صادق (علیه السلام) در شب بیست و سوم ماه رمضان بنام آنحضرت ندا شود و روز عاشورا قیام کند (۲۰۵).

دقت در این نکته که در روایات اسلامی وارد شده در شب تولد امام زمان (علیه السلام) زیارت امام حسین (علیه السلام) را بخوانید، با توجه به محتوای این زیارت و ارتباط این دو، نتیجه می گیریم، که مسأله راحت طلبی در کار نیست بلکه مسأله قیام و انقلاب و شهادت طلبی و جهاد تا سر حد شهادت و نفرت شدید از دشمن است و باید با چنین روشی خود را به امام زمان (علیه السلام) نزدیک کنیم، در اینجا نقل این روایت بجا است، امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَةُ وَجَرَدَ السَّيْفُ وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يَعْطِهِمْ إِلَّا بِالسَّيْفِ؛

وقتی که قائم (عج) ما قیام کند تقیه برداشته شود و شمشیر کشیده گردد و با مردم (متمرد) در داد و ستد جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد» (۲۰۶).

۴ - پیشرفت عمیق واستوار

در برنامه ریزی لازم است، توجه کامل شود که در تمام ابعاد به طور صحیح و عمیق واستوار به پیش رفت و واحدهای این بنای عظیم را از اساس وشالوده درست ومحکم و خلل ناپذیر ساخت وبه همین ترتیب رگه های دیگر این بنا با استواری به پیش رود وگرنه کوچکترین طوفانی آن بنا را ویران خواهد کرد، بنابراین نباید در این کار عظیم، عجله کرد وبه عبارت دیگر باید هر چه می توانیم بر کیفیت کار توجه کنیم، نه کمیت بدون کیفیت. در اینجا بد نیست به یک فراز تاریخی عجیب « که می توان از آن درس نیکی گرفت گر چه از بیگانگان است» اشاره کنیم. در جنگ جهانی دوم وقتی قوای متحدین (آلمان، ایتالیا، ژاپن) فرانسه را که جزء قوای متفقین (انگلیس، آمریکا، شوروی) بود شکست دادند، ودر جولای سال ۱۹۴۰ میلادی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند، تنها ماند، در پاریس کنفرانس سری بین سه نفر از سران جنگ جهانی یعنی چرچیل (رهبر انگلستان)، هیتلر (رهبر آلمان) وموسولینی (رهبر ایتالیا) در قصر «فونتن بلوی» به وجود آمد. در این کنفرانس هیتلر به چرچیل گفت: حال که سرنوشت جنگ معلوم است وبزرگترین نیروی اروپا ومتفق انگلیس یعنی فرانسه شکست خورده است، برای جلوگیری از کشتار بیشتر، بهتر است انگلستان قرارداد شکست وتسلیم را امضاء کند تا جنگ متوقف شود و صلح به جهان بازگردد.

چرچیل در جواب گفت: بسیار متأسفم که من نمی توانم چنین قراردادی را امضاء کنم، زیرا هنوز انگلستان شکست نخورده است و شما را فاتح نمی شناسم.

هیتلر و موسولینی از این گفتار چرچیل عصبانی می شوند، به تندی با او برخورد می کنند، چرچیل با خون سردی می گوید: عصبانی نشوید، انگلیس به شرط بندی، خیلی اعتقاد دارد، آیا حاضرید برای حل قضیه با هم شرط ببندیم؟ در این شرط هر که برنده شد باید بپذیرد که فتح با او است.

سران فاشیست (هیتلر و موسولینی) با خوشروئی این پیشنهاد را قبول کردند، در آن لحظه هر سه نفر در جلو استخر بزرگ کاخ نشسته بودند.

چرچیل گفت: آن ماهی بزرگ را در استخر می بینید هر کس آن ماهی را تصاحب کند برنده جنگ است، هیتلر فوراً پارابلوم خود را از کمر کشید به این سو و آن سوی استخر پرید و شروع به تیر اندازی های پیاپی به ماهی کرد ولی سرانجام بی نتیجه و خسته و درمانده بر صندلی خود نشست، و به موسولینی گفت حالا نوبت تو است.

موسولینی لخت شد و به استخر پرید، ساعتی تلاش و تقلاً کرد، او نیز بی نتیجه و درمانده بیرون آمد و بر صندلی خود نشست. همین که نوبت به چرچیل رسید، صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی به دست گرفت، در حالی که با تبسم سیگار برگ

خود را دود می کرد شروع به خالی کردن آن استخر نمود.
رهبر آلمان وایتالیا که می خواستند ببینید نخستوزیر سالخورده
وچاق وسنگین انگلستان در برابر آنان چه تاکتیکی جهت صید ماهی
پیش خواهد گرفت، وقتی او را در چنین وضعی دیدند با تعجب
پرسیدند: چه می کنی؟

چرچیل گفت: من عجله برای شکست ندارم با حوصله، این روش
مطمئن خود را ادامه می دهم، سرانجام پس از تمام شدن آب
استخر، بی آنکه صدمه ای به ماهی بخورد صید از من خواهد
بود(۲۰۷).

این واقعه عجیب گرچه از بیگانگان است ولی می توان از آن این
درس را آموخت که: برای وصول به هدف - آن هم هدف بزرگ
- نباید عجله کرد وسطی به پیش رفت، بلکه باید با برنامه ریزی
عمیق واطمینان بخش هر چند دراز مدت ودر عین حال با کمترین
ضایعات کار را ادامه داد، واین کار نیاز به طرح های بسیار استوار
ومحکم خواهد داشت. البته تحقق چنین امر مهمی نیاز به طول
زمان دارد، از این رو خداوند متعال به حضرت مهدی (علیه السلام)
طول عمر عنایت فرموده است (دقت کنید) تا آمادگی در مردم
جهان پیدا شود(۲۰۸).

۵ - اخلاص

برای پیشروی ودست یازی به مقدمات ظهور، هیچ عاملی در کاربرد
امور، وپیمودن پله ها وپشت سر گذاشتن موانع مانند «اخلاص» در

کار نیست، اخلاص، در کارها روح و نشاط می بخشد، و به طور اتوماتیک بدون دردسر، چرخهای عظیم موتورهای انقلاب را به حرکت در می آورد، اخلاص انسان را به آخرین درجه آمادگی و اراده قاطع و طبیعی بودن بدون منت که همان انتظار ظهور است سوق می دهد، خداوند متعال پشتیبان افراد مخلص است، شیطان و هوسهای نفسانی که ضررها و ضربات سختی بر رشد انسانها وارد می آورند از افراد مخلص دورند (۲۰۹).

آزاداندیشی واقعی در سایه اخلاص به دست می آید، توکل به خدا و اعتماد به نفس، وعزت و شرافت که هر یک عاملی برای دستیابی به مقدمات ظهور حضرت بقیه الله (عج) است در پرتو اخلاص، جان می گیرند و تحقق می یابند.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم:

«هر بنده ای چهل روز در راه خدا مخلصانه قدم برداشت خداوند درد و درمان را به او نشان می دهد و ریشه های حکمت و دانش را در دلش استوار می سازد» (۲۱۰).

امام صادق (علیه السلام) در سخنی فرمود:

«إِذَا كَانَ مُخْلِصًا لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى هُوَامِ الْأَرْضِ وَسُبَاعِهَا وَطَيْرِ السَّمَاءِ؛

هرگاه مؤمنی کارها را تنها برای خدا انجام دهد، خدا همه چیز حتی جنبندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان را از او می ترساند» (۲۱۱).

بنابراین در این برنامه ریزی باید اخلاص در کارها سرلوحه برنامه ها قرار گیرد.

۶ - تخصص و تعهد

تخصص و تعهد وبه عبارت دیگر علم وایمان، وتوسعه دادن به این دو در همه ابعاد زندگی، بهترین زمینه ساز برای فراهم شدن ظهور امام زمان (علیه السلام) است، واین دو همچون دو بال پرنده اند که آن پرنده با آن دو بال به پرواز درمی آید، اگر هیچیک از این دو نباشد، پروازی نیست واگر یکی باشد ودیگری نباشد باز نتیجه بخش نیست چرا که با یک بال نمی توان پرواز کرد.

تخصص بدون تعهد، مثالش در این شعر مثنوی مولوی آمده:

تیغ دادن در کف زنگی مست * * * به که آید علم، ناکس را

بدست

تعهد بدون تخصص نیز در بسیاری اوقات به جای پیشرفت بر مشکلات کار می افزاید واحیاناً خسارت جبران ناپذیری بر انسان وارد می سازد ومثالش همچون ماشینی است که بدون چراغ در بیابان هولناک وپر فراز ونشیبی حرکت می کند، که جز سقوط وسرگردانی نتیجه ای ندارد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَتْ مَأْفِسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُهُ؛

کسی که بدون علم ودانش کاری انجام می دهد، ضرر و زیان آن بیش از نفع آن است» (۲۱۲).

از سخنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است که فرمود:
«کمر مرا دو گروه شکستند:

۱ - دانشمندان منحرف

۲ - مردم نادان» (۲۱۳).

قرآن مجید در یک آیه، پیشروی و پیمودن درجات عالی و پیروزی را در سایه تخصص و تعهد (علم و ایمان) هر دو دانسته و می فرماید:
«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛
خداوند از شما، آنان را که ایمان آوردند و تحصیل علم و دانش کردند، چندین درجه بر دیگران برتری می بخشد» (۲۱۴).
با توجه به اینکه علم و شناخت، انسان را به عوامل رشد و ترقی و دستورات حیاتبخش و سازنده مکتب حرکت آفرین و غنی اسلام آگاه می سازد، و تعهد و ایمان، آن عوامل را اجراء می نماید.

۷ - مانع شناسی

اکثراً عوامل حرکت فراهم می شود، ولی موانع سر راه، چرخهای آن عوامل را از حرکت باز می دارد، باید موانع را بشناسیم تا آنها را از سر راه برداریم، مثلاً انحطاط مذهبی و اخلاقی، عدم استفاده از علوم گوناگون و عفلت از وضع زمان، اختلاف و تفرق، کارهای اساسی و اصلی را فدای امور جزئی و فرعی کردن، مقدم داشتن منافع شخصی بر منافع عمومی و... از موانع سر راه است، حتماً به این جهت نیز باید در برنامه ریزی توجه گردد، همه پیامبران و اولیاء خدا (علیهم السلام) آرزو داشتند که به هدف برسند ولی موانع سر راه

مانع وصول آنها به هدف عالیشان شد، شاید یک فلسفه اینکه خداوند عمر حضرت مهدی (عج) را طولانی کرده این باشد که در این مدت موانع شناخته گردند و از سر راه برداشته شوند. بر همین اساس است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ وَلَا تَزِيدُ سُرْعَةً إِلَّا بُعْدًا؛ عمل و حرکت بدون بصیرت و شناخت مانند حرکت در غیر راه اصلی است و سرعت در این راه جز دوری بیشتر از هدف، نتیجه دیگری ندارد» (۲۱۵).

۸ - هشیاری و هوشمندی

یک فرد با ایمان باید «کَیْس» و هوشیار باشد و به جای دو چشم، با چهار چشم اطراف خود را ببیند و کاملاً مراقب باشد، که از ناحیه دشمن غافلگیر نگردد، و به طور خلاصه مؤمن در این دنیا باید خود را همواره در جبهه مقدم جنگ با دشمن ببیند و مواظب باشد که اگر دشمن از در رفت، از پنجره وارد نشود، اگر در جبهه نظامی شکست

خورد در جبهه اقتصادی پیروز نشود و...

به عنوان مثال؛ حکومت عثمانی یک حکومت مقتدر اسلامی بود، هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نبود ولی بر اثر عدم هشیاری و به خاطر غفلت و غوطهور شدن در امور گذرا و مادی، آنچنان غافلگیر شد که با یک پیش آمد یعنی جنگ جهانی دوم از هم پاشید و به چندین قسمت تجزیه شد و در نتیجه در مارس ۱۹۲۵ میلادی اسلام

به معنی یک قدرت آشکار سیاسی و اجتماعی و کانون مشتعل از اندیشه ها و احساسهای نو و نیرومند زائیده از صحنه حوادث جهان رخت بربست و از میدانهای گرم کار و پیکار به گوشه سرد و آرام خزید و رفته رفته راه سقوط و تفرق را پیش گرفته، نه تنها در جبهه نظامی و سیاسی شکست خورد بلکه اسلام جوشان و خروشان و حرکتزا و جنبش آفرین در میانشان به اسلام فرسوده و بی روح درآمد، دشمنان از فرصت استفاده کرده و به پیش تاختند (۲۱۶).

در این راه باید از عوامل بازدارنده و غافل کننده مانند سنت گرائی و گذشته نگری غلط، شخصیت گرائی، پیشداوری و گم بودن، عجب و خودبینی، پیروی از هوس های نفسانی، تکیه بر حدس و گمان، وابستگی ها و... به شدت پرهیز کرد.

این مطلب مهم را رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در یک عبارت کوتاهی فرموده است:

«وَلَوْ لَا كَثِيرُ كَلَامِكُمْ وَتَمَرِيجُ فِي قُلُوبِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا أَرَى وَسَمِعْتُمْ مَا أَسْمَعُ؛

اگر زیاده روی در سخن شما (شعار تو خالی)، و هرزه چرانی در دل شما (پر کردن ذهن از امور واهی) نبود هرچه من می بینم شما هم می دیدید و هرچه من می شنوم شما هم می شنیدید» (۲۱۷).

۹ - دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی و نتیجه بحث

در اینجا با توجه به مطالب یادشده درباره امکانات مسلمانان فعلی دنیا به طور فشرده، سخنی به میان می آوریم که اگر به راستی این

امکانات برای یک برنامه ریزی جامع و حساب شده در جهت اجرای اسلام که زمینه سازی ظهور حضرت مهدی (عج) است به کار گرفته می شد چقدر مثمر ثمر و نتیجه بخش بود!

امکانات مسلمانان را از چند جهت می توان بررسی کرد:

الف: از جهت نیروی انسانی واتحاد

امروز حدود یک میلیارد نفر مسلمان در دنیا زندگی می کنند و یک چهارم جمعیت کره زمین را تشکیل می دهند و حدود ۴۷ کشور مستقل دارند، و در بسیاری از کشورها هم دارای نیروی عظیم می باشند، مثلاً هندوستان یک کشور اسلامی نیست ولی دارای یکصد و پنجاه میلیون مسلمان است و در شوروی (سابق) شصت تا هفتاد میلیون مسلمان وجود داشت و در سایر کشورها نیز تعدادشان بسیار زیاد است. اگر اینها متحد شوند، هیچ قدرتی در دنیا بدون جلب رضای اینها نمی تواند حاکم باشد، با توجه به اینکه اگر نفوس یک میلیارد مسلمان بوسیله عقیده به اسلام، مرتبط گردد چه قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد!

و با توجه به اینکه در دنیای امروز قدرتهایی که وجود دارد، یکی از آن قدرتها مارکسیسم است که در کشورهای مارکسیستی هستند، که با فروپاشی آن در شوروی، از هم پاشیدند، و آنها که باقی مانده اند، اگر تحت این عنوان با هم متحد شوند، چه می توانند بکنند، با اینکه بین آنها نیز تفرقه شدید است، کمونیستهای چین و کمونیستهای شوروی سابق را تکفیر می کنند و به عکس...

یکی از قدرتها، قدرت مسیحیت است، می گویند در دنیا بیش از یک میلیارد مسیحی وجود دارد، اما مسیحی ها هم با هم اختلاف شدید دارند، نیروی عظیم پروتستان، اصلاً کاتولیکها را قبول ندارند، به علاوه مکتبشان یک مکتب زاینده و حرکت بخش نیست، یهودیها در دنیا حدود ده میلیون یا پانزده میلیون نفر می باشند که از تفرقه شدیدی برخوردارند.

بودائیهها زیاد هستند، ولی یک تیپ خاصی می باشند وداعیه اجتماعی و سیاسی ندارند، سیکها نیز چیزی نیستند، تنها قدرت عظیمی که تحت پوشش آئین حرکت آفرین اسلام بی بدیل و رقیب می ماند، مسلمانان هستند، اگر اینها یک جریان خوب اجتماعی برای خود درست کنند، از ساخت حسّاسترین اسلحه های اتمی و سفینه های فضاوردی تا ساخت سوزن سنجاق برای خودشان امکان متخصص داشتن و تکنیک در سطح عالی وجود دارد... بسیاری از همین مغزهای اسلامی، مراکز صنعتی اروپا و آمریکا را می گردانند، به آنجا رفته اند و مانده اند و فسیل شده اند.

و در مجامع بین المللی، مسلمانان ۴۵ - ۴۶ رأی مستقل دارند، که اگر هر نفرشان بتوانند یک رأی از کشورهای دیگر را به دست آورند دارای ۹۰ رأی خواهند شد هیچ بلوکی در دنیا نیست که آن همه رأی داشته باشد.

قدرتهای غیر اسلامی، به عنوان یک قدرت نیرومند وجه مشترکی ندارند که آنها را به هم پیوند دهد، ولی اسلام با عنوان «حَبْلُ اللَّهِ»

(رابط دینی خدا) همه را به هم پیوند می دهد، و از قطرات باران سیل بنیان کن جاری می سازد.

ب: امکانات جغرافیائی دنیای اسلام

اسلام دارای امکانات جغرافیایی عظیمی است که با هیچ قدرتی در دنیا قابل مقایسه نمی باشد، خلیج فارس و تنگه هرمز، دو طرفش در دست مسلمانان است، دو طرف کانال سوئز، در دست مسلمانان است، یک طرف جبل الطارق در دست مسلمانان است، عبور از اقیانوس هند بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست، اقیانوسیه در دست مسلمانان است، و در جنوب آفریقا مهمترین خط کشتیرانی دنیا وجود دارد، اگر مسلمانان مایل نباشند، عبور در آن ممکن نیست، یکطرف دریای استراتژیکی مدیترانه در دست مسلمانان است، تنگه دارانل و بسفور هم در دست مسلمانان است و...

ج: امکانات اقتصادی دنیای اسلام

وضع اقتصادی مسلمانان در حدی است که تنها در اوپک حداقل ۴۰٪ سوخت دنیا از ناحیه مسلمانان تأمین می شود، و اگر این امر نباشد دنیا خاموش می گردد، قاره آفریقا (که ۷۰٪ آن مسلمانان هستند) انبار باروت اروپاست، اگر این انبار را ببندند اروپا خفه می شود و نمی تواند ادامه زندگی دهد. مثلاً ژاپن یکپارچه به دنیای اسلام وابسته است و اگر دوماه رابطه اش را با دنیای اسلام قطع کند به یک جزیره سرد و خاموش تبدیل می شود (۲۱۸).

کوتاه سخن اینکه: دنیای اسلام بدون نیاز اقتصادی به دنیاهای دیگر می تواند ادامه زندگی دهد اما دنیاهای دیگر بدون نیاز به دنیای اسلام نمی توانند ادامه زندگی دهند.

ما با سران حکومت‌های اسلامی که خود را فروخته اند حرفی نداریم، با ملت‌های مسلمان حرف می زنیم، اگر براستی آنها با نهضت خود وبا تشکیل کنفرانس‌های جدی وعمیق آنهمه امکانات را برای تحقق آرمان اسلامی بکارگیرند وبا تشکیل کنفرانس‌های جدی وعمیق وبرنامه ریزی‌های دقیق درجهت حکومت جهانی تحت رهبری یک مصلح عادل وعالم حرکت کنند، آنوقت است که دنیا آماده ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد شد وهمه آن چیزهایی که ناممکن تصور می کردیم، ممکن می شود وتحقق می یابد.

به امید یک چنین تحول عظیم وبه کارگیری امکانات دنیای اسلام تحت فرماندهی عظیم ووسیع اسلام.

فصل پنجم: ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

بر هیچکس پوشیده نیست که برای پیروزی انقلاب وشکست ونابودی حکومت‌های جور وستم نیاز به عوامل بسیاری است، که در رأس آنها حضور در صحنه وحمايت وتلاش خستگی ناپذیر، وآگاهی وتحمل رنج‌ها وامید به آینده درخشان است وبه عبارت دیگر یاران حضرت مهدی (عج) دارای این ویژگی‌ها هستند.

ما وقتی که زندگی ومراحل دعوت پیامبران (علیهم السلام) را تجزیه

و تحلیل می کنیم، می بینیم هر کجا آنها حامی و یاور داشتند و این حامیان و یاوران به طور آگاهانه وقایع در صحنه بودند و با امید و توکل به خدا به پیش می رفتند، پیامبرشان - هر چند در بخشی از اهدافش - به پیروزی می رسید و در غیر این صورت شکست ظاهری نصیبش می شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چندین مسئله مبهم را در رابطه با قیام حضرت مهدی (عج) روشن و ثابت کرد، از جمله اینکه در شرایط فعلی دنیا هر چند غرق در گناه و فساد باشد، انقلاب و دگرگونی، نه تنها ممکن بلکه عملی است و دیگر اینکه باید دنبال کار را گرفت و امید به آینده داشت، از همه روشنتر اینکه باید حمایت و بسیج همه جانبه شود و با وحدت و تجمع یاران مخصوص، به این کار بزرگ یعنی آماده کردن جهان برای ظهور حضرت قائم (عج) دست زد.

با توجه به اینکه بهترین حکومت آن است که به طور طبیعی و خودجوش روی کار آید نه به طور تحمیلی و زور، آنانکه می گویند حکومت حضرت مهدی (عج) بدون معجزه امکان پذیر نیست گویا به این اشکال توجه ندارند که اگر بنابر معجزه و اجبار - هر چند اجبار فکری - باشد آن حالت زیبای طبیعی و خودجوش خود را از دست می دهد و یک نوع حکومت تحمیلی می گردد. البته ما منکر امدادهای غیبی نیستیم، وقتی مردانی با اخلاص و صداقت به پیش رفتند خداوند هم آنها را یاری می کند و به

اهدافشان می رساند (۲۱۹).

بنابر این همان گونه که در بسیاری از روایات آمده (۲۲۰) حکومت حضرت مهدی (عج) همچون حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) است - منتها در سطح وسیعتر و عمیقتر - همانگونه که یاران آگاه و با استقامت آنحضرت در صدر اسلام شیران روز و پارسایان شب بودند و نقش مؤثر و مهم در تشکیل حکومت اسلامی را ایفاء کردند، حکومت حضرت حجت (عج) نیز از این قانون مستثنی نیست، و چنانکه در جای خود مشروحاً بیان شده معنای واقعی «انتظار» نیز آمادگی یاران و بسیج همه جانبه آنها در سطح وسیع مناسب با حکومت جهانی است.

ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن

در قرآن این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه حضرت مهدی (عج) یک آیه است که بسیار امید بخش و سازنده است، این آیه در حقیقت بیانگر حقائق و واقعیهائی است که اگر به طور جدی و همه جانبه تعقیب گردد، موانع سر راه را بر می دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می دهد. در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند به طور مستقیم، مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

«ای مؤمنان هر کس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:

۱ - هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.

- ۲ - در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.
- ۳ - در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.
- ۴ - به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.
- ۵ - در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.

این فضل خدا است که به هر کس بخواهد (وشایسته ببیند) می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است» (۲۲۱). در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده از جمله اینکه: این آیه در مورد یاران حضرت مهدی (عج) است که با این ویژگیها با تمام قدرت، در مقابل مرتدین و کارشکنان می ایستند، و برای برقراری حکومت عدل امام قائم (عج) و برقراری عدالت در کل جهان تلاش می کنند (۲۲۲).

و در عبارتی امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«صاحب این امر (حضرت مهدی «عج») در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است» (۲۲۳).

ویژگی اول:

به عشق آن یاران به خدا اشاره می کند، آنها که جز به خدا نمی اندیشند، در حدی که خداوند نیز آنها را دوست دارد. روشن است که چنین روحیه ای که در پرتو ایمان و توکل بدست می آید، بزرگترین عامل خیزش و پرواز و اراده و تقوی است که نقش آن در حماسه آفرینی اعجاز آمیز و شگفت انگیز می باشد.

ویژگی دوم:

به پیوند اخلاقی و وحدت و یکپارچگی با مؤمنان اشاره می کند که نقش آن در پیشبرد کار بسیار مهم و چشمگیر است.

ویژگی سوم:

حاکمی از سازش ناپذیری مؤمنان در برابر کافران، و نه شرقی بودن و نه غربی بودن آنها است، که در پرتو آن هرگونه تلاش و شگرد دشمن خنثی می گردد....

ویژگی چهارم:

جهاد و مبارزه پی گیر با کفار و دشمنان اسلام است.

بالاخره ویژگی پنجم:

که بسیار مهم است، قاطعیت و پایداری مؤمنان را بیان می کند که روح محافظه کاری و مجامله در آنها نیست، از عوامزدگی و محیط زدگی و غوغای اکثریت منحرف و استهزاء آنها نمی هراسند، و با گامهای استوار در صراط مستقیم حرکت می کنند و یاهوهای چپ و راست در حرکت آنها اثر ندارد.

و باید به آغاز آیه نیز توجه داشت که ارتداد و بیعت شکنی عده ای وجیه المله، آنها را سست و نگران نمی کند، آنها شرایط سخت حاضر را معیار قرار نمی دهند امید به آینده دارند، چرا که خود آینده سازند و کمبودها آنها را سست و لرزان نمی کند.

در میان این ویژگیها هر چند همه در جای خود از اهمیت بسیار برخوردارند ولی این ویژگی پنجم از همه مهمتر به نظر می رسد

ابوذر غفاری، آن مرد نستوه وقاطع را در تاریخ با این لقب:
لا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً

می خوانند، و خود می گوید: پیامبر (صلی الله علیه وآله) به من
سفارش کرد که در راه خدا از یاوه سرائی یاوه سرایان و سرزنش
کنندگان نهراسم (۲۲۴).

وقتی که حجر بن عدی آن بزرگمرد خدا با یارانش به فرمان معاویه
به شهادت رسیدند، امام حسین (علیه السلام) بزرگترین چهره انقلابی
تاریخ به عنوان اعتراض به معاویه نوشت و در آن نامه بخصوص این
ویژگی حجر و یارانش را تذکر داد و نوشت:

«تو کسانی را کشته ای که امر به معروف و نهی از منکر می کردند،
گناه را بزرگ می شمردند
وَلَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً؛

و در راه خدا از ملامت، ملامت کنندگان نمی هراسیدند» (۲۲۵).

بسیاری هستند از یاوه سرائیهای رسانه های همگانی شرق و غرب
تحت تأثیر قرار می گیرند و خود را می بازند، ولی اگر دارای این
ویژگی بودند، هیچگونه تحت تأثیر قرار نمی گرفتند بلکه بیشتر به
راه خود ادامه می دادند.

پیشگویی پیامبر از یاران اسلام در ایران

در روایتی می خوانیم وقتی از پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد
آیه مذکور سؤال کردند پیامبر (صلی الله علیه وآله) دست خود را
بر شانه سلمان (رحمه الله) نهاد و فرمود:

«منظور از این یاران، هموطنان این شخص هستند».

سپس فرمود:

«لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنْ أَبْنَاءِ الْفَارِسِ؛

اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت» (۲۲۶).

اگر کوششهای پی گیر و نتیجه بخش ایرانیان را در طول تاریخ اسلام بررسی کنیم، بخصوص در قرن معاصر، و پیروزی انقلاب اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از حضرت قائم (عج) به خوبی به حقانیت این پیشگوئی پی می بریم، بعلاوه این پیشگوئی اعجاز آمیز الهام بخش آن است که مسلمانان ایران در حرکت دادن مردم جهان به سوی حکومت مهدی (عج) نقش مؤثر و اساسی دارند، و چنانکه از نشانه هایش پیداست، نسبت به آینده امید بخش است (۲۲۷).

به هر حال همانگونه که در آخر آیه مذکور می خوانیم باید امید به فضل و لطف خدا داشت، فضل و رحمت خدا وسیع است، و حتماً شامل افراد شایسته و برازنده خواهد شد.

به این ترتیب نتیجه می گیریم که طرفداران جدی تشکیل حکومت جهانی به رهبری قائم (عج) باید با کسب ویژگیهای که در تفسیر آیه مذکور بیان شد، در هر جا ستاد مقاومت و تلاش تشکیل دهند و بدانند که حتماً با چنین حرکت قرآنی به کعبه مقصود خواهند رسید.

در اینجا از یک شاهد عینی کمک گرفته و بطور ملموس موضوع را ترسیم می کنیم:

از شما می پرسیم برآستی اگر مردم همه کشورهای اسلامی با هدف قرارداد اسلام تحت رهنمودهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آتش، تحت نظر مردان صالح و آگاه خود، همچون کشور ایران در وضع فعلی به جنگ با طاغوتیان بروند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند و کم کم آنرا توسعه داده و به تہذیب و تکمیل آن پردازند چقدر به حکومت جهانی امام قائم (عج) نزدیک خواهند شد؟ امید آنکه جهان اسلام با تجزیه و تحلیل و دیدن این نشانه های عینی و ملموس، دنبال کار را بگیرد که مسلماً به نتیجه خواهد رسید.

تحلیل سخنی از امام سجاد

امام سجاد (علیه السلام) درباره منتظران و یاران حضرت مهدی (عج) به یکی از دوستانش بنام ابو خالد (رحمه الله) چنین فرمود:

«مردمی که در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) به سر می برند و معتقد به امامت و رهبری آنحضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند، از مردم هر زمانی برترند، چرا که خداوند آنها را آنچنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام زمان (علیه السلام) برای آنان همچون ظهور آنحضرت است، خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر در پیشاپیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با دشمن می جنگیدند، در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار

و پنهان به سوی خدا دعوت کنند» (۲۲۸).

در این روایت مردم منتظر ظهور امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت به عنوان «برترین مردم» همه زمانها خوانده شده اند و در پایان به عنوان «انسانهای خالص و شیعیان راستین» لقب گرفته اند به خاطر سه ویژگی:

نخست:

به خاطر آگاهی و شناخت به گونه ای که غیبت امام زمان (علیه السلام) را همچون حضور او دانسته و تلاش و فکر و هدفشان بر این اساس است، نه اینکه دست روی دست بگذارند که از ما کاری ساخته نیست به انتظار می نشینیم تا امام زمان (علیه السلام) ظهور کند و خودش کارها را اصلاح نماید.

دوم:

به خاطر اینکه جهاد و تلاش و پیکار با دشمنان دارند، بسان مجاهدان صدر اسلام که در پیشاپیش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با دشمن می جنگیدند، بی تفاوت نیستند و تا آخرین حد توان در صحنه نبرد حضور دارند.

سوم:

به خاطر اینکه مردم را در آشکار و پنهان به سوی خدا می خوانند: اولاً دعوتشان به سوی خداست نه به سوی شرق و غرب، ثانیاً همواره در آشکار و پنهان کارشان هدایت و روشنگری است تا مردم را به سوی حق جلب و جذب کنند.

به این ترتیب یاران ویژه وویژگیهای یاران امام زمان (علیه السلام) را می شناسیم و در یک جمع بندی کوتاه چنین نتیجه می گیریم که اگر هواداران امام زمان (علیه السلام) دارای چنین ویژگیهای باشند، جهان به سوی حکومت واحد جهانی تحت رهبری حضرت قائم (عج) نزدیک می شود و قدمهای بزرگ و مؤثری برای ظهور آنحضرت برداشته خواهد شد.

حرکت انقلابی نه گام به گام

نکته دیگری که در رابطه با یاران مهدی (عج) باید مورد توجه قرار گیرد این که از روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) کاملاً استفاده می شود که نهضت و انقلاب آن حضرت به گونه رفورمی و گام به گام نیست، بلکه به طور انقلابی است، و در میان صفات یاران مهدی (عج) پس از ایمان و معرفت، بیشتر از سلحشوری و جهاد و رزمندگی و اراده قوی آنها سخن به میان آمده است، و این حکایت از آن می کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی (عج) باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخوردار ننمود اکنون به چند روایت ذیل در این جهت توجه فرمائید:

۱ - پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«مردمی از مشرق زمین بپاخیزند و زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (عج) شوند» (۲۲۹).

تعبیر «خروج» که در فارسی معادل؛ نهضت و شورش و انقلاب است دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی (عج) است نه حرکت گام به

گام.

ضمناً از این روایت استفاده می شود، یارانِ زمینه ساز برقراری حکومت حضرت مهدی (عج) در مشرق زمین هستند.

۲ - شخصی از امام باقر (علیه السلام) پرسید:

«مردم گویند وقتی که حضرت مهدی (عج) قیام کرد کارها به طور طبیعی به پیش می رود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نمی شود؟»

امام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند چنین نیست اگر چنین چیزی ممکن بود در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) صورت می گرفت، در صورتی که دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد و پیشانی‌اش شکست، به خدا سوگند نهضت امام قائم (عج) تمام نمی شود مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خونها ریخته شود، پس دست به پیشانی مبارکش مالید» (۲۳۰).

۳ - امام باقر (علیه السلام) در ضمن گفتاری فرمودند:

«وقتی قائم ما (عج) قیام کرد هر یک از شما به اندازه قوتِ چهل مرد نیرو پیدا می کند، ودلهای شما همچون پاره های آهن می شود که اگر به کوهها بزنند آنها را می شکافند..» (۲۳۱).

۴ - نیز فرمود:

«قیام حضرت مهدی (عج) از این جهت شباهت به لشکر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد که با شمشیر قیام می کند و دشمنان خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و گمراه

کنندگان را به قتل می رساند وبا شمشیر و ترساندن، پیروز می گردد،
آنچنان پیروزی که هیچ پرچمی از او شکسته نمی شود». روشن است که کلمه شمشیر، کنایه از جنگ با اسلحه است.
۵ - روایاتی که درباره ویژگیهای منتظرین حضرت مهدی (عج) آمده نیز مطلب فوق را تأیید می کنند که در بسیاری از این روایات آمده:

«منتظرین همانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بر فرق دشمن ضربه مهلک وارد می سازند» (۲۳۲).
ضمناً لقب قائم «عج» (قیام کننده) برای حضرت مهدی (عج) و اوصافی که در مورد او آمده مانند اینکه: حضرت رضا (علیه السلام) فرمود:

«قائم «عج» در سن پیران ولی به صورت جوانان ظاهر می شود، بقدری قوی و نیرومند است که اگر به بزرگترین درخت روی زمین دست دراز کند آن را از ریشه می کند و اگر در میان کوهها فریاد بزند سنگهای سخت آن متلاشی می گردند» (۲۳۳).

۶ - در بعضی از تعبیرات ائمه (علیهم السلام) آمده:
«وَلَوْ مَرُّوا الْجِبَالَ مِنْ حَدِيدٍ لَيَقَطُّوهَا لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»

اگر این یاران به کوههایی از آهن عبور کنند آنها را قطعه قطعه کنند، اسلحه هایشان همواره در کار است تا خداوند راضی شود» (۲۳۴).

اینها همه حاکی است که قیام حضرت مهدی (عج) یک حرکت عمیق انقلابی در کل جهان است و باید برای چنین حرکتی بسیج عمومی و به تعبیر دیگر ارتش عمومی و مجهز از مسلمانان در تمام نقاط دنیا تشکیل شود، ارتشی که کاملاً آمادگی رزمی داشته باشد و با روحیه ای عالی به پیش رود و در جسم و روح بتوان او را به عنوان سرباز امام زمان (علیه السلام) خواند. برای تکمیل این بحث به روایت معروف ذیل توجه کنید:

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

(همراه ظهور قائم «عج») بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (و به حضرت مهدی «عج» می پیوندند)، پانزده نفر آنها از قوم موسی (علیه السلام) هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق وعدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهف اند و بقیه عبارتند از: یوشع بن نون (رحمه الله)، سلمان (رحمه الله)، ابودجانه انصاری (رحمه الله)، مقداد (رحمه الله) و مالک اشتر (رحمه الله) اینها در خدمت امام زمان (علیه السلام) به عنوان یاران و فرماندهان آنحضرت به شمار می آیند (۲۳۵).

با توجه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی (علیه السلام) که همه جا حامی موسی (علیه السلام) بودند و تسلیم دعوت سامری نشدند و همواره در این فکر بودند که از خط موسی (علیه السلام) خارج نشوند، چنانکه در قرآن (آیه ۵۹ سوره اعراف) اشاره ای به این گروه صالح و در خط حق وعدالت شده

است، همان پانزده نفر مذکور در روایت فوق می باشند. و همچنین با توجه به داستان زندگی آزاد مردان و حق طلبانی همچون اصحاب کهف و مبارزه منفی آنها با طاغوت زمانشان... و همچنین با توجه به حمایتها و فعالیتهای یوشع بن نون (وصی حضرت موسی (علیه السلام)) در راه توحید چنانکه در تاریخ آمده و با توجه به زندگی برجسته مردانی همچون ابودجانه انصاری، سلمان (رحمه الله)، مقداد (رحمه الله) و مالک اشتر (رحمه الله) در می یابیم که یاران راستین حضرت مهدی (عج) باید چگونه افرادی باشند؟ و در چه خطی باشند و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نورزند؟

تجزیه و تحلیلی درباره سیصد و سیزده نفر از یاران مخصوص امام

زمان و دیگر یاران آن حضرت

برای شناخت این یاران مخصوص به مطالب زیر توجه کنید:

تواتر حدیث سیصد و سیزده نفر

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان (علیه السلام) نوشته شده که هنگام ظهور آنحضرت ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام (عج) هستند، اکنون بجاست که در این کتاب درباره این افراد خاص به بررسی فشرده ای پردازیم، برای روشن شدن مطلب نخست صحت اصل حدیث را مورد بررسی قرار داده سپس ویژگیهای این یاران را بیان می کنیم.

به طوری که در کتب مربوطه مانند بحارالانوار، (طبع قدیم، جلد ۱۳، ونیز چاپ جدید جلد ۵۲)، اثبأ الهدأ، جلد ۷، ومنتخب الاثر و... آمده، حدیث ماجرای پیوستن ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت قائم (عج) به آنحضرت، هنگام ظهور در مکه «متواتر» است، یعنی به اندازه ای نقل شده که انسان با بررسی آنها علم پیدا می کند که این حدیث صحیح است، واز پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وائمه (علیهم السلام) نقل شده است.

بنابر این نباید شکی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین (علیهم السلام) نمود.

توضیح بیشتر اینکه: این حدیث با تعبیرات گوناگون نقل شده ودر مجموع به اصطلاح، تواتر معنوی بر صحت صدور آن از معصومین (علیهم السلام) داریم، اکنون با توضیحات کوتاه، ویژگیهای این افراد و یاران مخلص دیگر امام قائم (عج) را در امور ده گانه زیر بررسی می کنیم:

۱ - امام زمان در انتظار آنها بسر می برند

هنگام ظهور امام قائم (عج) آنحضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه (کانون و مرکز توحید) کند و صدای دل آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی بنام «ذی طوی» (۲۳۶) در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می کند، تا اینکه آنها می آیند و به آنحضرت می پیوندند... (۲۳۷) واز آنجا همراه امام به کنار کعبه می روند... (۲۳۸).

۲ - آنها از اطراف جهان جمع می شوند

این ۳۱۳ نفر از اطراف جهان و دورترین نقطه ها جمع شده و به امام قائم (عج) می پیوندند چنانکه در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) بیان شده:

«يَجْمَعُ اللَّهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةً وَثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا؛

خداوند - برای حضرت قائم - از دورترین شهرها، به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می کند» (۲۳۹).

۳ - آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم هستند

هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین (علیه السلام) با امام قائم (عج) بیعت می کنند، همین ۳۱۳ نفر هستند، چنانکه این مطلب را امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود (۲۴۰). البته باید توجه داشت که در آغاز ظهور، یاران امام زمان (علیه السلام) ۳۱۳ نفرند، و گرنه به طور سریع بر یاران آنحضرت افزوده می شود به طوری که در همان آغاز به ۱۰۰۰۰ نفر می رسند، چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«ما يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوَّلِهِ قَوْمٌ وَمَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛ امام زمان (علیه السلام) خروج و ظهور نمی کند مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر نیستند» (۲۴۱).

۴ - آنها جانبازان سلحشورند

این ۳۱۳ نفر در حدی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری

هستند که دشمنان قائم (عج) جمع می شوند تا آن حضرت را به قتل برسانند، همین ۳۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه وجانبازی در راه آن بزرگوار، دشمنان را دفع کرده و آنان را در راه رسیدن به هدف شوم خود، مفتضحانه شکست می دهند، چنانکه این مطلب در ضمن حدیثی از امام سجّاد (علیه السلام) نقل شده است (۲۴۲).

۵ - آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند

این افراد، در روایات بسیار، تشبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند، که تا آن وقت دشمنان چنین شکستی از اسلام نخورده بودند، و اصلاً تصور چنین شکستی را نمی کردند.

به علاوه، این ۳۱۳ نفر پرچمداران روی زمین، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می باشند، این ویژگیها حکایت از آن می کند که این افراد علاوه بر سلحشوری و شجاعت، دارای علم و بینش بوده که لیاقت رهبری جامعه ها را دارند و شایستگی آن را دارند که پرچمدار کشورها باشند.

شاید بتوان گفت: هنگام برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) همه جهان به ۳۱۳ ایالت و استان تقسیم گردد، و در هر یک از این ایالتها و استانها این مردان بزرگ رهبر آنجا گردند، اینک به اصل روایت توجه کنید:

«عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ

وَحَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ الْبَدْرِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ...؛

امام صادق (علیه السلام) فرمود: گویا امام قائم (عج) را بر بالای منبر کوفه می نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر مرد به تعداد جنگاوران مسلمان جنگ بدر، اطرافش را گرفته اند، این یاران پرچمداران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند» (۲۴۳).

۶ - آنها امت معدوده و همچون پاره های ابرهای متراکم هستند:

در قرآن می خوانیم:

«هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر می کند» (۲۴۴).

در تفسیر این آیه، امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ، الثَّلَاثُمِائَةِ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَاللَّهُ هُمْ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قُزَعٌ كَقُزَعِ الْخَرِيفِ؛ منظور یاران قائم (عج) اند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از امت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند، به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد» (۲۴۵).

و در حقیقت آیه مبارکه مذکور می گوید: خدائی که قدرت دارد

ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان

جمع آوری کند به آسانی می تواند یاران مهدی (عج) را در یک

روز و یک ساعت برای افروختن نخستین جرّقه های انقلاب به منظور

تأسیس حکومت جهانی عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم جمع

نماید.

تعبیر «امّه معدده» و همچنین به پاره های ابر پائیزی که توده های آن جمع و متراکم می گردند، حاکی است که این ۳۱۳ نفر خود یک «امت» هستند و همچون توده های ابرهای متراکم، خلل ناپذیر و تیز پرواز و نیرومند می باشند.

۷ - آنها رکنها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم اند

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود (علیه السلام) که در آن آمده حضرت لوط (علیه السلام) به قوم سرکش و تبهکار خود گفت:

«لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ؛

(افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می دانستم که با شما پس فطرتان چه کنم)».

فرمود: منظور از «قوة» همان قائم «عج» است و منظور از «رکن شدید» (پشتیبانان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند (۲۴۶).

آری حضرت لوط (علیه السلام) آرزو می کند که ای کاش مردانی مصمم، با قدرت روحی و جسمی کافی و هم پیمانهای نیرومند همانند ۳۱۳ نفر مردانی که هسته مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را تشکیل می دهند در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید.

و طبق روایتی می خوانیم آنها همچون پاره های آهن «محکم

واستوار» هستند (۲۴۷).

۸ - چند نشانه دیگر از این سیصد و سیزده نفر

امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران مخصوص «مفضل» (رحمه الله) فرمود:

«وقتی که امام قائم (عج) از سوی خدا اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از افراد نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره های ابر پائیزی به سوی او می شتابند، جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید شوند، و صبحگاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده می شوند که بر روی ابر حرکت می کنند - تا آنجا که فرمود:

این آیه «هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می کند» (۲۴۸) درباره آنها نازل شده است» (۲۴۹).

یکی از اصحاب می گوید: در مسجد الحرام در مکه در حضور امام باقر (علیه السلام) بودم آنحضرت دستم را گرفت و فرمود:

«بزودی خداوند متعال ۳۱۳ نفر را در همین مسجد حاضر کند، مردم مکه می دانند که هنوز پدران واجداد آنها خلق نشده اند، همراه آنها شمشیرهایی است که بر هر شمشیری نام شخص و نام پدر و اوصاف و نسبش نوشته شده، سپس به دستور امام (عج) شخصی اعلام می کند:

این مهدی (عج) همچون داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) قضاوت می کند و گواهی نمی خواهد» (۲۵۰).

و در ضمن روایتی از امام صادق (علیه السلام) می فرماید:
«بر شمشیرهای آنها هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن کلید
هزار کلمه دیگر است و آنحضرت، باد را در هر درّه ای بفرستد که
ندا کند: این مهدی (عج) است که قضاوت و حکومتش همچون
قضاوت و حکومت داود (علیه السلام) است و گواهی از متخلفین نمی
خواهد» (۲۵۱).

وبالآخره امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«امام قائم (عج) دارای ۳۱۳ نفر یاور است که این افراد از نژاد
«عجم» هستند، بعضی از آنها در روز بر روی ابر سوار شده و راه می
روند، و بنام و پدر و اوصاف و نسب معروفند (۲۵۲) و بعضی از آنها در
بستر خود خوابیده اند و بدون وعده قبلی در مکه به حضور امام قائم
(عج) شرفیاب می گردند» (۲۵۳).

این روایات حاکی است که ۳۱۳ نفر در همه ابعاد انسانی، افراد
شایسته و شخصیت‌های ممتاز و قاطع و دلیر و دارای امکانات وسیع بوده
و شایستگی آن را دارند که نخستین دسته گروندگان به آنحضرت
باشند و هسته مرکزی حکومت حضرت قائم (عج) و سران ارتش
انقلاب جهانی ایشان را تشکیل می دهند.

۹ - دست خدا بالای سر امام و یارانش

از آنجا که این مردان آزاده، برآستی به امام قائم (عج) می پیوندند
تا در راه او هرگونه جانبازی لازم را بنمایند، خداوند نیز یار و یاور
آنها است و با نیروهای غیبی آنها را کمک می کند.

چنانکه قرآن می فرماید:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛

اگر شما خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می کند و گامهای شما را استوار می دارد» (۲۵۴).

امام سجّاد (علیه السلام) فرمود:

«گویا صاحب شما (حضرت قائم «عج») را می بینم که همراه سید و

اندی نفر در پشت کوفه به نجف مشرف شده، جبرئیل (علیه السلام)

در طرف راست و میکائیل (علیه السلام) در طرف چپ و اسرافیل (علیه

السلام) در پیش روی او است، پرچم پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله

وسلم) را برافراشته و آن پرچم را به جانب هیچ گروهی از مخالفان

متمایل نکند، مگر اینکه خداوند آنانرا به هلاکت می رساند» (۲۵۵).

نیز در ضمن روایتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«هنگام خروج قائم (عج) منادی خدا از آسمان فریاد می زند: ای

مردم! مدت ستمگران تمام شد، و کار بدست بهترین امت محمد

(صلی الله علیه وآله وسلم) افتاد، روانه مکه شوید» (۲۵۶).

به این ترتیب می بینیم دست خدا همراه مهدی (عج) و یارانش

است، در این صورت پیروزی آنها حتمی است از طرفی در روایات

می خوانیم خداوند خروج قائم (عج) را در یک شب سامان می

بخشد (۲۵۷).

به هر حال طبق مضمون فرموده امام باقر (علیه السلام) این انقلاب

نیاز به یاران قهرمان ورشید دارد، و باید در این راه خونها ریخته

شود و عرقها در بدن جاری گردد (۲۵۸).

یارانی که شایسته اطراف امامی باشند که پرچم رسول خدا را به دست گرفته و اسلحه های پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را با خود حمل می کند، و پیراهن خونی شده ای را که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در جنگ اُحد در تن داشت به تن دارد (۲۵۹).

۱۰ - نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی

جالب اینکه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده فرمود:

«... وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قُرْعًا كَقُرْعِ الْخَرِيفِ؛

سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می آیند در میانشان ۵۰ نفر زن هستند، در مکه اجتماع می کنند بی آنکه قبلاً وعده داده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پائیزی است (که با حرکات تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند)» (۲۶۰).

شکی نیست و به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثر و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور در دامن پاک خود می پروراند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان محکم و خوب برای مردان می شوند، آنها می توانند با تصمیم آهنین خود شهید پرور باشند، آتش انقلاب را شعله ور سازند، و در کنار جبهه ها به پانسمان زخمی ها بپردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.

در روایات آمده پس از جنگ اُحد بدن حضرت علی (علیه السلام) پر از زخم شد به طوری که ۶۰ مورد از بدن مولا علی (علیه السلام)

بریدگی سخت پیدا کرد، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دو زن بنام امّ سلیم و ام عطیه (رحمهما الله) را مأمور مداوا و پانسمان زخمهای بدن مبارک امام علی (علیه السلام) نمود، آنها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند، بعد گزارش دادند بقدری بدن حضرت علی (علیه السلام) پر از زخم شده که هر زخمی را می بندیم در کنارش زخم دیگری شکافته می شود (۲۶۱).
نیز در روایات آمده پنجاه نفر از اصحاب (یاران خاص) حضرت قائم (عج) زن هستند (۲۶۲).

به این ترتیب: زنان نیز باید شخصیت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب امام مهدی (عج) گردند، و در جبهه های سیاسی و نظامی، شرکت و تلاش فعال نمایند، و همچون زینب کبری (علیها السلام) مسؤولیتهای سنگین یک انسان کامل را بدوش بکشند و رسالت خود را انجام دهند. (به امید آن روز).

به این حدیث جالب نیز توجه کنید:

مفضل (رحمه الله) گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«همراه مهدی (عج) سیزده زن هست.

عرض کردم این بانوان برای چه در کنار مهدی (عج) هستند؟

فرمود: اینها مجروحان را مداوا می کنند و از بیماران جنگی

پرستاری می نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام (صلی الله

علیه وآله وسلم) همراه آنحضرت در جنگها این کارها را به عهده می

گرفتند» (۲۶۳).

ضمناً ناگفته نماند که از کتاب خطبه البیان منسوب به امام علی (علیه السلام) آمده نخستین کسی که از ۳۱۳ نفر به خدمت امام عصر (علیه السلام) می رسد دو نفر بصری بنام علی ومحارب، وشش نفر دیگر از ابدال بنام عبدالله هستند (۲۶۴).

وبالآخره در وصف یاران مهدی (عج) از امام صادق (علیه السلام) به این مضمون آمده است:

«آنچنان در برابر فرمانده کلّ قوا خبردار ایستاده اند که گویا مرغی بر سرشان است و تکان نمی خورند غذایشان تمام شده، در عین حال آثار سجده در پیشانیشان پیدا است، شیران روز وپارسایان شب هستند وقلبشان همچون پاره آهن محکم است.

همراه آنها پرچمی است که جبرئیل (علیه السلام) در جنگ بدر برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آورد... پرچمی که تا یک ماه راه از چهار طرفش ترس را بردشمنان مسلّط می کند از مکه بیرون نمی آید تا اینکه «حلقه ای» در اطرافش باشند، شخصی پرسید: این حلقه از چند نفر تشکیل شده؟

امام صادق (علیه السلام) فرمود: از ده هزار نفر که جبرئیل (علیه السلام) در طرف راست و میکائیل (علیه السلام) در طرف چپ این حلقه هستند، سپس امام (علیه السلام) پرچم فتح را برافرازد و حرکت کند و در مشرق و مغرب کسی نماند جز اینکه «از روی عناد» بر آن پرچم لعنت کند» (۲۶۵).

نتیجه بحث و بررسی بیشتر

از گفتار گذشته چنین نتیجه می گیریم که یار و یاور، آنهم یاران جانباز و مخلص و آگاه و متعهد از شرایط اولیه ظهور حضرت مهدی (عج) است باید در همه نقاط جهان، افرادی از مرد وزن آماده شوند و خود را با یاران حقیقی (عج) تطبیق دهند، یارانی ممتاز و آگاه در همه زمینه ها، یارانی ایثارگر و رزمنده و دشمن برانداز. و باید علاقمندان به ظهور قائم (عج) چنین باشند و چنین یارانی در همه جا به وجود آورند تا زمینه خوبی برای نزدیک شدن ظهور گردند.

برای این که بیشتر به سلحشوری یاران حضرت مهدی (عج) پی ببریم، در پایان به این روایت نیز توجه کنید:

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«أَلْقَى الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَخَرَجَ مَهْدِينَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَأَمْضَى مِنَ السَّانِ وَيَطْأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَيَقْتُلُهُ بِكَفَّيْهِ؛

امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و حضرت مهدی (عج) ما خروج کند، هر کدام از دوستان ما از شیر، دلیر تر و از نیزه برآنتر شوند و دشمنان را پا مال کنند و با دست و چنگ بکشند» (۲۶۶).

به هر حال چنانکه از روایات استفاده می شود: فتح و پیروزی همراه امام قائم (عج) است و هر کجا که می رود فتح و پیروزی در آنجا به

دست می آید (۲۶۷).

سرانجام در غرب و شرق به حمایت از آن حضرت بر می خیزند (۲۶۸).

و طبق روایتی سید و شصت مرد کامل الهی در بین حجرالاسود و مقام ابراهیم (علیه السلام) با امام قائم (عج) بیعت می کنند... و آنها وزیران اویند که بار سنگین مسئولیتهای کشور جهانی را اداره می نمایند (۲۶۹).

آنحضرت در فتح روم دارای هفتاد هزار سپاه است که تکبیر گویان آنجا را فتح می کنند، غرّش تکبیر اول یک سوم روم را، و غرّش دوم یک سوم دیگر روم را و غرّش سوم که همراه یورش قهرمانان است همه مردم را تحت پرچم امام قائم (عج) قرار می دهد، اسلام و مسلمین سربلند و پیروز می شوند، و کفر و کافران ذلیل و خوار می گردند، و تنها دین خالص حکومت خواهد کرد (۲۷۰).

صلیبها شکسته می شوند و خوگها نابود می گردند، عصر او عصر پرهیزکاران است، یارانش پاک و خالص هستند و از آلودگیها بدورند و در خط حق که خط آنحضرت و یارانش می باشد گام بر می دارند و به عنوان «رجال الهی و وزیران آنحضرت» یاد شده اند (۲۷۱). و به فرموده امام باقر (علیه السلام) هفتاد هزار نفر از افراد راستین و خالص از اهل کوفه به حمایت امام زمان (علیه السلام) بر می خیزند (۲۷۲).

اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقاء و اعاجم؟

جالب این که در وصف یاران مهدی (عج) واژه هایی مانند: «اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقا و اعاجم» آمده که با توجه به معانی این عناوین با ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج) نیز آشنا تر می شویم.

اوتاد

قبلاً گفتیم که ایشان طبق روایات سی نفرند که همواره در خدمت امام عصر (عج) به سر می برند، هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می گردد (۲۷۳).
با توجه به کلمه «اوتاد» که جمع «وَتَد» به معنی میخ است و با توجه به آیه ۷ سوره نبا قرآن که خداوند می فرماید:
«وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا؛

ما کوهها را میخهای زمین قرار دادیم».

(که زمین را نگهدارند و بوسیله آن، زمین از هم نپاشد)

نتیجه می گیریم که این یاران از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت آن حضرت بسر می برند.

عصائب

طبق بعضی از روایات، اینها یاران حضرت مهدی (عج) در عراق هستند که هنگام ظهور آنحضرت خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند (۲۷۴).

با توجه به معنی «عصائب» که جمع عصبه به معنی جوانمردان رشید و نیرومند است، به دست می آوریم که یاران مهدی (عج) باید چنین

باشند.

ناگفته نماند که در بعضی از روایات یاران حضرت مهدی (عج) با عنوان «اخیار» خوانده شده اند (۲۷۵).

ابدال

اینها از یاران حضرت مهدی (عج) در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آنحضرت خود را به مکه می رسانند و با آنحضرت بیعت می کنند (۲۷۶).

معنی ابدال چنانکه مرحوم طریحی در مجمع البحرین می گوید: آنها جمعی از صالحان می باشند، که همواره در زمین هستند، وقتی یکی از آنها فوت کرد، خداوند بدل او شخص صالح دیگر را می گذارد، اینها ۴۰ یا ۷۰ نفر در شام هستند و یا ۳۰ نفر در جای دیگر (۲۷۷).

بنابر این اینها مردان خالص و کامل و صالح روی زمین هستند. ضمناً ناگفته نماند که شخصی از حضرت رضا (علیه السلام) در مورد ابدال پرسید، آنحضرت فرمود: ابدال، اوصیاء پیامبران هستند (۲۷۸).
نجباء

طبق روایتی که از امام علی (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) نقل شده: اینها یاران مهدی (عج) از سرزمین مصر هستند (۲۷۹).
نیز در روایتی آمده که اینها از کوفه هستند (۲۸۰).

با توجه به معنی «نجباء» که جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت و خوش نفس و جوانمرد است، نیز به ویژگی دیگر یاران مهدی (عج)

پی می بریم.

رفقاء

یاران حضرت مهدی (عج) از کوفه هستند و خود را هنگام ظهور به مکه رسانده و با آنحضرت بیعت می کنند و همچون پاره های متراکم ابر پاییزی به سوی مکه روانه می شوند (۲۸۱).

با توجه به اینکه پنجاه نفر از سیزده نفر اهل کوفه هستند (۲۸۲) و با توجه به معنی «رفق» و «رفاقت» که نشانگر صفا و صمیمیت و پیوند محکم آنهاست به ویژگی دیگر یاران مخلص حضرت مهدی (عج) نیز پی می بریم.

اعاجم

یعنی غیر عرب، چنانکه هم اکنون نیز ما نشانه هایش را در ایران، افغانستان و پاکستان و... می بینیم، امام زمان (علیه السلام) یاران بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین ها می توانند هسته مرکزی ارتش نیرومند امام (عج) را در کشورهای عجمی تشکیل دهند و سپس به توسعه آن اقدام جدی کنند (۲۸۳).

با توجه به اینکه حکومت جهانی ارتش نیرومند و قوی و کامل می خواهد. آن هم در اطراف امامی که غرق در اسلحه های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و حتی اسب و شتر و دلدل و براق و پرچم پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) همراه اوست و مصحف مخصوص امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را در دست

دارد (۲۸۴).

این نیز قابل توجه است که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: اصحاب مهدی (عج) جوآنند و پیر در آنها یافت نمی شود، جز مثل سرمه در چشم و نمک در غذا، که کمترین چیز در غذا، نمک است (۲۸۵).

امدادهای غیبی به کمک انقلابیون

از آنجا که مردان خدا به یاری حضرت قائم (عج) می شتابند و شب و روز برای برقراری حکومت جهانی تحت رهبری آنحضرت تلاش می کنند، خداوند نیز با امدادهای غیبی خود بهترین حمایت را از آنها خواهد کرد، چنانکه در قرآن کریم می فرماید: «اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می کند، و قدمهای شما را ثابت و استوار می دارد» (۲۸۶).

اینک به این روایت که فشرده روایات بسیاری است توجه کنید: «هنگام ظهور امام قائم (عج) فرشته ای بالای سر آن حضرت فریاد می زند این مهدی (عج) خلیفه خدا است، پس از او پیروی کنید، مردم به سوی او سراسیمه می شوند، و او حکومت شرق و غرب را به دست می گیرد، خداوند او را به سه هزار فرشته کمک می نماید، اصحاب کهف از یاران او هستند، جبرئیل در پیشاپیش سپاهش، و میکائیل در کنار سپاهش می باشند، و حضرت مهدی (عج) صندوق سکنه را از غار انطاکیه بیرون آورد، و اسفار تورات را از کوهی در شام خارج کرده و با آن یهود، احتجاج و استدلال می کند و بسیاری

از یهودیان مسلمان می شوند» (۲۸۷).

به این ترتیب می بینیم: بزرگترین امدادهای غیبی به کمک حضرت مهدی (عج) و یارانش می شتابند و همه سختیها و ناگواریها برای او و یارانش آسان می شوند.

چنانکه امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود:
«يَذِلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ»

همه مشکلات در برابر امام قائم (عج) تسلیم و رام می گردد» (۲۸۸).
و این موضوع باید مسلمین را قوی دل و محکم کند آنها نهراسند و بدانند کمک خدا پشت سر آنهاست.

فصل ششم: دیدار کنندگان امام در غیبت کبری

در اینجا مناسب دیدم به ذکر چند نمونه از کسانی که در زمان غیبت به حضور حضرت قائم (عج) شرفیاب شده اند و به این سعادت عظمی رسیده اند پردازم تا شاید رهگشایی برای روشندلان پاک سیرت باشد و آنها نیز با ایجاد شرایط و التماس از در این خانه، به این سعادت نائل گردند و ناامید نشوند (۲۸۹).

۱ - امام زمان به صابونی اجازه دیدار نداد

مردی صالح و خیراندیش در بصره عطّاری می کرد وی داستان عجیبی دارد که از زبان خودش خاطر نشان می گردد:
عطّار می گوید: در مغازه نشسته بودم که دو نفر برای خرید سدر و کافور به در دکان من آمدند از گفتار و سیمای آنان دریافتم که اهل بصره نیستند و از شخصیتهای بزرگوار می باشند

(آثَرُ النَّجَابَةِ سَاطِعُ الْبُرْهَانِ)

از حال و دیار آنان پرسیدم آنها کتمان کردند، من هر چه اصرار می نمودم آنان نیز اصرار به پاسخ ندادن می کردند.

آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) دادم که خود را معرفی کنند چون دیدند من دست بردار نیستم گفتند ما از ملازمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسکری (عج) هستیم، شخصی از نوکران آن درگاه با عظمت از دنیا رفته است صاحب آن ناحیه ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم.

فهمیدم که اینان از یاران آن حضرت هستند بی اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرع و زاری کردم که حتماً باید مرا به آن حضرت برسانید.

یاران حضرت گفتند مشرف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه ایشان است!

عطار گفت: مرا نزدیک آن حضرت ببرید اگر اجازه داد زهی سعادت و گرنه هیچ؟!!

آنان از اقدام به این کار خودداری کردند ولی چون من با کمال پافشاری دست بردار نبودم آنگاه به من رحم کرده و منت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند.

بسیار خوشحال شدم با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده، درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم تا به ساحل دریای عمان

رسیدیم.

آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب روانه شدند من ترسیدم که غرق شوم و حیران ایستادم، آنان متوجه شدند و گفتند: مترس! خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم بده ورهسپار شو! من چنین کردم و بر روی آب مانند زمین خشک به دنبال آنها رفتم. در وسطهای دریا بودیم، دیدم ابرها به هم درآمده و هوا صورت بارانی گرفت و شروع به باریدن کرد، اتفاقاً من همان روز صابون ریخته بودم و بر پشت بام مغازه به خاطر آنکه به وسیله تابش آفتاب خشک شود گذارده بودم همین که باران را دیدم خیال صابونها را نمودم و پیریشان خاطر شدم، به محض این خیال مادی ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و به کمک هنر شناوری به دست و پا و تضرع افتادم آن دو نفر به من توجه کرده و عجز و ذلت مرا مشاهده نمودند فوراً به عقب برگشته دست مرا گرفتند و از آب بیرون کشیدند و گفتند: این پیشآمد، اثر آن خاطره صابون بود، بار دیگر خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم ده تا تو را در آب حفظ کند، من نیز استغاثه نموده و چنین کردم مثل اول روی آب با آنان رهسپار شدم، وقتی که به ساحل رسیدیم، خیمه چادری را دیدم که همانند «شجره طور» نور از آن ساطع بود و آن فضا را روشن نموده بود. همراهان گفتند: تمام مقصود در میان همین پرده است. با هم به راه خود ادامه دادیم تا نزدیک چادر رسیدیم یکی از همراهان پیشتر رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد.

چادر را خوب دیدم و صدای آن بزرگوار را می شنیدم ولی وجود نازنینش را نمی دیدم، آن شخص درباره مشرف شدن من از حضور مبارکش خواستار اجازه شد، آن جناب فرمود:

«رُدَّوْهُ فَإِنَّهُ رَجُلٌ صَابُونِي؛

به او اجازه ندهید و او را در عداد خدمه این درگاه ملک پاسبان نشمرید، زیرا او مردی صابون دوست و مادی است.».

یعنی او هنوز دل از تعلقات دنیای دنی خالی نکرده و لیاقت حضور در این درگاه را ندارد.

عطار ادامه می دهد: چون چنین شنیدم، ناامید گشتم و دندان طمع از دیدار آن حضرت کشیدم و دانستم که، وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم را از آلودگی های مادی و معنوی زدوده و صاف گردانم (۲۹۰).

۲ - علامه حلی در خدمت امام زمان

پیش از آنکه ملاقات عجیب عالم و محقق بزرگ جهان تشیع علامه حلی (رحمه الله) با امام زمان (علیه السلام) را شرح دهم، اجازه دهید مختصری از شرح حال این مرد خدا را به نظر تان برسانم:

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی (رحمه الله) معروف به «علامه حلی» از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ هـ ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، این مرجع تقلید عالیقدر، سلطان محمد خدابنده پادشان مغول را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بسیار بزرگی به مذهب جعفری

نمود (۲۹۱). او در تمام علوم اسلامی، استاد ماهر بود و تألیفات او را بیش از ۵۰۰ جلد کتاب تخمین زده اند.

اینک توجه کنید که این مرد دینی چگونه مورد عنایت امام عصر (عج) قرار می گیرد:

او در حله یکی از شهرهای عراق سکونت داشت، هر شب جمعه از حله با وسائل آن زمان به کربلا می رفت. (با اینکه بین این دو شهر بیش از ۱۰ فرسخ است) با این کیفیت که پنجشنبه سوار بر الاغ خود به راه می افتاد و شب جمعه در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) می ماند و بعد از ظهر روز جمعه به «حله» مراجعت می کرد.

در یکی از روزها که به طرف کربلا رهسپار بود، در راه شخصی به او رسید و همراه علامه با هم به کربلا می رفتند علامه با رفیق تازه اش شروع به صحبت کرد و مسائلی را بیان نمود از آنجا که به فرموده امام علی (علیه السلام):

«الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»

شخصیت مرد در زیر زبانش نهفته است.

علامه درک کرد که با مردی بزرگ و عالمی سترگ، هم صحبت شده است، هر مسئله مشکلی می پرسید، رفیق راهش جواب می داد به طوری که علامه که خود را یگانه دهر می دانست، از علم رفیق راهش متحیر ماند گرم صحبت بودند تا آنکه در مسئله ای، آن شخص بر خلاف فتوای علامه فتوا داد علامه گفت: این فتوای شما بر خلاف اصل وقاعده است دلیل هم که این قاعده را از بین ببرد

نداریم.

آن شخص گفت:

«چرا دلیل موثقی داریم که شیخ طوسی (رحمه الله) در کتاب تهذیب در وسط فلان صفحه، آن را نقل کرده است».

علامه گفت: چنین حدیثی را در کتاب تهذیب ندیده ام.

آن شخص گفت:

«کتاب تهذیبی که پیش تو هست در فلان صفحه وسط این حدیث مذکور است!!»

علامه در دنیایی از حیرت فرو رفت از این رو که این شخص ناشناس به تمام علائم و خصوصیات نسخه منحصر به فرد کتاب تهذیب آگاهی داشت.

علامه درک کرد که در برابر استاد علامه ها قرار گرفته، لذا شروع کرد به ذکر مسائل مشکله ای که برای خودش حل نشده بود، در این موقع تازیانه ای را که در دست داشت به زمین افتاد، در همین حین این مسئله را از آن شخص پرسید که آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان (علیه السلام) هست؟

آن شخص تازیانه را برداشته بود و به علامه می داد و دستش به دست علامه رسید فرمود:

«چگونه نمی توان امام زمان را دید در صورتی که اینک دست او در دست توست».

علامه چون متوجه شد، خود را به دست و پای امام زمان (علیه

السلام) انداخت و آنچنان محو عشق آن حضرت شد که مدتی چیزی نفهمید، پس از آنکه به حال خود آمد کسی را ندید، به خانه مراجعت کرد و فوری کتاب تهذیب خود را باز نمود و دید آن حدیث با همان علائم از صفحه وسط، تطبیق می کند، در حاشیه این کتاب در همان صفحه نوشت: این حدیثی است که مولایم امام زمان (علیه السلام) مرا به آن خبر داده است. عده ای از علماء همان خط را در حاشیه همان کتاب دیده اند (۲۹۲).

همین علامه شنید یکی از علمای بزرگ اهل تسنن کتابی در رد شیعه نوشته که عده ای را با آن گمراه نموده ولی آن کتاب را در دسترس قرار نمی دهد، علامه مدتها به طور ناشناس در پیش آن عالم سنی، شاگردی کرد تا بلکه آن کتاب را به دست بیاورد و به حمایت از تشیع بر آن رد بنویسد تا آنکه از آن عالم تقاضا کرد که چند روزی آن کتاب را در دسترسش قرار دهد، آن عالم، کتاب را در اختیار علامه نمی گذارد، سپس حاضر شد که آن کتاب را یک شب به علامه بدهد و گفت من نذر کرده ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم.

علامه با اشتیاق تمام آن کتاب را به خانه آورد و تصمیم گرفت همان شب از تمام آن کتاب نسخه برداری کند (تا بعداً به رد آن بپردازد). مشغول نوشتن آن کتاب شد، چند صفحه ای نوشت، خسته شد و خواب او را گرفت در همین حال ناگاه دید مرد عربی وارد اتاق

شد و گفت:

«ای علامه! تو کاغذها را خط کشی کن، من برایت می نویسم».
علامه بی درنگ مشغول خط کشی شد ولی در همین حال خوابش
برد وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب را آن مرد عرب نوشته و در
آخر آن این جمله به چشم می خورد:
«کتابه الحجة»

این کتاب را حجت (عج) نوشته است!!» (۲۹۳).

العجل ای صاحب محراب ومنبر العجل * * * العجل ای حامی دین
پیمبر العجل

العجل ای باعث ایجاد عالم العجل * * * العجل ای وارث شمشیر
حیدر العجل

شهسوارا زودتر بشتاب که از انبوه کفر * * * کشور ایمان شده یکسر
مسخر العجل

تا بکی ما را بماند بر سر راه وصال * * * چشم حسرت روز و شب
چون حلقه بر در العجل

مهدی آخر زمان، ای پادشاه انس و جان * * * خیز و میکن دفع
دجال بد اختر العجل

از پی خونخواهی آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) از نیام * * *
* برکش آن صمصام و بنشین بر تکاور العجل

۳ - فریادرسی امام زمان در بحرین

کشور «بحرین» که مدتی است اعلام استقلال کرده، در طول

تاریخ، از نظر سیاسی و جغرافیایی و غیره در حال تغییر و تبدیل بوده از نظر تاریخی یکی از کشورهای پر حادثه جهان بوده است. این کشور که امروز از هشت جزیره تشکیل شده و از ناحیه شمال هم مرز با کشور «قطر» و از ناحیه جنوب هم مرز با کشور عربستان سعودی می باشد، دارای شهرهای بزرگ و تمدن اقتصادی خوبی است، در «منامه» که پایتخت این کشور می باشد، بالغ بر صد هزار نفر ساکن هستند شهر عوالی در بحرین مرکز بزرگ نفتی آن کشور است، و طبق آثار باستانی کشف شده، این کشور بیش از هزار سال قبل از میلاد تا کنون دارای ثروتهای سرشاری بوده و هر زمان از نظر اقتصادی، درخشش داشته است (۲۹۴).

ما در اینجا کاری به ریشه تاریخی این کشور و تغییر و تبدیل سیاسی آن و اینکه چگونه و چه وقت جزء کشورهای اسلامی قرار گرفت و چه وقت جزء ایران بوده و چند سال تحت الحمایه انگلیس و یا دیگران بوده نداریم، به هر حال چنانکه از کتب تاریخی استفاده می شود این کشور از نظرات مختلف دیار شگفتیها و قصه ها بوده، و مردم آن همواره در سایه ثروت سرشار آن از نعمتهای الهی برخوردار بوده اند.

این مختصری از دورنمای این کشور تازه مستقل بود، ولی آنچه در در اینجا منظور است، داستان مردم بحرین در حدود ۳۵۰ سال قبل یعنی در زمان سلطنت خاندان صفویه در ایران می باشد. در این زمان مردم بحرین، به نیکی و پاکی مشهور بودند شدت علاقه

اکثر مردم بحرین به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و اخلاص آنان در این مسیر به اندازه ای است که شیخ بهایی برای پدرش در ضمن نامه ای نوشت:

«اگر دنیا می خواهی به هند برو و اگر آخرت می خواهی به بحرین نزد ما بیا و اگر نه دنیا می خواهی و نه آخرت در میان عجم بمان» از این رو شیخ حسین بن عبدالصمد پدر بزرگوار شیخ بهایی در بحرین توقف کرد تا به جوار رحمت پروردگار شتافت و اینک قبر او در یکی از روستاهای بحرین معروف بوده و مزار او مورد توجه ساکنان اطراف آن قریه است.

در اواخر حکومت سلسله شاهان صفوی در ایران دستهای استعمار، کشور آباد و غنی بحرین را به سوی خود برد، و آن را تحت الحمایه بیگانگان قرار داد، در این دوران دری به تخته خورد و حوادثی پیش آمد و اوضاع سیاسی اقتضاء کرد که والی و فرماندار بحرین، شخصی ستمکار و دست نشانده بیگانگان شد که به دشمنی با امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و علاقمندان آن حضرت معروف بود، اتفاقاً او معاون و وزیری داشت که از رئیس خود هم بیشتر با امام علی (علیه السلام) و دودمان و شیعیانش دشمن بود، این دو نفر همواره موجب مزاحمت و آزار و شکنجه مردم بحرین شده و آنان را که به ولاء و دوستی اهل بیت (علیهم السلام) مشهور بودند با عوامل مختلف تحت شکنجه و آزار قرار می دادند، این روش ادامه داشت و لحظه به لحظه شدیدتر می شد، تا آنکه وزیر، نقشه ای بسیار مرموز و خائنانانه

طرح کرد و به خیال خام خود خواست در وقت خود آن نقشه را پیاده کند و بر ضدّ مردم شیعه بحرین به کار اندازد و به طور کلی سلب آزادی از آنان کند ولی اینک ببینید چگونه این نقشه را ایفا کرد؟ و چگونه نقشه اش نقش بر آب گشت؟
درخت انار شهادت می دهد:

وزیر که نقشه خود را با موفقیت کامل در مرحله نتیجه گیری رسانده بود با کمال خرسندی در حالی که در دستش اناری بود نزد فرماندار (۲۹۵) آمد و گفت: این انار را بگیرد و ببینید که حتی به وسیله این انار، درخت انار شهادت داده است که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) جانشین آن جناب ابوبکر است بعد عمر، بعد عثمان و در مرحله چهارم علی (علیه السلام) می باشد.
فرماندار خیلی دقیق انار را واریسی کرد، دید روی پوست آن دور تا دور، این کلمات نقش بسته است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَبُو بَكْرٌ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ خُلَفَاءُ رَسُولِ اللَّهِ»

ملاحظه کرد که به قلم خلقت و طبیعت این کلمات نگاشته شده و به هیچ وجه ممکن نیست که ساختگی باشد، رو به وزیر کرد و با لحن جدی گفت: این مطلب از دلیل های روشن و واضحی است که ما را به بطلان مذهب رافضی ها (شیعه ها) رهنمون می شود.
وزیر گفت: آری! همانگونه است که شما فرمودید ولی افسوس که این طائفه (شیعه ها) بر اثر تعصب زیاد به مذهب خود به آسانی

زیر بار این دلیل واضح نمی روند، به نظر من بهتر این است که آنان را حاضر کنید و در یک مجلس باشکوهی در ملاءعام این انار را به ایشان نشان دهید، اگر بدین وسیله به حقانیت مذهب تسنن پی بردند و به آن گرایش پیدا کردند، زهی موفقیت! و معلوم است که در این صورت شما به ثواب و پاداش خوب و بسیاری رسیده ای و اگر امتناع ورزیدند و با مشاهده این برهان قاطع، باز از گمراهی خود دست برنداشتند، آنان را به انتخاب یکی از سه چیز مجبور کنید: یا بسان یهود و نصاری به ما «جزیه» بدهند و در برابر ما ذلیل و خوار باشند و یا پاسخ قانع کننده این دلیل روشن را بدهند و یا آنکه مردان آنان را به قتل برسانیم و زنان و فرزندان شان را اسیر بنماییم و اموال شان را به غارت ببریم.

فرماندار که با دقت، گفتار وزیر را گوش می داد، گفت: پیشنهاد خوبی کردی و باید چنین کرد، به دنبال این پذیرش دستور داد علماء و سادات و نیکان مردم بحرین در مجلس باشکوهی به گردهم آیند تا آن انار کذائی را به آنان نشان داده و از آنها پاسخ بخواهد. مجلس تشکیل شد وزیر وعده ای از شخصیت ها در حضور فرماندار قرار گرفتند، در همین هنگام فرماندار انار را به بزرگان شیعه نشان داد و گفت: ببینید درخت انار چگونه شهادت بر حقانیت مذهب ما داده است، باید یا پاسخ این دلیل را بیاورید و یا جزیه داده و ذلیل و خوار زندگی کنید و یا آماده قتل و غارت باشید!

بزرگان بحرین که در ظاهر دلیل قانع کننده ای بر بطلان دلیل انار

نداشتند و خود را در فشار و بن بست سخت می دیدند با خواهش و تمنا سه روز مهلت خواستند، فرماندار نیز سه روز به آنها مهلت داد تا شیعیان پاسخ آن دلیل را بیاورند وگرنه خود را برای اطاعت اوامر فرماندار حاضر نمایند، به این ترتیب تا اینجا ترفند و نقشه وزیر در مسیر خود قرار گرفته و از اینکه به مرحله اجراء و نتیجه گیری برسد، نزدیک می شد.

مشورت و راه حل:

شیعیان و تربیت شدگان مذهب جعفری به خوبی فرموده رئیس مذهب خود امام صادق (علیه السلام) را درک کرده بودند که:

«لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوِرَةِ»

هیچ یاری چون مشورت و از فکر همدیگر استمداد جستن نیست». اینان همگی در یک مجلس به گرد هم آمدند، پراکنده نشدند که بگویند بادا باد هر چه شد که شد، در این باره به فکر راه حل افتادند و هر کسی چیزی گفت تا سرانجام گروهی گفتند: این مطلب، راه حلّی جز توسّل به امام عصر (عج) که در پشت پرده غیبت است و چون خورشیدی در پشت ابرها است و به ما روشنی و نشاط بخشیده ندارد، باید از ایشان دادخواهی و استدعا کرد تا به داد ما برسد. در میان تمام جمعیت خود، ده نفر از زاهدین و شایستگان را انتخاب کردند و در میان آن ده نفر سه نفر که از نظر تقوی و عمل نیک، لیاقت ملاقات با امام زمان (علیه السلام) را داشتند برگزیدند، تا هر یک شبی را در این سه شب به بیابان برود و مشغول عبادت و تضرّع

وزاری گردد و متوسّل به امام عصر (عج) شده و از آن جناب تمنا کند بلکه عنایت خاصّه آن بزرگوار دردها را درمان بخشد.

به این ترتیب در شب اول یکی از آن سه نفر به بیابان رفت و مشغول تضرّع وزاری گردید ولی آن شب صبح شد و او نتیجه نگرفت، شب دوم، یکی دیگر از آن سه نفر رفت این شب هم بسان شب اول بی نتیجه به پایان رسید، تا شب سوم شد که آخرین مهلت بود و شیعیان در جوش و خروش بودند تا سومین نفر به نام «محمد بن عیسی (رحمه الله)» در آن شب به بیابان رفت، تضرّع وزاری را به آخرین درجه رسانید، در شب تاریک با سر و پای برهنه و حالتی خاص به امام زمان (علیه السلام) استغاثه کرد، با تضرّع وزاری توأم با اخلاص کامل، عرض می کرد:

ای ولی عصر (عج) به فریاد ما شیعیان برس!...

زمان دقیقه به دقیقه می گذشت لحظات آخر شب فرا رسیده بود، توسّل محمد بن عیسی (رحمه الله) به درجه نهائی رسیده بود هنگام سحر ناگاه شنید در بیابان شخصی به او گفت:

ای محمد بن عیسی! این چه حالتی است که تو پیدا کرده ای و در این شب تاریک به این بیابان خلوت آمده ای؟

محمد بن عیسی (رحمه الله): ای مرد! به من کاری نداشته باش، من برای امر بزرگی به اینجا آمده ام و آن را جز برای امام زمان (علیه السلام) هرگز اظهار نمی کنم و از آن بزرگوار فقط می خواهم که به داد من و به داد یک مشت شیعه برسد!

هنوز گفتار محمد بن عیسی (رحمه الله) تمام نشده بود که از جانب همان مرد، شنید که:

«یا مُحَمَّدَ بْنَ عِیْسَى اَنَا صَاحِبُ الْأَمْرِ؛

ای محمد من همانم که او را طلب می کنی، حاجت خود را بگو تا برآورم».

محمد گفت: اگر تو امام زمان من هستی، حاجت مرا می دانی، نیازی به اظهار آن نیست.

امام (علیه السلام) فرمود:

آری! تو به اینجا آمده ای تا پاسخ انار کذائی را از من بگیری و شیعیان را از این مهلکه نجات دهی.

محمد بن عیسی گوید: تا درک کردم که او حضرت ولی عصر (عج) است به سوی او شتافتم بر زانویش سر نهادم، دست بر دامن پر مهرش زدم و عرض کردم ای سرور ما تو پناه ما هستی به داد ما برس ای دادرس پریشان احوالان.

آنجا که پرده ها کنار می رود!

آری برای هر نقشه خائنه روزی هست که پرده بردار پرده بردارد و صورت نازیبای زیر پرده را نشان دهد، عاقل آن است که دورانیش بوده و همواره در صدد باشد تا قبل از آنکه پرده ها برداشته شود، زیر پرده ها را اصلاح نماید، قائم آل محمد (عج) گوشه ای از پرده ها را بالا زد طاقث نیاورد به سؤال بنده ای دل داده چون محمد بن عیسی توجه نکند رو به او کرد و فرمود:

«ای محمد بن عیسی! وزیر فرماندار درخت اناری را در حیاط خانه خود نشانده است آن درخت چون به ثمر رسید، او قالبی را با گل به شکل اناری درست کرد و آن قالب را که تو خالی بود دو نصف کرد و در دیوار داخل آن دو نصف قالب همان کلمات (۲۹۶) را به صورت برجسته نوشت، آنگاه آن دو نصف قالب را روی یکی از انارهای کوچک درخت گذارد و آنها را محکم بست، آن انار در میان آن دو نصف غالب بزرگ شد تا درون قالب را پر کرد و در نتیجه آن نوشته های برجسته دیواره داخلی دو نصف قالب، روی پوست انار قرار گرفت، رفته رفته توأم با رشد انار، آن کلمات بر پوست انار به طور طبیعی نقش بست، فردا که روز موعود هست هنگامی که نزد فرماندار رفتید به او بگو من جواب دلیل انار را دارم ولی این جواب را جز در خانه وزیر اظهار نمی کنم، فرماندار خواه ناخواه می پذیرد، چون به خانه وزیر رفتید، در طرف دست راست خانه وزیر، بالاخانه ای هست بگو جواب را نمی گویم مگر در این بالاخانه، در این هنگام، وزیر خود را در بن بست می بیند و اصرار می کند که به بالاخانه نروید، تو هم اصرار تمام کن، به ناچار وزیر قبول می کند هنگامی که به بالاخانه رفتید نگذار تا وزیر تنها برود وقتی داخل بالاخانه شدید، روزنه ای را می بینی و در میان آن کیسه سفیدی را می ندیدی با عجله تمام آن کیسه را بردار، و در میان آن، قالب نامبرده را که از گل ساخته شده و با آن نقشه خائانه وزیر، طراحی گشته بیرون بیاور، نزد فرماندار بگذار و به او بگو که این انار

به وسیله این قالب به این صورت در آمده است، در نتیجه فرماندار از حيله و خیانت وزیر مطلع شده و حقانیت شما و بطلان عقائد آنان آشکار می گردد.

ای محمد بن عیسی! به فرماندار بگو که ما برای تصدیق گفتار خود علامت دیگری داریم و آن اینکه داخل انار از خاکستر و دود پر است، اگر قبول نداری، این انار را بشکن!

در این هنگام وزیر، انار را برداشته و می شکند خاکستر و دود آن بیرون آمده و ریش و صورت وزیر را فرا می گیرد (این هم علاوه بر روسیاهی معنوی وزیر روسیاهی ظاهری او).

محمد بن عیسی بسیار خوشحال شد، به دست و پای امام (عج) افتاد و تشکر کرد و به سوی رفقای خود با کمال خوشحالی مراجعت نمود، هنگام صبح مردم بحرین در مجلس فرماندار حاضر شدند، وقت پاسخگویی شیعه از دلیل انار اعلام شد، محمد بن عیسی آنچه را که امام عصر (عج) به او دستور داده بود یکی پس از دیگری انجام داد تا آخرین مرحله که در نزد فرماندار و وزیر انار را شکست و خاکستر و دود میان انار به صورت وزیر پاشید.

فرماندار که سخت مجذوب و تحت تأثیر قرار گرفته بود، گفت: «ای محمد بن عیسی! این پاسخ را چه کسی به تو یاد داد؟»
محمد بن عیسی گفت: امام و حجت زمان (علیه السلام) به من آموخت.

فرماندار گفت: امام زمان کیست؟

محمد بن عیسی گفت: امام زمان ما (علیه السلام) از جانب خداوند، حجت روی زمین است و دوازدهمین امام ما می باشد (آنگاه اسامی همه ائمه (علیهم السلام) را یکی پس از دیگری شمرده تا به صاحب الامر (عج) رسید).

گواهی فرماندار:

با اینکه فرماندار در عقیده باطل خود سخت استقامت میورزید، و سرسخت با شیعیان مبارزه می کرد، و حتی حاضر بود رهبران وائمه آنان را به فحش بکشد اما اینک در برابر حادثه ای عجیب قرار گرفته است، اینک خود را در مقابل قدرت عظیم می بیند.

عجز سراسر او را فرا گرفت، ناگزیر سر فرود آورد، ورق قلبش برگشت سخن قلب به وسیله زبانش اظهار شد:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْخَلِيفَةَ بَعْدَهُ بِلَا فَضْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛

گواهی به یگانگی خداوند می دهم، گواهی می دهم که محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بنده و رسول خدا است، جانشین بلا فصل بعد از او امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) می باشد».

سپس ائمه پس از امام علی (علیه السلام) را یکی پس از دیگری تا امام زمان (علیه السلام) اسم برد و اعتراف به امامت آنها نمود.

آنگاه دستور داد تا آن وزیر خائن و دسیسه گر را اعدام کردند، تا همواره خاطره بطلان باطل و احقاق حق تجلی کند، سپس از اهل بحرین عذرخواهی کرد و به آنان احسان نمود.

به این ترتیب به قول معروف «پایان شب سیه سپید است» این واقعه چون درخششی بود که در تاریخ شیعه دلدادگان را تا روز قیامت سفید کرد (۲۹۷).

۴ - شفای بیمار

داستان اسماعیل هرقلی (رحمه الله) نیز عجیب است که به زخم و درد شدید و طولانی گرفتار شده بود و تمام دکترهای آن زمان او را جواب کردند، سرانجام با توسل به امام قائم (عج) در سامرا و کنار قبر امام حسن عسکری (علیه السلام) و در سرداب معروف، بالاخره به نتیجه رسید و امام قائم (عج) او را شفا دادند (۲۹۸).

۵ - تشریف یکی از فرزندان آیه الله اراکی

مرجع عالیقدر آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (قدس سره) عالم زاهد و سلمان عصر که قبلاً در مدرسه فیضیه قم نماز جماعت می خواند برای یکی از علماء حضرت آیت الله شیخ محمد رازی نقل می کند که اکنون از زبان آقای رازی بشنوید:

آیه الله اراکی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ (هجری قمری) برای این جانب نقل فرمود که دخترم، که همسر حجة الاسلام حاج سید آقای اراکی است می خواست مشرف به مکه شود ترس داشت از تراحم حجاج، که شاید نتواند طواف را کاملاً انجام دهد، من به او گفتم این ذکر را مداومت کن،

«یا حفیظ یا علیم»

و مشرف شد و بعد از مراجعت به من گفت: آن ذکر را مداومت

نمودم و در موقع طواف، با ازدحام مردم مخصوصاً سودانی ها روبرو شدم. ترسیدم که من در اینجا محرمی ندارم تا مواظب باشند که به من تنه نزنند و مرا نیاندازند یک وقت دیدم کسی به من گفت: توسّل به امام زمان (علیه السلام) پیدا کن.

من گفتم: امام زمان (علیه السلام)!! گفت: همین آقا که جلو تو می رود، امام زمان (علیه السلام) است.

من دیدم آقای بزرگواری جلو من است و اطراف او به قدر یک متر تقریباً حریم است و خالی است و احدی جرئت ورود به این حریم را ندارد به من گفته شد در این حریم وارد شو، پشت سر آقا من فوراً قدم به حریم گذارده به طوری که دستم به پشت آقا می رسید و دست بر پشت آقا گذارده و به صورت خود می مالیدم و می گفتم قربانت بروم، ای امام زمان (علیه السلام) به طوری گرم سرور بودم که غفلت کردم بر حضرتش سلام کنم و هفت شوط طواف را در پشت سر آقا بدون مزاحمت و اینکه دست یا بدن کسی به من بخورد انجام دادم و تعجب می کردم که چطور از این همه جمعیت کسی وارد حریم نمی شود و در هر مرتبه که خواستم طواف کنم به همین کیفیت بود منتهی به صورتهای دیگر (۲۹۹).

۶ - راهنمایی حضرت مهدی در مسجد جمکران

یکی از افراد موثق، از مرجع تقلید، مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدّین نجفی مرعشی (وفات یافته ۷ صفر ۱۴۱۴ هـ ق) نقل کردند که ایشان فرمودند:

یکی از علمای نجف اشرف که مدّتی به قم آمده بود، برای من نقل کرد، مشکلی داشتم، به مسجد جمکران رفتم، درد دلم را در عالم معنی به حضرت ولی عصر (عج) عرض کردم واز او خواستم که وساطت کرده از درگاه خدا شفاعت کند تا مشکل من حل گردد. برای این منظور به طور مکرّر به مسجد جمکران رفتم، ولی نتیجه ای نگرفتم، تا اینکه روزی در آن مسجد، در هنگام نماز دلم شکست و خطاب به امام زمان (علیه السلام) عرض کردم: «مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما ودر منزل شما باشم و به دیگری متوسّل شوم؟ شما امام من می باشید، آیا زشت نیست با وجود امامی مانند شما حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم (علیه السلام) متوسّل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟»

از شدّت ناراحتی، بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم، ناگهان با چهره نورانی قلب عالم امکان حضرت حجّت (عج) روبرو شدم، بیدرنگ سلام کردم، جواب سلامم را داد و فرمود:

«نه تنها زشت نیست و ناراحت نمی شوم که به علمدار کربلا متوسّل گردی، بلکه به شما راهنمایی نیز می کنم که هنگام توسّل به علمدار کربلا چه بگویی؟ هنگامی که برای روای حاجت به آن حضرت متوسّل شدی بگو:

یا ابا الغوثِ ادرِ کُنّی؛

ای پدر پناه دهندگان به فریادم برس و به من پناه ده» (۳۰۰).

۷ - نتیجه تواضع به مسجد جمکران، پایگاه مقدس امام زمان

یکی از اعضای هیئت امنای مسجد مقدّس جمکران در قم نقل کرد: در کنار مسجد جمکران تنها یک نفر مدفون است، وقبرش در نزدیک درِ شمالی مسجد داخل صحن می باشد، این شخص به نام «حاج ابوالقاسم زاهدی فر»

آدم بی ریا وبدون تکبر وبدون توقّع در مسجد جمکران خدمت می کرد، حتّی با اینکه انسان موقّر وحاجی بود، توالت‌های مسجد را پاک می نمود.

این شخص بیمار شد ودر بیمارستان آیت الله العظمی گلپایگانی، بستری گردید. به بالینش رفتم دیدم وضع وخیمی دارد، به من وصیت کرد که مرا در قبرستان بقیع (دو کیلومتری مسجد جمکران) دفن کنید. او از دنیا رفت پس از تجهیزات، جنازه او را به مسجد آوردند ونماز بر جنازه خوانده شد وهمه جمعیت تشیع کننده آماده شده بودند که او را به قبرستان بقیع برای دفن ببرند، ناگاه آقای لطیفی (از افراد برجسته امناء مسجد) تلفن کرد که دفن جنازه را به تأخیر بیندازید، دفن جنازه تأخیر افتاد، سرانجام بعد از ساعتی، آقای لطیفی آمدند وفرمودند: «ایشان را در کنار مسجد دفن کنید». گفتم چرا؟ اینجا هنوز کسی دفن نشده است فرمود: «حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی تلفن کرد که مرحوم حاج ابوالقاسم زاهدی فر را در کنار درگاه مسجد دفن نمایید». به این دستور عمل شد.

آری اخلاص وتواضع آن مرحوم - که حتّی مستراح‌های مسجد را

تمیز می کرد باعث شد که قبرش در بهترین جا قرار گرفت،
وهمواره زیر پای زائران مسجد مقدس جمکران است. به این
ترتیب، آقا امام زمان (علیه السلام) خادمی او را قبول کرد، این
است نتیجه بندگی خالصانه که انسان را به معراج می برد. به گفته
شاعر:

تواضع سر رفعت اندازدت * * * تکبر به خاک اندر اندازت

۸ - محبت امام زمان به شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان که از علمای بسیار برجسته شیعه و مورد
قبول شیعه و اهل تسنن بود و مرجع خاص و عام به شمار می رفت
و بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و آبروی شیعه در قرن پنجم بود
و در همه رشته های علوم اسلامی استاد و نابغه به شمار می آمد:
روزی در خانه بود، شخصی به حضورش آمد و پرسید زنی حامله
فوت کرده ولی بچه در رحمش زنده است، آیا او را همانطور دفن
کنیم، یا شکمش را شکافته و بچه اش را بیرون آوریم؟

شیخ مفید (رحمه الله) گفت: همانگونه دفنش کنید، آن شخص
برگشت و در وسط راه دید سواری به او نزدیک شد و گفت: شیخ
مفید (رحمه الله) فرمود: شکم آن زن را پاره کنید و بچه را بیرون
آورید.

آن شخص چنین کرد، پس از مدتی جریان را برای شیخ مفید نقل
کردند، شیخ گفت من کسی را نفرستاده بودم، معلوم است که آن
سوار صاحب الامر (عج) بوده است، اکنون که در احکام اشتباه می

کنم خوب است دیگر فتوا ندهم، در خانه اش را بست و از خانه بیرون نیامد.

ساعاتی نگذشت که از طرف امام زمان (علیه السلام) توقیعی (نوشته ای) به خدمت شیخ مفید گذاشته شد: «ای شیخ! برای مردم فتوا بگو و ما آن را تکمیل خواهیم کرد، ونمی گذاریم که در خطاء و اشتباه بمانی، آنگاه در مسند فتوا نشست» (۳۰۱).

می نویسند: وقتی که شیخ مفید (رحمه الله) در سن ۸۵ سالگی در سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ قمری از دنیا رفت، آنچنان جمعیت از شیعه و سنی برای تشییع جنازه اش اجتماع کردند که تا آن روز بی نظیر بود و همه از شدت ناراحتی گریه می کردند (۳۰۲) وی را در حرم کاظمین (علیهما السلام) دفن کردند. چندین بار از جانب امام زمان (علیه السلام) برای این مرد بزرگوار، نوشته ای به خط شریف آن حضرت (عج) صادر شد، در آغاز یکی از آنها آمده:

«لَاخِ السَّيِّدِ وَأَوْلَى الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ... سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا
أَوْلَى الْمُخْلِصِ فِينَا بِالْيَقِينِ...»

به برادر استوار و ولی رشید شیخ مفید، سلام خدا بر تو ای ولی خالص در راه ما و دارای یقین به ما...».

و در توقیع دیگری آمده:

«سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ وَالِدَّاعِي إِلَيْهِ بِكَلِمَةِ الصِّدْقِ...»

سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به حق با سخنان
راستین...» (۳۰۳).

هنگامی که این عالم بزرگوار از دنیا رفت، با خط شریف امام زمان
(علیه السلام) بر روی قبرش نوشته شده بود:

لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّمَا * * * يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
إِنْ كُنْتَ قَدْ غَيَّبْتَ فِي جَدَثِ الثَّرَى، * * * فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فَيْكَ
مُقِيمٌ

وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا * * * تَلَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدَّرُوسِ عُلُومٌ...؛
خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را نیاورد، امروز بر آل محمد
(علیهم السلام) روز مصیبت بزرگی است.

اگر تو در میان خاک قبر پنهان شدی، علم و توحید همراه تو اقامت
کرد.

قائم مهدی (عج) خوشحال می شود هر وقت که درسها و علوم تو را
برایش می خوانند (کتابهای تو را طالبان، مورد مطالعه و بحث قرار
می دهند)».

بالاخره در ضمن یکی از نامه ها (توقیعات) به شیخ مفید (رحمه الله)
می نویسد:

«ما به مناجاتهای تو توجه داریم، خداوند تو را به خاطر آن وسیله
(وموفقیتی) که به تو از دوستانش بخشید حفظ کند و از توطئه
دشمنان نگهدارد» (۳۰۴).

گفتار امام قائم به شیخ مفید

در ضمن یکی از توقیعات یعنی نامه امام (عج) به شیخ مفید آمده: «ما گرچه در مکانهای دور از ظالمان، به سر می بریم، خداوند متعال (فعلاً) صلاح ما و شیعیان مؤمن ما را مادام که دنیا در دست فاسقان است، چنین خواسته (۳۰۵) ما به ماجرای زندگی شما کاملاً اطلاع داریم و از اخبار و آزاری که از ناحیه دشمنان به شما می رسد با خبریم، چنانکه با گذشتگان صالح چنین می شد... ولی ما شما را فراموش نمی کنیم و توجه کامل به شما داریم و گر نه سخت در فشار (دشمن) قرار می گرفتید، یا دشمن شما را نابود می کرد، تقوا و پرهیزکاری را پیشه کنید...» (۳۰۶).

امام (علیه السلام) در ضمن توقیع دیگر برای شیخ مفید (رحمه الله) چنین می نویسد:

«کسی که از برادران دینیت، تقوا پیشه کند و از خدا بترسد و آنچه که بر عهده اش است به مستحقش واگذار نماید از فتنه و آشوب باطل محفوظ خواهد ماند. و اگر پیروان ما (خداوند آنها را توفیق دهد) به اتفاق با صدق قلب، وفای به عهد (اسلام) کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تأخیر نمی افتد، وسعادت دیدار ما سریعاً به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است و او نیکو نگهبان است، و درود خدا بر آقای ما بشارت دهنده و ترساننده، محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و دودمان پاکش باد.»

این نامه در آغاز شوال سال ۴۱۲ هجری قمری از ناحیه مقدسه امام

عصر (عج) برای شیخ مفید (رحمه الله) صادر شده است (۳۰۷).
این گفتار حاکی است که پنهان شدن امام قائم (عج) به خاطر عدم پذیرش جامعه است، اگر جامعه صالح گردد و همه با کمال خلوص به اتفاق در برابر دشمن بایستند به ملاقات امام (عج) خواهند رسید.
ضمناً ناگفته نماند که توقیع (نامه) امام عصر (عج) برای بعضی از علمای دیگر نیز صادر شده از جمله برای «علی بن الحسین بن موسی بن بابویه» معروف به (ابن بابویه) (پدر بزرگوار شیخ صدوق (رحمه الله)) که در قم در قسمت شمال اول خیابان چهارمردان مدفون است و حرم و بارگاه دارد، وی در زمان خود فقیه و پیشوای مردم قم بوده است و به گفته ابن ندیم، وی ۲۰۰ جلد کتاب نوشته است، در سال ۳۲۹ به دیار ابدی مسکن گزید.

برگ سبزی از نگارنده، خطاب به امام زمان

بیا بیا که دل عاشقان برفت از دست * * * بیا بیا که چه بسیار غم به
قلب نشست

بیا که فصل دراز خزان و غم تا کی؟ * * * بکش تو از دل جانکاه،
تیرها با نشست

بیایا که فراغت بکشت پیر و جوان * * * نجاتشان بده جانا ز دست
حاکم پست

تو ای عزیز خداوند و سرور ثقلین * * * تو ای نواده آن کو به
آسمانها رفت

عنایت و کرمی کن به چاکران درت * * * اگر چه لایق درگه نبود

غافل ومست

فسوس وآه، بهاران گذشت وغنچه ندید * * * هر آنچه بلبل
محزون پرید و بیرون جست
ولیک خوی نکویت دلش به شور افکند * * * خطاب کرد به خود،
کی ز غصه در تب خست
بشارتی دهمت ای ضعیف و درمانده * * * که مدتی است بینم به
رویت این در، بست
ندای وقت توّلد که بود جاء الحق * * * چنین ندا و چنان صوت را
ز مانی هست
خوش آن زمان که به جوش و خروش افتد راز * * * خوش آن
مکان که بریده شود رگ تر دست
خوش آن دمی که بنورش جهان شود تابان * * * خوش آن مهمی
که به گردش چو هاله مردم رست
بیا بیا که چه اندازه افتخار بود * * * محمدی به حضورت شود
غلام دست (۳۰۸).

فصل هفتم: حکومت درخشان امام مهدی علیه السلام

ما نمی توانیم درخشندگی حکومت جهانی حضرت قائم (عج) را
آنطور که هست نشان دهیم، ولی شاید با ذکر چند ویژگی از
ویژگیهای این حکومت در همه زمینه ها، دورنمایی از این نظام
بهشتی و سراسر عدل آن را توصیف نموده و در معرض دید
خوانندگان قرار دهیم.

به طور کلی همانگونه که ائمه (علیهم السلام) و امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يَخْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛

خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند» (۳۰۹).

واین آیه را با ظهور امام قائم (عج) تطبیق نمودند و فرمودند:

«خداوند زمین را به عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران ستمگر زنده می گرداند» (۳۱۰).

با مقایسه زمین خشک و مرده با زمین پر از گل و گیاه و میوه و سبزه

و آب و مقایسه آن با حکومت مهدی (عج) به دست می آوریم که

حکومت جهانی آن حضرت تا چه اندازه ای از عدل و صفا و امنیت

و شادمانی در همه زمینه ها برخوردار است (۳۱۱).

اکنون برای آشنایی بیشتر با این دوران سراسر درخشان که خداوند

به آن سوگند یاد کرده (۳۱۲) به ویژگیهای زیر که نمایانگر دورنمایی

از آن است توجه کنیم، تا زمینه ساز این ویژگیها باشیم:

۱ - توحید سراسری در همه زمینه ها

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کند هیچ کافر و مشرک پیدا نمی شود مگر

اینکه قیام او را انکار کرده و ناپسند می شمرد - ولی کار به جایی می

رسد - که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت، پنهان شده

باشند، آن سنگ می گوید: ای مؤمن در شکم من کافر است مرا

بشکن و او را بکش» (۳۱۳).

و در عبارت دیگر فرمود:

«قائم (عج) همه دین را در همه عالم آشکار می سازد» (۳۱۴).
امام باقر (علیه السلام) فرمود: امام قائم (عج) هر منافق شکاکی را به قتل می رساند (۳۱۵).

نیز امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«حکومت‌های باطل نابود گردد، حکومتش شرق و غرب را فرا گیرد،
دین خدا به وسیله قائم (عج) زنده گردد و بدعتها و باطلها نابود
شود» (۳۱۶).

امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی به مفضل (رحمه الله)
فرمود:

«به خدا سوگند! اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه دینها
به صورت یک دین درمی آیند چنانکه خداوند در قرآن می فرماید:
تنها دین در نزد خدا اسلام است» (۳۱۷).

به این ترتیب وحدت جهانی معنوی پدید می آید.

و به این ترتیب می بینیم توحید در حکومت و سیاست و دین و قانون
و در یک کلمه توحید در تمام زمینه ها که شالوده اساسی یک
حکومت درخشان است، در حکومت حضرت مهدی (عج) تحت
رهنمودهای آن بزرگمرد الهی پدیدار می شود، به عبارت دیگر،
نفوس مردم، تکامل و رشد می یابد که در این صورت پایه نخستین
حکومت عدل جهانی برقرار شده است، آن هم در سطح کل جهان،
چنانکه در ذیل روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است: در

تمام نقاط مشرق و مغرب کسی باقی نمی ماند جز اینکه معتقد به یکتایی خدا است (۳۱۸).

و چنانکه امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛

وقتی که قائم (عج) ما قیام کرد، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگانش می گذارد و به وسیله آن عقلها و اندیشه هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می سازد» (۳۱۹).

در اینجا اضافه می کنیم که آن حضرت اسلام را مو به مو و با کمال قاطعیت اجراء می کند، زناکار همسردار را سنگسار می نماید، و مانع زکات را گردن می زند (۳۲۰).

۲ - پیشرفت عجیب علوم

شکی نیست که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی نقش به سزایی در تکامل انسان دارد و بسیاری از مشکلات سر راه تکامل را رفع می کند، در عصر انقلاب جهانی مهدی (عج) یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه ها است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«اصول علم و دانش دارای بیست و هفت حرف (رشته) است، تمام پیامبران آنچه برای مردم تا حال آورده اند دو حرف بوده، وقتی که قائم (عج) ما قیام کند بیست پنج حرف دیگر علوم را نیز آشکار می سازد و در میان مردم رواج می دهد و ضمیمه آن دو حرف می

کند تا بیست وهفت حرف تکمیل گردد» (۳۲۱).

این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی
و غیره نیز پدید خواهد آمد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ؛

مؤمن در عصر حکومت مهدی (عج) در حالیکه در مغرب سکونت

دارد، برادرش را که در مشرق است می بیند» (۳۲۲).

خود امام قائم (عج) نیز همچون حضرت علی (علیه السلام) اعلام می
کند:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا؛

قبل از آنکه از میان شما بروم هر گونه سؤال دارید از من پرسید

چرا که سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است» (۳۲۳).

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: مردم چگونه به قیام آن

حضرت آگاه می شوند؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر یک از

شما وقتی از بستر برخاست، در کنار بسترش دعوتنامه ای می بیند که

در آن آیه ۵۳ نور نوشته شده و سپس در آن آمده: اطاعت خالصانه

نشان دهید» (۳۲۴).

مفهوم این روایت به تکنیک «فاکس» که از وسایل مهم مخابراتی

امروز است بسیار نزدیک می باشد.

اینها نمونه هایی از روایات است که حکایت از پیشرفت ورشد همه

جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) می

کند.

۳ - پیشرفت ورشد کشاورزی وامکانات

در تعبیری از ائمه معصومین (علیهم السلام) رسیده است:
«وَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمَرُهُ»
در همه زمین جای خرابی نماند بلکه همه را آباد خواهد ساخت» (۳۲۵).

و در عبارتی آمده پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:
«در آن زمان زمین کُبد و اشیاء گرانقیمت خود را بیرون می فرستد
و ثروت فراوان در میان مردم پخش می شود» (۳۲۶).
و دامداری نیز در این عصر به طور چشمگیر پیشرفت می کند (۳۲۷).

۴ - برادری و صفا و صمیمیت

در آن زمان نه تنها مردم در جهت ظاهر مادی پیشرفت عجیبی می کنند بلکه از لحاظ معنوی نیز که بسیار مهم و هدف اصلی است رشد شایانی دارند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُزَامِلَةُ وَآتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ»

وقتی که قائم (عج) قیام کرد، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوری که هر کس دست به جیب برادرش کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن برمی دارد» (۳۲۸).

کوتاه سخن اینکه یک اقتصاد سالم ضد طبقاتی بر اساس عدل

ومساوات اسلامی برقرار می گردد(۳۲۹).

۵ - امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت

در جهان مفاهیم، واژه هایی بهتر از عدالت، برکت، امنیت و وفور نعمت نداریم.

در حکومت درخشان حضرت مهدی (عج) تمام این مفاهیم به نحو احسن محقق می گردد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«در آن زمان اگر پیرزنی از مشرق به مغرب برود کسی به او کار ندارد» (۳۳۰).

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کرد، داوری به عدالت می کند و ظلم وجور از میان می رود، و راهها امن می شود، زمین برکتهای خود را آشکار می سازد، و هر حقی به صاحبش برمی گردد، و همه مردم معتقد به اسلام می شوند» (۳۳۱).

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در ضمن گفتاری فرمود:

«تُنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا (کُنُوزَهَا) وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً وَالْأَمْوَالُ يَوْمَئِذٍ كَدَوُسٍ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ؛

آنچنان در میان امت من وفور نعمت می شود که مثل آن هرگز نبوده است، زمین گنجها و میوه های خود را آشکار می سازد و از آنها چیزی کم نکند، و مال و ثروت همچون چیزی است که زیر

دست و پا افتاده باشد، شخصی می آید و می گوید: ای مهدی (عج) از اموال به من بده امام به او می فرماید: بگیر» (۳۳۲).
و در عبارت دیگر فرمود:

«خداوند باران را از آسمان همواره بر آنها بفرستد و از زمین چیزی از گیاه نماند مگر این که سبز گردد» (۳۳۳).

حضرت رضا (علیه السلام) در ضمن روایتی فرمود:

«قائم (عج) وقتی که ظهور کرد نورش جهان را روشن می کند، ترازوی عدالت بین مردم قرار می دهد، هیچکس به کسی ظلم نمی کند، زمین برای او در نور دیده می شود (یعنی به هر جای زمین برود فوری و آسان است) و او سایه ندارد و...».

باز نقل شده که در سال قیام آن حضرت بیست و چهار بار باران بیارد که آثار و برکات آن دیده شود (۳۳۴).

جالب اینکه: وفور نعمت و به عبارت دیگر اقتصاد خوب و خود کفایی در حدی است که مردم بی نیاز می شوند و کسی برای صدقه و انفاق خود، شخص نیازمندی را پیدا نمی کند، چرا که همه مردم خود کفا و بی نیازند (۳۳۵).

علاوه بر این پیشرفتها، پیشرفتهای دیگری نیز در شهرسازی و راهسازی و نوسازی و توسعه نهضت سوادآموزی و پیشرفت قضایی و در یک کلمه پیشرفت در همه زمینه ها به وجود می آید (۳۳۶).
کوتاه سخن آنکه: یک نهضت به تمام معنی پر از صفا و صمیمیت در دنیا به وجود خواهد آمد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که قائم (عج) ما قیام کند سراسر زمین به نور پروردگارش روشن می شود، یعنی عدل و داد در سراسر زمین تا آنجا که طبیعت زمین پذیرا باشد اجرا خواهد شد» (۳۳۷).

۶ - توجه کامل به اماکن مقدسه و توسعه شهرها و بهداشت

از آنجا که اماکن مقدسه مانند مسجد و... پایگاه مرکزی برای عبادت و تعلیم و تعلّم در جهت تکامل نفوس است، امام قائم (عج) در این جهت نیز توجه خاص دارد، به طوری که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی قائم (عج) ما ظهور کند در پشت کوفه، مسجدی می سازد که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو نهر کربلا متصل می گردد» (۳۳۸).

ایجاد مسجد بزرگی در پشت کوفه (صحرای نجف) در راویتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که مضمونش چنین است:

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«گویا حسنی (۳۳۹) را (در کوفه) با حسینی (ظاهراً منظور امام قائم (عج) است) می بینم که حسنی با یارانش با حسینی بیعت می کنند و در اطراف آن حضرت هستند، تا در جمعه دوم مردم گویند نماز پشت سر امام قائم (عج) مساوی با نماز پشت سر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است اما بر اثر کثرت جمعیت در مسجد کوفه جا پیدا نمی شود، امام (عج) به پشت کوفه رفته و خطّ مسجد بزرگی

را می کشد که آن مسجد هزار در دارد، تا مصلاّی بزرگ و فراگیر برای همه جمعیت باشد» (۳۴۰).

در نوسازی و شهرسازی، خانه های کوفه به خانه های کربلا متصل می شوند (۳۴۱).

کوتاه سخن اینکه: آن چنان شرایط زندگی سالم در تمام ابعادش در زمان حکومت امام عصر (عج) فراهم خواهد شده که به فرموده امام صادق (علیه السلام): «یک مرد در این عصر چنان عمر طولانی می کند که دارای هزار فرزند می شود» (۳۴۲).

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که قائم قیام کرد به کوفه می رود و چهار مسجد را در آنجا ویران می نماید. هر مسجدی که در زمین مُشرف (بر خانه های مردم) باشد (۳۴۳)، ویران می کند، راهها را وسیع می نماید». به این ترتیب می بینیم حتی اگر مسجد هدف غیر اسلامی داشت ویران می شود.

آری هر مانعی را که در راهها است از میان برمی دارد و عوامل ناپاکی و نادرستی و حتی ناودانهای را که موجب این کثافتها می شوند از بین می برد، هر بدعتی را نابود و هر سنت نیکی را احیاء می سازد، قسطنطنیه (واقع در ترکیه) و کوههای گیلان و چین را فتح می کند... (۳۴۴).

جالب اینکه: در این عصر درخشان، امکانات یک فرد صالح و مؤمن، پرنده را از هوا فرود می آورد و او آن را ذبح کرده و می پزد و از

گوشتش بهره مند می شود (۳۴۵).

در میان این امور، آنچه که بسیار مهم است و امور دیگر مقدمه و وسیله آن است، تکمیل نفوس و بالا بردن سطح معلومات و معنویات است، که هدف تمام پیامبران و اولیاء خدا همین بوده است. (البته در پرتو تکمیل نفوس، سایر مواهب مادی نیز به دست می آید).

ما وقتی که آیه ۵، سوره قصص

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...».

را که در مورد حکومت حضرت ولی عصر (عج) می باشد تحت مطالعه قرار می دهیم، واژه مستضعف را در روایات امامان (علیه السلام) می گیریم می بینیم بیشتر روایات، مستضعف را به معنی کم عقل، کم سواد، هدایت نشده، بی خبر از قرآن و ناتوانی در فکر و شناخت گرفته اند (۳۴۶).

امام باقر (علیه السلام) در معنی مستضعف فرمود:

«الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا، لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةَ الْكُفْرِ وَلَمْ يَهْتَدُوا فَيَدْخُلُوا فِي الْإِيمَانِ فَلَيْسَ هُمْ مِنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ؛

آنانکه چاره ای ندارند و به راه هدف، هدایت نمی یابند، توانایی تشخیص تزویر کفر را ندارند، و راهی به هدایت نبرده اند تا ایمان آورند، آنها نه کافر و نه مؤمن هستند» (۳۴۷).

نتیجه می گیریم که اهم هدف امام قائم (عج) تکمیل نفوس و آگاه کردن مردم و خط دادن به آنها و هدایت کامل معنوی و علمی آنها و نجات دادن آنها از استضعاف در جهت معنی و فکر و اندیشه است،

در اینجا سخن را کوتاه کرده و آن را با اشعار ذیل و چند سخن از
بزرگان پایان می بریم.

سراسر صحن آن آرامگه جنات موعودی * * * بعینه چون بهشت
کردگار آن ساحت غبرا

نه دردی هست و نه رنجی نه آلامی نه اسقامی * * * نه سودایی تنی
افزون شود نه کاهش صفرا

هزاران گل شکفته گردد از آسیب گل چینان * * * به صد شادی
کنار گل کشد صد عندلیب آوا

چریدی و چمیدی در امان ز آسیب صیادان * * * غزال کوهی
و آهوی دشتی، شادر در صحرا

وبالآخره به فرموده امام صادق (علیه السلام):

«فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ
وَخَالَفَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ؛

ای خوشا به سعادت آنکس که امام مهدی (عج) را درک کند و از
یاورانش شود، وای، وای از هر جهت وای بر کسی که با او مبارزه
و مخالفت کند، و از فرمانش سرپیچی نماید و در صف دشمنانش قرار
گیرد» (۳۴۸).

و به قول ابن عباس (رحمه الله) صحابی معروف پیامبر خدا (صلی الله
علیه و آله وسلم) و مفسر بزرگ:

«فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ؛

خوشا به سعادت کسی که زمان ظهور قائم (عج) را درک

کند» (۳۴۹).

وبه فرموده امام علی (علیه السلام): آیه
«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

می خواهیم بر آنانکه در زمین مستضعف شمرده شدند منت نهیم
وآنها را امامان و وارثان زمین قرار دهیم».

در مورد آل محمد (علیهم السلام) است که مهدی (عج) آنها پس از
رنج و سختی آنها، نهضت کند و به آنها عزت بخشد و دشمنان آنان را
خوار نماید (۳۵۰).

دولت کریمه

یکی از دعاهایی که شبهای ماه مبارک رمضان می خوانیم، دعای
افتتاح است، این دعا را حضرت ولی عصر (عج) به محمد بن عثمان
(دومین نائب خاص از نوآب اربعه) تعلیم داده و او منتشر نموده است.
سید بن طاووس (رحمه الله) در اقبال خود در ذکر اسناد دعاها
ماه رمضان، دعای افتتاح را پس از ذکر یک سلسله از ناقلین به
محمد بن عثمان می رساند که محمد بن عثمان (رحمه الله) آن را از
امام زمان (علیه السلام) گرفته است.

علامه مجلسی (رحمه الله) در زادالمعاد نیز همین سند را نقل کرده
و آن را سندی معتبر می داند و می گوید: امام زمان (علیه السلام)
آنها برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند،
فرشتگان می شنوند و برای خواننده آن استغفار می کنند.

نکته جالب اینکه: در این دعای شریف به طور جامع به ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج) که به عنوان «دولت کریمه» خوانده شده اشاره شده است، توجه عمیق به معنی این دعا برای منتظران مهدی (عج) لازم است.

دولت کریمه عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند، و در پرتو آن دولت، توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می کند. حضرت رضا (علیه السلام) در انتظار رسیدن چنین حکومتی، دو آیه از قرآن را ذکر فرمود:

۱ - «وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ؛

شما در انتظار بمانید، من هم در انتظارم» (۳۵۱).

۲ - «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ؛

شما منتظر باشید من هم با شما منتظر هستم» (۳۵۲).

گرچه آیه اولی از قول حضرت هود (علیه السلام) و آیه دومی از قول حضرت شعیب (علیه السلام) به قوم خود است، ولی حضرت رضا (علیه السلام) تأویل فرمودند به ظهور امام زمان (علیه السلام) که همه باید در انتظارش باشیم، و فرمود:

این انتظار نیکو انتظاری است (۳۵۳).

توجه حضرت مهدی به مکه، کوفه و قم

یکی از شؤون یک حکومت جهانی، ویا فراهم آوردن مقدمات آن، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف، به خصوص از

نظر معنوی است.

این مراکز همچون پایگاه وهسته های اصلی هستند که می توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار، استفاده کرد. در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) سه مرکز به خصوص اسم برده شده:

۱ - مکه ۲ - کوفه ۳ - قم

که اینها در پیشبرد نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) اثر به سزایی دارند.

ما در اینجا با رعایت اختصار، شرحی درباره این سه مرکز ذکر می کنیم، تا رهنمودی برای مسلمین و آینده سازان منتظران حضرت مهدی (عج) باشد و روز به روز بر رونق این سه مرکز در ابعاد مختلف بیفزایند.

۱ - مکه، مرکز اولین جرقه های انقلاب جهانی حضرت مهدی

در روایات می خوانیم: حضرت مهدی (عج) در مکه کنار کعبه ظهور و خروج می کند (۳۵۴).

هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند و صدایش را بلند می نماید که: «هان ای مردم جهان، کسی که می خواهد به آدم (علیه السلام) و شیث (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به ابراهیم (علیه السلام) و اسماعیل (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به موسی (علیه السلام) و یوشع (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به عیسی (علیه السلام)

وشمعون (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به امامان (علیهم السلام) از فرزندان حسین (علیه السلام) بنگرد به من بنگرد و به ندای من پاسخ مثبت دهید، من از آنچه که آنها خبر داده اند و آنچه که خبر نداده اند به شما خبر می دهم» (۳۵۵).

خلاصه این روایت این است که تمام صفات پیامبران بزرگ و رسولان و اوصیاء آنها در وجود من جمع است، من غیر از آنچه آنها آورده اند، شما را به زیادت از آن آشنا می کنم، و اهداف آنها را تکمیل می نمایم.

شما پیرو هر دینی هستید، گم شده شما در وجود من است به گرد من جمع شوید که به هدف کامل زندگی خود خواهید رسید. امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه:

«وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ»

و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند» (۳۵۶).

فرمود: «منظور خروج قائم (عج) و دعوت او از مردم به سوی رهبری خود است» (۳۵۷).

ناگفته نماند امام باقر (علیه السلام) در این حدیث یکی از مصادیق روشن این دعوت عمومی را بیان می فرماید، که در آن وقت این دعوت به صورت کامل جامه عمل می پوشد و تحقق عینی می یابد. موضوع دیگر اینکه: یاران امام زمان (علیه السلام) پس از ظهور در مکه (چنانکه قبلاً گفتیم) به آن حضرت می پیوندند که از جمله آنها سیصد و سیزده نفر یاران خاص هستند و سرانجام ده هزار نفر شده و به سوی مدینه رهسپار می شوند... (۳۵۸).

موضوع دیگر اینکه امام زمان (علیه السلام) مسجد الحرام را خراب کرده به اصل خود برمی گرداند و همچنین، مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) را به جای اصلی خود برمی گرداند.

در این مورد امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کند، مسجد الحرام را ویران نماید تا به جای اصلی خود برگردد، مقام ابراهیم (علیه السلام) را به محل اصلی خود می گذارد، دستهای کلیدداران (خائن..)) را قطع کرده و در کعبه آویزان می نماید و بر آنها می نویسد اینها دزدان کعبه هستند» (۳۵۹).

و سه هزار نفر از خائنان و چپاولگران مکه را در شش نوبت به قتل می رساند (۳۶۰).

از این مطالب نتیجه می گیریم که نخستین جرقه های انقلاب جهانی آن حضرت در مکه بروز می کند. و به این ترتیب می بینیم آن حضرت مسائل تشریفاتی و تزئینی و فرعی را از بین برده، و مردم را به

ابعاد اصلی حج که مهمترین آن، بُعد سیاسی وعبادی آن است متوجه می سازد.

با توجه به اینکه در اسلام، بُعد سیاسی نیز عبادت است. واین یک درس بزرگی است برای طرفداران مهدی (عج) که مگه این مرکز استراتژیکی ومهم دنیای اسلام را به صورت کانون آتشفشان عدالت ومعنویت واتحاد بر ضد استکبار جهانی درآورند. وآنرا آماده ظهور امام عصر (عج) کنند واز زیر یوغ استکبار، خارج نمایند.

در اینجا سخن را رها کرده وبه گفتار پرمغز امام خمینی (قدس سره) که در پیام مهم خود به مسلمانان در آستانه برگزاری کنگره عظیم جهانی حج سال ۱۳۶۳ (چهارم شهریور مطابق ۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۴) ابلاغ فرموده اشاره می کنیم.

«... ابعاد مختلف این فریضه الهی عظیم سرنوشت ساز «حج» به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی وآخوندهای فرومایه کشورهای اسلامی وكج فهمی های بعضی از معممین ومقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است، كج فهمانی كه حتی با تشكيل حكومت اسلامی مخالف وآن را از حكومت طاغوت بدتر می دانند...

...از همه ابعاد حج، مهجورتر ومورد غفلت تر، بُعد سیاسی این مناسك عظیم است كه دست خیانتكاران برای مهجوریت آن بیشتر در كار بوده وهست وخواهد بود ومسلمانان امروز ودر این عصر كه

عصر جنگل است، بیشتر از هر زمان، موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند...

روزی که ولی الله اعظم امام عصر (عج) ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر و از ستمگران پشتیبانی می نمایند» (۳۶۱).

... مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه، نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود...
... اگر در این کنگره جهانی که همه اقشار ملت‌های مظلوم اسلامی از هر قشر و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشر ولی با روش واحد و لباس مشابه، دور از هر آرایش و آرایش اجتماع نموده اند، مسائل اسلامی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان، از هر فرقه حل نشود حکومت‌های مستکبر و زورگو نیز جایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد...

بیتی که برای قیام، تأسیس آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف بزرگ انجام داد، مجرد کلید دارای بیت و سقایت حجاج و عمارت مسجد الحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست،

ساده بودن بیت ومسجد همچون زمان ابراهیم (علیه السلام) و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آرایش ووافدین بی پیرایشش هزاران مرتبه بالاتر از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم وغافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس وشهود منافع ناس است می باشد».

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ (۳۶۲).

گویی این آیه در عصر ما نازل شده وگویای حال ما است، در عصر حاضر سرگرمی به سقاییت ومعیشت حجاج و به عمارت وتزئین مسجدالحرام وغفلت از ایمان به خدا وروز قیامت وکناره گیری از جهاد فی سبیل الله را شعار خود قرار داده اند و کسانی که به این آیه عمل کنند آنها را ظالم می خوانند.
وآیه ۳، سوره توبه (وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...).

درست بر خلاف رفتار آخوندهای درباری وتأمین کننده منافع شیطان بزرگ آمریکا است... که فتوا می دهند حج باید از این مسائل به دور باشد...

مسأله، مسأله حضور در محضر است وشاهد جمال محبوب، گویی گوینده از خود در این محضر بی خود شده وجواب دعوت را تکرار می کند، ودنباله آن سلب شریک به معنی مطلق آن می نماید.
باید متوجه باشند که حج آنها حج ابراهیمی «ابو الانبیاء صلوات الله

«علیه» باشد وحج محمدی صلی الله علیه وآله وسلم «وَالَا مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَأَقْلَّ الْحَجِيجَ» (۳۶۳) چقدر ناله کن زیاد است ولی حاجی حقیقی کم است...».

از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر و بیداری مسلمانان و تعهدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم (۳۶۴).

«روح الله الموسوی الخمينی (رحمه الله)»

نتیجه اینکه مسلمانان دوستدار حضرت قائم (عج) باید به مکه و کعبه وحج، اهمیت فراوان بدهند و فلسفه حج را درک کنند و اجرا نمایند و بدانند که عرفات مرکز شناخت و مشعر مرکز شعور و منی مرکز عشق و قربانی و ترور شیاطین تجسم یافته است در این صورت کمک بزرگی به فراهم شدن اسباب کار در مورد ظهور آن حضرت کرده اند.

در اینجا این مطلب را با سخنی از وصیت امام علی (علیه السلام) به دو فرزندش امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) پایان می بریم.

«اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَظَرُوا؛ خدا را، خدا را، در مورد خانه پروردگارتان (کعبه) آنرا تا زنده هستید خلوت نکنید، زیرا اگر این خانه ترک شود، کرامت و عزت خود را (از طرف خدا و مردم) از دست خواهید داد» (۳۶۵).

آری باید مسلمانان با طرح جامع ایجاد شورای اسلامی اداره امور حج، با موج عظیم میلیونی، همه ساله مسلمانان را خط بدهند و نتایج

سودمندی از این مرکز عبادی سیاسی بگیرند، و بدانند که مراسم حج تنها بُعد عبادی آن نیست و گرنه امام حسین (علیه السلام) روز هشتم ذی الحجه حج را رها نمی کرد و به سوی جهاد نمی رفت. ناگفته نماند که مدینه نیز از مراکز مهم در رابطه با حکومت حضرت مهدی (عج) است که آنحضرت با یاران خود از مکه به مدینه آمده و در آنجا جمعیت های زیادی به آن حضرت می پیوندند و عده ای از مخالفان سرکوب می شدند. (از اینکه مدینه را مستقلاً ذکر نکردیم چون آن را جزء حجاز و در قلمرو مکه به حساب آوردیم). اینک به این روایت توجه کنید:

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مکه، حرم خدا و حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و حرم امام علی (علیه السلام) است و یک نماز در مکه معادل با صد هزار نماز است، انفاق یک درهم در مکه معادل با انفاق با صد هزار است، مدینه حرم خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام علی (علیه السلام) است و یک نماز در آن معادل با هزار نماز، و انفاق یک درهم در آن معادل انفاق هزار درهم است» (۳۶۶).

روایات دیگری نیز در شأن و مقام مدینه آمده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.

۲ - کوفه، مقر حکومت حضرت مهدی

قبلاً گفتیم، امام قائم (عج) پس از ظهور از مکه به مدینه آمده و در آنجا همراه دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می

شوند و مقرّ حکومت آن حضرت کوفه است یعنی همان محلی که مقرّ حکومت امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) بود. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«گویی قائم (عج) را می بینم در نجف کوفه که از مکه به آنجا آمده در حالی که پنج هزار فرشته که جبرئیل (علیه السلام) در طرف راستش و میکائیل (علیه السلام) در طرف چپش و مردم با ایمان در حضورش هستند، و آن حضرت لشکرها را در شهرها گروه گروه پراکنده می کند (۳۶۷).

در کوفه حدود ده هزار نفر که «بتریه» نام دارند، جلو آن حضرت را می گیرند و به او می گویند از همانجا که آمده ای برگرد ما نیازی به فرزندان فاطمه (علیهم السلام) نداریم، امام (عج) با آنها جنگ می کند و همه آنها را به هلاکت می رساند، و آنگاه وارد کوفه شده و هر منافق شکاک را می کشد، و کاخ های عظیم ظلم را ویران می سازد، و جنگ افروزان را به قتل می رساند تا خداوند خشنود گردد» (۳۶۸).

آن حضرت در کوفه به توسعه راهها و خیابانها و شهرها و مساجد می پردازد، بیست و هفت نفر که اصحاب کهف و یوشع (علیه السلام) و سلمان (رحمه الله) و ابودّجانه (رحمه الله) و مقداد (رحمه الله) و مالک اشتر (رحمه الله) در میانشان است در نجف به آن حضرت می پیوندند و در صف یاران آن حضرت قرار می گیرند. بالأخره آنچنان در جهت ظاهر و باطن مردم به طور سریع و وسیع

کار را به پیش می برد که خداوند سراسر زمین را به نور الهی روشن می کند و دیگر مردم نیازی به نور خورشید ندارند، ظلمت و تاریکی (ظلم و فساد) از بین می رود، یک نفر مرد در زندگی خود آنقدر عمر می کند که دارای هزار فرزند می شود... (۳۶۹).

موضوع دیگر توسعه دادن به شهر کوفه است که خانه های کوفه به رود کربلا متصل می شود، و مسجد با شکوهی در پشت کوفه ساخته می شود که هزار در دارد.

وسعت کوفه به حدی می شود که اگر مردی در کوفه سوار بر استر راهوار بشود تا خود را به نماز جمعه برساند، نماز جمعه را در ک نمی کند در صورتی که آن مرد در کوفه سکونت دارد (۳۷۰).

به این ترتیب می بینیم کوفه (که عبارت دیگر آن شامل نجف و عراق است) پایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، همان جایی که در طول تاریخ پایگاه مردان بزرگ چون ادریس (علیه السلام)، نوح (علیه السلام)، ابراهیم (علیه السلام)، عیسی (علیه السلام) و حضرت امام علی (علیه السلام) و امامان دیگر بوده است. که در روایات آمده امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«کوفه باغی از باغهای بهشت است، قبر حضرت نوح (علیه السلام) و ابراهیم (علیه السلام) و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصی و قبر سرور اوصیاء حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کوفه است» (۳۷۱).

قبر مردان بزرگی همچون حضرت مسلم (علیه السلام) نماینده اول

امام حسین (علیه السلام) و قبر حضرت هانی (رحمه الله) و مختار (رحمه الله) نیز در کوفه می باشد.

و حضرت امام علی (علیه السلام) در تفسیر آیه ۵۰ سوره مؤمنون: «وَأَوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ؛

ما حضرت عیسی (علیه السلام) و مادرش مریم (علیها السلام) را پناه دادیم در مکانی بلند و خوب».

فرمود: «منظور از این مکان (رَبْوَةٍ) کوفه است و منظور از «قَرَار» مسجد است و منظور از «مَعِين» فرات است» (۳۷۲).

موضوع دیگر اینکه مهمترین مسجد، پس از مسجد اعظم کوفه، مسجد سهله است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه قرار گرفته است.

در روایات آمده حضرت ادریس پیامبر، در این مکان (که اکنون مسجد سهله است) خیاطی می کرد، و حضرت ابراهیم (علیه السلام) از آنجا به سوی عمالقه بیرون رفت و...
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«گویا می بینم، حضرت قائم (عج) را در مسجد سهله همراه خانواده خود. سپس فرمود: هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر اینکه در این مسجد نماز خواند...»

یکی از یاران به نام ابوبصیر (رحمه الله) عرض کرد: آیا امام قائم (عج) همواره و همیشه در این مسجد خواهد بود؟
فرمود: آری.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مسجد سهله خانه امام قائم (عج) است (۳۷۳).

او عرض کرد: (امامان) بعد از قائم (عج) چگونه؟
حضرت فرمود: آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت خواهند کرد» (۳۷۴).

از این حدیث استفاده می شود که در دوران رجعت، پس از حضرت قائم (عج) سایر امامان (علیهم السلام) نیز همین مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می دهند.

در مورد فضائل و مقدس بودن سرزمین کوفه روایات بسیار به ما رسیده است، و همچنین در مورد اهل کوفه امام صادق (علیه السلام) در این مورد فرمود: «مؤمنین کوفه حجت مردم سایر بلاد هستند، و نیز خداوند قم و اهلش را حجت بر سایر مردم قرار داد». و یک قسمت از روایات حاکی است که هیچکس قصد سوء به کوفه نداشته مگر اینکه به هلاکت رسیده، کوفه محل امن است و خداوند بلا را از آن رفع نموده است.

و در روایتی که مرحوم صدوق (رحمه الله) در کتاب معانی الاخبار نقل می کند، امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمود: خداوند چهار سرزمین را اختیار و امتیاز بخشید چنانکه در قرآن فرمود:

«وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ - وَطُورِ سِينِينَ - وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ؛
سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر با امن».

منظور از تین، مدینه است و منظور از زیتون، بیت المقدس است و منظور از طور سینین، کوفه است و منظور از شهر با امن مکه می باشد (۳۷۵).

و در موضوع دفع و رفع بلا از این شهر روایات بسیار است از جمله در نهج البلاغه آمده که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «گویی تو را می بینم ای کوفه، که همچون چرم بازار عکاظ که مالش داده و کشیده می شود، محل تاخت و تاز حوادث و حمله قرار می گیری، من به طور حتم می بینم که هر ستمگری به تو نظر سوئی داشت، خدا او را گرفتار می سازد و یا به قتل می رساند» (۳۷۶). همانگونه که حضرت علی (علیه السلام) فرمود همانطور شد، کسانی که قصد خیانت به این شهر را داشتند، همه ذلیل و به هلاکت رسیدند.

جنایتکار معروف «زیاد» جذام گرفت، شکم حجاج پر از مار شد، عمر بن هبیره و پسرش یوسف به برص مبتلا شدند، عبیدالله بن زیاد و مصعب و ابوالسرایا به قتل رسیدند (۳۷۷).

شرکت کنندگان در خون حضرت مسلم (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) هر یک به دست مختار (رحمه الله) مفتضحانه به درک واصل شدند.

به هر حال این شهر پر سابقه و مقدس و در کنارش حوزه عملیه نجف اشرف و قبر مقدس حضرت علی (علیه السلام)، این شهر حماسه ها و خاطره ها، پایگاه مرکزی حکومت مهدی (عج) قرار می گیرد، و با

توجه به موقعیت استراتژیکی سرزمین عراق و اتصال آن به سوریه و فلسطین و سپس سرزمین حجاز، و از یک طرف به ترکیه و شهرهای مسلمان نشین شوروی سابق و ایران و... مرکز بسیار مناسبی در جهان اسلام برای مرکز حکومت جهانی اسلام و برای مرکزیت حکومت جهانی است، نتیجه اینکه طرفداران امام قائم (عج) باید عراق را از لوث طاغوتیان پاک سازند، و حوزه علمیه نجف را توسعه دهند و زمینه ساز خوبی برای ورود امام قائم (عج) باشند.

۳ - قم، آشیانه اهل بیت و مرکز نشر اسلام

در مورد قم و فضیلت این سرزمین نیز، مطالب بسیاری گفته شده است از جمله:

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حرمی است و آن مدینه است و برای علی (علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی بانویی از فرزندان من در آن سرزمین دفن شود که نامش فاطمه (علیها السلام) است، هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود».

امام صادق (علیه السلام) این سخن را قبل تولد امام کاظم (علیه السلام) فرمود (۳۷۸).

و نیز در ضمن گفتاری امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مردم قم یاور قائم (عج) و خواهان حق ما هستند، آنگاه امام صادق

(علیه السلام) سرش را به سوی آسمان بلند کرد و عرض کرد: خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده». موضوع دیگر در قم وجود حوزه علمیه مقدّسه قم است، که توسط آن، اسلام به جهان منتشر شده و می شود.

و همچنین حدود ۴۴۴ امامزاده در این شهر مدفون هستند و اصحاب ائمه (علیهم السلام) و علماء و مراجع و شهدای بزرگ که هر یک بر رونق و صفای معنوی این شهر افزوده است، تا آنجا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«دری از بهشت در قم گشوده می شود» (۳۷۹).

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها در شرق و غرب، علم و دانش منتشر می شود، و حجت خداوند بر همه مردم تمام می گردد و کسی نمی ماند که از این سرزمین بهره مند نشده باشد» (۳۸۰).

قم چندین نام دارد از جمله نامهای آن

«مجمع انصار القائم (عج)»

(محل تجمع یاران امام زمان (علیه السلام)) و

«ماوی للفاطمیین»

(پناهگاه منصوبین به فاطمه زهرا (علیها السلام)) و بلد الائمه - و بلد

شیعة الائمه (علیهم السلام) (شهر امامان (علیهم السلام) و شهر پیروان

امامان)

«مقصم الجبارین مذاب الجبارین»

(شکننده ستمگران جبار، و خورد کننده آنها و... که همه این نامها از روایات گرفته شده است) (۳۸۱).

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«مردی از قم برمی خیزد و مردم را به سوی حق دعوت می کند، گروهی همراه او هستند همچون پاره آهن، طوفانهای تند حوادث آنها را از پای در نمی آورد، و از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند و توکلشان بر خدا است و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است» (۳۸۲).
وبالآخره امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«اهل خراسان بزرگان ما هستند و اهل قم یاران ما هستند و اهل کوفه اوتاد (مردان استوار) ما هستند» (۳۸۳).

سابقه درخشان قم و ورود حضرت رضا (علیه السلام) به قم و دوستی مردم قم با امامان معصوم (علیهم السلام) در هر زمان و حوزه علمیه قم و مراجع بزرگ تقلید و علماء برجسته که از قم برخاسته اند، قبر منور حضرت معصومه (علیها السلام) در قم همه و همه بر شکوه این مرکز می افزاید، و هم اکنون که از نشانه هایش پیداست زمینه سازی فرهنگی و معنوی و سیاسی و غیره که از ناحیه ساکنان و علماء قم برای قیام جهانی مهدی (عج) می شود در جای دیگر سراغ نداریم.

مسجد جمکران پایگاه عظیم حضرت مهدی (عج) در قم

حضرت ولی عصر (عج) به این مرکز توجه خاص دارد، و وجود

مسجد جمکران در قم (که چند سالی نمی گذرد که مرکز قم

خواهد شد) به دستور امام زمان (علیه السلام) به یک شخص صالح به نام حسن بن مثله (رحمه الله) ساخته شده، که وی می گوید: در شب هفده ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در سرای خود خوابیده بودم، ناگاه گروهی از مردم، نصف شب به سرای من آمده و مرا بیدار کردند و گفتند برخیز امام زمان (علیه السلام) تو را خواسته، برخاستم و همراه جماعت به همان مکانی که اینک مسجد است رفتیم، دیدم امام زمان (علیه السلام) با گروهی روی تختی نشسته و فرمود:

«برو به حسن مسلم (رحمه الله) بگو چند سالی است این زمین را زراعت می کنی و ما خراب می کنیم دیگر اجازه نداری در این سرزمین زراعت کنی، این زمین شریفی است خداوند این سرزمین را برگزیده است و اگر دیگر بار اینجا را کشت کنی عذابی به تو خواهد رسید».

عرض کردم: مردم مرا تصدیق نمی کنند، نشانه ای قرار بده. فرمود:

«ما در اینجا علامتی می گذاریم به مردم بگو به این محل احترام کنند و آنرا بنا و تعمیر نمایند و چهار رکعت نماز بخوانند... در آخر فرمود: کسی که دو رکعت نماز (امام زمان (علیه السلام)) را در این مکان بخواند گویا در کعبه نماز خوانده است».

حسن مثله (رحمه الله) و گروهی دیگر سخن امام زمان (علیه السلام) را اطاعت کردند و در آنجا مسجد ساختند که هم اکنون با اضافه

کردن مساجد و بناهای دیگر بر تجلیل و عظمت جمکران افزوده شده است (۳۸۴).

به این ترتیب مرکزیت قم و توجه امام زمان (علیه السلام) به این مرکز و نشانه های معنوی قم و حوزه علمیه قم و مدارس علمی که جداً دانشگاه حضرت صادق (علیه السلام) است همه و همه حکایت از آن می کند که هنگام ظهور امام (عج) این مرکز با توسعه بیشتر و عمیقتر در نشر اسلام راستین و فقه جعفری در خدمت حضرت ولی عصر (عج) قرار می گیرد.

بنابر این باید به قم اهمیت فراوان داد، و زمینه سازان قیام حضرت مهدی (عج) این مرکز را هیچگاه از یاد نبرند و با حمایت های خود بر رونق آن بیفزایند....

ضمناً ناگفته نماند که یکی از بلاد بسیار مقدّس از نظر اسلام، بیت المقدس است، مسجد اقصی در این شهر قرار دارد که دومین معراجگاه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

و شاید بتوان احتمال داد که شکست و هلاکت دجال با دار و دسته اش در بیت المقدس توسط حضرت مهدی (عج) و یارانش، یک جهتش پاک کردن سرزمین مقدّس بیت المقدس از لوث وجود صهیونیستها و اشغالگران قدس است.

به این موضوع نیز باید توجه داشت که در احکام اسلامی نماز مسافر در چهار مسجد یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) و مسجد کوفه و حائر (حرم) امام حسین (علیه السلام) حالت

تخیر دارد یعنی هم می تواند تمام بخواند و هم می تواند قصر (شکسته) بخواند، این دستورها حاکی است که این مکانهای مقدّس برای مسلمانان همچون وطن است و بعضی از فقهاء تخیر نماز مسافر در چهار شهر یعنی مکه و مدینه و کربلا و کوفه را جایز دانسته اند (۳۸۵).

به هر حال باید دست استکبار جهانی را از این مکانهای مقدّس و استراتژیکی قطع کرد و این مراکز را برای استقبال از امام قائم (عج) آماده ساخت و آماده نمود.

فصل هشتم: خودسازی و پاکسازی در عصر غیبت حضرت مهدی

با مطالعه این کتاب نتیجه می گیریم که: باید مسلمانان، هشیار و بیدار باشند و فراموش نکنند و بدانند که انگیزه غیبت آن حضرت چه بوده و فوائد آن چیست؟ انتظار یعنی چه؟

یاران خاص مهدی (عج) باید دارای چه ویژگیهایی و شرایطی باشند؟

امکانات دنیای اسلام بسیار وسیع است و با به کارگیری صحیح آن می توان به حکومت جهانی رسید. برای تحقّق چنین طرحی نیاز به برنامه ریزی جامع و جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر و پی گیر و هشیاری است. هدف، مشخص است نه کور، بنابراین، این گامها به سوی روشنایی برداشته می شود.

توجه به اماکن مقدّسه و شهرهای با اهمیت و صدور انقلاب به این سرزمینها و بالاخره آمادگی فرهنگی و اقتصادی ورز می و تشکیل ارتشهای میلیونی و راه اندازی نهضت‌های جهانی در همه سرزمینها همچون صدر اسلام، که هر فرد مسلمان یک سرباز جانباز حکومت اسلامی باشد.

اتّحاد و برادری و رعایت حقوق همدیگر مسلمانان در تمام زمینه ها، با توجّه به اینکه توحید و نفی شرک مطلق و همچنین تقوی و پاکی و خلوص در این امور که سنگ اول این ساختمان عظیم را تشکیل می دهد با ید از مهمترین برنامه ها باشد.

علمای اخلاق می گویند:

مراحل تکامل، چهار پایه دارد: ۱ - کشف و شناخت ۲ - استخراج و عمل ۳ - فردسازی ۴ - جامعه سازی.

به راستی که درست گفته اند، اگر این مراحل به طور صحیح طی شود، آن وقت است که ما در مسیر انتظار هستیم.

خلاصه و جمع بندی کتاب در یک کلمه، آمادگی و تلاش پی گیر در تمام ابعاد اسلامی است، توجه به تاریخ اسلام و معانی آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) ما را در این جهت کمک بسزایی می کند، چنانکه گفتیم: مهمترین هدف امام قائم (عج) پس از ظهور، تهذیب و تکمیل نفوس است که در پرتو آن سایر امتیازات نیز به دست خواهد آمد.

خودسازی و پاکسازی

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛

کسی که دوست دارد تا از یاران قائم (عج) باشد، باید در انتظار ظهور باشد، وحتماً باید کارهایش بر اساس تقوی، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام (عج) است، ودر این راه بکوشید وآماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است» (۳۸۶).

علمای اخلاق می گویند: انسان وقتی که صبح از خواب برمی خیزد تا شب که می خوابد باید چهارچیز را حفظ کند:

۱ - مشارطه ۲ - مراقبه ۳ - محاسبه ۴ - محاکمه

یعنی نخست متعهد باشد که در کارهایش گناه وارد نشود، دوم مواظب باشد که این حالت ادامه یابد، سوم در آخر، کار خود را به حساب بکشد که مبادا در حسابش بدهکار خدا باشد، چهارم در صورت بدهکاری، نفس خود را به محاکمه بکشد و بازخواست نماید و به جبران بدهکاری پردازد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«آیا می خواهید شما را به زرنک ترین زرنکها و احمق ترین احمقها خبر دهم؟

یاران عرض کردند: آری.

فرمود: زیرکترین زیرکها کسی است که خود را برای بعد از مرگ

به حساب بکشد، و احمقترین احمقها کسی است که از هوای نفس پیروی کند و آرزوی امان و رحمت الهی را داشته باشد (۳۸۷).
امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای فرمود:
«آیا در قیامت نفوس انسانها حتی به مقدار خردل (ذره) مورد بازخواست نیستند؟» (۳۸۸).

قرآن در سوره نساء آیه ۱ می فرماید:
«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛

خداوند حتماً مراقب کارهای شما است».
و در روایات آمده:

«أَنَّهُ يَنْشُرُ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ مِنْ حَرَكَاتِهِ وَإِنْ صَغُرَتْ ثَلَاثَةً دَوَاوِينَ،
الْأَوَّلُ «لِمَ» الثَّانِي «كَيْفَ» الثَّلَاثُ «لِمَنْ»؛

هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای ثبت خصوصیات آن گشوده می شود: اول (چرا) دوم (چگونه) سوم (برای چه کس)» (۳۸۹).

یعنی انگیزه عمل و چگونگی و کیفیت آن و هدف نهائی آن چیست؟
بنابراین باید منتظران حضرت مهدی (عج) و زمینه سازان انقلاب جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند، که پایه و سنگ اول است.

باید توجه داشت که اعمال ما را در هر ماه یک روز یا چند روز به خدمت امام زمان (علیه السلام) می برند و آن حضرت آنها را می بیند (۳۹۰) بسیار باید توجه داشت که مبدا ما مورد نفرین امام (عج)

گردیم.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامَتِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَمَنْ مَاتَ عَارِفًا بِإِمَامَتِهِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِسْطَاطِهِ؛

کسی که بمیرد ولی شناخت به امامت (حضرت قائم «عج») داشته باشد، دیر و یا زود شدن ظهورش، به او ضرر نمی رساند، و کسی که شناخت به امامت او نداشته باشد و بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم (عج) در میان خیمه او است» (۳۹۱).

بنابراین ما هم اکنون می توانیم با خودسازی، از یاران نزدیک امام قائم (عج) باشیم.

نشانه های عالی انتظار

بعضی از علمای بزرگ برای درجه عالی انتظار با استفاده از روایات، دوازده نشانه ذکر کرده و نشانه دوازدهم را چنین شرح می دهند. از علامات انتظار مهیا بودن برای ورود محبوب است و مهیا بودن به چند چیز است.

۱ - عزم حقیقی بر یاری و متابعت آن حضرت

۲ - متّصف شدن به صفات نیک اخلاقی و دوری از هرگونه آلودگی

اخلاقی

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب * * * جاروب کن تو خانه و پس

میهمان طلب

۳ - مواظبت در اطاعات وانجام واجبات ومستحبات وترک محرمات ومکروهات

۴ - تهیه سلاح

۵ - مرابطه و مرز داری

۶ - مواظبت در خواندن عهدنامه بزرگ و کوچک (که در کتاب زادالمعاد مذکور است) (۳۹۲).

ظلم نکردن واعانت به ظلم نکردن وهشیاری وتوجه وشناخت افراد نیرنگ باز وتوطئه گر نیز از جمله اموری است که باید به آن توجه داشت.

رعایت حقوق برادران

از مهمترین امور در زندگی محبان ومنتظران قائم (عج) رعایت حقوق برادران ومسلمانان است.

در این باره بهتر است پای سخن پر مغز ودلنشین حضرت امام صادق (علیه السلام) وامام باقر (علیه السلام) بنشینیم.

امام باقر (علیه السلام) به جابر جعفری (رحمه الله) فرمود:

«ای جابر آیا کسی که ادعای تشیع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت (علیهم السلام) هستم کافی است؟»

سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیز کار بوده واطاعت از خداوند کند، شیعیان ما را به این صفات بشناسید:

تواضع، خشوع، امانت داری، بسیار در یاد خدا بودن، اهل نماز وروزه بودن، احترام به پدر ومادر کردن، مهربانی کردن به

همسایگان مستمند و بدهکار و یتیمان، راستگو بودن، آنها تلاوت قرآن می کنند، وزبانشان را کنترل می نمایند، و برای خودشان در همه چیز امین هستند...».

ای جابر!

«ما تَنَالُ وَلَايَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛

به ولایت و دوستی ما جز از راه عمل و پرهیزکاری نمی توانی برسی» (۳۹۳).

امام باقر (علیه السلام) روزی به یکی از یارانش به نام سعید بن حسن (رحمه الله) فرمود:

«آیا در میان شما این روش هست که کسی از شما به حضور برادر دینی اش برود دست در جیب او کند و به اندازه احتیاج خود از آن، پول بردارد و صاحب پول از آن جلوگیری نکند؟ سعید عرض کرد: نه چنین کسی را سراغ ندارم.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: بنابراین اخوت و برادری در کار نیست. سعید عرض کرد: آیا در این صورت ما در هلاکت هستیم؟ امام (علیه السلام) فرمود: عقل این مردم هنوز تکمیل نشده است (۳۹۴). (یعنی تکلیف به حساب اختلاف درجات عقل، مختلف می شود).

امام صادق (علیه السلام) در ضمن گفتار می فرماید:

«ما أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ، إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ إِشْتَدَّ وَرَعُهُ وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ وَرَجَا ثَوَابَهُ فَهَؤُلَاءِ أَصْحَابِي؛

سوگند به خدا چقدر پیروان جعفر از شما کم شده اند، بدانید که یاران من کسانی هستند که در پاکی و پرهیزکاری محکم باشند، و کارهایشان را برای خدا انجام دهند و امید به پاداش خدا داشته باشند، اینها اصحاب و یاران من هستند» (۳۹۵).

در مورد حقوق برادران دینی به حدیث جالب و جامع ذیل که امام صادق (علیه السلام) برای یکی از یارانش (معلی بن خنیس) در موارد هفتگانه زیر شرح داده اند توجه کنید:

معلی بن خنیس (رحمه الله) می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود:

«هفت حق واجب است که اگر یکی از آنها را تباه کند از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده و خداوند از او بهره (طاعت و بندگی) ندارد.

عرض کردم آنها چیست؟

فرمود: من بر تو نگرانم، می ترسم آنها را تباه سازی و بدانی و عمل نکنی.

عرض کردم:

«لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

(نیروی جز از خدا نیست) فرمود: آسانترین آنها این است که:

۱ - آنچه را برای بردار مسلمان دوست بداری که برای خود دوست می داری، و نپسندی برای او آنچه را که برای خود نمی

پسندی.

۲ - از خشمگین کردن برادر مسلمانان (یا از خشم) دوری کنی،
و آنچه را که مورد رضایتش است انجام دهی و او امرش را اطاعت
کنی.

۳ - با جان و مال و زبان و دست و پای خود او را یاری کنی.

۴ - چشم و راهنما و آئینه او باشی.

۵ - تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه و تو پوشیده
نباشی و او برهنه.

۶ - اگر دارای خدمتکار باشی و برادر مسلمانان خدمتکار نداشته

باشد، بر تو واجب است که خدمتکارت را بفرستی تا لباسهای او را
بشوید و غذایش را آماده کند و فرشش را بگستراند.

۷ - او را از مسئولیتهای سوگندهایش رها سازی، دعوتش را اجابت
کنی، در بیماری او را عیادت نمائی، بر جنازه اش حاضر شوی، اگر
دانستی که او حاجتی دارد در ادای حاجب او شتاب کنی، تأخیر در
روای حاجت او نکنی که او اظهار آن کند، بلکه زودتر به رفع
نیازش پردازی، سپس امام صادق (علیه السلام) گفتارشان را با این
جملات پایان دادند.

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَلَايَتَكَ بِوَلَايَتِهِ وَوَلَايَتِهِ بِوَلَايَتِكَ؛

وقتی که چنین کردی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به
دوستی خود پیوند داده ای» (۳۹۶).

در اینجا این فصل را با حدیث عرفانی ذیل پایان می بریم.

حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) به خدا عرض کرد:
«پروردگارا آیا کسی را مثل من گرامی داشته ای آنجا که سخن
خود را به من شنونده ای؟»

خداوند فرمود: «بدانکه برای من بندگان هست که در آخرالزمان
می آیند، آنها به من از نسبت به تو نزدیکترند، زیرا من با تو با واسطه
بودن هفتاد هزار پرده حجاب سخن می گویم ولی هرگاه (بنده من
در آخرالزمان) روزه بگیرد، و بر اثر روزه لبهایش سفید و رنگش زرد
گردد این هفتاد هزار پرده را هنگام افطار آنها برمی دارم». (واین
چنین به آنها نزدیک می شوم)» (۳۹۷).

روزی که سر از پرده برون خواهی کرد * * * دانم که زمانه را
زبون خواهی کرد

گر زیب و جمال از این فزون خواهی کرد * * * یا رب چه جگرها
است که خون خواهی کرد

نتیجه اینکه علاقمندان و یاران امام مهدی (عج) باید کاملاً خود را
وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسؤول بدانند، و همواره
مراقب احوال و کارهای خود باشند، و از انحرافات دوری جسته
و پناه به خداوند ببرند و مو به مو احکام اسلام را عمل نمایند، تا
شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند.

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول خدا

یاران و منتظران مهدی (عج) به خصوص باید به امر به معروف و نهی
از منکر و جهاد و مبارزه با انحرافات و دشمنان و آگاهی از جریانات

جهان، اهمیت خاصی بدهند و همواره در صحنه حضور داشته باشند. بدانند که بزرگترین و مهمترین عامل نهضت امام حسین (علیه السلام) عامل امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

و بدانند که در بررسی جهاد و جنگهای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین به دست می آید که در طول تاریخ بشر هیچکس و هیچ ژنرالی مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) با دشمن نجنگیده است (منظور وسعت و دامنه جنگ نیست بلکه منظور اشتغال به کار جنگ است).

در این بررسی می بینیم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در حدود ۵ / ۷ سال کار جنگی (در ده سالی که در مدینه بود) در این مدت ۶۴ یا ۶۵ فعالیت جنگی دارد که اگر بر روزها تقسیم کنیم هر ۴۵ روز یا ۵۰ روز یک لشکرکشی می کند.

عثمان بن مظعون که انزوا و عبادت در گوشه و کنار کوهها را اختیار کرده بود، به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) عرض کرد: دلم می خواهد بیابان گرد باشم، و کنار کوهها به عبادت مشغول شوم، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْغَزْوَةُ وَالْجِهَادُ؛

چنین نکن، سیاحت و بیابانگردی امت من جنگ و جهاد است» (۳۹۸). و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«کسی که جنگجویی را تجهیز کند هر چند به این اندازه که نخي در سوراخ سوزن او کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را می

آمرزد» (۳۹۹).

ونیز فرمود:

«نگهبانی یک شب در راه خداوند، بهتر است از عبادت هزار شب، که روزش را انسان روزه بگیرد» (۴۰۰).

علاقمندان و یاوران حضرت مهدی (عج) هیچگاه نباید خدا و محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و آلش (علیهم السلام) و روش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان (علیهم السلام) را فراموش کنند، بلکه باید همواره آنها را در نظر داشته باشند.

در گفتاری پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند ولی در آن یاد خدا نکنند و درود بر پیامبرش نفرستند آن مجلس حتماً مایه حسرت، و زر و وبال (مایه سنگینی برگردن) آنها خواهد بود» (۴۰۱).

ایستادگی در سختیها و آزمایشها

به این نکته مهم باید توجه داشت که در زمان غیبت و در آستانه ظهور امام قائم (عج) مردم مسلمان در سختترین آزمایشها قرار می گیرند و زیر و رو می شوند، در چنین وضعی، نگهداری آتش در کف دست آسانتر است از حفظ ایمان.

در این مورد یکی از یاران امام باقر (علیه السلام) به نام جابر جعفری (رحمه الله) از امام باقر (علیه السلام) پرسید: فرج شما چه وقت

است؟

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«هیهات، هیهات لَا تَكُونُ فَرَجًا حَتَّى تَغْرَبُوا ثُمَّ تَغْرَبُوا ثُمَّ تَغْرَبُوا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدَرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ؛

هیهات هیهات، فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا این که کدورتها برود و صافی و صفا بماند» (۴۰۲).
یعنی وقتی مسلمانان با هم با کمال صفا و اتحاد و صمیمیت زندگی کردند، به فرج امامشان خواهند رسید.

همین مطلب را امام صادق (علیه السلام) نیز به شکل دیگر فرمود،
شخصی از آن حضرت پرسید آن آزمایشها چیست؟

امام صادق (علیه السلام) این آیه را تلاوت فرمود:
«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛

قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی
و کمبود میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده استقامت کنندگان
را» (۴۰۳).

سپس فرمود:

«ترس از زمامداران (فاسق)... است، گرسنگی به خاطر گرانی است،
زیان مالی از کسادى تجارت و کم رونقى آن است، و زیان جانی به
مرگهای سریع است، و کمبود میوه ها بر اثر نقص کشاورزی و کمبود
برکت در میوه ها است، آنگاه فرمود: بشارت باد به استقامت
کنندگان به نزدیک شدن ظهور قائم (عج)» (۴۰۴).

البته بسیاری هم هستند که طاقت این آزمایش را نداشته و از این

غربال امتحان بیرون می افتند چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«سَتَخْرُجُ مِنَ الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»

به زودی افراد بسیاری از غربال خارج شوند» (۴۰۵).

معرفت امام و پیروی از آن حضرت

باید قبل از قیام مهدی (عج) او را شناخت و از او پیروی کرد چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: خوشا به سعادت آن فردی که قائم (عج) ما را قبل از قیامش شناخته و به او اقتداء کرده است، دوست او را دوست داشته و از دشمن او بیزاری بجوید، و امامان قبل از او را نیز ولی و سرپرست خود را بشناسد، این چنین افرادی دوستان من هستند و دوستی و مهر مرا به خود جلب کرده اند و گرامیترین امت من نزد من هستند» (۴۰۶).

چنانکه امام قائم (عج) در فرازی از توقیع خود به شیخ مفید که قبلاً ذکر شد می فرماید:

«ما حتماً به اخبار شما آگاهی کامل داشته، و هیچ مطلب کوچکی از اخبار شما از ما پنهان نیست، و گرنه آنچنان در سختی قرار می گرفتید که دشمنان شما، شما را تار و مار می کردند» (۴۰۷).

بنابراین باید ما همواره به یاد امام عصر (عج) باشیم و به او اقتدا کنیم، او نیز حتماً به یاد ما هست، و ما را یاری خواهد کرد.

امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأُمَّةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ
زَمَانِهِ وَيُرِدُّ إِلَيْهِ وَيَسْلَمَ لَهُ ثُمَّ قَالَ: كَيْفَ يَعْرِفُ الْآخِرُ وَهُمْ يَجْهَلُ
الْأَوَّلَ؟»

مؤمن نیست مگر کسی که خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و همه امامان (علیهم السلام) و امام زمانش را بشناسد و به او مراجعه کرده و تسلیم فرمان او باشد. سپس فرمود: چگونه ممکن است کسی امام آخر را بشناسد، ولی نسبت به امام اول (حضرت علی) جاهل باشد» (۴۰۸).

آری امامان، همه از یک نور و یک ریشه اند و همه معلّمان قرآن و اسلامند و باید به همه معتقد بود و شناخت و معرفت واقعی به همین است به اضافه تسلیم بودن در برابر اوامر آنها و عمل به فرموده های آنها و الگو قرار دادن روش و منش آنان!

درست است که پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد امام قائم (عج) ظهور می کند، اما این مربوط به مخالفان امام (علیه السلام) و گنهکاران دور از امام (علیه السلام) است.

اما شیعیان و علاقمندان به امام (علیه السلام) هر قدر گنهکار باشند به همین اندازه ظهور امام (علیه السلام) به تأخیر می افتد چنانکه در فرازی از توقیع امام زمان (علیه السلام) به شیخ مفید (رحمه الله) آمده:

«اگر شیعیان ما - که خداوند توفیقشان دهد - همگان در پیمانی که با ما داشتند، متحد می شدند، هرگز برکت دیدار ما از آنها تأخیر

نمی افتاد، و هر چه زودتر سعادت دیدار ما را با معرفت کامل پیدا می کردند، ولی آنچه باعث این دوری و سلب این توفیق دیدار شده خبرهائی است که از اعمال ناپسند آنان به ما می رسد» (۴۰۹).

مساله رهبری

یکی از مسائل مهم در زمان غیبت، مساله رهبری و توجه به تشکیل حکومت‌های صالح در کشورهای اسلامی است رهبر صالح است که می تواند چرخهای انقلاب را به حرکت درآورد، و اسلام را به طور صحیح اجرا نماید و در پرتو آن قوانین اسلام زنده شوند تا زمینه سازی سازنده ای برای قیام جهانی حضرت مهدی (عج) به وجود آید.

در این باره حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«در حکم خدا و اسلام بر مسلمانان واجب و لازم است که هیچ کاری انجام ندهند و قدمی پیش و پس نگذارند، قبل از آنکه امامی را برگزینند، امامی عفیف و خوب و پارسا که احکام قضاوت و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را خوب بشناسد، اموالشان را جمع کند و حج و نماز جمعه شان را برپا دارد، و مالیاتهای اسلامی را بستاند» (۴۱۰).

از سوی دیگر امامان ما، ما را با تأکید از قبول رهبران ناشایست بر حذر داشته اند، امام باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند فرموده است: «حتماً آنان را که امامان ستمگر انتخاب می کنند کیفر می کنم، گر چه خود نیکوکار و پارسا باشند، ولی مردمی را که امامت عادلان را

برگزینند می بخشم گرچه خود ستمگر باشند» (۴۱۱).
امام کاظم (علیه السلام) در گفتگوی خود با صفوان شتردار در پایان فرمود:

«فَمَنْ أَحَبَّ بَقَائَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَهُوَ كَانَ وَرِدِ النَّارِ؛
کسی که ماندن رهبران ناشایست را دوست بدارد جزء آنها است
و کسی که جزء آنها باشد، در میان آتش دوزخ خواهد بود» (۴۱۲).
قرآن در سوره هود آیه ۱۱۳ می فرماید:
«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛

تکیه بر ستمگران نکنید (وبه آنها وابسته نشوید) که موجب می شود
آتش شما را فرا گیرد و در آن حال جز خدا هیچکس سرپرستی
نخواهید داشت و یاری نمی شوید».
آری! وابستگی و تکیه بر ظالمان است که همه چیز انسان را بر باد می
دهد، استقلال فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی را از انسان می
گیرد و انسان را برده می سازد، چنانکه قرن‌ها است مستضعفین در
طول تاریخ به این موضوع گرفتارند، باید به فکر باشند و خود را از
این گرفتاری نجات بخشند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:
«وقتی که روز قیامت می شود، منادی ندا می دهد که کجا هستند
ستمکاران، و کجا هستند یاران ستمکاران و کسانی که خود را شبیه
آنها ساخته اند؟ حتی کسانی که برای آنها قلمی تراشیده اند، و یا

دواتی از آنها را ليقه کرده اند (يعنی پنبه ابريشمی يا پارچه به دوات آنها گذارده اند) همه آنها را در تابوتی از آهن قرار می دهند، سپس در میان جهنم پرتاب می شوند» (۴۱۳).

سرنوشت غم انگيز اندلس و امپراطوری عظیم اسلامی عثمانی که در مدت کوتاهی از مسلمانان گرفته شد و قطعه قطعه گردید و... همه و همه بر اثر اعانت به ظالمان و يا وابستگی به آنها بوده است. به هر حال منتظران و ياران مهدی (عج) بايد در اين جهت حتماً خود و جامعه خود را بسازند و استقلال همه جانبه بيايند، تا در وقت خروج آن حضرت آنها را در اختيار امام (عج) بگذارند. امام صادق (عليه السلام) فرمود:

«ظالم و ياور ظالم و راضی به کار ظالم هر سه شرکت در ظلم دارند» (۴۱۴).

روزی آن حضرت به یکی از يارانش به نام «عذافر» فرمود: «به من خبر رسیده تو برای ابوایوب و ربيع (دو نفر از ظالمان آن عصر) کار می کنی؟ آیا در اين فکر هستی که روز قیامت به عنوان اعوان الظَّلمه (ياران ظالم) مورد خطاب گردی، در اين وقت حالت چگونه است؟»

عذافر از گفتار امام (عليه السلام) به سختی نگران شد و از شدت ناراحتی مشتش به خود کوبید و در سکوت غمباری فرو رفت وقتی امام (عليه السلام) اين حالت را از او دید، به او فرمود:

«ای عذافر تو را از آن ترسانیدم که خداوند مرا از آن ترسانیده

است».

فرزند عذافر می گوید: پدرم از غصه و ناراحتی پس از چند روز از دنیا رفت (۴۱۵).

آری مسلمانان پاکدل از سخن امامشان این چنین تحت تأثیر قرار می گرفتند و از خوف خدا به لرزه درمی آمدند.

ابو یغفور گوید: در حضور امام صادق (علیه السلام) بودم، در این هنگام یکی از اصحاب وارد شد از آنحضرت پرسید: گاهی فشار زندگی باعث می شود که دستگاه ظلم عباسی مرا به بنائی ساختمان یا پاک کردن نهر و یا اصلاح کلنگ و تیشه دعوت می کند، من هم برای تأمین رزق و روزی قبول می کنم آیا جایز است؟
امام (علیه السلام) فرمود:

«من دوست ندارم طنابی از آنها را گره بزنی یا سر مشکی از آنها را ببندی و در برابر، همه مدینه را به من بدهند.
نه حتی خطی برای آنها با قلم بکشی، بدانکه کمک کنندگان ظالمان در روز قیامت در میان خیمه ای از آتش هستند، تا خداوند بین بندگان قضاوت نماید» (۴۱۶).

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«کسی که تازیانه ای را در کنار حاکم ستمگر حمل کند (به عنوان فرمان بردار او) خداوند آن تازیانه را در روز قیامت به صورت مار واقعی از آتش درمی آورد که طول آن هفتاد ذرع است، آنگاه خداوند آن مار را در آتش جهنم، مسلط بر او می کند تا او را عذاب

دهد» (۴۱۷).

منتظران مهدی (عج) باید بدانند که از هدفهای اصلی امام قائم (عج) ریشه کن کردن ظلم است بنابراین نه خود ظالم باشند و نه به هیچ عنوان کمک به ظلم کنند خواه آن ظالم در محدوده خاص باشد و یا ظالمی به صورت ابر قدرت باشد.

این امور است که زمینه های سازنده برای ظهور آن حضرت را پدید می آورد و نباید از آن غفلت نمود.

توجه به شناخت قرآن و اجرای آن

از امور اصلی و هر روزه ای که حتماً باید منتظران مهدی (عج) به آن اهمیت دهند، انس گرفتن با قرآن و عمل به آن است (۴۱۸). در مورد شناختن مفاهیم قرآن و اجرای آن، مگر نه این است که قرآن و عترت (علیهم السلام) در کنار هم هستند، امام زمان (علیه السلام) قرین قرآن است، اگر خدای نکرده قرآن مهجور گردد، درست بر عکس راه امام قدم (عج) برداشته شده است، اگر آیات عذاب، آیات رحمت، آیات عبرت! آیات سیاسی، آیات عبادی، آیات تذکر و... را با کمال دقت توجه کنند و هر روز بخوانند و معانی آن را در ذهن خود ترسیم نمایند، خواهند فهمید که با این کار چقدر سریع و آگاه به سوی فرج امام (عج) گام برداشته اند.

در اینجا برای اینکه هم از قرآن استفاده کرده باشیم و هم طرز استفاده را دریابیم و هم از دستورات محکم قرآن در جهت زمینه سازی برای حکومت صالحان مطلبی بدانیم به دو فراز زیر از قرآن

توجه کنید.

در آیه ۷۵ سوره نساء می خوانیم:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛

چرا در راه خدا و در راه نجات مستضعفین از مردان و زنان و کودکان، پیکار و مبارزه (با مستکبران) نمی کنید و در راه نجات مستضعفین که می گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگر است بیرون ببر و برای ما از طرف خودت سرپرست و یاور قرار بده، اقدام نمی نمایید؟»

این آیه به ما می گوید: نباید بی تفاوت باشیم برای خدا و نجات مستضعفین پیکار کنیم، مستضعفانی که خدا پرستند و دنبال رهبر شایسته اند و از ستم و ستمگران ناخشنودند، چنین افراد را باید کمک کرد و نجات داد.

تعبیر به «مالکم» (چرا) یک نوع استفهام انکاری است، حاکی است که حتماً باید مسلمانان در راه نجات مستضعفان، نه تنها پیاخیزند بلکه باید پیکار کنند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با بیانات جذاب و پرمحتوای خود شاگردان مکتب اسلام را به گونه ای ساخته بود که در مبارزه با دشمن کارشان چنان اوج گرفت، که طبق روایات هفت نفر از فقرای انصار به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده و عرض

کردند بر اثر تهیدستی وسیله ای برای شرکت در جهاد نداریم، شما وسیله ای از شمشیر و نیزه و مرکب در اختیار ما بگذارید تا در جهاد شرکت کنیم، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چون وسیله در اختیار نداشت، جواب منفی به آنها داد، آنها به قدری ناراحت شدند که اشک در چشم هایشان حلقه زده بود، و کم کم به گریه تبدیل شد و سخت گریستند و بعدها به نام «بَکَّائُون»

(گریه کنندگان) معروف شدند.

آیه ۹۲ سوره توبه در وصف این افراد مخلص نازل شد (۴۱۹).

«وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ؛

و نیز اشکالی نیست بر آنها که نزد تو (پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم)) آمدند که آنها را به مرکبی برای میدان جهاد سوار کنی، گفתי مرکبی که شما را بر آن سوار کنم ندارم از نزد تو بازگشتند در حالی که چشمانشان اشکبار بود، از این رو که چیزی را نداشتند تا در راه خدا انفاق کنند».

آری این چنین تعلیمات قرآن که دو نمونه اش را ذکر کردیم، اثر می بخشد فرزندان و شاگردان قرآن باید این چنین تربیت گردند تا منتظر واقعی امام زمان (علیه السلام) شوند، پس باید با قرآن مانوس بود و این درسها را از آن آموخت (۴۲۰).

زنان باید احساس مسؤولیت کنند

در این مسیر زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، باید نقش سازنده داشته باشند، بدانند که آنها نیز موظفند دوش به دوش مردان برای زمینه سازی ظهور امام قائم (عج) و برای خودسازی و پاکسازی محیط و قهرمان پروری که آن هم زمینه سازی است، تلاش عمیق و پی گیر و خستگی ناپذیر بنمایند.

وقتی که در جنگ احد بسیاری از مسلمانان کشته شدند و شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام علی (علیه السلام) سخت مجروح گردیدند شایع شد که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز شهید شده، زنان مسلمان به خصوص خیلی ناراحت شدند، از خانه ها بیرون آمدند و به تحقیق پرداختند.

یکی از این زنان از انصار (مسلمانان مدینه) بود از مدینه بیرون آمده و سراسیمه به سوی احد رهسپار شد، در راه مردی را دید که از جبهه برمی گردد، از او پرسید: آیا به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آسیبی وارد شده است؟

آن مرد به جای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر! پدر شما کشته شده است، زن تکان ملامی خورد، باز طولی نکشید پرسید: آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سالم است؟

آن مرد به جای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر برادر شما نیز کشته شده است، زن تکان مختصری عارضش شد، ولی بار دیگر به حال آمد و پرسشش را تکرار کرد، مرد برای بار سوم گفت: ای خواهر شوهر شما کشته شده است، زن باز تکانی خورد، اما این بار با

خشم و گستاخی گفت: من نمی خواهم بدانم چه کسانی از من کشته شده اند، فعلاً احتیاجی به اینها ندارم، خواهش می کنم بگویید پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چگونه است؟ آن مرد در جواب گفت: پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کمال سلامتی است.

ناگهان صورت زن از خوشحالی برافروخته شد و با حالی سرشار از عشق به اسلام، قاطعانه گفت: «بنابر این قربانی ما هدر نشده است» (۴۲۱).

یعنی اگر من سه قربانی (پدر و برادر و شوهرم) را در راه خدا داده ام به هدر نرفته چرا که رهبر عزیز اسلام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) زنده است و همین افتخار مرا بس.

این چنین زنان قهرمان در صدر اسلام بسیار بودند هم اکنون نیز باید زنان مسلمان این چنین نقش گویا و زاینده و بالنده داشته باشند و بدانند که گردش چرخ انقلابها (که بدون آن به فرج امام زمان (علیه السلام) نزدیک نخواهیم شد) نیمی به دوش زنان است وزن باید خود را در ک کند و بداند مسؤولیتی بس سنگین دارد و قبلاً نیز در این باره سخن گفتیم.

الگوی زنان مسلمان باید افرادی مانند خدیجه کبری (علیها السلام)، فاطمه زهرا (علیها السلام) و زینب کبری (علیها السلام) باشد، زینب (علیها السلام) در شرایط سخت نهضت امام حسین (علیه السلام) سه کار مهم را به عهده گرفت:

۱ - حمایت از رهبرش امام حسین (علیه السلام) تا زنده بود و سپس از امام سجاد (علیه السلام).

۲ - حفظ یتیمان و سرپرستی از آنها.

۳ - رساندن پیام شهیدان در کوفه و شام با بیانات کوبنده و پرمحتوا، و هر جا سخن از آنان گفت، این سه امر مهم را به خوبی انجام داد، و مرام آنها را زنده نگه داشت.

توجه به جمعه و جماعات

شکی نیست که از مهمترین عوامل پیروزی، اتحاد و اجتماع و به هم پیوستگی است که به راستی یک اهرم بسیار قوی برای حرکت دادن سریع چرخهای انقلاب است.

منتظران امام مهدی (عج) باید به آن توجه کامل داشته باشند، و بدانند (چنانکه قبلاً گفتیم) آنحضرت اماکن مقدسه را توسعه می دهد از جمله مسجد کوفه را تا جمعیت در آن، جا بگیرند.

ما وقتی نماز را هر روز می خوانیم، وقتی آن را تجزیه و تحلیل می کنیم می بینیم نماز بر اساس جمع و جماعت تشریع شده است، مثلاً در سوره حمد واژه های

«نعبد»

(تنها ترا می پرستیم)

«نستعین»

(تنها از تو کمک می جوئیم)

«اهدنا»

(ما را هدایت کن) همه به صورت جمع به کار رفته است.

و در پایان نماز، سلام بر جمع شده (السلام علیکم = سلام بر شما).
این نشانه آن است که انزوا و گسیختگی از اجتماع، از اسلام بدور است، اینک به چند روایت زیر توجه کنید.

۱ - پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) تصمیم گرفت، مردمی را که در منزلهای خود نماز می خوانند و در جماعت شرکت نمی کنند خانه هایشان را آتش بزنند، نایبائی به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید، عرض کرد، من شبکور هستم، صدای اذان جماعت را می شنوم ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به مسجد برساند تا در جماعت شرکت کنم و با شما نماز بخوانم.
پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«از منزل خود تا مسجد طنابی بکش آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن خود را به مسجد برسان و در جماعت شرکت کن» (۴۲۲).
۲ - امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«کسی که درباره جماعت مسلمانان به اندازه یک وجب مانع شود، تعهد ایمان از گردنش ساقط می گردد» (۴۲۳).

۳ - امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:
«... وَالزُّمُّوْا عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ؛

به آنچه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده است پیوندید و آنرا رها نکنید» (۴۲۴).

۴ - در مورد نماز جمعه، این نماز عبادی سیاسی، و این میتینگ

هفتگی پر شور مسلمین و این اجتماع دشمن شکن و نفاق برانداز،
حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ جُمُعٍ مُتَوَالِيَةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ؛

کسی که (بدون عذر شرعی) سه بار پشت سر هم نماز جمعه را ترک کند، خداوند مهر بر قلبش می زند» (۴۲۵) (یعنی چنین کسی آنچنان در عناد و نفاق و بی ایمانی فرو می رود که خداوند حسّ تشخیص را از او می گیرد و او را کور دل می کند).
باز فرمود:

«سوگند به خدا به من خبر رسید که یاران پیامبر خدا (صلی الله

علیه وآله وسلم) در روز پنجشنبه برای روز جمعه (و انجام نماز جمعه و سایر آداب) مهیا می شدند» (۴۲۶).

۵ - امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«کسی که به سوی مسجد گام بر می دارد، بهر چیز خشک و تری در راه، گام بگذارد زمین آن تا طبقه هفتم برای او تسبیح خدا می گویند» (۴۲۷).

در مورد نظم و پاکیزه نگهداشتن مسجد نیز روایاتی بسیار آمده، از جمله پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: صفهای خود را منظم کنید در حالی که شانه هایتان در ردیف همدیگر باشد، تا شیطان در شما نفوذ نکند (۴۲۸).

نیز فرمود:

«کسی که روز پنجشنبه و شب جمعه، مسجد را جارو کند و ذره ای

خاک از آن مسجد بر سر و صورت او بنشیند، خداوند او را می
آمرزد» (۴۲۹).

در این مورد روایات دیگری نیز در کتاب تهذیب شیخ طوسی
(رحمه الله) صفحه ۲۵۶ آمده است.

به این ترتیب: باید علاقمندان به ظهور امام مهدی (عج) به اجتماع
وجماعت ونماز جمعه وپركردن مساجد، اهمیت فوق العاده بدهند،
تا در پرتو آن، عوامل استقبال از امام مهدی (عج) فراهم شود
وموجب خودسازی خودشان گردد.

امامان معصوم ما (علیهم السلام) از هر فرصتی برای تهذیب
وپاكسازی پیروانشان استفاده می کردند.

پاورقی:

- (۱) مجمع البیان جلد ۱۰ صفحه ۴۷۶.
- (۲) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۵۱، كه حكومت دلخواه همه پیامبران است.
- (۳) سخنان امام در نیمه شعبان ۱۳۶۰ در حسینیه جماران.
- (۴) بحار الأنوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۸۰.
- (۵) سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۸ و عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۳.
- (۶) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۲۸ - روایت دیگری نظیر این روایت در ص ۶۳ کتاب اثبات الهدأ آمده است.
- (۷) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۵۲.
- (۸) ارشاد شیخ مفید (رحمه الله) صفحه ۳۰۶.
- (۹) ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۵.
- (۱۰) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۳۷ - المجالس السنیة جلد ۵، صفحه ۶۷۸ - مرحوم شهید در کتاب دروس نیز همین عقیده را دارد (اثبأ الهدأ جلد ۷، صفحه ۱۶۲).
- (۱۱) آیه ۵ و ۶ سوره قصص - شرح بیشتر این مطلب در كشف الغمه، ج ۳، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ آمده است و اضافه شده كه: امام قائم وقتی متولد شد، پاك بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود.
- «جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً؛ حق آمد و باطل نابود شد، حتماً باطل نابود شدنی است».
- (۱۲) توضیح المقاصد شیخ بهائی، صفحه ۵۳۳.

- (۱۳) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۱۶۲.
- (۱۴) اقتباس از كتاب المراقبات، نوشته عالم ربانى و عارف صمدانى، مرحوم حاج ميرزا جواد تبريزى صفحه ۷۹ به بعد (دعاها و نمازهاى ديگرى نيز ذكر شده به اين كتاب مراجعه شود).
- (۱۵) بعضى از اصحاب خاص در زمان امام عسكرى (عليه السلام) به خدمتش مى رسيدند و مسائل خود را از آنحضرت مى پرسيدند و جواب مى گرفتند (در اين باره به كتاب احتجاج طبرى جلد ۲ صفحه ۲۶۸ به بعد مراجعه كنيد).
- (۱۶) اقتباس از جامع النورين صفحه ۳۱۴ و بحار، ج ۵۱، ص ۳۳۲ به بعد در مورد غايب شدن آنحضرت در سرداب و جريان غرق دشمنان در كتاب مجالس السنيه جلد ۵ صفحه ۷۲۸ مطالبى آمده است.
- (۱۷) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۱۸۵ - المجالس السنيه، جلد ۵ صفحه ۷۰۲ - ۷۰۳.
- (۱۸) اثبأ الهدأ - جلد ۷، صفحه ۱۸۴.
- (۱۹) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۱۸۴.
- (۲۰) بحار جلد ۵۴، صفحه ۳۴۷ به نقل از امام باقر (عليه السلام).
- (۲۱) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۱۰۲ (مسائل رجعت در كتاب بحار جلد ۵۳، صفحه ۳۹ تا ۱۴۴ آمده است).
- (۲۲) دومين نائب خاص امام زمان (عليه السلام).
- (۲۳) مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.
- (۲۴) كشف الغمّه جلد ۳، صفحه ۴۵۱.

- (۲۵) المجالس السنيه سيد محسن جبل عاملی جلد ۵.
- (۲۶) المجالس السنيه سيد محسن جبل عاملی جلد ۵.
- (۲۷) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۰، به نقل از طبرانی.
- (۲۸) اعلام الوری، ص ۴۰۲.
- (۲۹) اعلام الوری، ص ۴۰۳.
- (۳۰) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.
- (۳۱) كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۴۵ - اعلام الوری، ص ۴۰۷.
- (۳۲) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۰۳.
- (۳۳) كشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۶ - اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۹۰ - ۲۰۸.
- (۳۴) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۸۵.
- (۳۵) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۲۳۸.
- (۳۶) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۲۳۸.
- (۳۷) توضيح المقاصد شيخ بهائی، ص ۵۱۰ - ۵۰۶.
- (۳۸) بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.
- (۳۹) جنه المأوی، بحار طبع جدید، ج ۵۳، ص ۳۲۰.
- (۴۰) به این ترتیب غیبت صغری در حدود ۷۰ سال بوده است و بعضی این مدت را ۷۴ سال دانسته اند. یعنی از سال ۲۵۵ (سال تولد امام عصر (عج) تا سال ۳۲۹ (كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۴) شرح این مطلب در بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴ به بعد آمده است.
- (۴۱) مدرک پیشین، ص ۱۰۱ - كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۷.
- (۴۲) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۳، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۱.

(۴۳) نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

(۴۴) نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

(۴۵) نهج البلاغه، نامه ۴۱.

(۴۶) نهج البلاغه، نامه ۴۵.

(۴۷) سوره صاد، آیه ۲۶.

(۴۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

(۴۹) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۶۵.

(۵۰) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

(۵۱) سوره فصلت، آیه ۵۳.

(۵۲) بحار، ج ۵۱، ص ۶۲ - منظور از این تفسیر این است که یکی از مصادیق روشن حق که پس از طول زمان آشکار خواهد شد وجود قائم (عج) است.

(۵۳) ناگفته نماند که امام صادق فرمود: همه ما امامان قائم هستیم،

ولی آن قائم (امام دوازدهم) صاحب شمشیر (قدرت و حکومت)

است و برنامه ای غیر از برنامه ما دارد (اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۲۷).

(۵۴) بحار، ج ۵۱، ص ۳۰.

(۵۵) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۱۰ - ونیز در همین کتاب ص ۱۶۹ وجه

تسمیه دیگری در مورد واژه مهدی از امام باقر (علیه السلام) نقل

شده است (توضیح اینکه: مردم در آن زمان، اسلام راستین را گم

کرده اند حضرت مهدی (عج) آنها را به دین اسلام ناب هدایت می

کند) (توضیح المقاصد ص ۵۱۲).

- (۵۶) بحار، ج ۵۱، ص ۳۰.
- (۵۷) بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ - ۱۵۶.
- (۵۸) کرعه قریه ای است در یمن (المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۰۸).
- (۵۹) اثبأء الهدأء، ج ۷، ص ۵۸.
- (۶۰) اثبأء الهدأء، ج ۷، ص ۳۷۱.
- (۶۱) شرح اسرار آمیز این ماجرا را در کتاب عدل منتظر، ص ۸۴ تا ۹۹ و در کتاب «مثلت بر مودا» بخوانید.
- (۶۲) مصباح کفعمی، ص ۲۱۹.
- (۶۳) بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.
- (۶۴) عدل منتظر، شماره ۵ کتاب سالانه مسجد صدریه تهران، ص ۹۲.
- (۶۵) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (سوره صف، آیه ۹).
- (۶۶) «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».
- (۶۷) وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.
- (۶۸) اثبأء الهدأء، ج ۷، ص ۲۴۷.
- (۶۹) سوره قصص، آیه ۵.

- (۷۰) مجمع البیان، ذیل آیه ۵، سوره قصص.
- (۷۱) نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۱۰ و در نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۲۰۹ نیز به این مطلب اشاره شده است.
- (۷۲) دو حدیث فوق را ابن ماجه در سنن خود نقل کرده است (اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۹۷).
- (۷۳) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۹۷، المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۷.
- (۷۴) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۸۹، كشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۵، المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۶.
- (۷۵) كشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۵ و ۳۸۱.
- (۷۶) منتخب الاثر، ص ۳۰۷، اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۹۷.
- (۷۷) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۹۹.
- (۷۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹.
- (۷۹) نهج البلاغه، نامه ۴۵.
- (۸۰) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.
- (۸۱) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.
- (۸۲) اثبأ الهداء، ج ۷، صفحه ۸۹.
- (۸۳) بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.
- (۸۴) مجله دانشمند سال ۶ شماره ۱ ص ۴۳.
- (۸۵) مجله خواندنیها، سال ۲۸ شماره ۳۸ ص ۴۳.
- (۸۶) شرح بیشتر وجواب آن را در كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۷۲ به بعد بخوانید.

(۸۷) درباره افرادی که در دنیا عمر طولانی کرده اند به کتاب اعلام الوری، ص ۴۴۲ و کتاب بحار، ج ۵۱، ص ۲۲۵ به بعد مراجعه شود.

(۸۸) ان الله على كل شی قدیر.

(۸۹) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۷۹ - المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۲.

(۹۰) بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

(۹۱) وَأُنْزِلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (سوره حدید، آیه ۲۵).

(۹۲) وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ (سوره بقره آیه ۱۷۹).

(۹۳) بحار، ج ۵۲، ص ۱۰۱ تا ۱۲۲ - اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۸۶.

(۹۴) به توضیح المقاصد، شیخ بهائی، ص ۴۹۷ به بعد بنگرید.

(۹۵) المجالس السنيه ج ۵، ص ۷۰۵.

(۹۶) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۳۹۸.

(۹۷) بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ به بعد.

(۹۸) یکی از بلاد گیلان.

(۹۹) منتهی الآمال، ص ۳۳۷ - در این کتاب به بعضی از علائم دیگر

نیز اشاره شده است به ص ۳۳۵ به بعد مراجعه شود، در کتاب بحار،

ج ۵۲، نیز بطور کوتاه از سید حسنی از قول امام باقر (علیه السلام)

آمده است، و نیز در ج ۵۳، ص ۱۱۵ جریان سید حسنی آمده است،

و در آنجا ذکر شده وقتی سید حسنی از امام مطالبه دلائل می کند

و یقین به صدق امام پیدا می کند می گوید:

الله اکبر دستت را بده تا با تو بیعت کنم، با آنحضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاه او (جز زیدیه) نیز بیعت می کنند. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «سید حسنی و یارانش، دلاوران از امام قائم (عج) دفاع می کنند، ولی سرانجام در راه امام شهید می شود، اهل مکه او را می کشند و سرش را به شام می فرستند». (بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۱).

(۱۰۰) تفصیل آن در کتاب اعلام الوری، ص ۴۲۹.

(۱۰۱) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۳۹۷.

(۱۰۲) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

(۱۰۳) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹ و اعلام الوری، ص ۴۲۶.

(۱۰۴) كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۶۴ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

(۱۰۵) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۳۹۸ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۱۳ (از نسل

عتبة بن ابی سفیان).

(۱۰۶) اعلام الوری، ص ۴۲۸.

(۱۰۷) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۲۳ - این درخت، درخت بلند

و پرشاخه ای است که در آن هنگام در حیره است (اثبأ الهدأ، ج

۷، ص ۱۶۸).

(۱۰۸) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۲۳۹.

(۱۰۹) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۲۳، بحار، ج ۵۳، ص ۱۰.

(۱۱۰) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۴۲ - ۱۷۶.

(۱۱۱) در این باره به بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴ و ۱۹۵ مراجعه شود.

- (۱۱۲) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۱۰.
- (۱۱۳) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۳۷ - علائم بسیار ديگری نیز ذکر شده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها صرف نظر شد به اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۳۸۳ تا ۴۳۱ مراجعه شود.
- (۱۱۴) منظور امامت معصومين است.
- (۱۱۵) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۴۰۲.
- (۱۱۶) بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
- (۱۱۷) تفسير صافی، ذیل آیه ۸۶ سوره هود.
- (۱۱۸) كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۶۱.
- (۱۱۹) كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۶۰.
- (۱۲۰) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۸۳، ودر کتاب كشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۶۵ آمده: امام صادق (عليه السلام) فرمود:
- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي بَدْوَ الْأَسْلَامِ.
- (۱۲۱) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، واثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۷۷.
- (۱۲۲) بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۷.
- (۱۲۳) تفسير صافی، ص ۴۶۹ ذیل آیه ۶۷ سوره زمر، اعلام الوری ص ۴۳۶.
- (۱۲۴) بحار، ج ۵۳، ص ۹، وج ۵۲، ص ۳۵۱.
- (۱۲۵) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر (عليه السلام).
- (۱۲۶) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر (عليه السلام).

- (۱۲۷) بحث بیشتر در این باره در کتاب ارمغان استعمار (تألیف نگارنده) و در کتاب بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ به بعد آمده است.
امام مهدی در برابر قدرتهای تخریبی.
- (۱۲۸) در این باره به کتاب عقائد الامامیه تألیف محمد رضا مظفر (بحث رجعت) ترجمه نگارنده مراجعه شود.
- (۱۲۹) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۶۲ - ۱۰۳.
- (۱۳۰) مدرک پیشین، ص ۱۵۴.
- (۱۳۱) مدرک پیشین، ص ۱۶۴.
- (۱۳۲) مدرک پیشین، ص ۱۴۶.
- (۱۳۳) مدرک پیشین، ص ۱۰۲.
- (۱۳۴) سوره مریم، آیه ۳۱.
- (۱۳۵) سال ۱۳۷۶.
- (۱۳۶) شرح این مطلب را در کتاب «پرتوی از سیره چهارده معصوم (علیهم السلام)، در فصل زندگی امام جواد (علیه السلام) (تألیف نگارنده) بخوانید.
- (۱۳۷) تاریخ علوم، پی یر روسو، صفحه ۴۳۲.
- (۱۳۸) اثبأ الهداء ج ۷، ص ۵۱.
- (۱۳۹) القسط هو النصیب بالعدل (مفردات راغب حرف عین) -
القسط اسم للعدل فی القسم (الفروق اللغویه).
- (۱۴۰) سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۲۵.
- (۱۴۱) توضیح بیشتر در این باره در کتاب بیت المال در نهج البلاغه،

- از استاد آیت الله حسین نوری (تنظیم نگارنده) آمده است.
- (۱۴۲) بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.
- (۱۴۳) سوره حجر، آیه ۳۷ و ۳۸.
- (۱۴۴) اثبأء الهدأء، ج ۷، ص ۱۰۱.
- (۱۴۵) بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۴ - توضیح بیشتر اینکه کشته شدن
ونابودی شیطان همانند کشته شدن ونابودی ما نیست، شیطان مثل ما
جسم ندارد تا کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا همان قطع نفوذ
او و مرگ حکومت و تزویر او می باشد.
- (۱۴۶) بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- (۱۴۷) بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۳.
- (۱۴۸) بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.
- (۱۴۹) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.
- (۱۵۰) اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۰.
- (۱۵۱) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۵، (ط جدید) باب ۳۳.
- (۱۵۲) باید توجه داشت که منظور از نام اصلی همان همانام بودن با
پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است.
- (۱۵۳) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۴.
- (۱۵۴) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۵.
- (۱۵۵) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۱۱.
- (۱۵۶) که نویسنده اش حضرت ولی عصر (عج) است.
- (۱۵۷) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۳.

- (۱۵۸) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۴.
- (۱۵۹) بحار، ج ۵۱.
- (۱۶۰) بحار، ج ۵۱.
- (۱۶۱) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۳.
- (۱۶۲) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۹.
- (۱۶۳) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷، حدیث ۷ از باب ۳۳.
- (۱۶۴) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۸.
- (۱۶۵) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۲ از باب ۳۳.
- (۱۶۶) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۳ از باب ۳۳.
- (۱۶۷) معمولاً در این گونه احادیث منظور از مردم (ناس) اکثریت مردم آن عصر که مخالفان امامان بودند می باشد.
- (۱۶۸) بحارالأنوار، چاپ قدیم، ج ۱۳، ص ۸.
- (۱۶۹) گوسفندی را که به عنوان حفظ نوزاد و طفل از گزند حوادث قربانی می کنند عقیقه می گویند (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹ - حدیث ۱۵، باب ۳۳).
- (۱۷۰) مدرک پیشین، حدیث ۱۶.
- (۱۷۱) مدرک پیشین، ص ۴۸۷، حدیث ۱۷ از باب ۳۳.
- (۱۷۲) مدرک پیشین، حدیث ۱۹.
- (۱۷۳) مدرک پیشین.
- (۱۷۴) مدرک پیشین، حدیث ۲۰.
- (۱۷۵) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۹.

- (۱۷۶) مدرک پیشین، ص ۴۸۹، حدیث ۱۹.
- (۱۷۷) مدرک پیشین، ج ۱۱، ص ۴۹۲.
- (۱۷۸) علامه مجلسی (رحمه الله) این اخبار را در بحار طبع جدید، ج ۵۱، از ص ۳۱ به بعد آورده است.
- (۱۷۹) با توجه به اینکه قسم دوم از روایات از جهت خوف، مطلق بودند.
- (۱۸۰) در صورت تساقط، اصل، عدم حرمت نام بردن است.
- (۱۸۱) وسائل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۴۸۶.
- (۱۸۲) روایت ششم از قسم چهارم از روایاتی که قبلاً ذکر شد.
- (۱۸۳) این فصل ترجمه مقاله ای است از کتاب «القواعد الفقهیه»
- جلد سوم، صفحه ۱۲۴، تألیف استاد معظم آیت الله مکارم شیرازی.
- (۱۸۴) أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ (پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) - بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۸).
- (۱۸۵) كَمَنْ قَارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ (بحار، جلد ۵۲، ص ۱۲۶).
- (۱۸۶) درباره فضیلت انتظار به کتاب اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۴۰ به بعد مراجعه نمائید.
- (۱۸۷) بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
- (۱۸۸) یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) می گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: روش حضرت مهدی (عج) چگونه است؟
- فرمود:

«یصنع ما صنع رسول الله، يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله امر الجاهلية ويستأنف الاسلام جديدا؛

همان روش پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را انجام می دهد، روشهای باطل را ویران می کند چنانکه پیامبر نمود واسلام را نوسازی و تکمیل می نماید». (بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲).

(۱۸۹) نورالثقلین، ج ۳، ص ۷۸.

(۱۹۰) نهج الفصاحه، حدیث ۹۰.

(۱۹۱) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۴.

(۱۹۲) بحار، ج ۲۱، ص ۵۳.

(۱۹۳) فرازهائی از خطبه ۱۵۹ نهج البلاغه.

(۱۹۴) جابر جعفی گوید به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: فرج شما چه وقت است؟ سه بار فرمود: فرج ما تحقق نمی پذیرد تا غربال شوید و آزمایش گردید، تا آن وقتی که قلبها صاف شود. (بحار، ج ۵۲، ص ۱۰۱).

(۱۹۵) بحار، ج ۶۱، ص ۱۵۰.

(۱۹۶) اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (سوره نحل، آیه ۱۲۵).

(۱۹۷) مشروح این مناظره در کتاب احتجاج طبرسی، ج ۱، از ص ۱۶ تا ۲۴ آمده است.

(۱۹۸) تفسیر ابوالفتوح، ج ۲، صفحه ۴۵۰.

(۱۹۹) باید توجه داشت که بنابر این است که امور از روی طبیعی

و خودجوش به پیش رود و گرنه اگر صحبت اعجاز باشد، امام حسین (علیه السلام) فرمود: «سوگند به خداوند، خدا چیزی را نیافریده مگر اینکه به او فرمان داده از ما پیروی کند» (بصائر الدرجات - بحار، ج ۲۳، ص ۲۸۷) البته اگر مردم وظیفه خود را انجام دهند، دست خدا بالای سر آنها است و امدادهای غیبی به کمک آنها خواهد شتافت چنانکه قرآن می فرماید:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ». (سوره محمد، آیه ۷).

(۲۰۰) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۲۶ (سوره نمل، آیه ۶۲).

(۲۰۱) تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴، ذیل آیه ۶۲ نمل.

(۲۰۲) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۸ (مضمون روایتی از امام باقر (علیه

السلام)).

(۲۰۳) بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

(۲۰۴) بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

(۲۰۵) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۴۱۲.

(۲۰۶) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۱۲۸.

(۲۰۷) قربانیان استعمار، ص ۲۵، (به نقل از مجله ریدرزادیچست).

(۲۰۸) البته ناگفته نماند که امپریالیستها این برنامه های دراز مدت را

به عنوان تاکتیکهای مودیان خود در جهت منافع استعماری خودشان به کار می گیرند، مثلاً سالها قبل، یک فرد وجیه المله را در درون کشور تحت استعمار خود، به عنوان اینکه همصدا و همفکر با ملت است به طور سری نگه می دارند تا در آینده اگر سنگی به

- کاسه خورد، آن مهره به ظاهر ملی را روی کار بیاورند تا بتوانند به وسیله او استعمارگری خود را ادامه دهند. چنانکه فلسفه پدیده «فرامانوسری» (فراموشخانه) در تاریخ معاصر همین بود.
- (۲۰۹) سوره ص، آیه ۸۱.
- (۲۱۰) بحار، جلد ۷۰، صفحه ۲۴۳ و ۲۴۸.
- (۲۱۱) مدرک پیشین.
- (۲۱۲) مشکوٰۃ الانوار، صفحه ۱۳۵.
- (۲۱۳) مدرک پیشین.
- (۲۱۴) سوره مجادله، آیه ۱۱.
- (۲۱۵) وسائل الشیعه، جلد ۱۸، صفحه ۱۴.
- (۲۱۶) شرح در داستان باستان، ص ۳۹ الی ۱۰۵.
- (۲۱۷) المیزان، جلد ۵، صفحه ۲۹۲.
- (۲۱۸) روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ / ۱۱ / ۱۳۶۲.
- (۲۱۹) «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد - ۷).
- (۲۲۰) بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲ (یصنع کما صنع رسول...).
- (۲۲۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ....
- (۲۲۲) تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۷ - مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸.
- (۲۲۳) تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه ۴۹۷.
- (۲۲۴) تفسیر نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۶۴۲.
- (۲۲۵) تفسیر نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۶۴۲.
- (۲۲۶) مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸ - نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲ - در

بعضی از روایات بجای دین «علم» آمده است (حلیه ابو نعیم اصفهانی، جلد ۶، صفحه ۶۴) - شرح بیشتر این مطلب را در کتاب «ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و...». تألیف نگارنده بخوانید.

(۲۲۷) و طبق بعضی از روایات آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان (علیه السلام) از عجم هستند. (اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۹۲).

(۲۲۸) قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنَتِّظِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُعَاءُ إِلَى اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا.

(كمال الدين وتمام النعمه، صفحه ۳۲۰).

(۲۲۹) يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ (كنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۶).

(۲۳۰) بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۸.

(۲۳۱) بحار، جلد ۵۲، ۳۳۵. - نظیر این روایت با کمی تفاوت از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا...»

وقتی که قائم ما قیام کند خداوند متعال، پیروان ما را از آفات حفظ

- کند و قلب آن را همچون پاره آهن محکم سازد و نیروی هر مردی از آنها را به اندازه نیروی چهل مرد کند، و آنها حاکمان و سران مردم روی زمین خواهند بود (بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷).
- (۲۳۲) بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.
- (۲۳۳) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۴۱۹.
- (۲۳۴) بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
- (۲۳۵) ارشاد مفید، ص ۳۹۹ - اعلام الوری، ص ۴۳۳.
- (۲۳۶) ذی طوی در حدود یک فرسخی مکّه در راه تنعیم قرار گرفته است (مجمع البحرین ماده طوی).
- (۲۳۷) این حدیث از امام باقر (علیه السلام) نقل شده (بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۷).
- (۲۳۸) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۹۲.
- (۲۳۹) بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ - به همین مضمون در کتاب اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۷۶، نقل شده با این بیان که حضرت قائم (عج) کنار در حرم می ایستد و با فریاد، یارانش را می طلبد، خداوند در یک شب ۳۱۳ نفر یارانش را از دورترین نقاط زمین در آنجا به گردهم می آورد.
- (۲۴۰) بحار، ج ۲، ص ۳۱۷ - أَوَّلُ مَنْ بَايَعَ جِبْرِئِيلُ ثُمَّ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا.
- (۲۴۱) بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ص ۳۳۷.
- (۲۴۲) بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

- (۲۴۳) بحار، ج ۵۲، ص ۴۳۶.
- (۲۴۴) سوره بقره، آیه ۱۴۸.
- (۲۴۵) تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹، به نقل از روضه کافی واثبائه الهداء، ج ۷، ص ۵۰ - بحار ج ۵۲، ص ۳۴۲.
- (۲۴۶) تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۲۸ - اثبائه الهداء، ج ۷، ص ۱۰۰.
- (۲۴۷) بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.
- (۲۴۸) سوره بقره، آیه ۱۴۸.
- (۲۴۹) اثبائه الهداء، ج ۷، ص ۹۴.
- (۲۵۰) مدرک پیشین، ص ۹۰.
- (۲۵۱) مدرک پیشین، ص ۹۱.
- (۲۵۲) اثبائه الهداء، ج ۷، ص ۹۲ و بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۰ والمجالس السنیه، ج ۵، ص ۲۴.
- (۲۵۳) اثبائه الهداء، ج ۷، ص ۹۲.
- (۲۵۴) سوره محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، آیه ۷.
- (۲۵۵) اثبائه الهداء، ج ۷، ص ۱۱۳.
- (۲۵۶) مدرک پیشین.
- (۲۵۷) مدرک پیشین، ص ۱۱۴، يصلح الله امره فی ليله.
- (۲۵۸) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.
- (۲۵۹) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲ - ۳۰۱.
- (۲۶۰) مدرک پیشین، ص ۲۲۳.
- (۲۶۱) تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۹، به نقل از اصول کافی.

(۲۶۲) وَيَرُوى أَنَّ خَمْسِينَ امْرَأَةً مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (عج)

(المجالس السنيه، ط، نجف ج ۵، ص ۵۵۱).

(۲۶۳) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۵۰ - ۱۷۱.

(۲۶۴) الاوائل، ص ۳۳.

(۲۶۵) بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۷ - اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۸۸ - گویا اشاره

به شرقیهای طرفدار سیستم کمونیسم وغربیهای طرفدار کاپیتالیسم -

که با این پرچم مخالفت می کنند - می باشد.

(۲۶۶) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۱۳.

(۲۶۷) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۲۲ (تألیف علامه بزرگ سید

محسن جبل عاملی (رحمه الله) - چاپ بیروت).

(۲۶۸) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۰۹.

(۲۶۹) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۱۱.

(۲۷۰) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۲۳ - ۷۲۴.

(۲۷۱) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۲۳ - ۷۳۴ - ۷۱۱.

(۲۷۲) بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

(۲۷۳) غیبت طوسی، ص ۱۰۲، بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

(۲۷۴) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۹ در مورد وفاداری مردم کوفه

(که شامل نجف نیز خواهد شد) روایات دیگری نیز رسیده از جمله

اینکه پنجاه هزار نفر از دلیران مردم کوفه مدافع خاص امام قائم

(عج) در برابر دشمن هستند (بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶)، واینکه مقرر

حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) کوفه است (اثبأ الهدأ، ج ۷،

- ص ۹۴) نیز حاکی است که مردم کوفه در پشتیبانی آنحضرت جدی و شجاع هستند. و امام باقر (علیه السلام) ضمن روایتی فرمود:
- خوشبخت ترین مردم نسبت به امام قائم (عج) مردم کوفه هستند.
- (اثبأ الهداء، ج ۷، صفحه ۱۶۹).
- (۲۷۵) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۳۸.
- (۲۷۶) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۹.
- (۲۷۷) مجمع البحرين (ماده بدل).
- (۲۷۸) سفینه البحار، (ماده بدل).
- (۲۷۹) امام علی (علیه السلام) فرمود: الْأَبْدَالُ بِالشَّامِ وَالنَّجَبَاءُ بِمِصْرَ وَالْعَصَائِبُ بِالْعِرَاقِ (مجمع البحرين ماده عصب).
- (۲۸۰) بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.
- (۲۸۱) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۰۹.
- (۲۸۲) بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.
- (۲۸۳) ضمناً ناگفته نماند که طبق بعضی از روایات پس از ظهور آنحضرت جبرئیل (علیه السلام) و فرشتگان و نجباء جن و نقباء مردم با او بیعت می کنند (بحار، ج ۵۳، ص ۸ و ۹) به این ترتیب واژه «نقباء» که بمعنی مردان آگاه و متعهد است نیز بر یاران خاص امام افزوده می شود.
- (۲۸۴) بحار، ج ۵۳، ص ۳۶.
- (۲۸۵) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۳۷.
- (۲۸۶) سوره محمد، آیه ۷.

(۲۸۷) المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۱۰ به نقل از اسعاف الراغبين - در این باره مطالبی در بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، نیز آمده است.
(۲۸۸) بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

(۲۸۹) قسمتی از داستان این شرفیاب شدگان در کتاب دارالسلام مرحوم عراقی (رحمه الله) واثبأ الهداء شيخ حرّ عاملی (رحمه الله) ج ۷، از صفحه ۲۷۰ تا ۲۸۳ و نیز در كشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۸ به بعد و بحار، ج ۵۳، صفحه ۳۰۰ تا ۳۳۱ ونجم الثاقب حاجی نوری آمده است.

(۲۹۰) دارالسلام عراقی، ص ۱۷۲ با توضیحاتی از نگارنده.
(۲۹۱) چگونگی شیعه شدن شاه خدابنده به دست علامه را در کتاب پندهایی از تاریخ تألیف نگارنده، ص ۳۳۴ بخوانید.
(۲۹۲) دارالسلام عراقی (رحمه الله)، ص ۱۷۱.

(۲۹۳) اقتباس از روضات الجنان، جلد دوم، صفحه ۲۸۲.
(۲۹۴) المنجد فی الاعلام، صفحه ۸۰، ماده «بحرین».
(۲۹۵) منظور از فرماندار در اینجا، امیر ورهبر بحرین است.
(۲۹۶) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَبُو بَكْرٌ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ خُلَفَاءُ رَسُولِ اللَّهِ.

(۲۹۷) اقتباس از اثبأ الهداء، جلد ۷، صفحه ۳۷۵، به نقل از بحارالانوار ونجم الثاقب، صفحه ۳۱۴. این داستان اینک هم در میان مردم بحرین مشهور است. مرقد پاک محمد بن عیسی همواره مزار ومورد احترام اهالی آنجا است که شکوه این مرقد لحظه به لحظه با

- یادآوری خاطره داستان فوق بیشتر می گردد.
- (۲۹۸) مشروح این ماجرا در کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۹۸ به بعد آمده است.
- (۲۹۹) گنجینه دانشمندان، جلد ۲، صفحه ۶۴.
- (۳۰۰) چهره درخشان قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)، علی ربانی خلخالی، ص ۴۱۹.
- (۳۰۱) قصص العلماء، صفحه ۳۹۹.
- (۳۰۲) قاموس الرجال، جلد ۸، صفحه ۳۶۴.
- (۳۰۳) مشروح این دو توقیع در احتجاج طبرسی (رحمه الله)، جلد ۲، ص ۳۲۲، به بعد آمده است در مورد توقیعات دیگر به بحار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ تا ۱۹۸ مراجعه شود.
- (۳۰۴) احتجاج طبرسی، جلد ۳، ص ۳۲۴.
- (۳۰۵) این جمله حاکی است که تا دنیا در دست رهبران فاسق است، امام (عج) پنهان است و باید دنیا را از دست رهبران فاسق گرفت تا زمینه سازی ظهور امام (عج) فراهم گردد.
- (۳۰۶) احتجاج طبرسی، جلد ۲، صفحه ۳۲۲.
- (۳۰۷) احتجاج طبرسی، جلد ۲، صفحه ۳۲۲.
- (۳۰۸) سروده نگارنده در عید نوروز سال ۱۳۵۱ - شمسی امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن منتظر فرج هستیم، زیرا این روز از روزهای ما است (اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۴۲).

(۳۰۹) سوره حدید، آیه ۱۷.

(۳۱۰) اثبأ الهداء، جلد ۷، صفحه ۶۳ الی ۱۳۰.

(۳۱۱) ویژگیهای این زمان در کتاب بحار، جلد ۵۳، از صفحه ۱ الی ۳۸ آمده است.

(۳۱۲) والعصر (سوره عصر، آیه ۱) که یکی از تفاسیر آن سوگند به عصر درخشان حکومت حضرت مهدی (عج) است.

(۳۱۳) بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۴.

(۳۱۴) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۶۱ - بحار، جلد ۵۲، ص ۱۱۰.

(۳۱۵) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۶۱ - بحار، جلد ۵۲، ص ۱۱۰.

(۳۱۶) منتخب الاثر، صفحه ۴۷۱ الی ۴۷۳ - البتّه در آغاز، امام (عج)

بر اساس دلیل و منطق با مردم برخورد می کند و حجت را بر آنها تمام می نماید، امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمود: «امام قائم (عج) به یارانش می فرماید:

«مردم مکه، به سوی من نمی آیند، ولی من می فرستم سراغ آنها، و به آنچه که شایسته من است بر آنها استدلال می کنم». (بحار، جلد ۵۲، طبع جدید، صفحه ۳۰۷).

(۳۱۷) بحار، جلد ۵۳، ص ۴.

(۳۱۸) اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۹۶.

(۳۱۹) اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۵.

(۳۲۰) بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷.

(۳۲۱) بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

- (۳۲۲) منتخب الاثر، صفحه ۴۸۳ - بحار، ج ۵۲، صفحه ۳۳۶.
- (۳۲۳) بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۲.
- (۳۲۴) مدرک پیشین، ص ۳۲۴.
- (۳۲۵) اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰ - كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۷۶.
- (۳۲۶) منتخب الاثر، صفحه ۱۶۸.
- (۳۲۷) المجالس السنيّه، جلد ۵، صفحه ۷۰۷.
- (۳۲۸) اثبأء الهداء، ج ۷، ص ۱۱۳ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.
- (۳۲۹) بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.
- (۳۳۰) المجالس السنيّه، ج ۵، ص ۷۰۶.
- (۳۳۱) المجالس السنيّه، جلد ۵، صفحه ۱۱۰ - كشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۶۵.
- (۳۳۲) كشف الغمّه، صفحه ۳۸۲ - المجالس السنيّه، ج ۵، ص ۷۲۲.
- (۳۳۳) كشف الغمّه، صفحه ۳۷۶ الى ۳۹۰.
- (۳۳۴) كشف الغمّه، صفحه ۳۵۶ و ۴۴۶ - اعلام الوری، صفحه ۴۲۹.
- (۳۳۵) كشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۳۶۵.
- (۳۳۶) اثبأء الهداء، جلد ۷، صفحه ۱۱۱ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۹.
- (۳۳۷) تفسير نورالثقلين، ذیل آیه ۸۶، سوره زمر.
- (۳۳۸) اثبأء الهداء، جلد ۷، صفحه ۱۰۹ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰.
- كشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۳۶۱.
- (۳۳۹) منظور، سيد حسنی است كه شرح قیام او را قبلاً ذكر كرديم.
- (۳۴۰) بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰.

(۳۴۱) بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷.

(۳۴۲) اعلام الوری، صفحه ۴۳۴.

(۳۴۳) گویا منظور چهار مسجدی است که دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) هر یک از آن را برای تشویق به نام یکی از دشمنان یا شرکت کنندگان در خون امام حسین (علیه السلام) ساختند که عبارتند از مسجد ثقیف (به نام مغیره بن شعبه ثقفی) و مسجد اشعث (به نام اشعث بن قیس «سرکرده منافقین») و مسجد جریر (به نام جریر بن عبدالله مخالف امام علی (علیه السلام)) و مسجد سماک (به نام سماک بن مخزومه اسدی «که از فرمانروایان جنگ صفین است») - تهذیب، جلد ۲، ص ۲۵۰.

(۳۴۴) اعلام الوری، صفحه ۴۳۲ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۹.

(۳۴۵) اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۱۴۶.

(۳۴۶) این روایات در معانی الاخبار، صفحه ۲۰۰ به بعد آمده است.

(۳۴۷) معانی الاخبار، صفحه ۲۰۳.

(۳۴۸) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۸۳.

(۳۴۹) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۱.

(۳۵۰) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۰.

(۳۵۱) سوره هود، آیه ۹۳.

(۳۵۲) سوره اعراف، آیه ۷۱.

(۳۵۳) توضیح بیشتر در کتاب «بیان حقیقت» که در شرح همین دعای شریفه است.

(۳۵۴) کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۲۹.

(۳۵۵) بحار، ج ۵۳، ص ۹.

(۳۵۶) سوره توبه، آیه ۳.

(۳۵۷) اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۹۹.

(۳۵۸) اعلام الوری، ص ۴۳۱.

(۳۵۹) اعلام الوری، صفحه ۴۳۱ - اثبأ الهدأ، جلد ۷، صفحه ۳۵ - ۱۱۸.

(۳۶۰) اعلام الوری، صفحه ۴۳۱.

(۳۶۱) جالب اینکه در روایات آمده اوّلین دسته ای که با قیام امام

زمان (علیه السلام) مخالفت می کنند، علما هستند. (ظاهراً مراد

همین دسته از علمای درباری می باشند).

(۳۶۲) آیا سیراب کردن حجاج و آباد کردن مسجدالحرام را همانند

عمل کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه

او جهاد کرده است؟ (این هردو) هرگز نزد خدا مساوی نیستند

و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند. (توبه، آیه ۱۹).

(۳۶۳) اشاره به سخن امام باقر (علیه السلام) - مناقب آل ائطالب، ج

۴، ص ۱۸۴.

(۳۶۴) نقل فراهایی از پیام حضرت امام (رحمه الله) از روزنامه

اطلاعات، شماره ۷۳۸۷، پنجشنبه هشتم شهریور ماه صفحه سوم که به

مناسبت ایام حج بیان فرمودند.

(۳۶۵) نهج البلاغه، نامه ۴۷.

(۳۶۶) تهذیب، شیخ طوسی.

(۳۶۷) اعلام الوری، صفحه ۴۳۰.

(۳۶۸) اعلام الوری، صفحه ۴۳۲.

(۳۶۹) اعلام الوری، صفحه ۴۳۳ - ۴۴۴.

(۳۷۰) ارشاد اهل القبلة الی ما ورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار.

(۳۷۱) ارشاد اهل القبلة الی ماورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار،

(هم اکنون نجف اشرف به کوفه متصل شده است).

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: عصای موسی (علیه السلام)

وانگشتر سلیمان ومحل اصلی جوشیدن آب در طوفان نوح ومحل

تجمع پیامبران در مسجد کوفه بوده است. (تهذیب، ج ۳، ص ۳۵۲).

(۳۷۲) ارشاد اهل القبلة، صفحه ۳۰.

(۳۷۳) أَمَّا إِنَّهُ (مسجد سهله) مَنَزِلٌ صَاحِبُنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ (تهذیب، جلد

۳، صفحه ۲۵۲).

(۳۷۴) ارشاد اهل القبلة، صفحه ۷۲ الی ۷۶ به نقل از بحار.

(۳۷۵) ارشاد اهل القبلة، صفحه ۲۹.

(۳۷۶) نهج البلاغه، خطبه ۴۷.

(۳۷۷) منهاج البراعه، جلد ۴، صفحه ۲۶۶.

(۳۷۸) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

(۳۷۹) سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۴۴۶.

(۳۸۰) سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

(۳۸۱) در این باره به ج ۶۰، بحار، ص ۲۱۰ به بعد رجوع شود.

- (۳۸۲) سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.
- (۳۸۳) سفینه البحار، ج ۲، بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.
- (۳۸۴) شرح این مطلب را در کتاب «حضرت معصومه (علیها السلام) فاطمه دوّم»، نوشته نگارنده، از ص ۱۹۱ تا ۲۰۲ بخوانید.
- (۳۸۵) عروۃ الوثقی، آخر کتاب الصلوة، صفحه ۳۴۸.
- (۳۸۶) بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
- (۳۸۷) سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.
- (۳۸۸) سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.
- (۳۸۹) احیاء العلوم ومهجة البيضاء.
- (۳۹۰) اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۱۹.
- (۳۹۱) اثبأء الهدأء، جلد ۷، صفحه ۴۰.
- (۳۹۲) نورالابصار فی فضیلة الانتظار (تألیف: سید ابوالقاسم دهکردی)، صفحه ۶۷.
- (۳۹۳) اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴ (باب الطاعة والتقوى).
- (۳۹۴) اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴ (باب حق المؤمن على اخيه).
- (۳۹۵) اصول کافی، ج ۲، ص ۷۷.
- (۳۹۶) اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۹ - در این باره روایات جالب دیگری نیز آمده که در این کتاب از صفحه ۱۶۹ تا ۱۷۴ ذکر شده است.
- (۳۹۷) تفسیر روح البیان برسوئی، ذیل آیه ۳، سوره مؤمن.
- (۳۹۸) وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۱۰.

(۳۹۹) عن النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا بِسِلْكَ أَوْ
إِبْرَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ (مستدرک الوسائل، جلد ۲،
ص ۲۴۵).

(۴۰۰) حَرَسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يَقَامُ لَيْلَهَا
وَيَصَامُ نَهَارَهَا (نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۵۵).

(۴۰۱) مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَلَمْ يَصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَوَبَالًا عَلَيْهِمْ.
(تفسیر نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۳۰۱).

(۴۰۲) اثْبَاءُ الْهَدَاءِ، جلد ۷، صفحه ۲۴.

(۴۰۳) سورہ بقرہ، آیہ ۱۵۵.

(۴۰۴) کشف الغمہ، ج ۳، ص ۳۵۹ - اعلام الوری، صفحه ۴۲۷.

(۴۰۵) بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۴۸.

(۴۰۶) غیبت شیخ طوسی (رحمہ اللہ)، صفحه ۲۷۵.

(۴۰۷) احتجاج طبرسی (رحمہ اللہ)، جلد ۲، صفحه ۳۲۳.

(۴۰۸) اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجۃ باب معرفۃ الامام والرد الیه،
حدیث ۲).

(۴۰۹) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۵.

(۴۱۰) الحیاء، جلد ۲، صفحه ۳۹۵.

(۴۱۱) الحیاء، جلد ۲، ص ۳۹۶.

(۴۱۲) وسائل الشیعہ، جلد ۲، صفحه ۱۳۱.

(۴۱۳) وسائل الشیعہ، جلد ۱۲، صفحه ۱۳۱.

- (۴۱۴) وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۸.
- (۴۱۵) وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۸.
- (۴۱۶) وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۹.
- (۴۱۷) وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۳۰ - در این باره روایات دیگر که جمعاً ۱۷ حدیث می شود نقل شده که در وسائل الشیعه، ج ۱۲، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۲ ذکر شده است.
- (۴۱۸) حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می فرماید: خدا را، خدا را در مورد قرآن مواظب باشید مبادا دیگران از شما پیشی گیرند. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)
- پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: اگر شنیدید کسی در مساجد، شعر می خواند (که جنبه اسلامی وسازندگی ندارد) به او بگویید: «فَضَّ اللَّهُ فَاكًا إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ خدا دهانت را بشکند، همانا مساجد برای آموزش قرآن بوجود آمده است». (تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹).
- (۴۱۹) مجمع البیان، جلد ۵، صفحه ۶۰، ذیل آیه فوق.
- (۴۲۰) توجه به نهج البلاغه نیز که می توان گفت یک کتاب انقلابی و برای زمینه سازی تحریر شده، باید مورد توجه قرار گیرد.
- (۴۲۱) داستانهای از تاریخ، نوشته سید غلامرضا سعیدی، جلد ۲، صفحه ۴۶.
- (۴۲۲) وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷ - تهذیب، ج ۲، ص ۲۶۶.

(۴۲۳) وسائل الشعیه، ج ۵، ص ۳۷۷.

(۴۲۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱.

(۴۲۵) تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۳۳۸.

(۴۲۶) تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۳۶.

(۴۲۷) تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴.

(۴۲۸) تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۸۳.

(۴۲۹) تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۵۵.